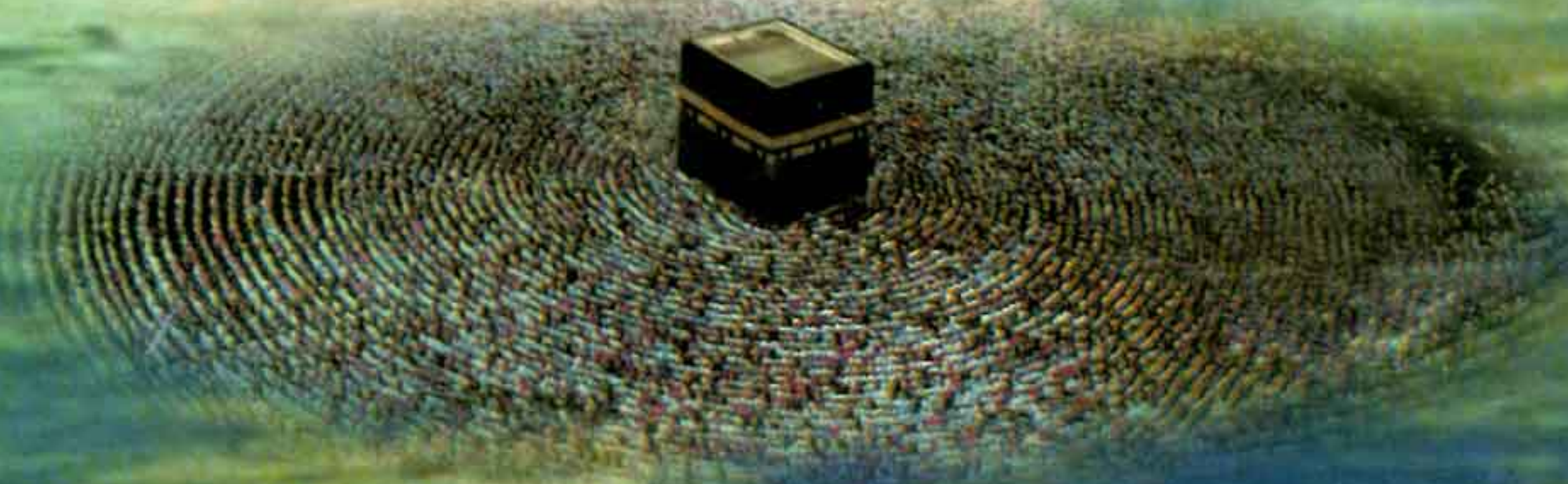


خورشید هدایت



شرحی بسوطة بر خنسان امام خمینی (ره)
پیرامون عظمت و شخصیت نبی آخر الزمان



علیرضا نعمتی

نعمتی، علیرضا، ۱۳۴۳ -

خورشید هدایت: شرحی مبسوط بر سخنان امام خمینی رحمه الله پیرامون عظمت و شخصیت منجی
آخرالزمان / نوشته علیرضا نعمتی... قم: خورشید مکه، ۱۳۷۹.

ج ۲

ISBN 964-92923-3-0 (دوره) ۳۰۰۰۰ ریال:

ISBN 964-92923-2-2 (ج. ۲) - ISBN 964-92923-1-4 (ج. ۱)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۲. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - نظریه درباره

امام زمان، ۳. مهدویت، الف، عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴/ن۷خ۹

۱۴۶۹-۷۹م

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : خورشید هدایت (جلد دوم)

مؤلف : علیرضا نعمتی

تلفن همراه: ۰۹۱۱۲۲۲۳۳۵۵

ناشر : انتشارات «خورشید مکه»

نوبت و تاریخ چاپ : اول : نیمه شعبان ۱۴۲۱ پاییز ۱۳۷۹

شمارگان : ۵۰۰۰

تعداد صفحات : ۴۳۲

چاپ : باقری

مراکز پخش :

دفتر انتشارات خورشید مکه تلفن و نمابر : ۰۲۵۱-۹۱۱۵۲۵

نشانی - قم - سالاریه - انتهای اقاچیا - پلاک ۱۰۱ - صندوق پستی : ۳۷۱۳۵ - ۱۴۵

قم: تلفن: ۷۴۲۵۱۹ - ۹۳۴۰۲۵

مشهد: ۰۹۱۱۵۱۶۳۷۷۱ - ۲۲۲۸۸۸۸

قیمت دوره دو جلدی: ۳۰۰۰ تومان

ISBN: 964 - 92923 - 2 - 2

شابک: ۹۶۴ - ۹۲۹۲۳ - ۲ - ۲

ISBN: 964 - 92923 - 3 - 0 (2 VOL.SET) (دوره دو جلدی) ۹۶۴ - ۹۲۹۲۳ - ۳ - ۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

شَهِدَ الْأَمَامُ الْمُبَارَكُ الْحَبِيبُ الْأَمِينُ الْمُنْتَظَرُ الْمُتَمَكِّنُ

اللَّهُمَّ
كُنْ لَوْلِيكَ الْحَاجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ
صَلُّوا كُنْتُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَكِيمًا وَفَائِدًا وَنَاصِرًا
وَلِيًّا وَعَيْنًا حَتَّى شَكَيْتُكَ أَرْضَكَ طَعْمًا وَشَمْعًا
فِيهَا طَوِيلًا

قسمت چهاردهم :

مقدمات فرج

«انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور انشاءالله تهیّه بشود».

صحیفه نور ج ۷ ص ۲۵۵

عن الامام زين العابدين عليه السلام :

«ان اهل زمان غيبة القائلين بامامته والمنتظرين لظهوره افضل من اهل كل زمان».^{۱۷۹}

حضرت امام خمینی قدس سره درباره فراهم نمودن مقدمات ظهور حضرت
بقیة الله ارواحفداء می فرمایند :

- " و امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان بپاخیزند و داد خسود را از
از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم نمایند ".^(۱)
- " از خداوند تعالی مسألت می کنم که ظهور ولی عصر سلام الله علیه را نزدیک فرماید
و چشم های ما را به جمال مقدسش روشن، ما همه انتظار فرج داریم و باید در
این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید
کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور
ان شاء الله تهیه بشود ".^(۲)

۱- صحیفه نور ج ۱۹ - ص ۵ - تاریخ ۶۳/۳/۷ پیام امام به مناسبت گشایش اولین دوره مجلس شورای اسلامی.

۲- صحیفه نور ج ۷ - ص ۲۵۵ - تاریخ ۵۸/۴/۱۲

امام سجاد علیه السلام :
«مردم زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام، آنانکه با تمام وجود به امامت و سروری آن
حضرت معتقد و چشم براه ظهورش هستند از مردم همه زمانها باارزشترند». (زیرا
به هیچ قیمتی از اعتقاد بد آن حضرت سست نمی شوند).

- "ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما
نمی توانیم بکنیم، چون نمی توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما! باید فراهم
کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو
بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام." (۱)
- "امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نور افشانده و مقدمات ظهور
منجی بشریت را فراهم آورد (و ماذلک علی الله بعزیز)." (۲)
- "ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی
می شکنیم، و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان
احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه
می دهیم، و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق
حق، امام زمان ارواحنافداه هموار می کنیم... خداوند!... انقلاب اسلامی ما را به
انقلاب مصلح کل متصل فرما." (۳)

۲- صحیفه نور ج ۱۹ - ص ۱۰۱ - تاریخ ۶۳/۱۱/۲۲

۱- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۹۸

۳- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۲۳-۱۲۲ - تاریخ ۶۶/۵/۶

قال رسول الله ﷺ :

«أفضل العبادة انتظار الفرج».^{۱۸۰}

«مقدمات فرج»

«مقدمات فرج» یعنی فراهم شدن شرایط مناسب برای برپائی یک زندگی
صددردصد انسانی و پسندیده.

زندگی که خدا برای انسان خواسته است.

زندگی که انسانها براساس علم و پاکی زندگی کنند.

زندگی که در آن، همه دارای اخلاق انبیاء ﷺ و صفات هفتادوپنجگانه انسانی و
الهی باشند.

همه مردم عالم، مهربان، خیرخواه یکدیگر، متواضع، فداکار، باگذشت، راستگو،
باایمان، و... باشند.

جامعه‌ای که در آن هیچ کس فقیر، گرسنه، بی‌پوشاک، مریض لاعلاج، قرض‌دار،
آواره، غمدیده نبوده و خلاصه هیچگونه فسادى در آن یافت نشود.

این زندگی را خداوند برای انسان در همین دنیا خواسته و برای تحقق آن الطاف
بی‌کران خود را به سوی بشر سرازیر نموده است تا او را شایسته زندگی جاودانه
بهشتی نماید.

فراهم نمودن شرایط مناسب برای تحقق زندگی فوق «مقدمات فرج» نام دارد.

فرج یعنی رهائی و گشایش در امور.

انسان ممکن است از سوی خواسته‌های نفسانی خود یا دیگران و از سوی شیطان
فریب‌خورده و اسیر هفتادوپنج لشکر جهل یا صفات رذیله مانند حرص، تکبر، حسد،
بخل، بدبینی، دروغگوئی، و... شده و زندگی اش فاسد گردد.

هر مقدار از صفات رذیله هفتادوپنجگانه (که در بحث طبیب بشر برشمردیم) در

رسول خدا ﷺ :

«بارزترین عبادتها انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است»
(چراکه با ظهور آن حضرت همه عبادتها و دستورات الهی تحقق می یابد).

انسان به وجود آید در افراد دیگر نیز تأثیر گذاشته و آثار سوء خود را به همراه داشت.

مثلاً کسیکه به صفت حسادت مبتلا می شود، در صدد آزار و اذیت و از بین بردن طرف مقابل یا اموال او یا آبرویش برمی آید و همین یک صفت زشت جنگها و اختلافات سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و دهها آثار سوء دیگر را بر جامعه تحمیل می نماید مانند امراض جسمی که با ابتلاء یک فرد و شیوع آن در افراد دیگر به یکباره شهری بزرگ را آلوده نموده و همه در بستر بیماری و مرگ قرار می گیرند.

حال اگر به مرض حسادت که در بالا اشاره شد، هفتاد و چهار مرض دیگر را ضمیمه کنیم چه فسادى ببار خواهد آمد؟

چندین هزار سال است که جامعه بشری در بستر بیماری افتاده و از وجود این امراض رنج می برد یا طبق مثال لشگرهای شیطان، در اسارت لشگرهای هفتاد و پنجگانه جهل بسر برده و زندانی شده است.

در نتیجه، فقر در جوامع بشری بیداد می کند.

فحشاء، فساد، اختلافات، درگیریهای قومی، آوارگی، اسارت، قتل، جنگ، و مهمتر از همه دوری از اخلاق انسانی و بیگانگی با انبیاء علیهم السلام فساد را به بالاترین حد رسانده و کافی است با انفجار بمبهای اتمی و یک جنگ جهانی دیگر، اثری از حیات باقی نماند (گرچه از حیات اصلی که حیات معنوی و دارا بودن صفات و روحیات انسانی است چندان اثری دیده نمی شود).

فراهم نمودن «مقدمات فرج و رهایی انسان» مقداری از سوی خداوند و مقداری با تلاش ما انسانهاست، بنابراین :

عن رسول الله ﷺ :

«المهدى منا اهل البيت، يصلحه الله في ليلة».^{۱۸۱}

«مقدمات فرج بر دو نوع است»

نوع اول: مقدماتی که بر عهده پروردگار و به لطف او صورت می گیرد.

نوع دوم: مقدماتی که بر عهده ماست و باید آنرا محقق سازیم.

ابتداء مقدمات نوع اول را بررسی می کنیم زیرا وقتی بدانیم خداوند شرایط مناسب برای برپائی حق و عدالت و حکومت جهانی توحیدی را فراهم نموده و مانند طبیب مهربانی که برای بردن مریض خود به مطب و معالجه او، ماشین را تا درب منزل مریض فرستاده، اگر مریض کوتاهی کند و از منزل خارج نشده و سوار ماشین نگردد دیگر تقصیر طبیب نیست، لذا با بررسی مقدمات نوع اول، آماده مقدمات نوع دوم یعنی انجام آنچه بر عهده ماست شده و زمینه ظهور منجی عالم بشریت را فراهم خواهیم نمود.

رسول خدا ﷺ :
«حضرت مهدی علیه السلام منجی بشر، از ما اهل بیت است خداوند در یک شب امر او را
اصلاح و آشکار می نماید».

«مقدمات فرج»

«نوع اول»

«آنچه بر عهده خداست»

«مقدمات فرج را خداوند فراهم نموده است»

مقدمات رهائی انسان از هرگونه نابسامانی مادی و معنوی یا به اصطلاح
«مقدمات فرج» را خداوند از مدت‌ها پیش فراهم نمود ولی در عصر حاضر یعنی
«عصر شکوفائی علم» نیز مقدمات فرج در شکل جدیدی فراهم شده است.
بنابراین مقدماتی که خداوند برای فرج و رهائی جامعه بشری فراهم نموده به
«مقدمات قدیم و جدید» تقسیم می‌شود و لذا ما «نوع اول» از مقدمات فرج را در دو
بحث «مقدمات قدیم» و «مقدمات جدید» مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عن رسول الله ﷺ :

«أما مثله كمثله الساعة لا تأتيكم إلا بغتة»^{۱۸۲}

«اما بحث اول» :

«مقدمات قدیم»

منظور از اصطلاح قدیم در اینجا، قرنهای قبل از شکوفائی علوم مادی و ماقبل آن تا زمان حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام است که این مدت طولانی را به سه بخش تقسیم می‌کنیم.

بخش اول : مقدمات فرج از زمان حضرت آدم ﷺ اولین پیامبر الهی تا زمان حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر الهی.

بخش دوم : مقدمات فرج از شروع بعثت پیامبر عظیم الشان الهی حضرت رسول اکرم ﷺ تا آغاز عصر غیبت امام زمان ﷺ در سال ۲۶۰ هجری قمری (یعنی مدت دو قرن و نیم).

بخش سوم : مقدمات فرج از شروع زمان غیبت تا عصر شکوفائی علوم مادی در سطح جهان و برای همه مردم عالم (عصر حاضر).

«اما آنچه خداوند قبل از بعثت پیامبر اسلام ﷺ انجام داد»

عمده مطالب در اینباره را در بحث «هدف انبیاء علیهم السلام» و بحث «همه در انتظار او» مورد بررسی قرار دادیم.

آنچه در اینجا باید بیان کنیم آن است که بگوئیم :

رسول خدا ﷺ :
«مَثَلُ ظَهْوَرٍ مُنْجَى آخِرِ الزَّمَانِ حَضْرَتِ بَقِيَّةِ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ قِيَامَتِ اسْتِ كِه نَاگَهَانِ
انجام خواهد شد». (مضمون آیه شریفه قرآن).

خداوند متعال حضرت آدم و پیامبران عظیم الشان پس از آن حضرت تا پیامبر خاتم
حضرت محمد بن عبدالله ﷺ را برای فراهم شدن مقدمات «حکومت جهانی حق»
مبعوث فرمود.

توضیح آنکه :

هدف از بعثت انبیاء علیهم السلام، تربیت افراد بشر و رساندن آنها به مقام انسانیت بوده
است.

بستر مناسب برای رساندن انسانها به این مقام همان حکومت واحد جهانی به
رهبری نماینده‌ای معصوم از سوی پروردگار است.

این حکومت واحد که براساس علم و عصمت رهبری آن استوارگشته همه خوبیها
و رموز سعادت را برای زندگی بشر تضمین می‌کند (همان دو چیزی که بشر امروز
تشنه آن است یعنی تشنه علم حقیقی و تشنه عصمت و پاکی از خطا و پیروی نکردن
از هواهای نفسانی و شیطانی).

تلاش انبیاء از حضرت آدم تا خاتم صلوات الله علیهم اجمعین بر این بوده است که با ریزش
علوم حقیقی و حیاتبخش وحی افکار مردم جهان را رشد داده، آماده پذیرش این
حکومت توحیدی نمایند. (که در بحث هدف انبیاء مشروحاً از آن سخن گفتیم).

بنابراین به روشنی و وضوح درمی‌یابیم خداوند برای تحقق حکومت واحد جهانی
توحیدی مقدمات وسیعی که تماماً براساس علم و عصمت و اخلاق انسانی استوار
گشته تدارک دیده است تا رشد فکری لازم در بشر پدید آید.

و چنانکه قبلاً مثال زدیم حکومت واحد جهانی مانند مدرسه و دانشگاهی به
وسعت کره زمین است که کلنگ آن توسط حضرت آدم علیهِ السلام به زمین زده شد و بوسیله
انبیاء و جانشینان آنها تدریجاً ساخته و جهت‌گشایش اصلی و نهائی که می‌بایست در

دعاء الندبة :

«متى ننتفع من عذب مائک فقد طال الصدى»^{۱۸۴}

زمان حضرت خاتم الانبیاء ﷺ صورت گیرد آماده شد.

«افتتاح دانشگاه انسانیت»

چنانکه در طرحهای عمرانی می بینیم، در پایان تلاش مهندسين و متخصصين از رئيس جمهور دعوت می شود تا با حضور خود رسماً طرح را افتتاح نماید، در اینجا هم، انبیاء علیهم السلام به عنوان متخصصين و مهندسين دانشگاه انسانیت تلاش چندین هزار ساله خود را انجام دادند (زیرا ایجاد رشد فکری در مردم با توجه به آزادی آنان در انتخاب زمان زیادی لازم دارد) تا آنکه دانشگاه مذکور آماده افتتاح گردید و از بالاترین مقام عالم خلقت یعنی حضرت خاتم الانبیاء ﷺ جهت افتتاح این دانشگاه دعوت بعمل آمد. (بعثت آن بزرگوار).

نیاز فطری و درونی جامعه بشری به این طبیب مهربان و این بزرگ معلم اخلاق عالم خلقت دعوت از آن حضرت از سوی خداوند و از طرف ما انسانها برای افتتاح دانشگاه انسانیت بود.

این دانشگاه در مدت بیست و سه سال تلاش آن بزرگوار آماده بهره برداری گردید.

دعای ندبه :

«ای سرورم، از سرچشمه آب حیات، چه زمانی از آب گوارای علم و هدایت بهره خواهیم برد چرا که تشنگی طولانی شده است.»

«مقدمات فرج پس از شروع اسلام»

«دانشگاهی جهانی»

از آن جهت که مقرر گردیده بود همه تلاشها برای فراهم نمودن «مقدمات فرج» یا جهانی شدن دانشگاه انسانیت (حکومت واحد جهانی منجی آخرالزمان) باشد، در ابتدای امر، خداوند این دانشگاه عظیم را در سرزمین حجاز توسط رسول گرامی خود قرار داد تا با تلاشهای بعدی و تداوم کار توسط دوازده جانشین معصوم آن حضرت، تدریجاً در تمامی نقاط جهان دارای شعبه گشته و هیچ روستائی هم در سطح کره زمین از آن بی بهره نماند و تمام انسانها بهشتی شوند.

از اینجا بود که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام نهایت سعی و تلاش خود را برای استقرار این دانشگاه بکار گرفتند.

مقرر شده بود پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام بلافاصله تدریس خود را در این دانشگاه آغاز نماید و پس از آن بلافاصله امام حسن مجتبی علیه السلام اینکار را انجام دهد و همچنین یکایک امامان معصوم علیهم السلام بدون فوت وقت بطور مستمر تلاش نمایند و هریک حلقه‌ای از زنجیره «مقدمات فرج جهانی» را به انجام رسانند.

بنابراین «مقدمات فرج» در بخش اصلی و نهائی خود می‌بایست توسط بزرگترین معلم انسانیت و امامانی که دوست و دشمن به علم و عصمت آنان معترف بودند تحقق یابد.

عن مولانا الرضا عليه السلام :

«انتظار الفرج من الفرج»^{۱۸۴}

«نماز ظهر یا نماز اول وقت»

همه می دانیم در دین مقدس اسلام مقرر شده است از لحظه شروع ظهر (عبور خورشید از خط نصف النهار) تا غروب آفتاب، مردم مسلمان نماز ظهر و عصر را بخوانند. ما از یک بُعد (دقت فرمائید تنها از یک بُعد) مسأله حکومت جهانی اهل بیت عصمت علیهم السلام را به این مطلب تشبیه می کنیم و می گوئیم :

لحظه ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مردم جهان را به توحید و یکتاپرستی دعوت فرمود مانند لحظه اذان ظهر بود که از همه جهانیان دعوت شد با پذیرش دعوت حق بطور یکپارچه نماز بندگی و فرمانبری از ذات مقدس یکتا محبوب و معبود عالم را به امامت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله برپا و همه با هم از فرمان خالق مهربان اطاعت نمایند تا هیچ فسادى در عالم مشاهده نگردد. (همانگونه که تمامی ذرات عالم خلقت از کھکشانهای عظیم گرفته تا اتمهای موجود در اشیاء بخاطر اطاعت از ذات مقدس پروردگار بطور یکپارچه فرمان خداوند را اجرای و هیچ فسادى در آنها دیده نمى شود).

مردم جهان در آن زمان می بایست با امام حقیقی، آنکه همه انبیاء نوید رسالتش را داده بودند یعنی امام رحمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، نماز بندگی و توحید را برپا نمایند و به تدریج تمامی رموز سعادت در همه امور زندگی بشر (فردی و اجتماعى) اجراگشته و ذره ای فساد در جهان دیده نشود.

اگر از اذان ظهر تا غروب آفتاب را به سیزده قسمت یا ساعت تقسیم کنیم، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مأمور برپائی نماز بندگی خلق جهان در ساعت اول بودند. حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام امام و رهبر برای ساعت دوم و امام

حضرت رضا علیه السلام :

«انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه السلام از مقدمات فرا رسیدن فرج آن حضرت است و باعث گشایش در کارها می شود».

حسن مجتبی علیه السلام برای ساعت سوّم و همینطور امامان معصوم تا امام حسن عسکری علیه السلام برای ساعت دوازدهم و اما ساعت آخر، آخرین ساعت یعنی نزدیک غروب خورشید، ساعتی بود که امام دوازدهم حضرت مهدی ارواحنا فداه مأمور برپائی نماز اطاعت و بندگی حقّ برای مردم جهان بود. این سیزده ساعت، همان دو قرن و نیم مدّت زندگی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در جهان بود.

در این مدّت دوازده نفر از آنان یعنی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا امام حسن عسکری علیه السلام پیوسته مردم را به این نماز دعوت فرموده و آنانرا از عواقب وخیم سستی در اجرای فرمان حق برحذر می داشتند.

به آنان همیشه ندای بشتابید بسوی نماز، بشتابید بسوی رستگاری، بشتابید بسوی بهترین عمل یعنی بشتابید بسوی خوشه چینی از خرمن علم علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان بعدی، بشتابید بسوی رهبری این نمایندگان برحقّ پروردگار که از هر خطائی معصوم می باشند، بشتابید بسوی صلح و عدالت حقیقی و جهانی به دست منجی آخرالزمان که از این خاندان است.

آنان مردم را از اینکه آنقدر سستی نمایند تا آفتاب غروب کند و نمازشان قضا شود به شدّت برحذر می داشتند و می فرمودند مبادا در خواب غفلت فرو روید و از نماز غافل شوید.

مبادا کاری کنید که خورشید امامت و هدایت عالم بشریت یعنی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در پشت افق تیره زمان یعنی افق غیبت و پنهان زیستی مخفی شود و نجات جامعه بشری دهها و صدها سال به تأخیر بیفتد.

آنان به مردم اعلام می داشتند: اگر سستی کنید و میدان را برای ظالمین باز بگذارید

دعاء النذبة :

«این المؤمن لایحیاء الکتاب و حدوده»^{۱۸۵}

به ناگهان می بینید که خورشیدی که عالم را با نور کلمات و محبتش روشن و گرم نگه می داشت در پشت افق پنهان شده و دیگر کسی به او دسترسی ندارد. (شروع زمان غیبت و پنهان زیستی امام زمان علیه السلام).

قرآن کریم نیز به این حقیقت تصریح فرمود
«قل ارایتکم ان اصبح ماؤکم غوراً فمن یاتیکم بباء معین»
ای رسول گرامی ما،
به مردم بگو و اعلام کن :

اگر روزی دیدید آب حیاتتان (امام و رهبر معصومی که آب حقیقی زندگی بشر است و بدون او جهان از عطش صلح و عدالت تلف می شود) فروکش کرده (غائب شده است، با خود بیندیشید و فکر آن روز و عواقب و خیم آنرا بکنید که در اثر فقدان آن رهبر عالیقدر جامعه بشری باید صدها سال در جستجوی او پیوسته مسورد تاخت و تاز ظالمین و جنگهای بزرگ و کوچک و فسادهای عظیم قرار گیرد تا او را بیابد، آیا برای آن روز فکر کرده اید که) چه کسی می تواند چنین آب گوارائی برایتان بیاورد؟ (همه با چشم خود می بینیم چگونه کره زمین در اثر دوری از امامان معصوم خصوصاً با غیبت و پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام دچار فقر و فساد و خونریزی و ... گردیده است).^(۱)

آری ساعت برپائی نماز حقیقی عبودیت و تحصیل دانشجویان دانشگاه انسانیت از اذان ظهر بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا غروب آفتاب امام برحق حضرت مهدی ارواحنا فداه بود.

۱- سورة ملک آیه آخر با توجه به روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در تفسیر برهان و المحجة.

دعای ندبه :
«کجاست آن یگانه شخصیتی که کتاب خدا و قوانین آنرا زنده می نماید» (و جامعه را
بدینوسیله پر از سعادت و رفاه می نماید).

یعنی باید در همان مدت دو قرن و نیم آغاز اسلام حکومت واحد جهانی در سطح
جهان توسط حضرت مهدی ارواحانفاده مستقر می گشت و خداوند مقدمات اینکار را
فراهم کرده بود.

مقدماتی شامل :

- ۱- تلاش ۱۲۴ هزار پیامبر و جانشینان آنان.
- ۲- تلاش ۲۳ ساله آخرین پیامبر حضرت محمد مصطفی ﷺ که هیچ پیامبری
مانند آن حضرت آزار و اذیت نشدند.
- ۳- تلاش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و شهادت آن حضرت.
- ۴- تلاش امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیهما السلام و جنگهای آن حضرت با غده های
فساد و شهادت آن بزرگوار.
- ۵- تلاش یکایک امامان معصوم خصوصاً حضرت سیدالشهداء علیهما السلام در کربلا و
شهادت خود و فرزندان و اصحاب و اسارت اهل بیتش و نیز زندانی شدن حضرت
موسی بن جعفر علیهما السلام و مسموم و مقتول شدن سایر ائمه هدی علیهم السلام .
همه اینها برای آن بود که مردم آماده شوند و رشد فکری به دست آورند و یکپارچه
حکومت حق به رهبری منجی آخرالزمان یعنی دوازدهمین جانشین رسول خدا ﷺ را
بخواهند.

متأسفانه با همه تلاشی که همه این نمایندگان الهی انجام دادند، نماز فوق برپا نشد
و دانشگاه انسانیت بدون دانشجو ماند و اساتید آن آواره بیابانها شدند و امام
عصر ارواحانفاده مجبور به زندگی دور از انظار و مخفیانه یا غیبت کبری گردید.

بنابراین مقدمات فرج امام زمان علیهما السلام در بخش پس از رسالت رسول گرامی اسلام در
تلاش آن حضرت و دوازده امام بعد دیده می شود که این تلاش دوپست و پنجاه و بلکه

عن الباقر علیه السلام :

«ان صاحب هذا الامر فيه شبه من يوسف يصلح الله عز وجل امره في ليلة واحدة».^{۱۸۶}

سیصد ساله (زیرا امام زمان علیه السلام هم پس از سال ۲۶۰ هجری قمری تلاش خود برای برپائی حکومت توحیدی را ادامه دادند) به ثمر نرسید و رشد فکری لازم در مردم دیده نشد و قضیه (حکومت واحد جهانی) عملاً مسکوت ماند.

«مقدمات فرج پس از شروع زمان غیبت»

با شروع زمان غیبت، نمازی که باید مردم جهان به امامت منجی عالم بشریت برپا می نمودند قضا شد.

ولی همه می دانیم که خداوند عالم را بیهوده نیافریده و با سستی و کوتاه فکری ما انسانها و حتی عدم پذیرش حکومت حق ما را به حال خود رها نمی کند و تا برپائی حکومتی جهانی براساس «علم و پاکی» کار خود را بوسیله نماینده خود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ادامه می دهد.

«وضعیت اضطراری»

از شروع زمان غیبت که جهان در تاریکی شدیدتری از آنچه بود (تاریکی خانه نشینی علی ابن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از آن حضرت)، فرو رفت و روز روشن زندگی در سایه نور علم و عصمت خاندان پاک رسالت علیهم السلام تبدیل به شب تاریک ظلم و خونریزی و جهل گردید،

از آن روز «مقدمات فرج» وارد یک وضعیت اضطراری گردید.

با اهمال و سستی و عدم رشد فکری مردم که قدر علم و عصمت خاندان رسالت علیهم السلام را نمی دانستند، خداوند دستور شروع غیبت نماینده خود را صادر فرمود و به جهت خواب آلودگی و مرده بودن دلهای بسیاری از مردم که شب تاریک ظلم و جهل و فساد را بهتر از روز روشن عدالت و محبت خاندان عصمت علیهم السلام

امام باقر علیه السلام :
«در حضرت مهدی علیه السلام شباهتی به حضرت یوسف علیه السلام هست که خداوند امر
فرجش را در یک شب اصلاح می نماید».

می پسندیدند، گذاشت تا در این شب تاریک جهل، مردم هرچه می خواهند بخوابند
و در بازیهای کودکانه شهوت و ریاست و دنیادوستی خود خوابهای تلخ و شیرین
ببینند.

خداوند گذاشت تا مردم ظلمت شب تیره و در چاههای هوای نفسانی و شیطانی
افتادن خود را ببینند و قدر نور علم و عصمت امامان معصوم را درک نمایند.
آخر، مردم آن زمان قدر علی ابن ابیطالب و ائمه هدی علیهم السلام را نمی دانستند، به او که
تمامی علوم و حقایق را می دانست بهائی نمی دادند و برای عصمت آنان از خطا
اهمیتی قائل نبودند و یکایک آنانرا به شهادت رساندند یا در برابر آن سکوت نمودند.

«در شب تاریک چه کنیم»

همانطور که ما مسلمانان در هنگام فقدان آب، بجای وضو تیمم می کنیم، زمان
غیبت کبری نیز همینطور است. یعنی انسان بجای وضو گرفتن با آب حیاتبخش
(امام زمان علیه السلام) باید تا آب یافت شود (آن حضرت ظهور فرماید) تیمم نماید یعنی از
علماء ربّانی و تربیت شدگان آن حضرت استفاده کند و خداوند عبادت و بندگی او را
با این تیمم می پذیرد همانطور که نماز باتیمم را خداوند بجای نماز با وضو می پذیرد.

«فانوس شب تاریک»

با غروب آفتاب علم و طهارت و آغاز شب تیره غیبت، خداوند متعال توسط
حضرت ولی عصر ارواحنا فداه فانوسهایی را که علماء تزکیه شده و عاری از هواهای
نفسانی اند، آنانکه جز انعکاس نور کلمات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام هم
دیگری ندارند، روشن فرمود.

این فانوسها گرچه نور خورشید را ندارند و در وسعت شعاع خورشید هرگز

عن رسول الله ﷺ :

«أفضل أعمال امتي انتظار فرج من الله عز وجل»^{۱۸۷}

نمی‌توانند نورافشانی نمایند که چنین انتظاری هم از آنان نیست ولی شعبه‌ای کوچک از همان نور هستند و نمی‌گذارند جهان صد درصد تاریک شود و فساد و ظلم همه چیز را در کام خود ببلعد.

بالاخره در دل شب تاریک، عده‌ای به دنبال راه هستند و به خواب خوش غفلت و فراموشی از خورشید علم دچار نشده‌اند، آنان باید از نور این فانوسها بهره گیرند و دروس انسانیت را از کتاب وحی مطالعه نموده و آنرا بر صفحه اعمال و اخلاق و افکار خود مشق نمایند و به مقام بندگی دست یابند و از دانشگاه وحی فارغ التحصیل شوند.

مگر دانشمندانی که در زیر فانوس و در دل شب مسائل علمی را مطالعه و حل می‌نمودند نتوانستند کار خود را به ثمر برسانند؟

اگر در زمان غیبت یعنی همان شب تاریک مردم جهان بخواهند از این فانوسها استفاده و راه انسانیت را از حیوانیت و شهوت پرستی جدا نمایند می‌توانند و راه برایشان باز است.

این فانوسها می‌کوشند فضای فکری مردم اطراف خود را نورانی و روشن نمایند و آنرا بیاد خورشید علم و تقوا (امام و حجّت خدا) بیندازند تا خورشید از خاطره‌ها محو نگردد و یادش نمیرد.

کاری که این فانوسها انجام می‌دهند «مقدمات فرج» نام دارد زیرا وقتی عالمی ربّانی کلام و رفتار و اخلاق و افکارش پیوسته به اطراف خود نور علم و پاکی می‌دهد، باعث می‌شود مردم مشتاق نور خورشید (امام زمان ارواحنا فداه) شوند.

سخنان عالمانه و حکیمانه یک عالم ربّانی که تاریکی جهل را از دل زدوده و انسانرا به خدا و خاندان عصمت نزدیک می‌کند، دلها را باز و روشن و لذّت ایمان به پروردگار

رسول خدا ﷺ :
«بارزترین اعمال امت من انتظار ظهور حضرت ولی عصر (عج) است که بایسد
آنها از خداوند بخواهند».

را به قلب وارد می‌نماید، بسان نور آن فانوس است که مردم را از افتادن در چاه و پرتگاه حفظ می‌نماید.

مردم با خود می‌گویند اگر این فانوس نبود ما در چاه افتاده بودیم و وقتی نور آنرا قطره‌ای از اقیانوس نور خورشید بدانند قطعاً در این فکر خواهند افتاد که ای کاش خود خورشید طلوع می‌کرد و شب تمام می‌شد و همه چیز و همه جا روشن می‌گشت و بشریت در چاههای نفس و دامهای شیطان و فسادهای مختلف مالی و جنسی و خونریزی و جنگ گرفتار نمی‌شد.

بنابراین فانوسهای شب تیره غیبت عملاً مردم را مشتاق نور خورشید می‌نمایند و بعضی از آنان به قدری نور از خود منتشر می‌سازند که عموم مردم مشتاق طلوع خورشید می‌شوند.

در طول تاریخ غیبت کبری (تاکنون نزدیک به دوازده قرن) همین علماء ربّانی بوده‌اند که شوق به طلوع خورشید را (حداقل در میان شیعیان) حفظ نموده و باعث شده‌اند امام عصر ارواح‌نافداه از خاطره‌ها فراموش نگردد و ما امروز بتوانیم نام آن حضرت را برده، جهان را با او آشنا نمائیم.

آنان جامعه شیعه را همیشه زنده، پویا، بااستقامت، و دارای کرامتهای انسانی نموده و افکار و اخلاق و اعمال آنها را بسوی علم و پاکی و تقوا سوق داده‌اند و لذا کرامتهای انسانی در میان شیعیان بیشتر از سایر جوامع دیده می‌شود.

تعالیم این علماء بزرگ موجب شده مردم شیعه پیوسته از آن حضرت در تمام امور زندگی خود استمداد بجویند و آثار این کمک خواهی را در جای جای زندگی خود مشاهده نمایند و معجزات بی‌شماری از آن حضرت را در تاریخ ثبت نمایند.

عن الامام السجّاد عليه السلام :
«الْفَقْدَاءُ قَوْمٌ يَفْقَدُونَ مِنْ فَرَشِهِمْ فَيَصْبَحُونَ بِمَكَّةَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : إِنَّمَا تَكُونُوا
يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا وَهُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^{۱۸۸}

«مقدمات زیربنائی»

در حقیقت تلاش علماء اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ غیبت کبری تلاش زیربنائی برای روشن نگه داشتن افکار مترقی و ناب وحی بوده است تا آتش عشق و محبت و عدالت و سعادت و صفات خوب انسانی هیچگاه خاموش نگردد و همین آتش مقدّس علم و محبت و عدالت خواهی بود که شیعیان ایران را یکپارچه کرد و نظام شیطانی شاهنشاهی را در ایران با کمکها و عنایات الهی سرنگون نمود.

شیطان سیرتان همیشه کوشیده‌اند فضای زندگی مردم چه فضای فکری، چه فضای اخلاقی و چه فضای اجتماعی و عمومی مردم را از راهنمائیهای وحی و سخنان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تهی گردانند تا تاریکی جهل و صفات رذیله در آن بوجود آید که شیوه دزدان و جنایتکاران این است که در تاریکی به دزدی و جنایت پردازند.

«خواب طولانی شب»

پس از آغاز شب تیره زمان غیبت، خواب طولانی غفلت در مردم آغاز شد. سالها گذشت، قرن‌ها سپری شد ولی جامعه بشری همچنان در بستر محبت دنیا و آرزوهای آن، خوابهای خوش می‌دید که شیطان این خوابها را برایش به تصویر کشیده بود عیناً مانند فیلمهای سینمایی یا تلویزیونی که بعضی از فیلمسازان منحرف و شیطان سیرتان در دنیا آنرا براساس سیاست قدرتمندان زورگو و حيله گر تهیه نموده و مردم را با آن سرگرم می‌نمایند تا از آنچه بر سر منابع و ثروت‌های آنان می‌رود و از غارت‌های استعمارگران غافل شوند.

جامعه بشری، نسل‌های متعدد یکی پس از دیگری در این خواب سنگین عمر خود

امام سجّاد علیه السلام :
«مفقود شدگان عده‌ای هستند که شبانگاه از بستر خود ناپدید و صبحگاه در مکه حاضرند
و این همان فرموده پروردگار است که : هر جا که باشید خداوند شما را یکجا جمع خواهد
کرد و آنان اصحاب قائم علیهم السلام اند».

را گذرانده و حکومت‌های طاغوتی با استفاده از این غفلت هرچه خواستند از ثروت‌های
مادی و معنوی آنان ربودند و از هر جهت فقر را بر جهان گسترش دادند (فقر مادی و
معنوی).

«خواب تاکی؟»

ولی شب هم پایانی دارد.
اگر خواب شب پایان نیابد و دائمی گردد انسان پس از چند شبانه روز نیروهایش
تحلیل رفته و می‌میرد.
جامعه بشری در اثر خواب طولانی غفلت خواهد مرد.
اگر مردم از این خواب بیدار نشوند قلبها می‌میرد و علم و پاکی از زمین برچیده شده
و آنگاه خداوند با کره زمینی پر از فساد و بی‌اعتنایی به پروردگار و گناه و انحراف و
جنگ و درگیری و خونریزی چه کاری خواهد داشت.
خواب غفلت برای انسانها حدّی دارد. چه غفلت فردی و چه غفلت اجتماعی،
یعنی اگر شخصی از خداوند غافل بود و تماماً زندگی حیوانی را مدّ نظر خویش قرار
داد و برای پیشرفت آن تلاش نمود خداوند برای خارج ساختن او از این خواب
سنگین که به مرگ روحی او منجر می‌شود، بارها و بارها او را برای زندگی انسانی صدا
خواهد زد و قلبش را بیدار خواهد نمود تا خدا را حقیقتاً باور کند، خود را بسازد و از
فساد فکری و روحی نجات یابد. و اگر بیدار نشد و به همه ندهای الهی از درون خود
یا از بیرون بی‌اعتنایی نمود روحش می‌میرد و لباس انسانیت را از دست می‌دهد و
باطنی پلید خواهد داشت.

همچنین غفلت اجتماعی بشر نیز حدّی دارد و خداوند بارها و بارها او را برای

عن الامام الجواد عليه السلام :
 «...و ان الله تبارك و تعالى ليصلح له أمره في ليلة كما أصلح أمر كلبمه موسى عليه السلام اذ ذهب
 ليقتبس لأهله ناراً فرجع و هو نبي مرسل، ثم قال : أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج».^{۱۸۹}

حرکت بسوی زندگی حقیقی و انسانی بیدار نموده است که مهمترین این بیداری در
 زمان بعثت رسول اکرم ﷺ صورت گرفت ولی چون مردم در مستی شهوات زمان
 جاهلیت فرو رفته و خوب بیدار نشده بودند پس از وفات آن حضرت مجدداً به
 خواب رفته و موجب شدند امامان معصوم یکی پس از دیگری به شهادت برسند و
 شب سنگین زمان غیبت سایه شوم خود را بر سر مردم بیفکنند.

خداوند متعال چون پدری مهربان که طفل را چند مرتبه صدا می زند، در هر زمانی و
 برای هر نسلی از نسلهای چهارده قرن گذشته حداقل یکبار صدای بیدارباش خود را
 به گوش آنان رسانده است ولی به محض آنکه مردم خواسته اند کمی حرکت کرده راه
 و رسم انبیاء را در جامعه خود زنده کنند با پول و ثروت یا قدرت و شمشیر ستمگران
 تطمیع یا سرکوب شده و شکست خورده اند.

آیا وقت بیداری فرا نرسیده است؟

خداوند در قرآن کریم مردم را بشدت تکان داده و فرموده است :

«الم یأْن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق و لا یكونوا کالذین

اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم و کثیر منهم فاسقون».^(۱)

«آیا زمان بیداری فرا نرسیده، آیا زمان آن فرا نرسیده که آنانکه ایمان آورده اند

دلهایشان بیاد خدا نرم گردد و رو بسوی او آورند و مانند کسانی که در امتهای قبل در

اثر طولانی شدن مدت زمان غیبت پیامبرشان دلهای آنانرا قساوت گرفت، نباشند

امام جواد علیه السلام :
«خداوند برنامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بطور ناگهانی در یک شب ردیف خواهد نمود چنانکه در باره حضرت موسی علیه السلام چنین کرد و به ناگهان او را که برای برگرفتن آتش برای اهلش رفته بود به پیامبری برگزید...».

که بسیاری از آنان گنهکار و منحرف بودند (بجهت شهوت پرستی و میل به انحراف و گناه دچار سنگدلی شده و پیامبر و امام زمانشان را فراموش نمودند).
آنگاه خداوند متعال می فرماید :

«اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها قد بينا لكم الايات لعلكم تعقلون».

«اما بدانید که وضع چنین نمی ماند، خداوند نمی گذارد که زمین در اثر بی ایمانی و کفر و روی گردانی مردم از یاد خدا و نماینده او (فراموش شدن امام زمان علیه السلام) خوابش به مرگ صفات انسانی و بیهودگی در خلقت انسان منتهی شود بلکه آنرا پس از این بی دینی و کفر و گمراهی (که مرگ روحی است) نجات داده و زنده خواهد نمود، ما حقایق و نشانه های خود را برای آنکه مردم از خواب غفلت برخیزند و تعقل نمایند بیان نمودیم».

این بود مقدمات فرج از نوع اول یعنی مقدماتی که خداوند برای تحقق حکومت واحد توحیدی از عصر حضرت آدم علیه السلام تا عصر حاضر انجام داده است.

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام انه دعا عند بيت الله :
«اللهم انجز لي ما وعدتني، اللهم انتقم لي من اعدائي».^{۱۱۰}

«مقدمات فرج»

«نوع دوم»

«مقدمات جدید» یا «عصر شکوفائی علم»

آنچه تاکنون بطور فشرده تحلیل نمودیم مقدمات فرج از زمان
حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام تا عصر حاضر (عصر شکوفائی
دانش بشر و تحوّل علمی و صنعتی) بود و اکنون به بررسی
«مقدمات جدید فرج» می پردازیم.

این مطلب را در دو «فصل» بیان می نماییم :

فصل اول : «قدر علم را بدانیم»

فصل دوم : «قدر پاکی را بدانیم»

امام عصر علیه السلام در کنار خانه کعبه :

«خدا یا وعده‌ای را که به من عنایت فرمودی تحقق بخش و از دشمنانم انتقام مرا بگیر».

فصل اوّل :

«قدر علم را بدانیم»

«مردم در خواب شب‌اند و خورشید در فکر طلوع»

گرچه خورشید هدایت و امامت حضرت بقیّة اللّٰه الاعظم ارواحنا فداه پس از آنکه کره زمین (یعنی مردم آن) از او روی گرداند، او هم از آنان موقتاً رخ پنهان کرد و گذاشت تا یک دور این کره خاکی در اعماق شب تیره ظلم و فساد بچرخد و زشتی هواهای نفسانی و حيله‌های شیطانی را در هزاران جنگ و فساد و خونریزی خصوصاً در جنگهای جهانی اوّل و دوّم و بمبارانهای اتمی و ... مشاهده نماید و ببیند دزدان و جنایتکاران و شیاطین چگونه از تاریکی شب غیبت استفاده کرده و زندگی بشر را فاسد می‌نمایند.

ولی هرچه باشد این کره خاکی از تاریکی شب خسته خواهد شد، از فساد و پلیدی روی خواهد گرداند و خواب شبش پایان خواهد یافت.

آری «مردم در خواب شب‌اند و خورشید در فکر طلوع»، سالها و قرن‌ها جامعه بشری بدون امام زمان و بدون نور عدالت و محبتش به سختی نفس کشید ولی خورشید مهربان با جاذبه خود حرکت افکار و دل‌های مردم را بسوی خود می‌چرخاند تا مجدداً برای آنان طلوع نماید و نور «علم» و حرارت «تقوا و پاکی» را به آنان برساند و دل‌های مرده را زنده و حیوان سیرتان را انسان و غده‌های سرطانی را بسوزاند.

«سپیده علم می‌دمد»

گرچه مردم دوازده تا چهارده قرن پیش قدر علم و عصمت را نمی‌دانستند و بین

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم :
«الا انه الباقي حجة و لا حجة بعده و لا حق الا معه و لا نور الا عنده».^{۱۱}

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه فرق نمی گذاشتند، ولی آن زمان با همه تلخیها و تاریکیهایش رو به اتمام است و «سپیده‌ای از نور خورشید علم» به افق تیره زمان خورده و قلب نامهربان این تاریکی را شکافته است.

خورشید علم، یا همان انسان کاملی که انبیاء علیهم السلام وعده ظهورش را داده‌اند؟ همه علوم مادی و معنوی را در سینه خود جای داده و علم بهمه چیز را خداوند در اختیارش نهاده است.

لذا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید :

«وکل شی احصیناه فی امام مبین»، «ما علم به همه چیز و علم به تمام حقایق عالم را در رهبری که برای همه روشن است او باید رهبر باشد (علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام که همه اعتراف داشتند آنان دارای شرایط رهبری هستند) یکجا جمع نموده ایم».^(۱)

شاید هنگامی که انسان به خورشید در آسمان می‌نگرد جرم آنرا به اندازه یک دایره کوچک ببیند، ولی خورشید چون مهربان است و نمی‌خواهد عظمت خود را بر ما زمینیان تحمیل نموده و ما را بسوزاند، از ما میلیونها کیلومتر فاصله گرفته تا جرمش اینچنین کوچک بنظر آید و ما به توان و قدرت محدود خود از آن استفاده کنیم.

آری حجة بن الحسن، امام زمان ارواحنقاده علوم بی‌نهایتی را در خود جای داده است که همه آنرا نمی‌تواند بر ما تحمیل نماید او با قرار گرفتن در قالب بشری، خود را کوچک نموده تا ما بتوانیم او را مانند خود انسانی معمولی دیده و با او انس بگیریم و او را غریبه و دور از دسترس ندانیم.

۱- سوره یس آیه ۱۲ (در روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام تفسیر فوق ذکر شده است).

رسول خدا ﷺ در غدیر خم:
«جهانیان بدانند حضرت مهدی علیه السلام آخرین حجت الهی در زمین است و او محور حقیقت است و منبع نور و هدایت الهی است که نور تنها نزد اوست».

خداوند برای فراهم نمودن «مقدمات ظهور مقدّسش» شعاعی از علوم بی‌کران خود را به مغز دانشمندان جهان امروز تابانده و رموز پیچیده علمی در بخشهای فیزیک، شیمی، و... را به مغز دانشمندان راه داده است.

اگر بشر عصر علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام قدر سخن آن حضرت که فرمود:

«ای مردم، قبل از آنکه مرا از دست بدهید هرچه می‌خواهید برسید چرا که من به راههای آسمان از راههای زمین داناترم، برسید پیش از آنکه فتنه و فساد سرزمین شما را پایمال کند و سایه شوم خود را بر آن بگستراند و عقلهای شما را دگرگون سازد»^(۱).

آری، اگر قدر این سخن را نمی‌دانست ولی بشر امروز آرزو می‌کند ای کاش پای منبر آن حضرت بود و مشکلات فضائی خود را از آن بزرگوار می‌پرسید.

آیا بازشدن مغز دانشمندان دنیا به رموز پیچیده علوم مادی، پرتوی از شعاع «علم» نیست؟

آیا «علم به هر چیز» همانند شماره‌ای رمزی نیست که تا یکایک شماره‌های آن پشت سرهم (همانند شماره تلفن یا قفل‌های رمزدار) ردیف نشود قفل علم به آن چیز باز نشده و مشکل لاینحل می‌ماند؟

پس چه کسی جز ذات مقدّس پروردگار این شماره‌های پیچیده صدها رقمی علم اتم و دیگر رموز علمی را در ذهن دانشمندان ردیف نمود و آنان تنها کوشیدند با

۱- «ایها الناس، سلونی قبل ان تفقدونی، فلانا بطرق السماء اعلم منی بطرق الارض قبل ان تشغر برجلها فتنه تطافی خطامها و

تذهب باحلام قومها» نهج البلاغه خطبه ۱۸۹.

قيل للنبي ﷺ :
«متي يخرج القائم من ذريتك؟ فقال : مثله كمثل الساعة لا يحلبها لوقتها الا هو
ثقلت في السماوات والارض لا تأتيكم الا بغتة».^{۱۹۲}

اشتیاق به خواندن این رمز چشم خود را به روی تابلوی نورانی علم که در اعماق
اشیاء نهفته است باز کنند و شماره‌های آنرا بخوانند؟
حال اگر خداوند نماینده خود یا خورشید عظیم علم را بناگاه نشانمان نمی‌دهد، این
مصلحت ماست زیرا چشمهای ما که به تاریکی شب جهل خو گرفته، به یکباره توان
دیدن میلیونها شعاع نورانی خورشید علم را ندارد و باید به تدریج از عصر فساد
روحی و اخلاقی به عصر علم و تمدن راه یابد.
اولین اشعه خورشید علم بصورت اختراعات و اکتشافات و تحوّل علمی صنعتی به
افق تاریک و ظلمانی عصر حاضر (از حدود صدوپنجاه سال پیش) خورد و مردم
جهان به یکباره متوجه سپیده روشن علم بر افق زمان شدند.
اگر مردم قبل از عصر شکوفائی علم (مانند مردم پانصد سال قبل و پیش از آن) به
ارزش علم واقف نبودند، ولی مردم عصر حاضر همه شیفته «علم» گشته و به اصطلاح
«علم‌گرا» شده‌اند.

«چرا شیفته علم شده‌ایم؟»

پاسخ به این پرسش که چرا بشر امروز علم گرا شده است روشن است، زیرا با
چشمان خود آثار پرارزش «علم» را دیده و پیشرفت زندگی و رفاه آنرا از آثار علم
می‌داند.

ما هم دوستدار علم هستیم زیرا صدها حدیث و روایت و دهها آیه قرآن در فضیلت
علم و علماء داریم که در هیچ مکتبی و مذهبی اینهمه سخن یافت نمی‌شود.
اگر در عصر ائمه هدی علیهم الصلاوة والسلام مردم شیفته علم می‌بودند از علوم بی‌کران
خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بهره‌مند شده و همان موقع به فضا راه می‌یافتند و

به رسول خدا ﷺ عرض شد :
«حضرت قائم از فرزندان شما چه زمانی خروج خواهد فرمود؟ فرمود : مثل او مثل قیامت است که کسی جز خداوند وقت آنرا آشکار نمی سازد و امر سنگینی در آسمان و زمین است و بطور ناگهانی انجام خواهد شد».

هزاران سال نوری را در چند لحظه می پیمودند.

شعار علم و علم گرایی را پیامبران سر داده و به آن عمل نمودند و اصولاً علم صد درصد نزد پروردگار بوده و او علم بی نهایت خویش را در قلوب نمایندگان معصوم خود (انبیاء و جانشینان آنان) منعکس می نماید.

اکنون بشر به همان نقطه ای رسیده است که چهارده قرن قبل پیشوایان اسلام بر آن تاکید داشتند و مردم را به فراگیری علم از عالمان حقیقی که دوازده امام معصوم علیهم السلام بودند ترغیب می نمودند.

شاید گفته شود بشر امروز به دانشمندان مادی توجه دارد نه به امامان معصوم علیهم السلام. در پاسخ می گوئیم، چنین نیست، بشر امروز به علم توجه دارد و آنرا چون نوری در شب تاریک در هر جا ببیند چون پروانه بسوی آن به پرواز درمی آید.

«این مقدمه فرج است»

این روحیه که در بشر ایجاد شده (اشتیاق به علم) همان مقدمه ای است که از آن به عنوان «مقدمات فرج» یاد کردیم.

می دانید چرا؟

زیرا منجی آخر الزمان آنکه وصفش در ادیان مختلف و دین مقدس اسلام آمده چون دریای علم است و طبق روایات پیشوایان اسلام بیست و هفت درجه عظیم از علم در ابعاد مختلف مادی و معنوی را به روی بشر می گشاید در صورتیکه آنچه از علم تاکنون در میان بشر منتشر گشته تنها دو بخش از بیست و هفت بخش علم است. بشر امروز (ولو خودش نداند) شیفته خورشید علم و عصمت و در حقیقت شیفته منجی آخر الزمان است.

القرآن الکریم : «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس»^{۱۹۳}
 عن مولانا الباقر رحمۃ اللہ علیہ : «امام یخنس نفسه سنة ستین و مأتین ثم یظهر كالشهاب
 الثاقب فی اللیلة الظلماء...»^{۱۹۴}

زیرا همانطور که خداوند نور مادی و ظاهری مانند نور خورشید را باید در قالب یک جرم (مانند کره خورشید) ایجاد و بوسیله آن فضای منظومه شمسی را روشن نماید، می باید نور حقیقی یعنی علم و هدایت خویش را در قلب انسانی که با مردم انس گیرد و با آنان زندگی کند قرار داده و بوسیله او نور علم و هدایت را فضای زندگی انسانها منتشر نماید.^(۱)

گرچه دشمنان خورشید که با انتشار نور آن دیگر نمی توانند به غارت فکر و اموال و ناموس مردم پردازند و از طلوع و انتشار نور آن وحشت دارند و می کوشند با تبلیغات منفی، خورشید را موجب ویرانی و خونریزی و عقب افتادگی و ... معرفی کنند ولی دیگر دیر شده و خداوند اراده فرموده است با باز نمودن دریچه های علوم به روی بشر و نشان دادن آثار خارق العاده آن، به او بفهماند :

ای انسان، همانطور که من دریچه ای از علوم مادی را به رویت باز نموده و تحوّل عظیم علمی و صنعتی در جهان ایجاد نمودم، این برای آن بود که بدانی علم اساس خوبی و پیشرفت و سعادت است.

ای انسان، علوم مادی که به تو دادم تنها قطره ای از اقیانوس علوم بی کرانی است که همه آنها در اختیار نماینده ام، قرار داده ام تا جهان و جهانیان را سرشار از رفاه و معنویت و صلح و سعادت گرداند.

۱- مکیال المکارم ج ۱/ ۸۹

عن امیرالمؤمنین علیه السلام ... یا کمیل ما من علم الا و انا افتحه و ما من شی الا و القائم یختمه...

قرآن کریم: «قسم به ستارگانی که رخ پنهان کرده و باز می‌گردند».
امام باقر علیه السلام: «منظور امامی است که در سال ۲۶۰ هجری خود را پنهان می‌کند
و سپس چون شهابی تیزرو که در شبی تاریک ظاهر می‌شود ظهور می‌نماید».

«چرا بقیه علوم را خداوند در اختیار بشر نمی‌گذارد؟»

خداوند هم چنین می‌خواهد بفهماند:

من تنها قطره‌ای از علوم بی‌کران را در اختیار انسان قرار دادم ولی همه دیده و می‌بینند افراد بشر چگونه آنچه را خود به آنها عنایت نموده‌ام، بر ضد یکدیگر بکار گرفته و جنگ و خونریزی براه می‌اندازند و مفسد عظیمی چون فقر و فحشاء و انحراف از راه انبیاء و هزاران مفسد دیگر ایجاد می‌نمایند.

در نتیجه با پیشرفت علمی عصر حاضر، جامعه بشری هم به ارزش علم پی می‌برد و هم به ارزش پاکی و عصمت که هر دوی اینها در وجود مقدس منجی آخرالزمان جمع است. (این مطلب را در صفحات آینده بیشتر توضیح خواهیم داد).

بنابراین اکنون که سپیده دانش و علوم مادی افق زندگی بشر را شکافته این سپیده و نور که چشمان همه را خیره و مجذوب خود کرده از خورشید علم بوده و مردم مشتاق ازدیاد این نور و در نتیجه طلوع خورشید امامت و ولایت می‌باشند.

القرآن الکریم : «والذین یصدقون بیوم الدین»^{۱۹۵}

عن مولانا الباقر رحمۃ اللہ علیہ : «بمخرج القائم علیہ السلام»^{۱۹۶}

فصل دوم :

«قدر پاکی را بدانیم»

«مردم عصر حاضر علاوه بر آنکه مشتاق علم هستند، مشتاق پاکی و دوری از خطا و شرارت و هواهای نفسانی و شیطانی و جهانی سرشار از صلح و امنیّت و عدالت و دوستی و محبّت می باشند».

پاکی، تقوا، عدالت، انسانیت، محبّت، خداشناسی و دهها واژه مقدّس دیگر، کلماتی هستند که امروزه جزء آرزوهای دست نیافتنی بشر شده و همه ملت‌های عالم به دنبال رهبر یا رهبرانی هستند که پیرو هواهای نفسانی نبوده، صلح و عدالت را برایشان به ارمغان آورند که متأسفانه شعار طرفداری از حقوق بشر و رساندن جامعه به صلح و عدالت و رفاه و ... را مردم امروز بسیار می شنوند ولی به ندرت کسی را می یابند که در عمل چنین باشد.

به عقیده ما این امر، خود یکی از «مقدمات فرج» در عصر حاضر است.

توضیح آنکه :

برپائی صلح و امنیّت و عدالت و سعادت و رفاه و معنویّت در جهان آنگاه ممکن است که :

یک : مردم جهان خواستار تحقق اینها باشند و مانند تشنه‌ای که به دنبال آب است به دنبال دست یافتن به آب علم و عدالت و سعادت باشند نه آنکه شعار آنرا سرداده ولی در عمل و در درون خواهان ترویج شهوات و فسادها و محو دین و راه انبیاء علیهم السلام از جامعه خود باشند.

قرآن کریم: «نمازگزاران حقیقی کسانی هستند که روز جزا را تصدیق می‌کنند».
امام باقر علیه السلام: «یعنی روز قیام حضرت قائم علیه السلام (که روز مجازات کفار است) را از اعماق قلب باور داشته و آنرا تصدیق می‌کنند».

دو: قانون کاملی که هیچ خطائی در آن نبوده و از سوی خالق جهان (که قوانینش در ذرات اتم و در فرازهای کهکشانها و همه جای عالم جاری است) تضمین شده و قانون اساسی زندگی بشر باشد.

سه: رهبری معصوم از خطا و آگاه از همه پنهانیا و قدرتمند به قدرت مافوق بشری از سوی خداوند برای اجرای این قانون تعیین شده باشد.

خداوند حکیم از چهارده قرن پیش که بدترین دوران زندگی بشر بوده و «زمان جاهلیت» نام گرفت، برای برپائی صلح و عدالت جهانی، عزیزترین کس خود، عالم‌ترین مخلوق و پاک و معصوم‌ترین انسان را بسوی بشر فرستاد و قانون کاملی که در بالا به آن اشاره شد را به عنوان قانون اساسی زندگی بشر به دست او داد و او را خلاصه تلاش همه انبیاء گذشته و سخنانش را حاوی تمام آنچه انبیاء قبل گفته بودند قرار داد و برای پیشبرد برنامه‌اش دوازده جانشین معصوم و دور از خطا برایش تعیین فرمود تا مردم به نظر و رأی خود هرکسی را که خواسته‌های نفسانی‌شان اقتضاء کرد یا کسی را که فکر می‌کردند انسان خوبی است ولی باطناً شایسته رهبری مردم نبود را رهبر خود قرار ندهند و سیاست زندگی خود را به دست انسانهای فاسد، جاهل یا خطاکار و خلاصه کسی که متصل به علوم بی‌نهایت وحی و معصوم از خطا نیست قرار ندهند.

چنانکه پیش از این اشاره نمودیم، عده‌ای از مردم زمان بعثت پیامبر عظیم‌الشان اسلام و قرون پس از آن، این لطف الهی را پذیرا نشده و حکم جاهلیت و هواهای نفسانی را بر علم و عدالت ترجیح دادند و تا توانستند چهارده رهبر معصوم و برگزیده الهی را مورد اذیت و آزار و شکنجه و قتل و آوارگی قرار دادند و تا قدرت داشتند از اجرای قانون اساسی پروردگار در زندگی خود ممانعت بعمل آورده و چون

عن مولانا صاحب الزمان رحمته الله :

«و اما ظهور الفرج فانه الى الله و كذب الوقاتون»^{۱۱۷}

نمی توانستند با قرآن کریم مقابله و آنرا تحریف و نابود نمایند از صحنه زندگی آنراکنار زده و با سیاستهای شیطانی خود کار را به جایی رساندند که علم حقیقی (کلام پروردگار) را عقب ماندگی دانسته و با قدرت ظالمانه هرکس را که به دنبال احیاء راه انبیاء علیهم السلام بود کشته و از صحنه خارج نمودند و بقیه مردم نیز از ترس آنان سکوت کرده و متحمل خسارتهای بسیار در طول تاریخ چهارده قرن گذشته گشتند.

«مردم باید تشنه علم و عصمت باشند تا....»

همه تلاشها وقتی به ثمر خواهد نشست که جامعه تشنه علم و عصمت باشد، لذا به همین جهت تحقق صلح و عدالت و آنچه آرزوی انبیاء علیهم السلام بوده به تعویق افتاد. خداوند برای نجات جامعه بشری پس از خواب سنگین قرون گذشته، خود وارد عمل شده و آنرا به سپیده صبح علم و عدالت نزدیک کرد. در آغاز ترشحاتی از علم در بخش علوم مادی را به مغز دانشمندان وارد نمود تا جهانیان به ارزش علم آگاه گردند.

«چرا علوم مادی؟»

ممکن است بپرسید چرا این پیشرفتهای علمی در عصر حاضر در بخش علوم تجربی و مادی زندگی بشر بوده است؟ پاسخ می دهیم :

اولاً : آنچه در چشم مردم جهان، مردمی که قرنهای از تعالیم انبیاء علیهم السلام و معنویات حقیقی دور نگه داشته شده و به آنان ظلم شده است، جلوه می کند علوم معنوی نیست زیرا تا آثار آنرا نبینند باور حقایق معنوی برایشان مشکل است، لذا خداوند ابتداء آنچه آنان قدرت باور آنرا داشتند یعنی پیشرفت در علوم مادی را به ایشان

امام عصر علیه السلام :

«در باره وقت ظهور باید بدانید که زمان آن در اختیار خداوند است و هر کس وقت ظهور را تعیین کند دروغگوست».

مرحمت فرمود و اصل «خوبی علم» را در اعماق وجود آنان وارد نمود تا دیگر کسی در جهان یافت نشود علم را بد بدانند.

ثانیاً: اگر خداوند علوم معنوی را در اختیار افراد بشر بگذارد در حالیکه ظرف دل آنان آلوده به صفات رذیله و هواهای نفسانی و محل رفت و آمد شیطان باشد، بزرگترین فاجعه در عالم هستی روی خواهد داد زیرا انسانهای غیر صالح از علوم معنوی برای رسیدن به اهداف دنیایی و مادی و ریاستهای باطل خود استفاده و بطور کلی راه حق را از بین می‌برند و جهان را به نابودی می‌کشانند.

و چگونه چنین نکنند در حالیکه با علوم مادی (مثل علم اتم) زندگی مادی و معنوی بشر را تهدید نموده‌اند و روشن است علوم معنوی میلیاردها برابر علوم مادی قدرت در انسان ایجاد می‌نماید همانطور که آصف بن برخیا تخت بلقیس را از حدود هفتصد کیلومتر در یک چشم برهم زدن نزد حضرت سلیمان حاضر کرد و این از قدرت علوم معنوی بود که او در اختیار داشت. حال اگر مانند این قدرت را انسانهایی که نه به خدا اعتنایی دارند نه به انبیاء و نه به هیچ چیز دیگر و تنها به منافع مادی و شهوانی خود فکر می‌کنند، در اختیار گیرند با عالم هستی چه خواهند کرد و همانطور که خداوند فرموده است خدایان دیگری خواهند شد که جهان را به فساد می‌کشانند (لو کان فیها آلهة الا الله لفسدتا... اگر در جهان خلقت جز پروردگار دانا و توانا خدایان دیگری باشند {مثلاً انسانها هم خود را مانند خدا صاحب فرمان و تصرف در عالم بدانند و قدرت اینکار را داشته باشند} آسمان و زمین فاسد می‌گردد).^(۱)

بر همین اساس امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام علوم معنوی که خداوند توسط رسول

عن مولانا صاحب الزمان رحمته الله :

«و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم»^{۱۹۸}

گرامی خویش به آن حضرت داده بود را در اختیار افراد غیر صالح قرار نمی داد و می فرمود :

...ها إِنَّ هَا هُنَا لَعَلْمًا جَمًّا (و اشار بیده الی صدره) لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً، بَلَى أَصَبْتُ لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ، مستعملاً آله الدین للدنیا و مستظهِراً بِنِعَمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ و بِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ...
(به جهت اهمیت سخنان آن حضرت، ترجمه این قسمت را بطور کامل می آوریم،
آن حضرت به کمال فرمود :)

«ای کمال.... بدان در اینجا (و اشاره کرد به سینه مبارکش) معدنی از علم است، اگر افرادی را که بتوانند آنرا فراگیرند می یافتم، به آنان از آن تعلیم می دادم، ولی چنین افرادی را نیافتم، البته افرادی را یافته ام اما صلاحیتی در آنان نمی بینم و از آنان خاطر جمع و ایمن نیستم، کسانی که دین را در خدمت اهداف دنیایی خود قرار داده و از نعمتهای الهی بر ضدّ بندگان خدا استفاده می کنند و از دلائل الهی و علوم معنوی علیه نمایندگان حق و اولیاء الهی استفاده می کنند.

آن حضرت در ادامه فرمود :

حتی کسانی را می یابم که مطیع حاملان حقیقت (ائمّه اطهار علیهم السلام) هستند و می توان به آنها این علوم را تعلیم داد ولی بصیرتی در پیچ و خمهای آن نداشته (یا بصیرتی در کیفیت زنده نگه داشتن این علوم نداشته) و با نخستین شبهه، شک در دلهایشان پیدا می شود.

امام عصر علیه السلام :

«برای زود فرا رسیدن ظهورم بسیار دعا کنید که این گشایش حقیقی برای خود شماست».

بدان که نه این دسته لیاقت این علوم را دارند نه آن دسته.

همچنین کسانی را می‌یابم که این علوم را بتوانند فرا گیرند ولی تشنه و گرسنه لذتها بوده و در برابر شهوات بی‌قید و بنداند، یا حریص بر جمع‌آوری اموال می‌باشند.

اینها نمی‌توانند در هیچ امری راهنما و سرپرست برای مردم باشند (زیرا وقتی این علوم را در اختیار گیرند خواهی نخواهی بر مردم مسلط می‌شوند) بلکه شبیه‌ترین چیز به آنها چهارپایانی هستند که برای چرا رها شده‌اند (اینها هم برای چریدن علفهای محبت دنیا و لذتهای آن در زندگی دنیا رها شده‌اند).

بهمین دلیل علوم حقیقی با مرگ حاملان آن از دست می‌رود.

البته چنین نیست که زمین از فردی که حامل این علوم بوده و برپا کننده دین خدا باشد، خالی شود (همیشه زمین دارای حجت خدا بوده و هست) حال یا آن حجت الهی آشکار بسر برد (مانند ائمه هدی علیهم السلام) یا پنهان زیست کند (مانند امام زمان علیه السلام) چرا که نباید دلائل آشکار الهی از بین رود و مردم باید همیشه کسی را در میان خود داشته باشند که نگویند خدایا ما راهنما و نجات دهنده‌ای نداشتیم.

سپس آن حضرت سخنانی در وصف یاران امام زمان علیه السلام و خود آن حضرت می‌فرموده و در پایان اظهار می‌دارند :

«آه آه، شوقاً الی رؤیتهم، انصرف یا کمیل اذا شئت»

دعاء الندبة :

«اللهم انت كشاف الكرب والبلوى و اليك استعدي فعندك العدوى».^{۱۹۹}

آه، آه، که چقدر مشتاق دیدار آنان هستم، ای کمیل هرگاه خواستی برو.^(۱)

«نتیجه»

نتیجه‌ای که از مطلب فوق بدست می‌آید آن است که خداوند متعال از دریای علوم مادی و معنوی تنها ترشحاتی را در اختیار بشر امروز قرار داده تا از یک سو به ارزش و عظمت علم واقف گردند و شیفته آن شوند و از سوی دیگر بدانند وقتی علم در اختیار انسانهای غیرصالح قرار گیرد مانند اسلحه‌ای است که در دست یک دزد و جنایتکار قرار می‌گیرد و فساد ایجاد می‌نماید (همانطور که در دنیای امروز اینها را همه روزه شاهد هستیم).

«مردم ارزش پاکی و عصمت را فهمیدند»

آنگاه که علوم پیشرفته در اختیار بشر قرار گرفت قدرتمندان و صاحبان ثروت و حيله و نیرنگ و ریاست‌طلبان که هزاران سال خون انسانها را مکیده بودند، با ثروت و قدرت و ظلم خود به سرعت سلاح علم خصوصاً «علم اتم» را در اختیار گرفتند و ظلم و ستم دیروز خود را که به‌کندی و با زحمت پیش می‌رفت به سرعت آنرا جهانی ساخته و قدرت نفس کشیدن را از مردم دنیا سلب نمودند. جنگ جهانی اول و دوم را با آن تلفات حیرت‌آور (حدود یکصد میلیون کشته و زخمی و آواره و معلول و...) بر جای گذاشته و در یک حمله دهشتناک با بمبهای اتمی و تنها با دو بمب در مدت یکی دو ساعت دویست هزار نفر را در شهرهای هیروشیما و ناگازاکی نابود کردند.

۱- نهج البلاغه - کلمات قصار (شماره ۱۴۷، بند ششم).

دعای ندبه :

«خدایا ناله و شکایت به تو می‌بریم و دادخواهی نزد توست، تو این مصیبت بزرگ را پایان ده و جامعه بشری را از محرومیت امام زمان علیه السلام خارج فرما».

از آن روز به بعد، بشری که تازه به گوهر علم دست یافته بود و می‌خواست از آن صلح و امنیت و پیشرفت و رفاه را به دست آورد، به ناگهان شوکه شد و این گوهر گرانبها را در دست کسانی دید که بهیچ قیمتی حاضر نیستند مردم جهان از علم و پیشرفتهای علمی بطور مساوی و عادلانه بهره‌برداری نمایند.

مثل اینست که خداوند علم و آثار پربرکت آنرا تنها برای قدرتمندان و ثروتمندان خواسته و بقیه مردم جهان (که اکثریت هستند) باید هیچ نداشته باشند و اصلاً بمیرند و مریض و گرسنه و بی‌خانمان و آواره (مانند مردم فلسطین) باشند و اگر می‌خواهند از پیشرفتهای روز استفاده کنند حتماً بایستی فرمانبردار آنان و مطیع سیاستهایشان باشند.

اینجا بود که مردم جهان ارزش «پاکی و عصمت رهبران جامعه بشری» را دریافته و آنرا برای یک رهبر از نفس کشیدن ضروری‌تر حس کردند. آری ضروری‌تر از تنفس، زیرا اگر یک رهبر از عصمت و پاکی و تربیت انبیاء علیهم السلام بهره‌مند نباشد هم خود را جهنمی نموده و هم مردم را پایمال هواهای نفسانی خویش می‌نماید.

«بال علم و بال عصمت»

مردم جهان دریافتند که هواپیمای سعادت و صلح و امنیت و عدالت وقتی به پرواز درمی‌آید که دارای دوبرال باشد.

در صورتیکه قبل از این فجایع، تصوّر ابتدائی مردم بر این بود که علم (علوم مادی) همه چیز را برای انسان به ارمغان می‌آورد و دیگر انسان نیازی به انبیاء علیهم السلام و نیازی به معنویات و اخلاق الهی ندارد چنانکه این تصوّر هنوز هم در برخی از افراد به

دعاء النذبة :

«هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا»^{۲۰۰}

اصطلاح روشن فکر وجود دارد و با شعار علم و علم‌گرایی خود را از همه چیز (حتی از خدا و انبیاء علیهم‌السلام) بی‌نیاز می‌بینند و گاهی پا را فراتر گذاشته دین و خدا و معنویات را مانع پیشرفت و مانع ترقی و تمدن می‌شمارند.

آنان چقدر منحط و تاریک‌اند که علم را مانع تمدن می‌شمارند در صورتیکه همه پذیرفته‌اند علم اساس تمدن را تشکیل می‌دهد.

آری آنان علم حقیقی را که توسط خداوند به انبیاء علیهم‌السلام داده شده، عقب‌افتادگی می‌دانند.

اینها مریض‌هائی هستند که مرض شهوت و هواپرستی زبان آنانرا در اختیار خود گرفته و با استفاده از کلمات زیبای علم و ترقی و تمدن و ... به جنگ علم و تمدن و ترقی واقعی رفته‌اند چرا که تربیتهای علمی و معنوی انبیاء علیهم‌السلام مرض شهوت‌پرستی و ریاست‌طلبی و هواهای نفسانی آنانرا از بین می‌برد.

ولی آنان تمایل به معالجه مرض خود ندارند همانطور که بعضی از افراد معتاد به مواد مخدر تمایلی به ترک اعتیاد خود ندارند و اگر کسی به آنان بگوید تو معتاد هستی بدشان می‌آید.

اینها هم کسانی هستند که اگر کسی به آنان بگوید تو ضد علم و تمدن هستی بدشان می‌آید چرا که با شعار علم و تمدن توانسته‌اند مواد مخدر شهوت‌پرستی و ریاست‌طلبی را به چنگ آورند و چند صباحی دردهای نفسانی خود را آرام نمایند.

«آب علم و عصمت جهان را آباد می‌نماید»

دل‌های خشکیده و ستم‌دیده مردم جهان هزاران سال است تشنه علوم حقیقی و انسان‌ساز انبیاء علیهم‌السلام است.

مردم جهان تشنه اخلاق پیامبران و امامان معصوم هستند.

دعای ندبه :

«آیا ناله زنده‌ای هست که در خلوت نشسته و هم‌ناله‌اش شویم». (و سپس بر مصیبت اصلی که فقدان بشر از رهبری منجی خویش است اشک بریزیم).

مردم جهان آرزو می‌کنند ای کاش حضرت ابراهیم علیه السلام یا حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام یا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت حسین بن علی علیه السلام سیدالشهداء آن پیشوای آزادگان جهان و یا سایر امامان معصوم علیهم السلام در میان بشر بودند و جهان را سرشار از علم الهی و پاکی و تقوا و صلح و عدالت و امنیت می‌نمودند. (گرچه هم‌اکنون منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا فدای در میان ما انسانها حضور دارد ولی این حضور تا به رسمیت شناخته نشود و آن حضرت حکومت جهان را در اختیار نگیرد مردم جهان توجهی به آن بزرگوار نداشته و از حضرتش محروم می‌باشند).

و اگر بر فرض کسی بگویند بعضی از مردم انبیاء علیهم السلام را نمی‌شناسند یا پیشوایان اسلام و امامان معصومی که شما از آنها نام می‌برید نمی‌شناسند تا شیفته حضور آنان گردند،

در پاسخ می‌گوییم، این مهم نیست که شخص و اسم و رسم آنانرا شناخته و مثلاً مثل ما شیعیان که خواستار حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام هستیم، آنان هم شعار ما را سر دهند، بلکه مهم آن است که شیفته آنچه آنان دارا هستند باشند.

مردم شیفته علم و عصمتی شده‌اند که معدن آن وجود مقدس منجی آخرالزمان می‌باشد که کافیت خداوند اذن ظهور به آن بزرگوار صادر فرماید تا با انجام چند معجزه از معجزه انبیاء علیهم السلام به دست آن بزرگوار جهانیان آب حیات خود را بیابند و آنرا در اعماق روح و جان خود وارد نمایند.

دعاء الندبة :

«این قاصم شوکه المعتدین».^{۲۰۱}

«فوائد دیگر پیشرفت علمی بشر در ارتباط با»

«ظهور منجی آخرالزمان»

«همه از حال هم باخبر شوید»

خدا را شاکریم که بشر را در عصر شکوفائی علم وارد نمود تا تمام مردم جهان بصورت یک خانواده گرم و صمیمی درآیند و همه از حال هم باخبر شده و دردهای یکدیگر را بفهمند و ببینند دو گرگ درنده شیطان و هواهای نفسانی چگونه به جان بشریت افتاده و آنانرا از بعد مادی و معنوی پاره پاره می نماید.

این رسانه های ارتباط جمعی جهان امروز بسیاری از زخمهای پیکره بشریت را به ما نشان می دهند و همانطور که خداوند در قرآن کریم فرموده :

”ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس“^(۱) (فساد در دریا و خشکی آشکار

شد که این فساد از اعمال مردم ناشی شده است).

امروز بواسطه همین رسانه ها ظهور فساد را در سراسر جهان مشاهده می کنیم و از وجود غده های سرطانی مرگبار در پیکره جامعه بشری مطلع می شویم، غده هایی که اگر بوسیله طبیب الهی و مصلح کل جهان درمان نشود مرگ را بر جامعه بشری تحمیل خواهد نمود.

باخبر شدن مردم جهان ” از وجود این زخمها در پیکره بزرگ جامعه بشری آنان را

۱- سورة روم آیه ۴۱.

دعای ندبه:

«کجاست آن شکننده شوکت متجاوزین به حقوق الهی»

و ادار به عکس العمل خواهد کرد " زیرا جهان امروز به مانند یک بدن با میزبانیها سلول (به عنوان شش میلیارد جمعیت کره زمین است) که مریضی یک سلول موجب سرایت مرض به سلولهای دیگر می شود و اگر صاحب بدن به فکر درمان نبیند دیری نمی پاید که صدها هزار سلول فاسد می شوند.

پس پیشرفت صنعت و تکنولوژی امروز بشر برای آن است که همه انسانها از وجود صدها زخم و غده چرکین در میان خود باخبر شده و احساس خطر کنند و مانند سلسله اعصاب که درد سلولها را به مغز و صاحب بدن منتقل می کند عمل نمایند.

آری دانشمندان، دانشگاہیان، عموم مردم و همه افشار جهان کنونی باید احساس خطر کرده و حس انسانی و عواطف خود را مانند سلسله اعصاب بکار اندازند و به صاحب بدن و صاحب جامعه بشری یعنی خداوند متعال که صاحب انسان و خالق اوست دردهای بزرگ خود را اعلام نموده و از او درمان بطلبند.

به او بگویند خدایا غده های چرکین و عناصر فساد همه سلولهای بدن بیکر را مریض و رنجور نموده اند. (مضامین دعاء فرج که می فرماید: الهی عظم البلاء و برح الخفاء... یعنی خدایا بلاء بر ما عظیم شد...) خدایا ما سلولهای کوچک در اثر پخش سموم تبلیغاتی دغلبازان که ثروت و قدرت و ریاست جهان را در قبضه خود می گیرند مسموم و افکارمان آلوده به وسوسه های شیطان و دچار کمبود اکسیژن «یاد و توجه به تو» شده است و میلیونها میلیون انسان اکنون از شدت درد و رنج (از فقر و گرسنگی گرفته تا غرور ثروت و ریاست و فراموشی از خدا و گم کردن راه پیمبران و همه هدف را دنیا و زندگی آن دیدن و هزاران بلای مادی و معنوی دیگر) بیهوش گشته ایم.

زیارة آل یاسین :

«یا مولای... والمعروف ما امرتم به والمنکر ما نهیتم عنه».^{۲۰۲}

خدایا منجی آخر الزمان را که به ما وعده کرده‌ای برسان.^(۱)

«فایده احساس درد»

آری، خداوند مهربان برای آنکه جامعه بشری چون یک پیکره از وجود دردهای فراوان خویش مطلع گردد با دادن پیشرفت علمی به بشر او را به وسایل پیشرفته‌ای مجهز نمود که بدن سراسر زخم و رنجور خود را ببیند و نزد طبیب عالم انسانیت رفته و سلامتی خود را باز یابد.

آیا نمی‌بینیم وقتی قسمتی از بدن انسان بی‌حس یا فلج است و درد را نمی‌فهمد، اگر آن قسمت از بدن دچار حادثه گردد و مثلاً زخمی یا قطع شود و انسان حس نکند چه اتفاقی افتاده و به ناگاه می‌بیند آن عضو را از دست داده و حس نکرده است در صورتیکه اگر حس داشت و می‌فهمید، نمی‌گذاشت عضو مذکور زخمی یا قطع گشته و ناقص گردد.

بنابراین اگر بشر امروز بواسطه همین پیشرفتهای مادی از مشکلات عضوهای پیکره خود (که انسانها عضو پیکره بزرگ جامعه بشری هستند) مطلع نگردد (و بی‌حس باشد) به یکباره می‌بیند شیطان از بی‌حسی او سوء استفاده کرده و عضوهای حساس و مهم او را نیز قطع و نابود نموده است.

لذا مهمترین فایده ارتباط ملل مختلف جهان با هم خصوصاً در بحث «گفتگوی تمدن‌ها» این است که از مهمترین مسأله عالم انسانیت که ظهور منجی آخر الزمان و نجات پیکره بشری از حملات شیطان و فساد می‌باشد سخن به میان آید و افکار جهانی به سوی آن سوق یابد.

۱- شبیه به آنچه در این آیه شریفه آمده است که : ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک خدایا آنچه را که توسط پیامبران به ما وعده فرمودی (که یکی از آن وعده‌ها و مهمترین آنها ظهور منجی آخر الزمان است) به ما عنایت فرما. (سورة آل عمران آیه ۱۹۴).

زیارت آل یاسین :

«یا صاحب الزمان ای سرورم شهادت می‌دهم که معروف (پسندیده) آن چیزی است که شما به انجام آن امر فرموده و منکر (ناپسند) چیزی است که شما از آن نهی نمائید».

«مقدمات فرج»

«نوع دوم»

«آنچه بر عهده ماست»

چنانچه بخاطر داشته باشید، مقدمات فرج را به دو نوع کلی تقسیم کردیم.

نوع اول : مقدمات انجام گرفته از سوی خداوند.

نوع دوم : مقدماتی که ما انسانها باید انجام دهیم.

مقدمات نوع اول را بطور مشروح از زمان حضرت آدم علیه السلام تا عصر حاضر توضیح دادیم و اما مقدمات نوع دوم یعنی «آنچه بر عهده ماست» :

«فرج خود بخود صورت نمی‌گیرد»

یکی از قوانین و سنتهای الهی آن است که وضعیت جمعیتی را تا خود آنان اقدامی برای تغییر وضعیت ننمایند، تغییر نمی‌دهد. زیرا می‌فرماید :

”ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم“ (۱)

خداوند آنچه را که جمعیتی به آن دچار شده است تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان

سبب آنرا از خود بزدایند.

آری مردم تا نخواهند ظلم و ستم پایان پذیرد،

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک یا بقیة اللہ فی ارضہ».^{۲۰۳}

تا ظهور عدالت و صلح جهانی به دست منجی عالم بشریت را حقیقتاً خواستار نشوند، خداوند ظهور منجی را نمی‌رساند. (مگر آنکه پیمانۀ ظلم و فساد پر شده باشد).

پرشدن پیمانۀ هم لحظه‌ای است نامعلوم که هیچکس از آن خبر ندارد و نمی‌توان گفت ده روز دیگر است یا صد روز یا چند سال دیگر. بنابراین ظهور منجی عالم بشریت به دو سبب تحقق خواهد یافت.

۱- خواست مردم.

۲- پرشدن پیمانۀ.

سبب اول به دست خود مردم است.

اگر جهانیان، اگر مسلمانان (و حتی اگر شیعیان به تنهایی) خواستار ظهور و فرج امام عصر ارواحناده گردند آن حضرت ظاهر خواهد شد.

حضرت ولی عصر ارواحناده در نامه‌ای به شیخ مفید رحمته اللہ علیہ که حدود هزار سال پیش مرقوم فرموده‌اند می‌فرمایند :

”اگر شیعیان ما که خداوند به آنان توفیق اطاعت خود را عنایت فرماید بصورت یکپارچه و متحد به پیمان خود با ما وفا نمایند هرگز میمنت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت مشاهدۀ ما بصورت ملاقاتی حقیقی و با معرفتی راستین به سرعت تحقق می‌یابد این اعمال ناپسند آنان است که به ما گزارش آن می‌رسد و موجب محرومیتشان از ما شده است.“^(۱)

۱- کلمة الامام المهدی علیه السلام ص ۱۵۱ و احتجاج جلد ۲ ص ۶۰۲ شماره (۳۶۰)

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای باقیمانده الهی (نماینده خدا) در کره خاکی».

نمونه این حقیقت در انقلاب اسلامی و شکوهمند مردم مسلمان ایران تجلی کرد. اگر مردم ایران یکپارچه و یکدل نشده و پیروزی انقلاب و ورود امام راحل علیه السلام را خواستار نمی شدند این انقلاب پیروز نمی شد.

این سنت (روش) الهی است که خداوند خواسته بحق مردم و جمعیتی را که حق را طلب می کنند برآورده سازد.

بنابراین تا مردم جهان و حداقل شیعیان خواستار ظهور منجی عالم بشریت نشوند جهان روی صلح و عدالت را نخواهد دید.

تحقق عدالت و انسانیت بدون رهبری منجی آخرالزمان تنها از آرزوهای تحقق نیافتنی بشر است و همه ایده ها و آرمانها و افکار بشری امتحان خود را در این زمینه پس داده و عجز خود را آشکار کرده اند و اگر نظام مقدس جمهوری اسلامی و روحانیت شیعه شعار تحقق عدالت و صلح را سر می دهد چیزی غیر از عدالت و ظهور منجی عالم بشریت را طلب نکرده و معتقد است باید زمینه ظهور آن بزرگوار را فراهم کرد.

«نهالی که به بار خواهد نشست»

انقلاب اسلامی ایران نهالی است که برای استقبال از ظهور امام عصر ارواحنا فداه نشانده شده و دیر یا زود به ثمر می نشیند و جهانیان را با شخصیت منجی عالم بشریت آشنا می سازد به شرط آنکه شیعیان ایران نیروی خود را در جهت آشنا نمودن مردم جهان با منجی جهان بشریت از طریق فعالیتهای فرهنگی گسترده و گفتگوی دانشمندان مختلف دنیا با یکدیگر و ... بسیج نمایند.

عن مولانا الجواد علیه السلام :

«القائم منا اذا قام لم يكن لاحد في عنقه بيعة».^{۲۰۴}

«باید مقدمات کار را فراهم نمود»

تهیه "مقدمات فرج" از اهمّ واجبات عقلی و دینی برای همه ادیان جهان خصوصاً مسلمانان و شیعیان جهان است.

تهیه "مقدمات فرج" بقدری واجب و حیاتی است که فکر بلند حضرت امام خمینی ره را بر آن داشت که در قالب انقلابی شکوهمند در کشوری که مردمش خود را شیفته آن حضرت می دانند مقدمات فرج را فراهم نماید.

جهانیان باید به انقلاب اسلامی ایران به دید زمینه سازی برای ظهور منجی آخرالزمان بنگرند نه به عنوان حکومت و قدرتی که گوشه ای از جهان را تحت نفوذ خود قرار داده است.

و لذا در سخنان امام راحل ره این حقیقت بخوبی مشهود است آنجا که فرموده :

... باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار

را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت .^(۱)

اکنون طبیب بشر سالها منتظر نشسته است نه یک سال و دو سال بلکه بیش از یازده قرن در انتظار بهوش آمدن ما بسر می برد.

آیا تاکنون جامعه بشری و مسلمانان و حتی ما شیعیان به سراغ این طبیب رفته ایم؟

آیا از او تقاضای ظهور و شروع درمان زخمهای پیکره بشری را کرده ایم؟

آیا در یازده قرن گذشته کوچکترین خبری از او گرفته ایم؟

چرا به ندای عقل که هر روز با دیدن هزاران درد و جنایت و بدی در میان انسانها

امام جواد علیه السلام :

«حضرت قائم علیه السلام وقتی قیام فرماید اطاعت هیچکس بر گردن او نمی باشد».

(همه افراد بشر را از شرّ ظالمین رهائی خواهد بخشید).

فریادش بلند می شود که برای رهایی این انسان از چنگال ظالمین کاری بکنید و ظهور مصلح کل را از خدا بخواهید پاسخی نمی دهیم؟

تاکی جوامعی که خود را مترقی حساب کرده و به مجرد آنکه یک انسان معمولی گم می شود در روزنامه ها و رسانه های وسیع عکس او را چاپ و از او جستجو می نمایند می خواهند از گم شده انسانیت و عدالت که صدها سال فراموش گشته بی خبر باشند. آیا جهان امروز نمی خواهد روی صلح و عدالت را بخود ببیند؟ یا ظالمین و ریاست طلبان که ظهور منجی عالم بشریت را به صلاح دنیای پست و ظالمانه خود ندیده و ثروت و ریاست ظالمانه را از دست می دهند کوشش می کنند به حيله های گوناگون و با سخنان تردید برانگیز او را به فراموشی بسپارند.

آیا مسئولین کلیه کشورهای جهان و اندیشمندان و مجامع بین المللی در پیشگاه الهی چه پاسخی خواهند داشت که بیش از یازده قرن منجی عالم بشریت را در میان خود داشتند ولی او را نخواستند.

آیا صرف اینکه بگویند مسلمانها این اعتقاد را داشتند کافی است که از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کنند؟

آیا اگر بعضی از مسلمانها بگویند : هروقت خدا بخواهد آن حضرت ظهور می فرماید و ما هیچ نقشی در آن نمی توانیم داشته باشیم می توانند با این سخن از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمایند و برای مقدمات ظهور آن حضرت تلاش ننمایند؟

آیا هر انسانی امروز در پیشگاه خدا و عقل خود مسئول نیست که چرا نجات دهنده بشر را نشناخته و جستجو و تحقیقی از او ننموده است؟

چرا اندیشمندان و مجامع مختلف بین المللی که خود را طالب سعادت انسانها می دانند در صدد تشکیل کنفرانسهای جهانی برای شناخت منجی عالم بشریت

عن الصادق عليه السلام :

«إذا قام القائم المهدي لا يبق ارض الا نودی فيها شهادة ان لا اله الا الله و
ان محمداً رسول الله»^{۲۰۵}

برنمی آیند؟

«تکانی به شیعیان»

یکی از عنایات حضرت ولی عصر ارواحناده، تذکراتی است که آن حضرت به شیعیان داده‌اند.

البته اینکه شیعیان را ما بجای مردم جهان ذکر می‌کنیم بدان جهت است که آنان حضور امام عصر و منجی عالم بشریت را در میان خود بطور زنده و حاضر باور دارند و از طرفی خود را پیرو آن حضرت می‌دانند و اگر همه مردم جهان به این نکات توجه نمایند آنها هم مورد خطاب خواهند بود.

تذکرات آن حضرت در طول حدود هزار و صد و پنجاه سال گذشته حاکی از این نکته بوده که چرا شیعیان حرکتی نمی‌کنند و ظهور آن حضرت را از خداوند طلب نمی‌نمایند. تقاضائی یکپارچه و با حقیقت چنانکه تشنه‌ای در حال عطش شدید آب را می‌طلبد.

یکی از آن تکانیها نامه آن حضرت بود که در صفحات قبل ذکر نمودیم که در آن، حضرت ولی عصر ارواحناده بی‌توجهی و بی‌وفائی عمومی شیعیان از امام خود را عامل محرومیت از دیدارشان ذکر فرمودند.

از این تذکر نتیجه گرفته می‌شود که اگر شیعیان دریاری آن حضرت و تقاضای ظهور مقدسش یکپارچه شوند و انقلابی بزرگتر و عمیق‌تر در بُعد فرهنگی و جهت شناخت آن حضرت در کشور جمهوری اسلامی ایران و شناساندن امام عصر ارواحناده به جهان خارج انجام دهند ظهور آن حضرت به سرعت تحقق خواهد یافت.

یکپارچگی شیعیان در توجه به حضرت بقیه الله ارواحناده رمز ظهور و فرج است.

امام صادق علیه السلام :

«وقتی که حضرت قائم مهدی علیه السلام قیام فرماید هیچ نقطه‌ای از کره زمین باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آن به لا اله الا الله و محمد رسول الله شهادت داده خواهد شد».

رمزی که خود حضرت ولی عصر علیه السلام در جملات این نامه به آن اشاره فرمودند و آیه شریفه (ان الله لا یغیر ما بقوم...) نیز همانرا تاکید می‌فرماید.

و این رسانه‌های ما همچون رادیو و تلویزیون هستند که می‌توانند توجه عمومی مردم را به سرعت به سوی یک نقطه جلب نمایند کما اینکه مردم نیز باید میل به آن نقطه داشته باشند.

مثلاً در مسابقات فوتبال (جام جهانی) توجه و میل مردم و از سوی دیگر تلاش رسانه‌های عمومی دست به دست هم داده موجی عظیم در میلیون‌ها نفر برآوردند که تا نیمه‌های شب مشتاقانه مسابقات را تماشا و برای پیروزی تیم مورد علاقه خود دعا می‌کردند، اگر همین مقدار توجه و میل به ظهور آن حضرت در میان ما دیده می‌شد موجب ظهور آن بزرگوار می‌گردید. (این را به عنوان یک مثال گفتیم).

حال اگر چنین توجهی از سوی مردم و رسانه‌ها به مهمترین و حیاتی‌ترین مسأله امروز زندگی یعنی پایان ظلم و ستم و نجات جامعه بشری و پایان زندگی غریبانه عزیزترین شخصیت عالم خلقت یعنی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه صورت می‌گرفت آه و اشک و غربت و مظلومیت و احساس تنهایی بر چهره مبارک آن حضرت و دوستانش نقش نمی‌بست و با همین مختصر توجه و حرکت مردم، آری با همین مختصر حرکت یکپارچه آنان، عظیم‌ترین حادثه عالم خلقت یعنی ظهور منجی جهان بشریت صورت می‌گرفت چرا که خداوند متعال منتظر یک حرکت و جرقه از سوی مردم به سوی ظهور امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد و در چندین جای قرآن کریم فرموده است: "مردم جهان منتظر باشید که من هم منتظر هستم".^(۱) که طبق روایات نقل شده از اهل بیت

۱- قل انتظروا انا منتظرون - قرآن کریم - سورة انعام آیه ۱۵۸.

عن الامام العسكري عليه السلام :

«... اما انّ له غيبة يحار فيها الجاهلون و يهلك فيها المطلون...»^{۲۰۶}

عصمت و طهارت علیهما السلام منظور انتظار ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه می باشد.

چنانکه در کتاب " راهی بسوی نور " آورده‌ام، در قضیه ملاقات مرحوم حاج محمدعلی فشنندی تهرانی وقتی در مسجد جمکران آن حضرت را ملاقات و تقاضای دعا برای فرج امام زمان علیه السلام را می‌نماید (زیرا در هنگام ملاقات آن حضرت را نشناخته بود) امام علیه الصلاة والسلام به آقای فشنندی می‌فرمایند :

" شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند، اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد ".

البته نباید بعضی از ما شیعیان زودرنج باشیم و بگوئیم چگونه به اندازه آب خوردنی تشنه آن حضرت نیستیم زیرا ممکن است بسیاری از شیعیان خصوصاً خانواده‌های شهداء و اسراء و مفقودین این تشنگی را داشته باشند ولی آنچه مهم است تشنگی عمومی برای ظهور آن حضرت است.

«مبادا نمازمان قضا شود»

نباید فراموش کنیم که این انقلاب به عنوان وضوئی برای نماز ظهور گرفته شده و نباید مانند مسلمانی که پس از اذان صبح برخواسته و وضو گرفته و قبل از خواندن نماز چرتی زده باشیم که این خواب‌آلودگی موجب فرو رفتن در خواب غفلتی می‌شود که ناگهان متوجه می‌شویم خورشید جمال دلربای حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه از افق غیبت به درآمده و از قافله عقب مانده‌ایم و نمازمان قضا شده و شرمنده آن حضرت شده‌ایم.

آنگاه است که آن حضرت چون پدری مهربان به ما خواهند فرمود من شما را برای نماز صبح بیدار کردم (انقلاب اسلامی پیروز شده و من آنهمه عنایت به شما کردم و با

امام حسن عسکری علیه السلام :
«برای منجی آخرالزمان حضرت مهدی علیه السلام غیبتی است که جاهلان (آنانکه با معارف خاندان عصمت علیهم السلام آشنا نیستند) در آن سرگردان شده و اشخاص باطل پسند در آن هلاک می شوند».

دعاها و توجهات خود به سوی شما نگذاشتم دشمنان شما را نابود کنند) ولی شما مرا فراموش کردید و مجدداً به خواب غفلت به شکلی دیگر فرو رفتید و به یکباره شاهد ظهور ناگهانی من شدید.

پس بیدار باشیم و با همین وضوئی که گرفته ایم، نماز توجه به سوی آن حضرت را شکل دهیم و به ظهور مقدّسش سرعت بخشیم و همانطور که حضرت امام خمینی ره و همه اولیاء خدا آرزو داشته و دارند مقدمات فرج آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم نمائیم. ان شاء الله.

«پرشدن پیمانه»

دوّمین سبب برای ظهور منجی آخرالزمان، در صورتیکه سبب اوّل دیده نشد، یعنی مردم خواستار ظهور آن حضرت نشدند، آن است که پیمانه زمان غیبت پرشود و تا زمانی که خداوند مصلحت می داند، امر فرج را به تأخیر اندازد مانند کلاسی که دانش آموزان به شدّت با یکدیگر دعوا کرده و با هم زدوخورد می کنند و حتّی معلّم خود را نیز در این بین مورد ضرب و شتم قرار داده و او مجبور شده است در کناری بایستد و حتّی خود را از دسترس آنان دور نماید تا آسیبی به او نرسانند.

از طرفی، مدیریت مدرسه دانش آموزان را نصیحت می کند و به آنان می گوید سرجای خود بنشینید و آماده فراگیری دروس شوید و چنانچه چند مرتبه دیگر به شما تذکر دادیم و ترتیب اثر ندادید، خودمان وارد عمل شده و کلاس را آرام خواهیم کرد ولی کوشش ما بر این است که تا جائیکه ممکن است شما را بالاجبار به آنچه می خواهیم وارد نکنیم زیرا این مدرسه برای آن است که شما شخصیت انسانی خود را نشان دهید.

دعاء النذبة :

«و اقم نعمتك بتقدیمک ایاه امامنا» ۲۰۷

آری، این مثال، مثل ما مردم کره زمین است که خداوند به وسیله انبیاء علیهم السلام بارها و بارها خواسته است ما را آرام کند تا درس انسانیت و اخلاق انسانی را از معلمین خود فراگیریم ولی ما تاکنون چنین اجازه‌ای به معلمین خود نداده و مرتب به سر و روی یکدیگر زده و اجتماع بزرگ خود را بهم ریخته و آرامش را از کلاس برده‌ایم کلاسی که باید از زمان آخرین فرستاده الهی حضرت محمد بن عبدالله ﷺ کارش با آرامش آغاز می‌شد و معلمین بزرگ اخلاق یعنی جانشینان آن حضرت تا روز قیامت تمامی انسانها را روانه بهشت می‌نمودند.

بهر حال انتظار خداوند هم حدی دارد و آنگاه که ببیند مردم کره زمین آرام نمی‌گیرند و خواستار ظهور منجی الهی خود نمی‌شوند و نزدیک است جز فساد چیزی در زمین دیده نشود، به ناگهان وارد عمل شده و کلاس را آرام و منجی بشر را ظاهر خواهد نمود.

ولی اینکه آن لحظه و روز چه زمانی است بهیچ وجه مشخص نبوده و تنها خداوند می‌داند که چه روزی پیمانۀ فساد پر و لحظه فرج باید آغاز گردد که دشمنان حق بهمین جهت یعنی به جهت نامعلوم بودن لحظه ظهور از آن هراسانند.

لذا در قرآن کریم و روایات خاندان عصمت و طهارت، لحظه ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به "شهاب ثاقب" (یعنی شهاب سنگی که به ناگهان آسمانی که تابحال آرام بوده و انتظار دیده شدن شهاب در آن نمی‌رفت را می‌شکافد) تشبیه شده است.

آری، آنگاه که مردم از امام زمان علیهما السلام غافلند و به او توجهی نداشته سرگرم زندگی دنیای زودگذر هستند، امام عصر ارواحنا فداه به ناگاه مانند شهاب سنگ تیرگی عصر غیبت را می‌شکافد و ظهور می‌فرماید و به بساط ظلم و ستم برای همیشه پایان می‌دهد. در پایان خلاصه‌ای از بحث مقدمات فرج را تقدیم شما خوانندگان محترم نموده و پس از آن شاخه‌های هفتگانه‌اش را بطور فشرده توضیح خواهیم داد.

دعای ندبه :

«خدایا نعمت خود را بر ما با رهبری و امامت حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداه تمام نما».

«مقدمات فرج» یا «حکومت واحد جهانی»

الف : مقدمات قدیم

۱- مقدماتی که از عصر حضرت آدم تا بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله انجام شده است. (توضیح ۱).

۲- مقدماتی که از شروع بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا شروع غیبت امام زمان علیه السلام صورت گرفته است. (توضیح شماره ۲).

۳- مقدماتی که از شروع غیبت تا عصر حاضر تحقق یافته است. (توضیح شماره ۳).

ب : مقدمات جدید

۱- مقدماتی که در همه جهان تحقق یافته. (توضیح شماره ۴).

۲- مقدماتی که در ایران اسلامی واقع شده است. (توضیح شماره ۵).

الف :

مقدماتی که
خداوند آنرا
انجام داده
است

ب :

مقدماتی که
ما باید
انجام دهیم

۱- آنچه بر عهده جامعه بین المللی است. (توضیح شماره ۶).
۲- آنچه بر عهده شیعیان است. (توضیح شماره ۷).

زیارت صاحب الامر علیه السلام :

«اشهد ان بولايتک تقبل الاعمال و تزکی الافعال».^{۲۰۸}

تذکر: لازم به ذکر است مطالبی که در متن بحث «مقدمات فرج» عنوان شده است گاهی چند شاخه آن بصورت یکجا و در یک بحث غیر مجزا بیان گردیده است.

توضیحات:

(توضیح ۱) این مقدمات بطور خلاصه عبارتند است از:

- ۱- فرستادن ۱۲۴ هزار پیامبر.
- ۲- تلاش مستمر آنان و جانشینانشان و حمایت مردمی که به آنان گرویدند و جنگهایی که در این راه کردند.
- ۳- تبلیغات فرهنگی آنان برای ایجاد رشد فکری و آماده سازی جامعه بشری جهت تشریف فرمائی پیامبر مکرّم اسلام و تحقق حکومت واحد جهانی به دست فرزند بزرگوار آن حضرت.

(توضیح ۲) مقدمات حکومت واحد جهانی در این برهه عبارتند از:

- ۱- تلاش ۲۳ ساله و مستمر پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله تا حدی که فرمود: «هیچ پیامبری مانند من اذیت نشد» که این تلاش برای استقرار یک حکومت مرکزی به رهبری اهل بیت آن حضرت بود تا به تدریج کشورهای دیگر منطقه و جهان را تحت تأثیر فرهنگی خود قرار دهد و اسلام را جهانی نماید (اگر حکومت اسلامی را از دست خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، خارج نسازند).
- ۲- تلاش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی آن حضرت و زنده نگه داشتن دین و رهبری علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، سپس شهادت

زیارت امام عصر علیه السلام :

«یا صاحب الزمان، شهادت می‌دهم که با پذیرش ولایت شما، اعمال عبادی و غیرعبادی انسان قبول و کارهای انسان خالص و پاکیزه می‌شود».

مظلومانه آن حضرت.

۳- تلاش مستمر امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام چه در دوران خانه نشینی ۲۵ ساله و خون دل خوردن آن حضرت و چه پس از آن در جنگ با غده‌های سرطانی و ارائه الگوی حکومت اسلامی در مدت کوتاه خلافت. و سپس شهادت آن حضرت و زنده نگه داشتن دین.

۴- تلاش ده امام معصوم پس از آن حضرت و شهادت یکایک آنان در این راه تا رشد فکری لازم در مردم ایجاد شود و آماده قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گردند. چنانچه آنان موفق می‌شدند (یعنی مردم دارای رشد فکری لازم می‌بودند) اینکار یعنی قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در همان موقع یعنی حدود قرن سوم انجام می‌شد و الا زمینه این حکومت واحد جهانی بصورت آتش زیر خاکستر در زیر خاکسترهای جهل مخفی می‌ماند (که همینطور شد) تا در قرون آینده مردمی به دنیا آیند که پذیرش حق و حقیقت را داشته باشند.

(توضیح ۳)

در عصر غیبت پیوسته علماء تربیت شده اهل بیت عصمت علیهم السلام اسلام را برای تحویل به نسلهای بعدی بصورت ناب و خالص زنده نگه می‌داشتند و تا می‌توانستند مردم را برای ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آماده و آنان را چشم انتظار نگه می‌داشتند زیرا هر روز ممکن بود آن حضرت قیام بفرمایند و این قیام بستگی به آمادگی مردم داشت و خداوند متعال نیز دوست نداشت حتی یکروز ظهور آن حضرت عقب بیفتد.

مهمترین کاری که در طول زمان غیبت کبری در رابطه با مقدمات فرج انجام شد

زیارت صاحب الأمر علیه السلام :

«... ولا اتحیر مع جهلک و جهل بک»^{۲۰۹}

همین حفظ روحیه مردم شیعه و آمادگی آنان برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فدا بود مانند سربازانی که در حالت آماده باش چندین سال باقی بمانند و اگر چنین نبود شیعیان ایران انقلابی شکوهمند براساس نام حضرت مهدی ارواحنا فدا و یاری دین شکل نمی دادند و انگیزه‌ای برای اینهمه فداکاری و تقدیم شهدا نداشتند جز زنده نگه داشتن اسلام ناب و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فدا.

(توضیح ۴)

خداوند در عصر حاضر دریچه‌ای کوچک از اقیانوس علم را به زندگی بشر باز کرد تا:
الف: بشر قدر علم و ارزش آنرا بداند و مانند مردم زمان ائمه اطهار علیهم السلام نباشد که برای علوم بی‌کران امامان معصوم علیهم السلام ارزشی قائل نبودند.
ب: انسانها قدر پاکی و عصمت را بدانند و به این حقیقت واقف گردند که اگر علم به دست نامحرمان و افراد غیر صالح قرار گیرد جز فساد چیزی ببار نمی‌آورد.
ج: نتیجه دو مطلب فوق آن است که زمینه رشد فکری در مردم پدید می‌آید که جهان نیاز به رهبری معصوم و عالم بهمه حقایق و متصل به پروردگار دارد تا روی صلح و امنیت و سعادت را ببیند.

(توضیح ۵)

مقدمات فرج در ایران اسلامی که از سوی خداوند به شیعیان ایران عنایت شده وقوع انقلاب اسلامی و مقدّسی است که بطور خودجوش و با امدادهای غیبی و موجی از یاری نیروهای پشت‌پرده (یعنی ملائکه)، مردم ایران را بسوی حفظ اسلام و نام مقدّس امام زمان علیه السلام سوق داد.

زیارت امام عصر علیه السلام :

«یا صاحب الزّمان، من با اعتقاد عمیقی شما را پذیرفته‌ام و در اثر معاشرت با آنانکه شما را نمی‌شناسند و معرفتی بوجود مقدّستان ندارند دچار سرگشتگی و تحیر نمی‌شوم».

وقوع این انقلاب شکوهمند زمینه‌های لازم را در آنان ایجاد کرد که بتوانند منجی عالم بشریت را با بیداری و فداکاریهای خود به جهانیان معرفی نمایند و این مانند آن است که خداوند بلندگوئی پر قدرت به شیعیان ایران داده است و آن بلندگو، یک کشور پهناور با همه امکانات تبلیغی، فرهنگی و غیره است تا صدای مظلومیت اهل بیت عصمت علیهم السلام را به گوش جهانیان رسانده و مجامع عمومی و افکار عمومی جهان را با منجی خویش آشنا نمایند.

(توضیح ۶)

آنچه جامعه بین‌المللی باید برای ایجاد حکومت واحد جهانی انجام دهد آن است که با منجی آخر الزّمان که همه ادیان او را برای نجات بشر معرفی نموده‌اند آشنا شود، او را بشناسد، در باره ظهورش سخن بگوید و سایر مسائل مربوط به آن حضرت را در نشستهای بین‌المللی و گفتگوی دانشمندان مختلف مسلمان، مسیحی و مذاهب دیگر بررسی نماید زیرا اکنون جامعه بین‌المللی عطش شدیدی به شناخت رهبری معصوم که صلح و عدالت را در جهان برقرار نماید داشته و از انفجارات هسته‌ای که حیات بشر را تهدید می‌کند به شدت نگران است.

(توضیح ۷)

آنچه شیعیان خصوصاً شیعیان ایران باید برای تسریع در امر فرج انجام دهند همان چیزی است که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه از هزار سال پیش در نامه به شیخ مفید رحمه الله از آنان خواسته‌اند که یکپارچه شده تمام امکانات فکری، فرهنگی، تبلیغاتی، سیاسی خصوصاً دعا‌های خالصانه خود را جهت وفای عهد خود با آن حضرت بکار گیرند و

زیارت صاحب الامر علیه السلام :

«السلام علیک یا حافظ اسرار رب العالمین».^{۲۱۰}
«سلام بر شما یا صاحب الزمان ای حافظ اسرار پروردگار جهان».

باور کنند که اگر مانند تشنه‌ای که آب را می‌طلبد، ظهور آن حضرت را بخواهند ایشان ظهور خواهند فرمود.

شیعیان ایران پس از انقلاب اسلامی دیگر عذری ندارند اگر آن حضرت را فراموش نمایند و امکانات خود را برای حضرتش بکار نگیرند (توضیحات لازم در این باره را در طول این کتاب و کتاب راهی بسوی نور بطور مشروح عنوان نموده‌ایم).

قسمت پانزدهم :

حکومت در عصر غیبت

«بارالها، تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به
حکومت اسلامی در کشور ولی الله الأعظم ارواحنا المقدمه الفدا تحوّل
یابد».

صحیفه نور ج ۱۸ ص ۱۳

دعایندبة :

«بابی انت و امی و نفسی... یابن العلوم الکاملة».^(۱)

حضرت امام قزوینی بر تشکیل حکومت در زمان غیبت تاکید داشته و می فرمودند :

- "... بارالها! تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به خرداد حکومت

اسلامی در کشور ولی الله الأعظم ارواحنا المقدمه الفداء تحول یابد " .^(۱)

- " خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی

(جمهوری اسلامی) را به سر منزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت،

حضرت مهدی موعود ارواحنا المقدمه الفداء رد کنیم " .^(۲)

- " ما در انتظار رؤیت خورشیدیم " .^(۳)

۱- صحیفه نوری ۱۸ - ص ۱۳ - تاریخ ۶۲/۳/۱۵ ۲- صحیفه نوری ۱۹ - ص ۱۱ - تاریخ ۶۳/۳/۷

۳- صحیفه نوری ۲۰ - ص ۵۹ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶

دعای ندبه :

«جانم و پدرم و مادرم بفدایت یا صاحب الزمان ای فرزند تمامی علوم الهی و حقایق عالم هستی».

... زندگی سیدالشهداء علیه السلام، زندگی حضرت صاحب سلام الله علیه زندگی همه

انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا، همه شان این معنا بوده است که در

مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند". (۱)

- "یک دسته دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق

بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند،

آنهايي که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر

این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است.

آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات که هر

کس علم بلند کند علم مهدی، به عنوان مهدویت بلند کند. حالا ما فرض

می کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که ما تکلیفمان

دیگر ساقط است ؛ یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا

که ما دیگر معصیت نکنیم / تا پیغمبر بیاید / تا حضرت صاحب بیاید!

حضرت صاحب که تشریف می آورند برای چی می آیند؟ برای اینکه گسترش

عن مولانا صاحب الزمان أنه قال أبوه صلوات الله عليه :
«و اعلم ان قلوب اهل الطاعة و الاخلاص تُزَع اليك مثل الطير اذا أُمّت او كارها»^{۲۱۲}

بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند، حضرت بیایند چه می کنند؟ حضرت می آیند می خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد! به حسب رأی این جمعیت که بعضی شان بازیگرند و بعضی شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام، هرکسی نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است، برای اینکه حضرت دیر می آیند! و هرکسی دعا کند به صدام / این / برای اینکه این فساد زیاد می کند، ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنابشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد، حضرت می خواهند همین را برش دارند.

امام عصر علیه السلام : پدرم بمن فرمود :
«فرزندم بدان که دل‌های مردم با اخلاص و مطیع پروردگار مانند پرنده‌هائی که با اشتیاق
تمام بسوی خانه خود در پروازند بسوی تو کشیده شده است».

ما اگر دستان می‌رسید قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم و جورها را از
عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم؛ اینی که هست این
است که حضرت عالم را پرمی‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این
تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید. ما تکلیف داریم که، اینی که
می‌گوید حکومت لازم نیست معنایش این است که هرج و مرج باشد.
اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن
طور فساد پرمی‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنی که می‌گوید
حکومت نباشد معنایش این است که هرج و مرج بشود، همه هم را بکشند،
همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای
اینکه رفع کند این را.

این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست
سیاستی این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته
باشیم، آنها بیایند هرکاری بخواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی
باشد. اما مسأله این است که دست سیاست در کار بوده. همان طوری که تزریق
کرده بودند به ملت‌ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار

عن الصادق عليه السلام :

«طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطعين له في ظهوره».^{۲۱۲}

شماها نیست بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است بدهید به دست امپراطورها. خوب! آنها از خدا می خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذتاب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد! این یک حرف ابلهانه است منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص کافر را، اینها را بازی دادند و گفتند شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید در مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید چه کار دارید به این کارها.

اینهایی که می گویند که هر علمی بلند شود / و هر حکومتی / خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است، اینها نمی فهمند چی دارند می گویند. اینها تزریق کردند بهشان که این حرفها را بزنند، نمی دانند دارند چی چی می گویند. حکومت نبودن یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتیم، همه را به

امام صادق علیه السلام :

«خوشا بحال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت آن حضرت پیوسته چشم انتظار ظهورش بوده و در هنگام ظهورش کاملاً مطیع او هستند».

دیوار می‌زدیم برای اینکه خلاف آیات قرآن است.

اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد، این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهمها نمی‌دانند دارند چی می‌گویند، هر حکومتی باشد حکومت چیز است. بلکه شنیدم بعضی از اشخاص گفته‌اند که خوب با این وضعی که هست، الآن در ایران هست، دیگر ما نباید تہذیب اخلاق بکنیم / دیگر / غلط است این حرفها، چیزی نیست دیگر حالا، حتماً باید استاد اخلاق در یک محیطی باشد که همه مردم فاسدند! شراب خانه‌ها همه بازند و (عرض می‌کنم که) جاهای فساد همه بازند! اگر یک جایی باشد که خوب باشد، آنجا دیگر تہذیب اخلاق لازم نیست! نمی‌شود! باطل است! اینها یک چیزهایی است که... اگر دست سیاست در کار نبود ابلهانه بود، لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند، آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند.

حالا البته این پرکردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم تکلیفمان است.

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم :

«إلا أنه يسم كل ذي فضل بفضله و كل ذي جهل بجهله».^{۲۱۴}

قرآن و / ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی توانیم بکنیم، چون نمی توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه .

در هر صورت این مصیبت‌هایی است که به مسلمانها وارد شده است و سیاست‌های خارجی دامن بهش زدند برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین و باورشان هم آمده است خلیها، شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت. و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب باطل است؛ یعنی هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید.

ان شاء الله خداوند اصلاح کند اینها را و امیدواریم که خداوند این روز را بر همه ما، بر همه شما مبارک کند و دست ظالمها را کوتاه کند و قدرت بدهد به ملت‌های مظلوم برای سرکوب کردن این ظالمها".^(۱)

رسول خدا ﷺ در غدیر خم:
«آگاه باشید حضرت مهدی علیه السلام آن رهبری است که هرکس را به ارزشی که دارد
می خواند و هر بی ارزشی را در جای خودش، نه بیشتر، قرار می دهد».

«شرایط رهبر جامعه اسلامی در عصر غیبت»

امام امت در باره جانشینان پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

- پیغمبر اکرم ﷺ که از دنیا می خواست تشریف برد تعیین جانشین و جانشین ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین ها تعیین امام امت را هم کردند به طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند. برای آنها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند، تا ائمه هدی علیهم السلام بودند آنها بودند و بعد فقها، آنهایی که متعهدند، آنهایی که اسلام شناسند. آنهایی که زهد دارند، زاهدند، آنهایی که اعراض از دنیا دارند. آنهایی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند. آنهایی که دلسوز برای ملت، آنهایی که ملت را مثل فرزندان خودشان می دانند آنها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت^(۱).

«حکومت در عصر غیبت»

مسأله تشکیل حکومت اسلامی از مهمترین برنامه های حرکت و زندگی امام راحل قدس سره بود. ایشان چنانکه در سخنان خود اشاره فرموده اند معتقدند که باید در

۱- صحیفه نور ج ۱۰ - ص ۱۷۴ تاریخ ۵۸/۸/۸

قال رسول الله ﷺ في غدیر خم:

«إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشَّرْكِ إِلَّا أَنَّهُ مَدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».^{۲۱۵}

زمان خانه نشینی و غیبت امام عصر ارواحنا فداه حکومت به دست نائبان آن حضرت یعنی فقهاء جامع الشرايط و در نهایت با انتخاب فقهاء صاحب نظر، در دست یک فقیه عادل (و از هر جهت خصوصاً جهات سیاسی شایسته)، قرار گیرد تا با افتادن حکومت در دست افراد غیر شایسته و نا آشنا و غیر متخصص در مسائل دینی که خود را از صفات رذیله تزکیه نکرده اند جامعه به هرج و مرج و فساد بیشتری دچار نشود. منظور از اینکه بواسطه حکومت ولی فقیه، جامعه دچار فساد بیشتری نشود آن است که جامعه عصر غیبت دچار مهمترین فساد یعنی محرومیت از رهبری امام معصوم می باشد بنابراین تا لحظه پایان این محرومیت، می بایست از رهبری ولی فقیه که از لحاظ صفات روحی و اخلاقی به حجت خدا نزدیکتر است، بهره مند گردد تا بطور کلی مردم از نور الهی محروم نگردند که بهترین مثال برای بیان این حقیقت آن است که بگوئیم اگر مردم از نور خورشید محروم بودند نباید بطور کلی در تاریکی بمانند و لازم است نورافکنی فضای زندگی آنانرا روشن کند که آن نورافکن مثل فقیه شایسته و دارای صفات انسانی و خورشید مثل وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه است. برای ریشه یابی و بیان اعتقادمان در این مسأله بسیار مهم، لازم می دانیم حقایق زیر را مطرح نموده و براساس آن به نتیجه مطلوب برسیم.

«حق حاکمیت از آن علم و پاکی است»

حکومت یعنی اجرای حکم و برنامه ای خاص بر فرد یا اجتماع. هر انسان عاقلی به فطرت و عقل خویش مراجعه نماید به روشنی درمی یابد که حکومت و حاکمیت از آن علم و پاکی است. علم بازکننده هر قفل بوده و اجرای صحیح هر کاری را می آموزد و پاکی ضامن

رسول خدا ﷺ در غدیر خم :
«ای مردم بدانید حضرت مهدی علیه السلام با تمام گروههایی که برای خداوند شریک قرار داده و تسلیم امر خداوند نمی شوند خواهد جنگید (تا تسلیم حق شوند) و همه خونهایی که از دوستان خدا به زمین ریخته شده را باز خواهد ستاند».

تحقق علم و عدم فساد آن است.

حال، چه کسی علمش بی نهایت و پاکی و عصمتش بی منتهاست، این قضاوتی است بر عهده عقل و فطرت هر انسانی که بدون دخالت دادن هواهای نفسانی به حکومت «عالمترین و پاکترین» گردن نهد و منافع شهوانی و لذا ید نفسانی و خودخواهی خویش را با گردن نهادن بر حکومت «عالمترین و پاکترین» در خطر نبیند.

همه می دانیم که علم و قدرت بی نهایت، از آن خداست و او بی نیاز و منزله از هر زشتی است.

بهمین جهت او حاکم مطلق بر تمام مخلوقات می باشد.
حضرت موسی و هارون علیهما السلام وقتی خداوند را به فرعون معرفی نمودند به او گفتند:

”ربنا الذی اعطى کل شی خلقه ثم هدی“^(۱)

یعنی : ”پروردگارمان آن کسی است که هرچیز را آنچه شایسته خلقتش بوده به او عنایت فرموده و سپس او را بسوی کمال و حق هدایت می نماید.”

عقل هیچ عاقلی در این مطلب تردید ندارد که :

”ان الحكم الا الله امر ان لا تعبدوا الا اياه“^(۲)

یعنی : ”حقیقت آن است که فرماندهی و حکومت از آن خداست (که علم و

عن رسول الله ﷺ :
«يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ لَوْ سَتَقَبَلَتْهُ الْجِبَالُ لَهَدَمَهَا وَاتَّخَذَ فِيهَا طَرَقًا».^{۲۱۶}

قدرت و پاکی بی نهایت است) لذا فرمان داده که جز او کسی را بطور مطلق و بی قید و شرط اطاعت نکنید."

مخلوقات پروردگار یعنی تمام جهان هستی، چه بخواهند چه نخواهند تحت قدرت بی نهایت پروردگار قرار دارند و کسی جز او شایستگی حکومت بر آنانرا ندارد و چه کسی جز او می تواند شایستگی داشته باشد در حالیکه علم بی نهایت و قدرت بی نهایت و حق و حقیقت و عدالت مربوط به آن ذات مقدس است.

اگر کسی این حقیقت را نمی پذیرد به زیر آسمان و در روی زمینی که خدا خلق نکرده باشد رفته و هوایی را که خدا خلق نکرده باشد تنفس کند و آنجا هرچه خواست حکومت نماید و البته بدنی که مخلوق خدا نباشد نیز داشته باشد و هرچه خواست با آن گناه کند.

آیا انسانی که حتی نمی تواند بر یک سلول از میلیاردها سلول بدن خود حکومت کند و آنرا تغییر دهد چگونه مدعی است که آزاد است هرکاری خواست بکند و حکومت خدا بر خود را نپذیرد.

آیا این جز صفت زشت عناد و گردنکشی و تکبر و زورگوئی چیز دیگری است؟، زورگویان جز خرد کردن خود راه بجائی نمی برند.

آیا انسانی که از احترام و ارزش عنایت شده از سوی خداوند که او را آزاد آفریده تا با شعور و رشد فکری خودش حق را بپذیرد سوءاستفاده نموده و حتی با خدای خود به مقابله و مبارزه برمی خیزد و تنها خود را لایق هیزماه های جهنمی می نماید، نباید به شخصیت خود احترام گذاشته و نفس خود را بشناسد و بداند تنها چیزی که او را ارزشمند می کند بروز صفات نیک در اوست؟

رسول خدا ﷺ :

«مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام از مشرق زمین برخواهد خواست که اگر کوهها به استقبال او بیایند آنها را کنار زده و برای خود راه عبور خواهد گشود».

انسانی که حکومت علم بی‌نهایت پروردگار را بر خود نمی‌پذیرد، به غیر علم یعنی جهل اجازه حکومت بر خود را داده و هواهای نفسانی جاهلانه را بر خود و دیگران حاکم می‌نماید و این تبدیل بسیار بدی است زیرا علم را با جهل و خوبی را با بدی تعویض نموده است.

«با کدام حکومت زندگی سعادتمندانه بوجود می‌آید؟»

با نگاهی مختصر به زندگی جانداران و سایر مخلوقات الهی (به جز انسان) در می‌یابیم زندگی بدون فساد و سرشار از صلح و نیکی بواسطه اجرای قوانین خالق جهان به دست می‌آید.

هرجا که دستورات پروردگار به اجرای درآمده و دست غیرخدا در آن دخالت ننموده، خوبی و صفا و دوری از فساد در آن به چشم می‌خورد ولی به مجرد آنکه غیرخدا یعنی انسانها با خواسته‌های شخصی خود در امور جهان دخالت نموده‌اند فساد و بی‌نظمی به وجود آمده است.

اکنون در تمام جهان هستی تنها زندگی ما انسانهاست که به فساد و تباهی کشیده شده، زیرا قانون الهی در آن اجرا نمی‌شود.

شما تصوّر کنید اگر خداوند متعال به انسانها بیش از مقدار کنونی میدان بدهد و آنانرا در برهم زدن نظم آزاد بگذارد چه فجایی بیار خواهد آمد مثلاً اگر حرکت اتم و یا زندگی سلولها و یا حرکت کهکشانها را در اختیار انسان بگذارد چه فسادى در عالم بوجود خواهد آمد؟

«حقّ خداوند»

این حقّ مسلمّ خداوند، خالق جهان است که براساس علم بی‌نهایت، مخلوق خود

عن رسول الله ﷺ :

«يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطُونُ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ».^{۲۱۷}

را هدایت و رهبری می نماید.

این حقّ مسلم، در تمامی عالم به جز عالم انسانها و جنّ اجرا شده و خداوند به علم مطلق خود بر آنها حکومت می نماید.

اکنون از شما می پرسیم آیا می توان بجای علم، غیر علم که جز جهل و احتمال چیزی نیست را در عالم اجرا نمود؟

آیا راهنمایی خداوند توسط انبیاء و جانشینانشان همان حکومت علم بر جهان نیست؟

آیا اگر خداوند این حقّ خود را به اشخاص غیر عالم و نادان بدهد به جهانیان ظلم ننموده است؟ مثل آنکه حکومت یک شهر را به دست طفل خردسالی که فقط اسباب بازیهایش را دوست دارد بدهند و ما انسانهایی که نه علم حقیقی و بیکران پروردگار را در اختیار داریم و نه از خطا معصوم هستیم چگونه و به چه مجوزی به خود حق می دهیم بر زمین حکومت نمائیم؟ و این حکومت مگر جز حکومت جهل چیز دیگری است؟

اکنون این سؤال پیش می آید که چرا خداوند انسانها را آزاد گذاشت تا بر زمین حکومت نمایند و آیا خداوند چنین چیزی را می پسندد؟

«آزاد بودیم تا خود را بشناسیم»

در همین چند هزار سال خصوصاً هزار و بالاخص صد سال اخیر که خداوند به انسانها آزادی داد تا خود را نشان دهند و خود را بهتر بشناسند که بدون دانستن رمز صلح و عدالت نمی توان به این دو هدف دست یافت.

او انسانها را آزاد گذاشت تا تجربه نمایند پیروی از کدام قانون و خواسته، صلح و

رسول خدا ﷺ :
«مردمی از مشرق بپا خواهند خواست و زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ خواهند شد».

صفا و زندگی را به ارمغان خواهد آورد.

لذا همه دیدند که پیروی از خواسته‌های دل (انسان یا شیطان) نتیجه‌ای جز جنگ و فقر و مرض و انفجارات اتمی و نابودی دهها میلیون نفر در مدتی کوتاه و... و از همه مهمتر دوری انسان از لباس انسانیت و صفات شایسته یک انسان و فرو رفتن در گرداب شهوات و حیوانیت ببار نیاورده است.

جامعه بشری در آغاز هزاره سوم میلادی باید به این نتیجه برسد یا رسیده است که تنها یک قانون و آن قانون عدل الهی باید بر کره زمین اجرا شود و مجری آن هم باید همان منجی آخر الزمان که همه انبیاء نوید ظهورش را داده‌اند باشد چرا که او معصوم از خطاست و خداوند او را از همه چیز آگاه نموده است.

«یک نکته»

نکته‌ای که باید متذکر شویم این است که در زمان ما مرسوم شده روشنفکران و آزادی‌خواهان جوامع بشری شعار حکومت مردم بر مردم را مورد توجه خود قرار داده و آنرا راه حلی برای رهایی انسان قلمداد نموده‌اند و در اکثر کشورهای جهان یا آنرا تجربه نموده یا در حال رسیدن به آن می‌باشند آیا این فکر می‌تواند راه حل صحیحی برای رسیدن به تمدن حقیقی و زندگی انسانی باشد؟

پاسخ ما آن است که این فکر در اثر فشار ظلم و دیکتاتوری ظالمین بوجود آمده و مردم، جهت رهایی از چنگال آنان از این شعار استقبال نمودند و راضی شدند حکومتی که بر جامعه آنان حاکم می‌شود حکومتی مردمی و یا حکومت مردم بر مردم باشد.

در حقیقت انگیزه اصلی استقبال از این شعار، رهایی از حکومت‌های ستمگری است

القرآن الکریم : «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب».^{۲۱۸}

عن الصادق علیه السلام : «من اقر بقیام القائم علیه السلام انه حق».^{۲۱۹}

که به خواسته مردم توجهی نکرده و آنانرا سرکوب می نمایند. باید توجه داشت که در این نوع حکومت نهایتاً یک یا چند نفر بر سرنوشت بقیه مردم مسلط شده و چند نوع عمل از آنان دیده می شود. گاهی خواسته بعضی از مردم را مورد توجه قرار داده و محور کار قرار می دهند و بقیه مردم را وادار به پذیرش آن خواسته می نمایند که این کار یعنی سرکوب خواسته عده ای بخاطر خواسته عده دیگر که طبیعتاً این نوع حکومت در حقیقت حکومت عده ای از مردم و خواسته های آنان بر مردم دیگر و کنار زدن خواسته های آنان است. و گاهی کسانی که حاکم می شوند تنها از شعار حکومت مردمی استفاده کرده و برای رسیدن به ریاست و اعمال خواسته های خود تنها به بخشی از خواسته های مردم آنها تا جائیکه جلب رضایت مردم را نمایند، عمل می کنند و در حقیقت همه چیز را وسیله رسیدن به خواسته خود قرار می دهند و در پس نقاب حکومت مردم بر مردم در حقیقت حکومت خود بر مردم را تحقق می بخشند که می توان بسیاری از حکومتها را چنین دید.

«درد اصلی از کجاشی می شود...»

عموم مردم جهان از درد بزرگی رنج می برند و آن درد حکومت های مختلفی است که تاکنون تجربه کرده و در تمامی آنها حاکمان (چه منتخب مردم و چه غیر آنان) خواسته های خود یا عده ای را بر جامعه تحمیل می نمایند و همه مردم را در فشار قرار می دهند.

جامعه بشری همه نوع مدعیان حکومت را دیده است و حتی حکومت مردم بر مردم را هم با تجربه ای عموماً تلخ که ناشی از سوءاستفاده عده ای خاص می باشد

قرآن کریم: «این قرآن هدایت است برای متقین آنانکه غیب را باور دارند».
امام صادق علیه السلام: «یعنی کسانی که به قیام حضرت قائم علیه السلام ایمان داشته و آنرا به یقین باور دارند».

پشت سر گذاشته و با چشمانی خسته به آینده‌ای مبهم می‌نگرد که عاقبت کار چه خواهد شد غافل از آنکه تنها یک نوع حکومت را فطرت و عقل انسان می‌پذیرد و استقبال آنان از شعارهای صاحبان حکومت‌های گوناگون به جهت رسیدن به آن نوع از حکومت است.

اکنون باید بگوئیم:

تنها یک نوع از حکومت باقی مانده که انسانها آنرا تجربه نکرده‌اند و یا اندکی آنرا بطور ناقص دیده‌اند.

و آن حکومت علم و پاکی بی‌نهایت یا حکومت خدا بر مردم است.

حکومت حق، حکومت عدل، حکومت قانون حقیقی، حکومت پروردگار عالم. همان حکومتی که در دل اتم عالمی پیچیده را نظم می‌دهد و میلیاردها کهکشان عظیم را با نظامی دقیق بحرکت واداشته است.

همان حکومتی که در سرانگشت میلیاردها انسان گذشته و حال و آینده نقوشی ترسیم نموده است که حتی دو نفر از آنها با سرانگشتی یکسان دیده نمی‌شوند و این خود دلیل بسیار مهمی بر وجود پروردگار مهربان و عنایت او به انسانها می‌باشد.

«نمایندگان علم و پاکی یا صاحبان حکومت حقیقی»

چنانچه به خاطر داشته باشید گفتیم حکومت مطلق از آن علم و پاکی مطلق و بی‌نهایت است و او جز خدای واحد کسی نیست.

از سوی دیگر چون انسانها فاقد دو شرط فوق می‌باشند، عقلاً حق حاکمیت از آنان سلب گشته و بر عهده خدای قادر و عزیز است که نمایندگان دارد که از علم و پاکی متصل به ذات مقدس ربوبی برخوردار بوده و به اصطلاح «به همه چیز دانا» و «از هر

عن مولانا صاحب الزمان رحمته الله :

«و ليعلموا ان الحق معنا و فينا لا يقول ذلك سوانا الا كذاب مفر».^{۲۲۰}

خطائی معصوم» باشند.

آنان برای اثبات آنکه نماینده خداوند هستند معجزاتی انجام می‌دادند که ثابت می‌کرد خداوند آنانرا به سوی مردم فرستاده است و دارای «علم و پاکی» متصل به ذات مقدس ربوبی هستند و مردم با اطاعت از آنان از یک زندگی به تمام معنی براساس علم مطلق و پاکی بی‌نهایت و در نتیجه سعادت دنیا و آخرت برخوردار می‌شوند.

لذا آنان از سوی خدا به مردم گفتند :

” تنها خداوند به تمام حقایق و خالق جهان عالم و دانا است و تنها او که علم بی‌نهایت و پاکی مطلق است شایسته اطاعت و فرمانبرداری است.

از میان خواسته خدا و خواسته دل خواسته خدا را انتخاب کنید زیرا خواسته خدا خواسته علم و حقیقت و عدل و انصاف و سعادت است ولی خواسته دل تا بوسیله پیامبران الهی براساس علم و حقیقت تربیت نشود و انسان واقعی نگردد خواسته‌های جاهلانه‌ای است که گاهی با اندکی از علم مخلوط شده است و حکومت خواسته‌های دل بر زندگی هیچگاه انسان را به سعادت نخواهد رساند.” جامعه بشری از آغاز تاکنون هنوز به حقیقت فوق (با آنکه بسیاری از انسانها آرزوی آنرا دارند) گردن ننهاده و بین حکومت خواسته‌های خدا و حکومت خواسته‌های دل آنچه تاکنون دیده شده نوع دوم را برگزیده است.

امام عصر علیه السلام :

«اینرا بدانید که حق با ما و در ماست (زیرا اوصیاء پیامبر خدا هستیم) و غیر ما نمی تواند چنین ادعائی کند مگر دروغگو و افتراء زننده باشد».

«قافله بشری به حقیقت نزدیک می شود»

سرانجام جامعه بشری پس از هزاران جنگ با تلفات صدها میلیونی از کشته و آواره و معلول و هزاران بدبختی و فقر و فساد و دوری از معنویت، اکنون به این نتیجه نزدیک شده است که یک حکومت حق است و آن حکومت علم و حکومت عدل که علم و عدل تنها و تنها در دست پروردگار بطور کامل قرار گرفته و معدن علم و عدل آنجاست و اگر بعضی افراد بشر ذره ای از این معدن را یافته اند و عالم و دانشمند لقب گرفته و وسائل پیشرفته کنونی را در خدمت مردم قرار داده اند، تنها کمتر از قطره ای از اقیانوس علم الهی به آنان اعطا شده است تا از آثار بسیار ارزشمند علم و اختراع که از معدن علم الهی به مغز بشر تراوش کرده آگاه شوند و با خود بیندیشند خدای مهربان که ترشحی از علم بی نهایت خود را به انسان امروز داده، اگر وعده خود را در باره ظهور منجی آخرالزمان و علم بی پایان او تحقق بخشد چه خواهد شد؟

خداوند قبل از ظهور منجی آخرالزمان ذره ای از علم را به بشر عطا فرمود تا انسانها خود به این نکته واقف گردند وقتی علم در دست انسان تربیت نشده به تربیت انبیاء علیهم السلام قرار گیرد چگونه از آن در رسیدن به هواهای نفسانی خود استفاده کرده و به دیگران ظلم خواهد نمود و فساد ببار خواهد آورد.

چنین شد تا با اختراع وسائل پیشرفته جهان تبدیل به یک خانه گردد و همگان از زشتی هواهای نفسانی که همه روزه در اخبار و وسائل ارتباط جمعی منتشر می شود باخبر شوند و لزوم وجود رهبری معصوم را در رأس نظام واحد جهانی که از ضرورت های اجتناب ناپذیر زندگی بشر است، حس کنند و خواستار او شوند.

آری حکومت از آن خدا است و همه مردم از پیامبران گرفته تا افراد معمولی جامعه

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :
«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و
انا حجة الله».^{۲۲۱}

بشری در برابر این حکومت یکسان و خداوند با همه آنان به عدالت رفتار می نماید.

«سه پایه اساسی خیمه صلح و عدالت»

طبیعی است که این حکومت، «قانون الهی» و «مجرى مقتدر» و «پذیرش عمومی مردم» را به عنوان سه رکن اساسی طلب می کند.

دو پایه اول را خداوند از اول به بشر عنایت فرمود، یعنی انبیاء و کتابهای آسمانی را فرستاد و بوسیله آخرین پیامبر خود حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و کتاب آسمانی یعنی «قرآن کریم» این دو پایه را برای همیشه تا روز قیامت در اختیار بشر قرار داد.

ولی آنچه مربوط به مردم بود یعنی پذیرش عمومی تاکنون تحقق نیافته و بهمین جهت جامعه بشری از سعادت و صلح و عدالت و معنویت بازمانده است.

خداوند می خواست بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یازده جانشین آن حضرت یعنی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام مردم جهان را آماده پذیرش حکومت حق و بوسیله امام دوازدهم کار را تمام نماید.

از آنرو که خدای مهربان نمی خواست مردم را به پذیرش حق مجبور نماید به نمایندگی خود یعنی امام دوازدهم یا حضرت مهدی موعود علیه السلام دستور صبر داد و از او خواست برای آنکه کشته نشود در میان مردم بطور ناشناس زندگی کند تا زمینه ظهور و آغاز حکومت جهانی آن حضرت ایجاد گردد و مردم چنان شوند که وقتی حجت خدا را در میان خود دیدند، او را کنار نزنند و رهبری او را پذیرا باشند مانند سلولهای بدن که پذیرای رهبری مغز بر خود هستند، آری جامعه بشری باید چنین کند و برای رسیدن به صلح و سلامتی در زندگی بسان سلولهای یک بدن فرمان مغز متفکر که امام و حجت خداست را پذیرا گردد.

امام عصر علیه السلام :
«در حوادث جدیدی که واقع می‌شود به آنانکه سخنگویان ما هستند و خوب می‌دانند ما چه سخنی در باره آن حادثه داریم مراجعه نمایید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا هستم».

بنابراین، حق حکومت تنها از آن یگانه معبود مطلق و خداوند عظیم و جلیل است که آنرا توسط نماینده خود بر مردم بایستی اجرا نماید.

«یک سؤال»

اکنون یک پرسش در اینجا مطرح است که :
اگر شرایطی بر جامعه حاکم شد که امام معصوم و حجت خدا برای حفظ جان خود مجبور شد ناشناس و به دور از چشم مردم زندگی کند (مانند زندگی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه که بیش از یازده قرن و نیم است که بطور ناشناس بسر می‌برند) مردم باید به چه کسی مراجعه نمایند؟ و چه حکومتی باید در جامعه استقرار یابد؟
پاسخ این سؤال را وجود مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در توقیعی چنین فرموده‌اند :

« و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتي علیکم و انا حجة الله »^(۱)
یعنی : « حوادث جدیدی که پیش می‌آید، در آن به کسانی که سخن و حکم ما را در باره آن بیان می‌کنند مراجعه نمایید زیرا آنان نماینده و حجت من بر شما و من حجت خدا هستم ».
این در حالی است که در همین توقیع و دو جمله قبل از این سخن، آن حضرت در باره ظهور فرج می‌فرمایند :

« و اما ظهور الفرج، فانه الی الله و کذب الوقاتون »

۱- احتجاج جلد ۲ - ص ۵۴۳ شماره ۳۴۴

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :
«ولا تملوا عن اليمين و تعدلوا الى اليسار واجعلوا قصدكم السينا بالمودة على
السنة الواضحة»^{۲۲۲}

یعنی : اینکه ظهور من و حکومت جهانی ام چه زمانی است باید بگویم که اختیار آن فقط به دست خداست (و جز او کسی از زمان شروع حکومت حق خبر ندارد و بدانیکه که) هرکس در این باره وقتی مشخص می کند (و می گوید مثلاً ظهور امام زمان علیه السلام در فلان وقت خواهد بود) او دروغ گوشت^(۱).

با توجه به این دو جمله روشن می شود که چون امام علیه السلام مشخص نیست چه زمانی ظهور بفرمایند و حکومت حق را بر جهان حاکم نمایند و مردم نیز به آن حضرت دسترسی ندارند زیرا زندگی ایشان بصورت ناشناس تنظیم شده است، پس باید آن حضرت نمایندگانی در میان مردم داشته باشند که سخنانشان سخن امام علیه السلام و اطاعتشان اطاعت امام علیه السلام باشد.

آنان پناهگاه مردم در چنین زمانی هستند.

آنان باید به امور مردم رسیدگی و حکم خدا را به آنان برسانند.

بواسطه آنان خداوند حجت خویش را بر مردم (در آن زمان اضطراری و غائب بودن امام علیه السلام) تمام می نماید.

۱- ما در کتاب راهی بسوی نور حکمت این مطلب را توضیح داده ایم که چون شیاطین از ظهور امام زمان علیه السلام وحشت دارند و آنرا پایان عمر پلید خود می دانند در صددند خبرهای مربوط به ظهور آن حضرت را به دست آورده و جهت بهم زدن اوضاع کمره زمین و پیشگیری از ظهور وارد عمل شوند، لذا خاندان عصمت علیهم السلام فرموده اند ما بهیچ کس از زمان ظهور خبری نمی دهیم و خداوند وقتی برای این امر نزد ما مشخص و تعیین نفرموده است بنابراین چون از زمان ظهور کسی جز خداوند اطلاع ندارد و حتی به ما که نماینده او هستیم دستور داده برای کسی وقت ظهور را تعیین نکنیم، پس هرکسی که از زمان ظهور خبر دهد دروغ می گوید و خبر از آن ندارد.

امام عصر علیه السلام :

«بکوشید در صراط مستقیم باشید و به چپ و راست نروید، ما را با شناخت و محبت قلبی الگوی خود قرار دهید».

«نکته مهم»

نکته مهمی که در این حدیث شریف به چشم می‌خورد آن است که امام عصر علیه السلام به مردم دستور می‌دهند (و دستور امام علیه السلام واجب و لازم‌الاجرا است) که :

... فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا...

یعنی : شما مردم موظف هستید تنها نزد نمایندگان ما مراجعه کنید و به سخن آنان عمل نمائید.

مراجعه مردم به نمایندگان امام علیه السلام به دو نحوه است. گاهی حوائج و سؤالات شخصی از آنان دارند که تکلیف در این امور روشن است و آنان سؤال می‌کنند و نمایندگان امام به سؤالات فردی ایشان پاسخ می‌دهند. ولی گاهی مراجعه مردم به نمایندگان امام علیه السلام مراجعه‌ای عمومی و یکپارچه در سطح یک شهر یا یک کشور است مانند مراجعه عمومی مردم کشور ایران به امام راحل و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که میلیون‌ها نفر بنا به تکلیفی که احساس کردند خود را موظف دیدند که به نماینده امام زمان خود مراجعه نمایند. آیا این مراجعه عمومی مردم که در ابتدا و بصورت انقلاب اسلامی و حرکتی یکپارچه و سپس بصورت تظاهرات عمومی و رأی دادن به نظام مقدس جمهوری اسلامی بود، بر دوش نماینده امام زمان علیه السلام تکلیفی سنگین قرار نمی‌دهد و او را موظف به راهنمایی آنان نمی‌کند؟

آیا او به عنوان "حجت امام علیه السلام و بیان‌کننده سخن آن حضرت" ({فانهم حجتی علیکم} و {فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا}) موظف نیست راه را برای میلیون‌ها انسان

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :
«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء و
اصطلمکم الأعداء».^{۲۳۳}

چشم براه مشخص کند و در مسائل فردی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و غیره حکم خدا را برای آنان بیان و تا جائیکه قدرت دارد و مردم از او اطاعت می‌کنند فرمان پروردگار را بوسیله دستگاههای اجرائی کشور بر جامعه اجرا نماید؟ صرفنظر از دهها مدرک و سخن محکم در این باره، تنها همین کلام مبارک برای اثبات حکومت و رهبری "ولی فقیه" بر جامعه اسلامی، کافی است و سند آن هم کاملاً محکم و بی‌اشکال می‌باشد زیرا این حدیث را جناب کلینی رحمته الله از جناب اسحق بن یعقوب رحمته الله نقل نموده که هردوی اینها از بزرگان شیعه بوده‌اند. ایشان نقل می‌کند که جناب اسحق بن یعقوب فرمود از جناب محمد بن عثمان رحمة الله علیه (نایب خاص امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغری ^(۱)) خواستم

۱- جهت اطلاع خوانندگان محترمی که با اصطلاح غیبت صغری و کبری آشنایی ندارند می‌گوئیم: حضرت مهدی علیه السلام یا همان موعود ادیان و منجی آخر الزمان که فرزند یازدهم و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشند به مجرد آنکه پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید دشمنان انسانیت یعنی خلفاء عباسی در صدد قتل آن حضرت برآمدند زیرا شنیده بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود که حضرت مهدی علیه السلام بساط ظلم و ستم را از کره زمین برخواهد چید. آن حضرت هم چون جامعه را جهت قیام و حکومت جهانی خویش آماده نمی‌دید موظف شد بطور ناشناس زندگی نماید که این ناشناس زیستن تاکنون ادامه یافته است.

آن بزرگوار جهت حفظ ارتباط مردم با ایشان در آغاز به مدت شصت و نه سال (از ۸ ربیع الأول ۲۶۰ هجری یعنی زمان شهادت پدر بزرگوارشان تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری روز وفات چهارمین نایب خاص خویش) به واسطه چهار نایب خاص بنامهای عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، و علی بن محمد سمري با مردم ارتباط داشته و پس از آن تاکنون نایب خاصی تعیین نفرموده، ولی بواسطه نمایندگان عام (یعنی هرفقیهی که در امور دین متخصص و از هواهای نفسانی به دور و دارای صفات شایسته یک انسان وارسته باشد) با

امام عصر علیه السلام :

«ما در رعایت حال شما هیچ کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از خاطر نمی‌بریم و اگر غیر از این بود بلاها بر شما هجوم آورده و دشمنان شما را پایمال می‌نمودند».

سؤالاًتم را که مکتوب بود به محضر امام زمان علیه السلام عرضه و برایم جواب آن حضرت را بیاورد که خوشبختانه دیدم آن بزرگوار پاسخ امام علیه السلام را که به خط خود آن حضرت بود برایم آورد.^(۱)

آنچه در این حدیث حکومت " ولی فقیه " در عصر غیبت را مورد توجه قرار داده یکی جمله رجوع مردم به مقام رهبری با جمله " فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا " است و دیگری دادن اعتبار خاص به فقیه شایسته با جمله " فانهم حجّتی علیکم " است که ثابت می‌کند " فقیه جامع الشرایط " حجت و نماینده امام علیه السلام بر تمامی مردم است.

«رواة حدیثنا چه کسی است؟»

تذکر : اینکه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مردم را موظف به مراجعه به " فقهاء شایسته " نموده و آنانرا حجّت (یعنی نماینده خود) بر مردم دانسته‌اند به ما خوب می‌فهماند که منظور از کلمه " رواة حدیثنا " (سخنگویان ما) هرکس که حدیث

مردم ارتباط غیرمستقیم برقرار نموده‌اند.

نام دوره اول ۶۹ ساله را غیبت صغری (پنهان زیستی کوچکتر) و نام دوره دوم که تاکنون ادامه یافته را غیبت کبری (پنهان زیستی بزرگتر) نام نهاده‌اند.

ولی این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که آن حضرت در هر دو دوره خصوصاً دوره دوم در موارد بسیاری که برای ما قابل شمارش نیست با هزاران نفر بطور ناشناس برخورد و دیدار داشته و معجزاتی از خود نشان داده‌اند که بسیاری از آن افراد پس از جدا شدن از آن حضرت فهمیده‌اند که چه کسی را ملاقات نموده‌اند و بسیاری از افراد نیز در موقع ملاقات آن بزرگوار را شناخته و از خرمن علومش بهره‌ها برده‌اند که داستان آنها در کتابهای مربوطه مانند ملاقات با امام زمان علیه السلام، نجم الثاقب و غیره ثبت شده است.

۱- احتجاج جلد ۲ - ص ۵۴۲ شماره ۳۴۴

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :
«فليعمل كل امرئ منكم بما يقرب به من محبتنا و يتجنب ما يدينه من كراهتنا و
سخطنا فان امرنا بغتة فجأة».^{۲۲۴}

خانندان عصمت عليه السلام را برای مردم نقل نماید بدون آنکه از لحاظ روحی تزکیه نفس نموده و دارای صفات شایسته باشد، نیست زیرا در چنین صورتی او تنها ناقل حدیث است نه حجت امام عليه السلام بر مردم و پر واضح است کسی می تواند حجت امام عليه السلام و در حقیقت حجت خدا بر مردم باشد که از هر جهت شایسته و انسان کاملی باشد تا هرکسی با نقل چند حدیث و حفظ آن طمع ریاست بر مردم را نداشته و آنانرا گمراه ننماید.

«وسوسه شیاطین»

دیربازی است که سیاستمداران شیطان سیرت و خودپرست و پول دوست، همواره این سخن را در جوامع اسلامی و حتی حوزه های علمیه القاء نموده اند که دین از سیاست جدا است و روحانیین باید به امور دینی بپردازند و حکومت و سیاست را به دیگران بدهند.

با القاء این سخن نابخردانه و شیطانی راه برای نفوذ شیاطین و در اختیار گرفتن سیاست و رهبری مردم هموار شده و وقتی مردم این وسوسه پلید را پذیرفتند طبیعتاً در هشتاد درصد امور زندگی خود که مسائل اجتماعی و سیاسی است به غیر آن کسانی که امام زمان عليه السلام در حدیث فوق معرفی فرمودند، مراجعه می نمایند در حالیکه امام عصر ارواحنا فداه به همه مردم دستور فرموده اند در کلیه امور و حوادثی که پیش می آید به نمایندگان ما و نقل کنندگان سخن ما مراجعه نمائید.

«حوادث جدید بیشتر در امور سیاسی و اجتماعی است»

نکته قابل توجه آنکه امام عليه السلام در این حدیث مردم را در کلیه اموری که پیش می آید و جدید است و بیشتر آنها امور سیاسی و بین المللی و حکومتی است به نمایندگان

امام عصر علیه السلام :

«هریک از شما باید کارهایی انجام دهید که به محبت ما نزدیک و از آنچه موجب ناراحتی و خشم ما می شود دور گردد زیرا ظهور ما بناگهان انجام خواهد شد».

خود ارجاع می دهند و چنانچه آن گونه که این عده خیال کرده اند می بود، نمی بایست امام علیه السلام بطور کلی مردم را به آنان ارجاع دهند و می بایست بفرمایند تنها در امور عبادی و شخصی به نمایندگان من مراجعه کنید و سیاست و امور اجتماعی را به دیگران یعنی افرادی که حکم ما را بیان نمی کنند و نماینده ما بر شما نیستند مراجعه نمائید.

آری شیاطین و سیاستمداران شیطانی همیشه کوشیده اند روحانین حقیقی اسلام را از رهبری و مراجعه عمومی مردم دور نگه دارند تا خود بر جان و مال آنان مسلط شوند و هرچه امیال باطل خویش است برآنان روا دارند.

همین سیاستهای شیطانی باعث شد خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و پیروان شایسته آنان از جامعه طرد شوند و مردم به افراد فاسق و فاجر و حقه باز مراجعه نمایند و جامعه بشری اینچنین در آتش فساد و جنگ و فقر و صدها بلا و مرض مادی و معنوی بسوزد و صدها سال ظهور منجی عالم بشریت به تأخیر بیفتد.

«توقع بیجا»

توقع بیجائی که بعضی از افراد دارند آن است که فکر می کنند، اگر حکومت و رهبری جامعه به دست " ولی فقیه " قرار گرفت باید امور مردم از هرجهت درست شده و هیچ اشکالی دیده نشود.

این توقع از آنرو بیجاست که " ولی فقیه " کسی نیست که بتواند در حد امام معصوم علیه السلام امور را به پیش ببرد.

زیرا امام علیه السلام از تمامی امور پنهان و آشکار و ریز و درشت و گذشته و آینده باخبر است و " ولی فقیه " چنین نیست.

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :

«فأنا نحيط علماً بأنباءكم ولا يغزب عنا شيء من أخباركم»^{۲۲۵}

امام علیه السلام از عصمت مطلق و صد در صد برخوردار است و ولی فقیه چنین نیست. و بالاخره امام علیه السلام از مهر تایید غیبی پر قدرتی بنام معجزه بهره مند است و ولی فقیه چنین نیست.

پس چگونه می توان انتظار داشت تمامی امور اجتماع بر وفق مراد پیش رود در حالیکه " ولی فقیه " از بسیاری اعمال خائنانه و منافقانه و پنهانی دشمنان اسلام که در لباس دوست به نظام مقدس اسلامی ضربه می زنند بی خبر است و تنها عنایتها و معجزات غیبی امام عصر ارواحنا فداه می تواند این ضربات را خنثی نماید. و بالاخره چگونه این انتظار را می توان داشت در حالیکه ولی فقیه دارای معجزه مانند معجزات امام علیه السلام نیست تا همه تسلیم او شوند و هیچکس در کارش اخلال ننماید.

«یک سؤال و یک جواب»

ممکن است کسی بگوید اگر چنین است پس چرا ولی فقیهی که شرایط فوق (علم بهمه چیز، معصوم بودن از خطا، قدرت اعجاز) را فاقد است باید رهبر حکومت در عصر غیبت شود؟

پاسخ می دهیم حکومت " ولی فقیه " در زمان خانه نشینی رهبر اصلی جامعه بشری یعنی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای این نیست که جایگزین حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گردد (و هرگز چنین چیزی ممکن نخواهد بود) لذا چنین انتظاری نباید از آن داشت بلکه باید آنرا به مانند روشن نمودن یک نورافکن قوی در شب تاریک محرومیت از خورشید هدایت یعنی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دانست و توقع نور خورشید را از این نورافکن نباید داشت.

امام عصر علیه السلام :

«ما از تمامی خبرهای مهم شما آگاهیم و البته کوچکترین خبرهای شما نیز از نظرمان دور نمی‌ماند».

اگر چنین توقّعی داریم باید بدانیم تنها خورشید است که مانند خورشید روشنائی به تمام جهان می‌دهد و کار او را صدها و هزاران عدد لامپ معمولی نیز نمی‌توانند انجام دهند.

بسیاری از مردم زمان غیبت از چنین نورافکنی انتظار روشنائی خورشید را دارند که باید به آنان گفت : این توقّع هرگز برآورده شدنی نیست بلکه باید کاری کرد که خورشید هدایت و علم خود را از افق تیره زمان غیبت خارج سازد و همه جهان را با نور علم و هدایت خود روشن سازد همانطور که قرآن کریم می‌فرماید : «واشرق الارض بنور ربّها»^(۱) (و آنگاه که زمین با نور پروردگارش روشن خواهد شد).

لذا سفارشات اصلی و مهم خاندان عصمت علیهم السلام به مردم زمان غیبت آن است که جهت ظهور حضرت ولی عصر ارواح‌نافداه تلاش نمایند (هم اخلاق و اعمال خود را اصلاح و از گناهان دوری نمایند و هم بطور یکپارچه ظهور امام عصر ارواح‌نافداه را از خداوند طلب نمایند) که اگر این دو امر تحقق یابد زمان غیبت به سرعت پایان خواهد یافت و علت طولانی شدن زمان غیبت آن حضرت تاکنون به دلیل تحقق نیافتن دو امر فوق بوده است.

«هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام ...»

یکی از نکاتی که در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به آن اشاره شده آن است که هر پرچمی قبل از قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برافراشته شود، صاحب آن پرچم، طغیان‌گر (طاغوت) بوده و فرمانش فرمان پروردگار نیست و

۱- سوره زمر - آیه ۶۹.

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :

«والعاقبة بجميل صنع الله سبحانه تكون حميدة ما اجتنبوا المنهى عنه من الذنوب».^{۲۳۶}

اطاعت کنندگان از چنین شخصی غیر خدا را بندگی و اطاعت می کنند.^(۱)
 خبرگان اهل روایت بخوبی می دانند که این روایات (که تا جایی که تحقیق شد سه روایت بیشتر نیست) در ردیف روایاتی است که به مذمت مدعیان مهدویت و امامت اشاره دارند.

آنانکه مقام امامت امامان معصوم را بی آنکه حقی در آن داشته باشند به خود نسبت می دهند و می خواهند خود را در ردیف آنان قلمداد نمایند.

آنانکه می خواهند کار مهم و جهانی حکومت حضرت مهدی ارواحنا فداه یعنی تحقق عدالت در تمام جهان و پایان ظلم و ستم برای همیشه را انجام دهند در حالیکه چنین کاری و چنین مقامی تنها به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد و تنها آن بزرگوار سه شرط مهم (علم به همه چیز، عصمت مطلق از خطا و جهل و قدرت اعجاز) را که سه شرط اساسی چنین کار بزرگی هست را دارا می باشد.

کسانیکه می خواهند پرچم مهدویت و عدالت گستری در سطح جهان را که اختصاص به حضرت مهدی ارواحنا فداه دارد را برافرازند و مدعی آنچه اهل آن نیستند شوند، چنین کسانی از مرز خود فراتر رفته و " طغیان " نموده اند و به آنان می توان

۱- سه حدیث در این باره نقل شده است :

بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۱۱۴ ح ۱۵ عن غيبة النعمانی باسناده عن مالک بن اعین عن ابی جعفر عليه السلام " کل رایة ترفع قبل رایة القائم عليه السلام صاحبها طاغوت " .

بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۱۱۴ ح ۱۷ عن غيبة النعمانی باسناده عن مالک الجهنی عن ابی جعفر عليه السلام : " کل رایة ترفع قبل قیام القائم صاحبها طاغوت " .

بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۳ ح ۵۸ عن الکافی باسناده عن ابی بصیر عن ابی جعفر عليه السلام قال : " کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله عز وجل " .

امام عصر علیه السلام :

«شیعیان ما عاقبت خوشی در زندگی دنیا (و آخرت) دارند مادامی که از گناهان دوری نمایند».

"طاغوت" نام نهاد.

لذا مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) سه روایت فوق را در ردیف روایاتی آورده است که در آنها از اشخاص مدّعی امامت امامان معصوم مذمت گردیده و طاغوت قلمداد شده‌اند.

و بر همین اساس مرحوم امام راحل رهبر فرمودند این روایات مربوط به مدعیان مهدویت و عدالت جهانی است و به فقهاء شیعه که جانشین امام عصر ارواحنا فداه و مرجع و پناهگاه مردم در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره در زمان غیبت کبری می‌باشند، مربوط نیست.

اصولاً معنی ندارد از طرفی فقهاء عادل و جامع‌الشرایط مرجع و حاکم بر جامعه از سوی امام علیه السلام تعیین شوند و سپس از طرفی احکام صادره از سوی آنان و حکومتشان که براساس مراجعه عمومی مردم به آنان شکل گرفته طاغوت باشد.

آیا معقول است از یک طرف امام عصر ارواحنا فداه بفرمایند مردم در زمان غیبت باید به فقیهی که حجت من است مراجعه نمایند و از طرفی حکم و شخص او را طاغوت قلمداد نمایند؟

آیا معقول است از طرفی دستور امر بمعروف و نهی از منکر در سطوح جزئی و کلی (از جلوگیری از شرابخواری و امثال آن گرفته تا ممانعت از طغیان حاکم ستمگر و قیام علیه ظلم و ستم او در صورت امکان و امید به پیروزی مانند انقلاب اسلامی ایران) را اسلام صادر نماید و همه مردم مکلف شوند از منکرات کوچک و بزرگ جلوگیری نمایند و از طرفی این حرکت و قیام علیه منکرات و رهبری آن طاغوت تلقی گردد؟ بنابراین چون اسلام عزیز مردم مسلمان خصوصاً فقهاء آگاه و جامع‌الشرایط را مکلف به جلوگیری از منکرات (در حد امکان) نموده و به مردم مسلمان در زمان

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :
«ولو ان اشياعنا وفقهم الله لطاعته على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم
لما تأخر عنهم اليمن بلقائنا».^{۲۲۷}

غیبت کبری دستور مراجعه به فقیه تزکیه شده و عاری از صفات رذیله را صادر فرموده و فرمان و حکم او را مشروعیت بخشیده، حکومت ولی فقیه حکومتی مشروع و اطاعتش بر همه مسلمانان لازم است والا باید بگوئیم امام عصر ارواحنا فداه مردم زمان غیبت را بی سرپرست بحال خود رها کرده و نماینده‌ای از سوی خود بر آنان قرار نداده و زمینه بروز منکرات را (نعوذاً بالله) به وجود آورده است.

«یک روایت دیگر»

در این رابطه یک روایت دیگر باقی مانده که بطور مختصر آنرا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

این روایت در مقدمه کتاب صحیفه مبارکه سجادیه یا زبور آل محمد صلی الله علیه و آله ذکر شده که در کمال اتقان و اعتبار است.

متوکل بن هارون در مقدمه این کتاب از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که آن حضرت پس از ذکر حکومت هزار ماهه بنی امیه و شدت تسلط آنان بر جامعه اسلامی فرمود:

«والله ما خرج ولا يخرج منا اهل البيت الى قيام قائنا احد ليدفع ظلما او ينعش حقا، الا

اصطلمته^(۱) البلية و كان قيامه زيادة في مكروها و شيعتنا».

یعنی: «بخدا قسم هیچ کس از ما اهل بیت (سادات) تاکنون علیه ستمگران خروج نکرده و پس از این تا قیام حضرت مهدی عليه السلام برای رفع ظلم یا گرفتن حقی قیام و خروج نمی‌کند مگر آنکه او را حوادث ناگوار (ظلم و ستم حکام ستمگر) از

۱- صلم الشی صلیا: از بیخ برید آنها و اصطلمه: از بیخ برکند او را

امام عصر علیه السلام :

«اگر شیعیان ما که خداوند به اطاعت خود موفقشان بدارد در وفاداری به پیمانی که با ما دارند یکپارچه می شدند هرگز میمنت دیدار ما را از دست نمی دادند».

پا درآورده و قیام او موجب اضافه شدن غمهای ما و شیعیانمان می گردد .
این روایت نیز اشاره به حقیقتی دارد که از صدر اسلام تاکنون تحقق یافته و معمولاً خروج سادات (که از اهل بیت می باشند) بوسیله ستمگران وقت سرکوب شده است. روشن است که امام صادق علیه السلام خروج این سادات که می خواهند دفع ظلم کرده و حقی بستانند را مذمت ننموده و تنها بخاطر آنکه مصیبت شهادت آنان موجب افزوده شدن غمی بر هزاران غم و اندوه امام زمان علیه السلام و شیعیان می گردد چنین سخنی فرموده اند.

و این بدان جهت است که تا حکومت و قدرت در دست ظالمان است و مردم بیداری لازم را پیدا نکرده اند معمولاً قیامهای سادات با شکست مواجه شده و موجب شهادت آنان می شد.

بر این اساس قیام حضرت زید بن علی بن الحسین علیه السلام یکی از مصادیق این سخن بوده و با شکست مواجه گردیده است در حالیکه در روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام از آن بزرگوار مدح بلندی شده است.

«و اما انقلاب اسلامی ایران»

گرچه شکل گیری و هدایت انقلاب شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به رهبری بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رهبر تحقق یافت، ولی این نهضت، نهضتی به وسعت همه دلهای سوخته شیعیان بود.

این نهضت پیام آور ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بود.

این نهضت حرکتی خودجوش از درون مردم و حمایت شده از سوی خداوند متعال و از مصادیق اراده حتمیه پروردگار در رفع ظلم و ستم از صحنه گیتی بود.

دعاء النذبة :

«وصل اللهم بیننا و بینہ و صلة تؤدی الی مرافقة سلفه».^{۲۲۸}

این نهضت مربوط به شخص حضرت امام زین‌العابدین بود که مصداق خروج یکی از سادات بر طاغوت زمان باشد مانند قیام حضرت زید بن علی بن الحسین علیهما السلام توسط ستمگران ناکام بماند بلکه مربوط به پایان شب تیره ظلم و آغاز طلوع سپیده نهضت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بود که بسان سپیده صبح، نوید طلوع خورشید هدایت و امامت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را می داد.

آری، اگر این نهضت بمانند قیام حضرت زید بن علی بن الحسین به یک شخص وابسته بود و مردم در یاری رهبر خود یکپارچه نمی شدند به شکست می انجامید چنانکه در آغاز به صورت ظاهر چنین شد، ولی پس از آن، آنچه پشت پرده بود آشکار گشت و عنایات حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به دل‌های مردم و حرکت یکپارچه آنان سرازیر گشت تا نقطه شروع نهضت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گردد و بواسطه فداکاریها و رشادتها و شهادت دهها تن از علماء بزرگ و هزاران شهید گلگون کفن تا ظهور مبارک آن حضرت (که شاید فردای هر روزی که در آن بسر می بریم باشد) بیمه گردد.

این نهضت چون می بایست بلندگوی معرفی منجی آخر الزمان به جهانیان گردد و خداوند اراده فرموده است هرچه زودتر آن حضرت را ظاهر فرماید پس بایستی پیروز گردد تا شیعیان افتخار زمینه سازی ظهور مصلح کل را از دست ندهند و اگر این مطلب را در قالب مثالی بیان کنیم بی ارتباط سخن نگفته ایم.

آنگاه که میهمانی در راه است، پدر خانواده به فرزندان خود دستور می دهد منزل را آب و جارویی نمایند تا آماده ورود میهمان عزیز گردد، این نهضت شکوهمند همان آب و جارویی است که جهت استقبال از مقدم مبارک منجی آخر الزمان ارواحنا فداه به جهان امروز زده شده و با تلاش شیعیان فداکار آن، می رود افکار دنیا را آماده شناخت

دعای ندبه :

«خدایا رابطه‌ای بین ما و امام زمانمان ایجاد فرما که منجر به همنشینی و همراهی
همیشگی ما با ائمه اطهار علیهم‌السلام گردد».

منجی آخرالزمان ارواحنا فداء نماید.

«عطیة الهی»

و بالاخره این نهضت و پیروزی آن یک عطیة الهی بود تا شب تاریک قرن بیستم
میلادی را بشکافد و نوید پایان جهالت و تیره‌روزی انسانها را بدهد و برماست که از
این عطیة با تمام توان خود حفاظت و پاسداری نمائیم و نگذاریم دشمنان اسلام آنرا
از ارزشهای الهی خصوصاً توجه به وجود مقدس حضرت بقیةالله ارواحنا فداء تهی
نمایند.

«پس تا وقتی...»

پس تا وقتی که شیعیان ایران بر این هدف استوار باشند و فراموش نکنند که تمام
زحمات و فداکاریها از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال
۱۳۵۷ و سپس هشت سال جنگ نابرابر و شهادت و معلولیت و اسارت و آوارگی
صدها هزار نفر از مردم عزیز برای استقبال از نهضت جهانی حضرت بقیةالله ارواحنا فداء
و یاری آن حضرت می‌باشد، آری تا ما این هدف را فراموش نکرده‌ایم، دنیا باید
بداند شکست در آن راه ندارد.

لذا هر قدر دشمنان این نهضت کوشیدند با وسایل مختلف آنرا در دنیا کریه و زشت
جلوه داده و آنرا نابود نمایند نتوانستند و تمامی حرکات آنان به شکست انجامید.

«آنگاه که این نهضت از نام امام زمان علیه‌السلام تهی شود...»

و اگر روزی ببینیم این نهضت مقدس خدای ناکرده از نام مقدس حضرت
بقیةالله ارواحنا فداء تهی گشته و بسوی آرزوهای دنیایی خود پیش می‌رود و کاری به

دعاء الندبة :

«واجعلنا ممن ياخذ بحجزتهم و يمكث في ظلهم»^{۱۲۹}

آماده سازی جهان جهت ظهور امام عصر ارواحناده ندارد، هرچند از نظر مادی و نظامی ابرقدرت دیگری در جهان گردد باید آنرا شکست خورده بدانیم زیرا ابرقدرتها بسیارند.

و این هشدار است که همه اولیاء دین و خود حضرت امام خمینی قزوینی و همه رهبران دلسوز به ما داده و در صورت رعایت آن، قول مؤفقیّت و پیروزی بما داده اند. بر همین اساس است که دشمنان قرآن و امام زمان ارواحناده می کوشند نه از لحاظ نظامی و مادی بلکه از بُعد محتوا ما را از توجه به امام عصر ارواحناده و ایمان به آن حضرت بوسائل مختلف مانند حمله نظامی، تهاجم فرهنگی، اختلاف بین روحانیین، تضاد بین گروههای مختلف سیاسی - اجتماعی و ترویج فساد و رشوه و ریاست طلبی، نفوذ در دستگاههای امنیتی و ضربه زدن مخفیانه، ترویج اعتقادات مست و لائیک، مبارزه با نام مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و القاء ترس در دل مردم تا از بردن نام مقدّس آن حضرت هراس داشته باشند، و خلاصه دهها و صدها حيله مخفی و آشکار دیگر، تا این نهضت مقدّس از ارزشهای حقیقی آن تهی شده و پوسیده گردد و سپس بطور کلی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیگانه گشته، در ردیف یکی از قدرتهای موجود در جهان قرار گرفته و بجای آماده سازی جهان برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حفظ قدرت مادی و نظامی خود پردازد.

لذا شیعیان فداکار و خانواده های دلسوخته شهداء و تمامی حوزه های علمیه و مردم شریف ایران باید از این خطر بهراسند و بدانند تنها با ایمان به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و قدم برداشتن در راه اهداف آن حضرت و اطاعت از ولایت فقیه به عنوان پیش درآمد اطاعت از منجی عالم بشریت و تمرین آن و حفظ

دعای ندبه :

«خدایا ما (جامعه اسلامی در عصر غیبت) را چنان کن که پیوسته دامن خاندان عصمت علیهم السلام را گرفته و همیشه زیر سایه آنان باشیم».

یکپارچگی و وحدت است که می‌توان این نهضت مقدّس را از خطر فوق حفظ نمود.

امید است خداوند متعال عنایات خود را از ما دریغ نفرموده و افتخار سربازی و نوکری حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه را از شیعیان ایران سلب نفرماید و با اعمال صالح و تلاش آنان ندای حضرت ولیّ عصر عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف را به جهانیان منعکس و آنانرا جهت استقبال از قدوم مبارک آن حضرت آماده نماید. انشاء اللّٰه.

«وصیت آیه اللّٰه العظمی گلیایگانی علیه السلام»

در خاتمه این بحث بی‌مناسبت نیست بند سوم از وصیت‌نامه حضرت آیه اللّٰه العظمی گلیایگانی علیه السلام مبنی بر حفظ اصل جمهوری اسلامی را خاطر نشان سازیم تا همگان بدانند حفظ این نهضت شکوهمند چقدر اهمیت دارد. ایشان در این وصیت نامه می‌فرمایند :

« ثالثاً : حفظ اصل جمهوری اسلامی را لازم می‌دانم و بر مسئولین محترم است که از خط مستقیم اسلام منحرف نشوند و سعی کنند روز به روز نظام، با اسلام تطبیق بیشتر پیدا کند و دور از هر اختلاف با اتحاد، از این عطیّة الهی پاسداری نمایند و خیر و صلاح و رسیدگی به حال مستمندان را وجهه همّت قرار دهند و بر مردم است که در حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی کوتاهی نکنند و سعی و کوشش خود را در پشتیبانی حاکمیت اهداف قرآن مجید و اعلای کلمه اسلام بکار گیرند و

دعاء النذبة :

«واعنا على تادية حقوقه اليه والأجتهاد في طاعته واجتناب معصيته».^{۲۲۰}

رضای حضرت بقیة اللہ ارواح العالمین له الفداء را در اعمال و کردار خود منظور دارند.^(۱)

«مسئولین حکومت اسلامی در عصر غیبت»

یکی از مهمترین مطالب در بحث حکومت در عصر غیبت، شرایط مسئولین آن است که در یک جمله می توانیم بگوئیم : مسئولین نظام جمهوری اسلامی همانگونه که در وصیتنامه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره اشاره شد، باید از صراط مستقیم اسلام منحرف نشده و روز به روز نظام را با اسلام بیشتر تطبیق دهند زیرا آنان به نام اسلام، زمام امور کشور را به دست گرفته و اعمالشان به نام اسلام تمام می شود. گرچه ممکن است دشمنان منافق در لباس دوست درآمد و از هرکس خود را بیشتر دلسوز به اسلام نشان دهند و با اعمال خائنانانه خود تیشه به ریشه اسلام و ولایت بزنند و مردم حساب آنانرا از مسئولین دلسوز جدا می نمایند ولی همان مسئولین دلسوز باید مراقب شیطنتهای دشمنان باشند که در آنان رخنه ننموده و تخم اختلاف و دودستگی را در میان آنان نپاشند که وقتی این تخمها تبدیل به درخت شد کردن آن از ریشه مشکل می شود چنانکه در بعضی موارد این خطر به چشم می خورد. مسئولین این نظام باید بدانند این کشور به نام مقدّس حجة بن الحسن ارواحافداه مزین

۱- متن وصیتنامه منتشر شده توسط مرکز گردآوری و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره
قم دارالقرآن الکریم.

دعای ندبه :

«خدایا ما را کمک فرما تا حقوق امام زمان علیه السلام را آدا کنیم و پیوسته در اطاعت از او کوشا
و از نافرمانی اش به دور باشیم». (تا به جامعه مطلوب در عصر غیبت دست یابیم).

گشته و اعمال آنان ارتباط نزدیکی با آبروی اسلام و آبروی امام زمان ارواحنا فداء داشته و دارد و نیز همه باید بدانیم چون صاحب این کشور امام عصر ارواحنا فداء می باشند و هزاران شهید برای آن حضرت جان خود را تقدیم نموده اند، آن حضرت همانگونه که تاکنون این کشور را یاری نموده از این به بعد هم انشاء الله آنرا یاری خواهند نمود و در امتحانات دقیق، چهره زشت سیرتان را برملا خواهند نمود، زشت سیرتانی که صاحب این کشور را نمی شناسند و در راه محو نام امام زمان علیه السلام و آثار عنایات بی شمار آن حضرت قدم برمی دارند.

مسئولین این نظام با عظمت، باید ارتباط روحی و قلبی خود با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را بیش از دیگران تقویت نمایند و بدانند مسئول رده بالای آنان مدیر کل اداره یا وزارت یا... نیست بلکه آنان در پیشگاه مقدس امام عصر ارواحنا فداء مسئولند و مورد بازخواست و یا تشویق قرار خواهند گرفت.

آری این نظام، مانند نظامهای دیگر جهان براساس خواسته های دل افراد شکل نگرفته، بلکه به تعبیر حضرت آية الله العظمی گلپایگانی قیر عظیمه و هدیه ای الهی است که براساس محور ولایت و هدایت ولی فقیه که به نیابت از امام زمان علیه السلام باید امور مردم را رسیدگی نماید، شکل گرفته و باید حرمت آنرا با اعمال صالحه و احساس مسئولیت در پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداء پاس داشت.

در سخنان امام راحل که در آغاز این بحث ذکر شد شرایط کلی ولی فقیه ذکر شده که

دعاء الندبة : «وامن علينا برضاه»^{۲۳۱}
«خدایا بر ما منت گزار و خشنودی قلب مقدس امام زمان علیه السلام را نصیبمان فرما».

نیاز به توضیح مجدد از سوی ما ندارد. و انشاءالله مطالب دیگر را در بحث تکلیف
مسئولین تقدیم خواهیم نمود.

قسمت شانزدهم :

اقلاب اسلامی کشور صاحب الزمان

" این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان سلام الله علیه
است کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش
ادامه بدهد."

صحیفه نور ج ۱۴ ص ۱۹۵

دعاء الندبة :

«وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدَعَائِهِ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ».^{۲۲}

حضرت امام قزوینی پیرامون محتوای اصلی انقلاب اسلامی ایران و اینکه ایران کشور صاحب الزمان علیه السلام است چنین می فرمایند :

– “ ما منتظران قدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولئی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی بپرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم و حق متعال را در همه احوال حاضر و ناظر بدانیم و تخلف از دستورات اسلام ننمائیم و به وسوسه فتنه انگیزان اعتنا نکنیم ”.^(۱)

– “ باسپاس از خدای تبارک و تعالی که توفیق به ملت داد و ملت را برانگیخت

۱- صحیفه نور ج ۱۵ - ص ۲۲ - تاریخ ۶۰/۳/۲۸

دعای ندبه :

«خدایا به ما (محرومین زمان غیبت) مَنّت گزارده و توجّه قلبی و لطف و رحمت و دعای امام زمان علیه السلام را بسویمان سرازیر فرما تا جامعه‌ای رستگار و پیروز و پراز نعمت و رحمت از سوی تو داشته باشیم».

برای احقاق حق و این نبود جز هدایت خدای تبارک و تعالی و اعانت ولیّ امر سلام‌الله و سلامه علیه و با اعانت ولیّ امر و هدایت ذات مقدّس حق تعالی، برای ملت، یک تحول بزرگ حاصل شد، تحول روحی، تحولی که نمی‌توانم من برای او اسمی بگذارم الاّ اینکه تحول معجزه‌آسا بود^(۱).

– “بحمدالله این کشور الآن در تحت عنایت حق تعالی و در تحت حمایت ولیّ عصر سلام‌الله علیه به مقامی رسیده است که می‌تواند راه خودش را طی کند. و امیدوارم که غرور برای ما پیدا نشود و همیشه توجه به خدا و اینکه کارها را غیب دارد انجام می‌دهد و شما دعا کنید که به دست شما انجام بدهد.”^(۲)

– “موجب سرافرازی امت اسلامی است که چنین فداکارانی دارد و اعجاب و تحیر دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی سراسر جهان است و این اعجاز جز به هدایت حق تعالی و عنایات خاصه ولیّ الله الأعظم ارواحنا فداه صورت نگرفته است.”^(۳)

۱- صحیفه نوری ۶- ص ۱۰۱ - تاریخ ۵۸/۲/۷ ۲- صحیفه نوری ۱۷- ص ۱۵۵ - تاریخ ۶۱/۱۰/۲۶

۳- صحیفه نوری ۱۷- ص ۲۴۳-۲۴۴ - تاریخ ۶۲/۲/۱۴

دعاء النذبة :

«واقبل الينا بوجهك الكريم واقبل تقربنا اليك».^{۲۳۳}

- " دست توانای بقیة الله که یدالله است دستگیر شما " (۱)
- " این کشوری که کشور ائمه هدی علیهم السلام و کشور صاحب الزمان سلام الله علیه است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می گذرد جلوگیری کند " (۲)
- " با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور امام زمان سلام الله علیه این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رسانید " (۳)
- " بارالها! تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به خرداد حکومت اسلامی در کشور ولی الله الاعظم ارواحنا المقدمه الفداء تحوّل یابد " (۴)
- " شما [رزمندگان] ایمان دارید، قلبهایتان با مبدأ نور و قدرت پیوند خورده است، پیوندی ناگسستنی، اما آنها این را نمی فهمند شما مورد نظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید و از آنجا که ایمان و قدرت و امام

۱- صحیفه نوری ۱۹ - ص ۱۰۳ - تاریخ ۶۳/۱۱/۲۲

۲- صحیفه نوری ۱۴ - ص ۱۹۵ - تاریخ ۶۰/۱/۳۱ ۳- صحیفه نوری ۱۴ - ص ۲۱۲ - تاریخ ۶۰/۲/۱۰

۴- صحیفه نوری ۱۸ - ص ۱۳ - تاریخ ۶۲/۳/۱۵

دعای ندبه :

«خدایا با چهره کریمانهات (با محبتها و دعاهاى امام عصر علیه السلام) رو بسوى ما كن و این كمترین توجه و نزدیکی ما به سوى خود را بپذیر».

زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف را دارید، همه چیز دارید".^(۱)

- " خداوند!... دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شامل حالمان گردان ".^(۲)

- " من امیدوارم خداوند به برکات ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً حضرت صاحب سلام الله علیه که این مملکت مال اوست، این ملت کار خودش را پیش ببرد ".^(۳)

- " انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام — پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد ".^(۴)

- " امید است که این انقلاب جرقه، و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا المقدمه الفداء منتهی شود ".^(۵)

۱- صحیفه نور ج ۱۹ - ص ۱۱۲ - تاریخ ۶/۱۲/۶۳ - ۲- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۶۲ - تاریخ ۱۶/۱۱/۶۵

۳- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۷۹ - تاریخ ۲۱/۱۱/۶۶

۴- صحیفه نور ج ۲۱ - ص ۱۰۸ - تاریخ ۲/۱/۶۸ - ۵- صحیفه نور ج ۱۵ - ص ۷۵ تاریخ ۱۰/۵/۶۰.

دعاء فی زمن الغیبة :

«ولا تنسنا ذکره و انتظاره والایمان به...»^{۲۳۲}

- "من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاءالله بیاید و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند."^(۱)

- "و من امیدوارم که ان شاءالله تعالی به برکت آن آستان مقدس،^(۲) جمهوری اسلامی همانطوری که تاکنون پیروزمندانه پیش رفته است از این به بعد هم پیش برود و این جمهوری اسلامی باقی باشد با اسلامیت خود تا وقتی که، زمانی که به حضور بقیةالله این جمهوری مشرف شود و مسائل را در خدمت ایشان حل کند."^(۳)

- "خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی [جمهوری اسلامی] را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا المقدمه الفداء رد کنیم."^(۴)

۱- صحیفه نوری ۱۵ - ص ۲۳۰ - تاریخ ۶۰/۹/۴

۲- یعنی آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

۳- صحیفه نوری ۱۶ - ص ۲۳۱ - تاریخ ۶۱/۵/۳ ۴- صحیفه نوری ۱۹ - ص ۱۱ - تاریخ ۶۳/۳/۷

دعای زمان غیبت :

«خدا یا ما را به فراموشی از یاد امام عصر علیه السلام مبتلا مفرما و روحیه انتظار را از یادمان مبر و ما را دارای باور و اعتقادی محکم به آن حضرت فرما».

- "ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم، و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم، و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان ارواحنافداه هموار می کنیم... خداوند!... انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما".^(۱)

- "حضرت صاحب سلام الله علیه و ارواحنافداه هم که تشریف می آورند برای همین معناست [اقامه عدل و امر به معروف و نهی از منکر]... [رزمندگان باید] ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند..."^(۲)

- "دست عنایت خدای تبارک و تعالی بر سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده است که یکی از علائم ظهور بقیة الله ارواحنافداه است".^(۳)

- "ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان

۱- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۳۳-۱۳۲ - تاریخ ۶/۵/۶۶

۲- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۹۱-۱۹۰ - تاریخ ۳۰/۱۲/۶۶

۳- صحیفه نور ج ۱۶ - ص ۸۷ - تاریخ ۱/۱/۶۱

عن رسول الله ﷺ :

«... و يظهر بخراسان قوم يدعون الى المهدي عليه السلام»^۱

بیش از پیش می بینیم، و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیۀ روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکۀ معظمه و کعبۀ آمال محرومان و حکومت مستضعفان...»^(۱)

- "سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت راه ظهورش را هموار می کنند." ^(۲)

همانطور که در قسمتهای پیشین خصوصاً در بخش "مظلومیت و مهجوریت" ملاحظه فرمودید، گفتیم برنامه اولیه جهت اصلاح جامعه بشری از سوی انبیاء علیهم السلام خصوصاً پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ آن بود که با زمینه سازی که از سوی یازده جانشین آن حضرت یعنی یازده امام معصوم علیهم السلام صورت می گیرد جامعه بشری آماده پذیرش و شروع حکومت جهانی منجی آخر الزمان حضرت مهدی ارواحنا فداه شد.

۱- صحیفه نور ج ۱۸ - ص ۱۳-۱۱ - تاریخ ۶۲/۳/۱۵

۲- صحیفه نور ج ۲۱ - ص ۱۰۷ - تاریخ ۶۸/۱/۲ پیام به مناسبت نیمه شعبان

رسول خدا صلی الله علیه و آله :

«از خراسان مردمی برخوانند خواست که مردم را بسوی حضرت مهدی علیه السلام دعوت
خواهند نمود».

و اگر مردم سستی نمایند و به ظالمین میدان ندهند این حکومت جهانی که آرزی
تمامی انبیاء عظیم الشان علیهم السلام بود در مدت کوتاهی (حدود سه قرن) پس از بعثت
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحقق یابد.

«خانه نشینی به جای حکومت»

ولی با کمال تأسف مردم صدر اسلام در یاری یازده امام معصوم علیهم السلام که زمینه ساز
حکومت جهانی بودند کوتاهی نموده و آنانرا در دست ظالمین تنها و بی یاور
گذاشتند، در نتیجه برنامه اولیه بهم خورد و مسأله تلخ خانه نشینی حضرت
بقیة الله ارواحنا فداه یا زمان غیبت، بصورت موقت جایگزین حکومت جهانی آن حضرت
گردید همانطور که بواسطه سستی مردم در صدر اسلام و پس از وفات پیامبر
عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله خانه نشینی و خون دل خوردن بیست و پنج ساله برای
حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام جایگزین حکومت برای آن حضرت
گردید.

در حقیقت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مانند اجداد مظلوم خود بجای حکومت و
رهبری مردم مجبور به خانه نشینی و سکوت گردید با یک فرق و آن فرق اینکه ائمه
هدی علیهم السلام در ضمن خانه نشینی نمی توانستند (یعنی دستور نداشتند) خود را
ناشناس و به اصطلاح غائب نمایند و بهمین دلیل ظالمین به آنان دست یافته و آنانرا
به شهادت می رساندند ولی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه علاوه بر خانه نشینی و
سکوت، دستور یافتند بصورت ناشناس و مخفی زندگی کنند و خداوند هر قدر لازم
باشد عمر ایشان را طولانی فرماید تا جامعه بشری پذیرای رهبری این امام و مصلح

عن الصادق عليه السلام :
«ستخلو كوفة من المؤمنين و يأزر عنها العلم كما تأزر الحيته في حجرها ثم يظهر العلم
ببلدة يقال لها قم و تصير معدنا للعلم و الفضل... و ذلك عند قرب ظهور قائمنا»^{۲۳۶}

جهانی گردد.

از آنرو که مسأله غیبت امام عصر ارواحنفا، و یا بهتر بگوییم محرومیت جامعه بشری از خورشید هدایت، بواسطه سستی و ضعف مردم و ظلم ظالمین بر آن حضرت تحمیل شد انتظار آن بزرگوار از شیعیان آن بود که هرچه سریعتر یکپارچه شده و ظهور مقدّسش را از خداوند مَنان بخواهند و از هیچ فداکاری و گذشتی در این راه دریغ نمایند.

ولی سالها گذشت، قرن‌ها سپری شد و خواب سنگین غفلت همه را ربود و جهان در تیرگی جهل و خودخواهی و دنیادوستی گروه‌های مختلف گرفتار آمد و خسارتهای بسیار سنگینی بر جامعه بشری تحمیل شد.

«علامت ظهور»

بحث علائم ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنفا، بحثی گسترده است که اکنون در این کتاب مجال پی‌گیری آن نیست.

از سوی دیگر حقیقت و تحقیق برخی از کارشناسان علائم ظهور چنین می‌گوید که از وقت ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنفا، بسیار تأخیر شده (بواسطه سستی مردم و ظلم ظالمین) و علائم ظهور آن حضرت نیز غالباً انجام شده و فقط پنج علامت حتمیه که آنها هم مقارن با ظهور آن حضرت بوده و فاصله چندانی با ظهور ندارند باقی مانده که چه بسا در فاصله کوتاهی آنها نیز انجام می‌شوند.

«جهان نیازمند حرکتی بود...»

پس از گذشت قرن‌ها، جهان نیازمند حرکتی بود تا به این خواب سنگین غفلت پایان دهد و افکار مردم دنیا را جهت ظهور منجی آماده نماید که این عنایت از سوی

امام صادق علیه السلام :

«بزودی کوفه از مؤمنین خالی شده و علم در آن فروکش خواهد نمود مانند ماری که در سوراخ خود می خزد، و سپس علم در شهری به نام قم آشکار می شود و معدن علم و فضیلت می گردد و این نزدیک ظهور قائم ما است».

خداوند متعال به ملت ایران شد و آنان پیشگام نجات جهان از اسارت شیطان شدند چرا که آنها تنها مردمی بودند که در کره خاکی به حضور ناشناس امام زمان علیه السلام در بین مردم معتقد و آن حضرت را پشتیبان و پناهگاه خود می دانستند.

آری انقلاب اسلامی ایران نقطه شروع رهایی انسانها از چنگال شیطان و هواهای نفسانی ستمگران و در نتیجه ظهور عدل و سعادت در جهان بوسیله مصلح آخر الزمان ارواحنا فداه بود.

بر ماست که از این محور حیاتی نظام جمهوری اسلامی بنحو شایسته پاسداری نموده و بجای سوق دادن نیروهای عظیم تبلیغاتی و فرهنگی بسوی مسائل کم اهمیت و فرعی و مسائل اختلاف برانگیز، افکار مردم خود و افکار جهانیان را به سوی منجی بشر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه سوق دهیم و بدانیم تنها با ظهور آن حضرت همه ناراحتیها و اختلافات برطرف می شود.

«ما می توانیم باعث ظهور شویم»

آنچه موجب شد یازده و قریب دوازده قرن خانه نشینی برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رقم بخورد بخش مهمی از آن ناشی از طرز تفکر مردم از آن زمان تا این زمان بوده است.

مردم فکر می کردند (و هم اکنون نیز چنین است) که ظهور امام زمان علیه السلام به دست ما نیست و هنوز مردم دنیا آماده نیستند و ما هیچ نقشی در آن نمی توانیم داشته باشیم. ولی با کمال تأسف این طرز فکر بسیار غلط و دور از حقیقت است زیرا برنامه پروردگار این نیست که مردم را از عدل و داد و رسیدن به سعادت محروم فرماید و دوست دارد هرچه سریعتر حکومت جهانی تشکیل شده و مردم از نعمتهای مادی و

عن الصادق عليه السلام :

«تربة قم مقدسة و اهلها منّا و نحن منهم... اما انهم انصار قائمنا و دعاة حقنا»^{۲۳۷}

معنوی و سعادت بهره‌مند شوند و چنانکه گفتیم خداوند دوست داشت از همان قرن سوّم هجری به بعد جهان به دست مبارک نماینده حقّ و منجی بشر اصلاح گردد ولی این سستی خود ما انسانها بود که کار را به عقب انداخت.

به علاوه تاکید خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در روایات آن است که شیعیان ظهور آنحضرت را نزدیک بدانند (زیرا در اثر نزدیک دانستن برای تحقق آن تلاش خواهند نمود) و نیز سفارش شده است که برای آنکه خداوند ظهور آن حضرت را با سرعت و با عجله برساند، مردم مسلمان، بسیار برای فرج آن حضرت دعا کنند.

این فرمایش حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به شیعیان سفارش فرموده :

” و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم “^(۱)

یعنی : ” برای تعجیل در امر فرج بسیار دعا کنید که این فرج خود شماست .“
آری اگر دعای مردم ظهور آن حضرت را نمی‌رساند، صحیح نبود امام عصر علیه السلام دستور دعا نمودن برای تعجیل فرج صادر فرموده و سفارش بفرمایند برای سرعت بخشیدن به آن بسیار دعا کنید.

ما هیچگاه در پیشگاه الهی عذری برای محرومیت از رهبری حضرت مهدی ارواحنا فداه نداریم، زیرا به ما خواهند گفت ما می‌خواستیم در همان قرن سوّم حکومت جهانی را آغاز و به ظلم و ستم در کره زمین پایان دهیم ولی شما در یاری امام زمانتان یکپارچه

۱- و اکثر والدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم - توفیع حضرت بقية الله ارواحنا فداه .

احتجاج جلد ۲ / ۵۴۵ شماره ۳۴۴ و بحار الأنوار ج ۵۳ / ۱۸۰.

امام صادق علیه السلام :

«خاک قم مقدس است، اهل قم از ما و ما از آنها هستیم... آنان یاران قائم ما و دعوت کنندگان به حق ما اهل بیت می باشند».

نبودید و روز بروز در خواب غفلت بیشتر فرو رفته و آن حضرت را فراموش نمودید و قرن‌ها ظهور مقدسش را به تأخیر انداختید همانطور که به مردم زمان امیرالمؤمنین علیه السلام خواهند گفت شما علی علیه السلام را تنها گذاشتید و باعث ۲۵ سال خانه نشینی آن حضرت شدید.

اگر مردم آن زمان پس از یک یا دو سال خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام توبه کرده و جهت احیاء دین الهی یکپارچه می شدند مدت خانه نشینی آن بزرگوار فوراً پایان می یافت.

و همین قانون در باره یک یک امامان معصوم علیهم السلام جاری بود. هم اکنون نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران خانه نشینی را می گذرانند و منتظر تقاضای ظهور از سوی مردم جهان و لا اقل شیعیان می باشند.

آیا چه چیز باعث پایان یافتن این حادثه تلخ می شود؟

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

“تا مردم خود را تغییر ندهند از گرفتاری بوجود آمده (که به دست خود آنرا ایجاد کردند) رها نخواهند شد.”^(۱)

لذا حرکت و نهضت اسلامی ایران می تواند سرآغاز حرکت مردم جهان بسوی منجی آخر الزمان گشته و هرچه زودتر زمان غیبت پایان یابد و با طلوع خورشید عدالت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه تمام تاریکیهای شب ظلم و ستم و جهالت پایان یابد همانطور که با آمدن روز هیچ تاریکی از شب باقی نمی ماند.

۱- ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. سوره رعد آیه ۱۱.

عن مولانا موسی بن جعفر علیه السلام :
 «رجل من اهل قم يدعوا الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم الرياح
 العواصف ولا يملّون من الحرب ولا يجنبون و على الله يتوكلون والعاقبة للمتقين»^{۲۳۸}

باید توجه داشته باشیم که پس از انقلاب اسلامی ایران، ما شیعیان، آنچنانکه انتظار می‌رفت (خصوصاً پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله) نیروهای خود را به سوی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بسیج ننموده و تنها به شعارهای آرمانی و اعتقادی کوتاهی، اکتفا نموده‌ایم.

علت این امر هم دو چیز است :

یکی آنکه : ظهور آن حضرت را نزدیک نمی‌دانیم.

دوم آنکه : تلاش خود را برای ظهور آن حضرت مؤثر نمی‌دانیم.

توضیح آنکه : در اثر دوری از معارف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و سرگرم شدن به مسائل فکری دیگر، تصور کرده‌ایم هنوز خیلی مانده امام زمان علیه السلام ظهور بفرماید، جهان آماده پذیرش آن حضرت نیست و...

در حالیکه طبق معارف قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام ظهور آنحضرت بستگی به خواست مردم دارد اگر آنان بخواهند و مشتاق باشند و از میان مردم، لااقل شیعیان اهل بیت علیهم السلام برای ظهور آن حضرت ضمن تلاش عملی و اصلاح اخلاق، بسیار دعا نمایند همانطور که برای پایان جنگ یا شفای مریضشان دعا می‌نمایند، ظهور آن حضرت به سرعت و با عجله انجام خواهد شد.

«اگر تو قبل از این نجات خود را می‌خواستی...»

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در روایتی^(۱) از اباصلت هروی خادم امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام قضیه‌ای را نقل می‌کند که برای مطلب ما

امام موسی بن جعفر علیه السلام :
«مردی از اهل قم مردم را به سوی حق فرا می خواند، مردمی چون پاره های آهن با او همراه می شوند که هیچ طوفانی آنانرا سست نمی کند و از جنگ خسته نمی شوند و از چیزی نمی ترسند و بر خدا توکل دارند».

شاهد صدقی است که بطور خلاصه آنرا نقل می کنیم :

ابا صلت هروی می گوید :

هنگامی که مأمون زیرکانه حضرت رضا علیه السلام را به شهادت رساند در هنگام دفن آن حضرت طبق سفارشی که حضرت رضا علیه السلام به من فرموده بود، دست خود را در قبر آن حضرت گذاشته و کلماتی را که به من تعلیم فرموده بود گفتم، آبی ظاهر شد و قبر را فرا گرفت و سپس ماهیان کوچکی ظاهر شدند و من تکه نانی برایشان انداختم که آنرا خوردند و سپس یک ماهی بزرگ آشکار شد و ماهیان کوچک را بلعید و سپس ناپدید شد.

من دستم را روی آب گذاشته و همان کلماتی که امام علیه السلام بمن سفارش نموده بود خواندم، آب فروکش کرد و بناگهان تمامی کلمات از خاطر من رفت و حتی یک حرف از آنرا بیاد نیاوردم.

مأمون از من پرسید این کلمات را (حضرت) رضا علیه السلام به تو تعلیم داد که بگویی؟ گفتم : آری.

او گفت : (حضرت) رضا علیه السلام همیشه چیزهای عجیب بمانشان می داد اکنون که از دنیا رفته نیز اینکار را می کند.

پس از دفن امام علیه السلام، مأمون بمن گفت : آن کلمات را بمن تعلیم ده.

من گفتم : بخدا قسم که از خاطر من رفت و حتی یک حرف آنرا بیاد نمی آورم و بخدا قسم که من حقیقت را به او می گفتم ولی مأمون سختم را نمی پذیرفت و مرا تهدید به قتل می کرد و سپس مرا به زندان افکند.

او هر روز مرا تهدید به قتل می کرد و از من می خواست آن کلمات را به او تعلیم دهم و من هم همچنان برایش قسم می خوردم که چیزی در خاطر ندارم.

عن الصادق عليه السلام :
«ان الله... احتج ببلدة قم على سائر البلاد و باهلها على جميع اهل المشرق والمغرب
من الجن و الانس». ۱۳۹

یکسال گذشت و سینه‌ام تنگ شد. یک شب جمعه برخواسته و غسل کردم و آن شب را تا صبح عبادت نموده و پیوسته به پیشگاه پروردگار گریه و خواهش می‌کردم که مرا از این وضع نجات دهد.

وقتی نماز صبح را خواندم، ناگاه امام جواد علیه السلام فرزند حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را داخل زندان مشاهده نمودم با آنکه کسی نمی‌توانست داخل زندان شود و مأمورین همه جا را کنترل می‌کردند، ولی من چنین معجزاتی را قبلاً دیده بودم و برایم قابل قبول بود (مانند زمانی که حضرت جواد علیه السلام لحظاتی قبل از شهادت پدر بزرگوارش ناگهان داخل خانه ظاهر شد و امور مخصوص هنگام شهادت پدر یعنی وصیت و انتقال جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انجام و پدر را کفن کرده بر او نماز خواند و سپس بناگاهان ناپدید شد).

در عین حال آن حضرت به من فرمود: اباصلت سینه‌ات تنگ شده و ناراحتی؟
گفتم: سرورم، بخدا قسم چنین است.

فرمود: اگر تو قبل از این، آنچه را که دیشب انجام دادی، عمل می‌کردی یقیناً خداوند همانگونه که هم‌اکنون تو را نجات خواهد داد، قبل از این هم تو را نجات می‌داد.

سپس امام جواد علیه السلام به من فرمود: برخیز.

گفتم: کجا برویم در حالیکه نگهبانان زندان جلوی درب مشغول حراست هستند و مشعل‌هایشان را در دست داشته ما را می‌بینند.

امام علیه السلام فرمود: برخیز که آنان تو را نخواهند دید و پس از این هم هرگز با آنان برخورد نخواهی داشت.

سپس آن حضرت دستم را گرفت و از جلوی چشم نگهبانان خارج ساخت در

امام صادق علیه السلام :
«خداوند بوسیله شهر قم بر تمامی شهرها و بوسیله اهل قم بر همه مردم جهان حجت را تمام می‌نماید».

حالیکه آنان بیدار بوده و با یکدیگر مشغول صحبت بودند و مشعل‌ها نیز روشن بود، ولی (بخاطر معجزه آن حضرت) ما را ندیدند.

آنگاه که از زندان بیرون آمدیم، آن حضرت فرمود: به کدام شهر می‌خواهی بروی. عرض کردم: به منزل در شهر هرات (که اکنون در غرب افغانستان می‌باشد). فرمود: ردایت (رداء یعنی لباس بلند) را بر صورتت قرار ده، و آنگاه دستم را گرفت و من گمان کردم مرا از طرف راست خود به سمت چپ انتقال داد و بعد فرمود: صورتت را باز کن.

من صورتم را گشودم و هرچه به اطراف خود نگریستم آن حضرت را ندیدم و ناگاه دیدم در شهر هرات و بر درب منزل هستم و سپس وارد منزل شده و از آن وقت تاکنون نه با مأمون و نه با هیچ یک از مأمورانش برخورد ننموده‌ام.

«درسی که می‌گیریم»

این داستان گویای حقیقت مهمی است که به آن اشاره کردیم که اگر فرد یا اجتماع بخواهند از گرفتاری نجات یابند باید عاجزانه و ملتمسانه از خداوند نجات خود را بخواهند و خدای تعالی بوسیله نماینده و ولی خود امام زمان علیه السلام آن گرفتاری را برطرف خواهد نمود که مهمترین گرفتاری و مصیبت، گرفتاری زندگی در زمان غیبت امام زمان علیه السلام است.

یعنی: زمان محرومیت از نعمتهای الهی و گرفتاری در چنگال ابلیس و پیروانش،
یعنی: زمان فروکش نمودن عقل در جامعه بشری و بروز جهل و کینه‌توزی و خودخواهی،

یعنی: زمان جنگ و ستیز و فساد و فحشاء و فقر و مرض و جهنمی شدن و فرورفتن

دعاء النذبة :

«واجعل ارزاقنا به مبسوطة و هومنا به مكفّية و حوائجنا به مقضية».^{۲۴۰}

در شهوات حیوانی،

و زمان نمایش خواسته‌های دل بعضی از انسانها و سکوت بقیه مردم در قبال آنان و فاسد شدن زندگی در کره زمین.

بی شک اگر مردم زمان غیبت مانند اباصلت هروی عاجزانه از خدا نجات خود را می‌خواستند، خداوند بزرگ، حجت و نماینده خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را که زنده و حاضر در میان ما بسر می‌برد، از زندگی غائبانه خارج و دستور قیام و نهضت جهانی آن بزرگوار را صادر می‌فرمود تا برای همیشه زمین از لوث وجود کفر و ستم و فساد و جنگ و دغلبازی و هزاران شیطنت و ظلم‌رهای یابد.

ولی نه تنها مردم دنیا، بلکه شیعیان اهل بیت عصمت علیهم‌السلام و آنانکه مانند اباصلت هروی خود را شیعه و پیرو امام زمانشان می‌دانند نیز اینکار را نکرده و خود را به رنج و عذاب عادت داده‌اند.

بنابراین نزدیک بودن ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام به دست خود ماست و می‌توانیم به سرعت به آن نزدیک شویم. همانطور که در بعضی روایات فرموده‌اند :
 " ما اسرع ما یاتیکم الفرّج، یعنی : فرج چه قدر سریع به شما می‌رسد ".^(۱)

«شیعیان هنوز تشنه ما نیستند»

آری ما شیعیان و نیز بقیه مردم جهان مانند تشنه لبی هستیم که آب در چند قدمی ماست ولی حرکتی برای بدست آوردن آن نمی‌کنیم. و طبیعی است که همچنان تشنه بمانیم و لذا حضرت بقیة الله ارواحافدا در تشرف مرحوم حاج محمد علی فشنودی که

۱- کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۸ باب ۳۲ ح ۸ عن الامام الباقر علیه‌السلام.

دعای ندبه :

«خدایا در عصر غیبت بواسطه آن حضرت روزیمان را وسیع و ناراحتیها و مشغله‌های
فکریمان را کفایت و حوائجمان را به آبروی آن حضرت برآورده فرما».

پیش از این نیز به آن اشاره نمودیم و زمان زیادی از وقوع آن نمی‌گذرد در پاسخ
مرحوم آقای فشنیدی قدس سره که عرض کرد : آقا شما برای فرج امام زمان علیه السلام دعا
بفرمائید که امر فرج نزدیک گردد (او در آن هنگام امام عصر ارواحناده را نشناخته بود)
فرمودند:

“شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند، اگر بخواهند دعا می‌کنند و
خداوند فرج را می‌رساند.”^(۱)

و چرا چنین نباشد در حالیکه خود ما مردم، زمان غیبت امام زمان علیه السلام را با سستی
و نشناختن خاندان عصمت علیهم السلام و تنها گذاشتن آنان در برابر ظالمین، به وجود آورده
و خود ما باید این مشکل را برطرف کنیم. گرچه ظهور امام زمان ارواحناده ممکن است
بصورت ناگهانی و بدون انتظار حرکتی از سوی ما صورت گیرد و چنین نیست که
خداوند همیشه منتظر حرکت ما بماند.

هدف ما از مطالب فوق آن بود که بگوئیم انقلاب اسلامی ایران چون
براساس رهایی جامعه از گرداب فساد بوجود آمد و مردم ایران با
استمداد از منجی عالم بشریت و ایمان به آن حضرت به عنوان
نماینده و جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله توانستند قدمهای بزرگی در این
راه بردارند و معمار بزرگ این انقلاب مرحوم امام خمینی رهبر هدف از
برپایی این نهضت را زمینه‌سازی برای ظهور حضرت صاحب‌الزمان
ارواحناده عنوان فرمود، بنابراین باید بکوشیم این پرچم پر عظمت
که تیرهای زهرآلود دشمنان انسانیت به سوی آن پرتاب می‌شود بر

۱- مشروح این قضیه را در کتاب راهی بسوی نور آورده‌ایم.

زیارة صاحب الامر عليه السلام :

«اشهد... و انك خازن كل علم و فاتق كل رتق».^{۲۴۱}

زمین نیفتد و نام مقدس امام عصر ارواحنا فداه زینت بخش آن و محور توجهات مسئولین و مردم عزیز آن باشد که در آن صورت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه وعده حفظ شیعیان از خطرات و تهدید زورگویان را به ما داده‌اند و از ما پشتیبانی خواهند فرمود همچنانکه تابحال چنین بوده است، آن بزرگوار می‌فرمایند :

“ انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لولا ذلک لنزل بکم اللأواء و اصطلمکم الأعداء ”^(۱) یعنی : “ ما در رعایت حال شما هیچ کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم (و برایتان دعا می‌کنیم) و اگر غیر از این بود بلاها بر شما فرو می‌ریخت و دشمنان شما را از پا درآورده و ریشه‌کن می‌نمودند ”.

۱- احتجاج ج ۲ ص ۵۹۸ (شماره ۳۵۹)

زیارت امام عصر علیه السلام :

«یا مولای یا صاحب الزمان شهادت می‌دهم و اعتقاد دارم که شما نگهدارنده تمامی علوم و معدن آن بوده و (بهمن جهت) بازکننده گره از تمامی مشکلات می‌باشید».

«کشور صاحب الزمان علیه السلام»

یکی از افتخارات بزرگ ملت ایران آن است که به عنوان یگانه کشور شیعه (یعنی پیرو دوازده امام معصوم و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) در دنیا معروف شده است. ایران پایگاه تشیع است.

ایران تنها کشوری است که خود را به منجی کل حضرت بقیة الله ارواحنا فداء وابسته می‌داند و رهبرانش افتخار سربازی آن حضرت را رسماً اعلام می‌نمایند.

ایران پس از انقلاب اسلامی افتخار برافراشتن پرچم استقبال از ظهور عدالت و منجی و پایان ظلم و ستم را برای خود ثبت و هزاران شهید جهت حفظ نام مقدس آن حضرت تقدیم نموده است.

شب طولانی و تیره غیبت کبری بوسیله کشور ایران به سپیده صبح ظهور نزدیک شد و نزدیک شدن به طلوع خورشید بستگی به اعمال ما شیعیان خصوصاً مسئولین این نظام بزرگ دارد و ممکن است خدای ناکرده با غفلت و بی‌توجهی آنان و شیعیان مجدداً به اعماق شب تیره ظلم و ستم و جهالت و فساد و خودخواهی فرو رود که باید همه ما بهوش باشیم و در برابر این هجوم شیطانی خود را بیمه کنیم.

اکنون کشور ایران کشور صاحب الزمان علیه السلام است.

کشور ایران یک ملیت قومی و نژادی بنام ایرانی نیست بلکه یک دنیا و یک جهان کوچک است که مرز قومیت و نژاد را از نقشه خود پاک و بسوی تمدن حقیقی که روز ظهور منجی می‌باشد، پیش می‌رود.

امام زمان علیه السلام : «ما ایران را نگه می‌داریم»

در قضیه‌ای که در کتاب راهی بسوی نور آورده‌ام یکی از علماء بزرگ شیعه از مرحوم

دعاء الندبة :

«اللهم و نحن عبيدك التائقون الى وليك» ۲۴۲

میرزای نائینی رحمه الله علیه نقل می کند در زمان جنگ جهانی اول که قدرتهای بیگانه به ایران هجوم آورده بودند و مردم ضعیف ایران در زیر فشار ظالمین از بین می رفتند، مرحوم میرزای نائینی رحمه الله علیه متوسل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه شده و نجات ایران از این وضع را خواستار می شود تا آنکه در یک مکاشفه می بیند حضرت بقیة الله ارواحنا فداه کنار دیواری بسیار بلند ایستاده اند و این دیوار هرچه از پایین به بالا می رود کج و کج تر می شود و بالای آن نزدیک به فرو ریختن است. در آن حال حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به مرحوم میرزا می فرمایند :

” این دیوار، ایران است، کج می شود، اما با انگشتمان نگهش داشته ایم نمی گذاریم خراب شود، اینجا شیعه خانه ماست کج می شود اما نمی گذاریم خراب شود “.

آری کدام کشور است که با یک دنیا دشمن تا دندان مسلح و مجهز به بمبهای اتمی مدت بیست سال بتواند مقاومت نماید و از راه خود دست برندارد جز آنکه امام عصر ارواحنا فداه دائماً با عنایات خود، مردم فداکار ایران را با دلهائی یکپارچه بسیج نموده و برای حفظ کیان اسلام حمایت می فرمایند. گرچه حمایت آن حضرت از ایران بدان معنی نیست که بر اعمال غلط بعضی از ما صحه بگذارند ولی عموم مردم مسلمان و فداکار ایران که هزاران شهید به پیشگاه آن حضرت تقدیم نموده و کشور خود را متعلق به آن بزرگوار می دانند سزاوار چنین تکریمی می باشند.

«خدا یا دیگران را بجای ما...»

این حمایت و عنایت از سوی آن حضرت را با غفلت و فراموشی خود از آن بزرگوار از دست ندهیم زیرا اگر ما به آن حضرت بی توجهی کنیم خداوند ملتهای دیگر دنیا را برای یاری آن حضرت انتخاب خواهد نمود و این بر خداوند آسان است. همانطور که

دعای ندبه :

«خدایا ما (شیعیان) بندگان مشتاق دیدار ظهور ولی تو (امام زمان علیه السلام) هستیم»
(ایران شیعه خانه و مرکز توجه به امام زمان علیه السلام است).

در قرآن کریم می فرماید :

”یا ایها الذین آمنوا من یرتدّ منکم عن دینہ فسوف یناقی اللہ بقوم یحبّہم و یحبّونہ اذلة علی المومنین اعزّة علی الکافرین“^(۱) یعنی : ”ای کسانی که بخدا و رسولش ایمان آورده اید چنانچه از راه راست دست بردارید (بدانید خداوند به شما نیازی ندارد و بجای شما) مردمی دیگر را خواهد آورد که هم خدا آنانرا دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند، کسانی که با مؤمنین متواضع و نرم و با کافران بی اعتنا و در برابر آنان سربلند و عزیز می باشند“.

مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب ”المحجة“ روایت زیر را در باره آیه شریفه فوق آورده است که :

امام صادق علیه السلام فرمود :

”یاران صاحب این امر (یعنی حضرت مهدی ارواحنا فداه) را خداوند برای آن حضرت حفظ می نماید (با بی ایمانی و بی اعتقاد شدن مردم مسلمان آن حضرت بی یاور نخواهد ماند) حتی اگر همه مردم بی دین شوند خداوند یاران آن حضرت را به او عنایت خواهد فرمود همان کسانی که خداوند در باره آنان می فرماید : «اگر اینان از دین حق دست بردارند ما مردمی که به آن اعتقاد دارند را به عنوان یاوران حق انتخاب نموده ایم»“.

زیارة آل یاسین :

«یا مولای شقی من خالفکم و سعد من اطاعکم».^{۲۳۳}

«و اینان همانهایی هستند که خداوند در باره ایشان می فرماید : «پس بزودی مردمی را برای یاری دین خواهد آورد که خداوند آنانرا دوست داشته و آنان نیز خداوند را دوست می دارند، بر مؤمنین نرم و متواضع و در برابر کافران سربلند و عزیز هستند».^(۱)

و در دعاها نیز چنین تعلیم داده شده است که مؤمنین از خدا بخواهند بجای آنان، دیگرانرا برای یاری دین خود جایگزین نفرماید.

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که می فرمودند برای حضرت ولّی عصر علیه السلام چنین دعا کنید، در قسمتی از این دعا آمده است :

«... واجعلنا من تنصر به لدینک و تعزّ به نصر ولیک و لا تستبدل بنا غیرنا، فان استبدالك

بنا غیرنا علیک یسر و هو علینا عسر...»

یعنی : خدایا ما را از کسانی قرار ده که دینت را بوسیله آنان یاری می کنی و بوسیله آنان نماینده خود حضرت ولّی عصر علیه السلام را یاری می کنی (و لشگرش را عزیز می کنی) خدایا دیگران را بجای ما برای یاری آن حضرت انتخاب مفرما زیرا اینکار برای تو آسان است در حالیکه بر ما بسیار دشوار می باشد».^(۲)

و اکنون شیعیان ایران در امتحانی بی نهایت حساس قرار گرفته اند و خداوند منتظر

۱- فان یکفر بها هولاء فقد وکلنا بها قوماً یسروا بها بکافرین / سوره انعام آیه ۸۹

۲- بحار ج ۹۵ ص ۳۳۲، این دعا در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است (پس از دعاء عهد- امر چهارم) که ابتدای آن چنین است "اللهم ادفع عن ولیک و خلیفتک..."

زیارت آل یاسین :

«ای مولای من شهادت می‌دهم شقی و بدعاقبت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادتمند کسی است که از شما فرمان برد.»

است ببیند حال که انقلاب اسلامی ایران به لطف و عنایت خاصه پروردگار به پیروزی رسیده، و سپیده‌ای از نور اسلام افق تیره غیبت کبری را شکافته و هزاران شهید به پیشگاه امام زمان علیه السلام تقدیم شده، مسئولین و مردم مسلمان و فداکار آن برای معرفی مولای خود به جهانیان و زمینه‌سازی ظهور آن حضرت چه می‌کنند و چگونه لیاقت یاری آن حضرت را برای خود حفظ و افتخار فوق را به دیگران واگذار نمی‌کنند.

چه می‌دانیم شاید همانگونه که دیگران در مسائل مادی از ما جلو افتادند، حال که به بن‌بست رسیده و مادیات و پیشرفت صنعتی و تکنولوژی را هدف و مقصد خلقت انسان نیافته‌اند به یکباره متوجه معنویات و منجی عالم بشریت شده و در یاری امام عصر ارواحنا فداه از ما سبقت گیرند و مصداق این فرمایش منقول از امیرالمومنین علیه السلام شوند که :

”والله الله في القرآن لا يسبقكم بالعمل به غيركم“^(۱) یعنی : ”خدا را، خدا را در باره عمل کردن به دستورات قرآن در نظر داشته باشید، مبادا دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند“.

باید توجه نمود که طبق روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام بیش از یکصدوسی آیه پیرامون وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و حقایق مربوط به ظهور آن حضرت در قرآن کریم^(۲) ذکر شده است، حقایقی که ضرورت عقلی توجه به منجی آخر الزمان را به وضوح گوشزد و جهانیان را متوجه آن بزرگوار می‌نماید و همین

۱- نهج البلاغه نامه ۴۷.

۲- قسمتی از این آیه را در صدر صفحات همین کتاب خاطر نشان ساخته‌ایم.

زیارة ال یاسین :

«السلام علیک حین تحمد و تستغفر».^{۲۴۴}
 «سلام بر شما یا صاحب الزمان آنگاه که الحمد لله می گوئی و آنگاه که برای شیعیانت
 از خداوند آمرزش می خواهی».

حقایق عقلی و آسمانی است که اذهان مردم را تکان داده و آنانرا بسوی زندگی
 درخشان پس از ظهور متمایل نموده و خواستار ظهور منجی نموده و باعث می شود
 آنها در عمل به قرآن کریم که یکی از مهمترین راهنمائیهای آن توجّه به منجی عالم
 بشریت است از ما پیشی گیرند.

البته به غیرت و محبت ما شیعیان این سخن بس گران می آید، ولی از آن رو که مسأله
 اصلاح جهان و اجرای حکومت واحد جهانی در دستور کار انبیاء خصوصاً
 پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان آن حضرت بوده و با سستی مردم هرگز به تأخیر نمی افتد،
 چنانچه ما شیعیان در یاری آن حضرت کوتاهی نمائیم هیچ بعدی ندارد که خداوند
 کسانی را که ضرورت توجّه به امام زمان ارواحنا فداه را لمس می کنند، برای یاری آن
 حضرت جایگزین ما نماید ولی در عین حال آرزو داریم خداوند هرگز چنین روز
 تلخی را برایمان پیش نیاورد و افتخار یاری حجت خویش را از ما سلب نفرماید.

شایستگی نام "صاحب الزمان" بر چنین کشوری، به آن بستگی دارد که اعمال
 مسئولین آن کشور و مردم شریفش گویای اخلاق و صفات امام عصر ارواحنا فداه و اجداد
 طاهرینش باشد و آنانرا زشت جلوه ندهد که این مطلب مهم را در مباحث
 "در حضور او" و "زینت او باشیم" کامل خواهیم نمود.

قسمت هفدهم :

در حضور او

«نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می شود به امام وقت،
امام زمان سلام الله علیه مراقب ما هستند» .

صحیفه نور ج ۱۸ ص ۱۸

دعاء الندبة :

«بنفسی أنت من نازح ما نزع عنا».^{۲۴۵}

امام خمینی رحمته الله پیرامون نظارت امام عصر ارواحنا فداه بر اعمال روزانه ما می فرمایند:

- " پیغمبر اکرم توجه به این ملت دارد، تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می شود به امام وقت، امام زمان سلام الله علیه مراقب ما هستند " (۱).

- " نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفته ای دو دفعه (به حسب روایت). من می ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال را ببینند و می بینند تحت مراقبت خداست نعوذ بالله شرمنده بشود... من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه تو هستند، این کار را می کنند. نکند یک وقت خدای نخواستہ یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته هایی که ملائکه الله

۱- صحیفه نور ج ۱۸ - ص ۱۸-۱۷ - تاریخ ۶۲/۳/۲۱

دعای ندبه :

«جانم فدایت یا صاحب الزمان که بطور ناشناس در میان ما زندگی می‌کنی!»

مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می‌شود، ذره‌هایی که بر قلبهای شما می‌گذرد رقیب دارد، چشم ما رقیب دارد، گوش ما رقیب دارد، زبان ما رقیب دارد، قلب ما رقیب دارد*. کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را، نکنند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان سلام‌الله‌علیه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام‌الله‌علیه باشد". (۱)

- "دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه‌های او (خوب، ما شیعه او هستیم) شیعه او دارد این کار را می‌کند، این ملائکه‌الله که بردند پیش او دید، سرشکسته می‌شود امام زمان علیه السلام. بیدار بشوید که مسأله خطرناک است و خطر هم شخص نیست، خطر ملت نیست، خطر اسلام است". (۲)

سخنان فوق از دو جهت باید مورد توجه قرار گیرد.

جهت اول: بُعد سیاسی و اجتماعی.

جهت دوم: بُعد روحی و معنوی.

و اما بُعد اول :

۱- صحیفه نور ج ۷ - ص ۲۶۷ - تاریخ ۵۸/۴/۱۲ ۲- صحیفه نور ج ۸ - ص ۱۴ - تاریخ ۵۸/۴/۱۳

زیارة آل یاسین :

«یا مولای... فالحق ما رضیتموه والباطل ما اسخطتموه».^{۲۴۶}

سخنان فوق که بیشتر متوجه مسئولین نظام جمهوری اسلامی است چنانکه از آخرین جمله چنین برمی آید (سرشکسته می شود امام زمان علیه السلام، بیدار بشوید که مسأله خطرناک است و خطر هم شخص نیست، خطر ملت نیست، خطر اسلام است) برای آن است که مسئولین جمهوری اسلامی ایران تأثیر بسیار مهمی در امر ظهور و فرج امام عصر ارواحنا فداه دارند و به دنبال آنان مردم شریف و بزرگوار نقش اصلی را در این جهت ایفا می کنند.

زیرا از صدر اسلام تاکنون حکومتی و قدرتی در دست معتقدین به خاندان عصمت علیهم السلام و شیعیان آنان قرار نگرفته بود تا برای حکومت جهانی آن بزرگوار امکانات مالی و فرهنگی و تبلیغاتی وسیعی را بکارگیرد خصوصاً در جهان امروز که رادیو و تلویزیون و ماهواره ها نقش کلیدی در این باره ایفا می کنند.

در طول تاریخ غیبت کبری و بلکه پیش از آن ارادتمندان به اهل بیت عصمت و طهارت همیشه سرکوب شده و نتوانسته اند از امکانات خود در جهت اهداف مقدس این خاندان استفاده نمایند ولی بحمدالله خداوند متعال مردم شریف ایران را مورد لطف قرار داده و یک کشور وسیع با امکانات گسترده را در اختیار آنان قرار داده است تا دنیای امروز را برای تشریف فرمایی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه آماده نمایند.

اگر شیعیان تاکنون برای این امر امکاناتی در اختیار نداشتند و تحت سلطه رژیم طاغوتی شاه و سایر رژیمهای طاغوتی جهان از فعالیت ممنوع بودند و برای خود عذری داشتند، ولی پس از انقلاب اسلامی چه عذری دارند اگر برای توجه دادن جهانیان به امام عصر روحی فداه فعالیت ننمایند.

مگر در جهان کنونی کدام قدرت و کدام دولت است که خود را خادم و سرباز حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بداند جز دولت و ملت ایران و اگر همین یک کشور هم

زیارت آل یاسین : (خطاب به امام عصر علیه السلام)
«ای سرورم شهادت می‌دهم حق همان چیزی است که شما از آن رضایت داشته و باطل
چیزی است که برایتان ناپسند و مورد خشم شما باشد».

بلندگوی تبلیغاتی و معرفی آن حضرت به جهانیان نباشد آیا آن حضرت را دل شکسته
نخواهد نمود و به غربتش نخواهد افزود و در نتیجه زمان غیبت آن حضرت را از آنچه
هست طولانی‌تر نخواهد نمود؟

لذا مسئولین و بلکه تمامی مردم شریف ایران باید متوجه این نکته بوده و با قرار
دادن فعالیت خود بر دو محور مهم، قلب آن حضرت را شاد نمایند.

محور اول : آنکه تمامی توان مالی، فرهنگی، تبلیغاتی خود را برای معرفی صحیح
آن حضرت به جهانیان بکارگیرند و همانگونه که برای معرفی اصول انقلاب اسلامی و
پایه‌های آن و سایر مسائل کلیدی قدم برمی‌دارند برای ستون خیمه اسلام و انسانیت
و تشیع و برای معرفی امام زمان علیه السلام که در حقیقت روح این نهضت مقدس را تشکیل
می‌دهد قدم بردارند.

محور دوم : در عین حفظ محور اول برای اصلاح مسائل اخلاقی و فرهنگی و
اجتماعی و اقتصادی کشور تلاش نمایند.

ما در بحث‌های آینده این دو محور را بیشتر مورد بررسی قرار خواهیم داد و از آنرو
در این بحث آنرا ذکر نمودیم که بگوئیم همه ما در حضور و محضر امام زمان خود
هستیم و صاحب این کشور آن حضرت است و همه مردم خصوصاً مسئولین این
کشور در برابر آن بزرگوار مسئولند.

همه ما باید بدانیم اگر می‌شود اعمال خود را از دید مسئولین عادی و رده بالای
مملکت مخفی نمائیم ولی از چشمان تیزبین حجت خدا حضرت ولی عصر ارواحنا فداه
که خداوند او را از همه امور مطلع می‌کند، مخفی نخواهد ماند و آن حضرت خواهند
فرمود شما مملکت من و نام من و دینی که من مسئول آنم را بدنام می‌کنید (و خدای
نکرده از دست ما به پیشگاه الهی شکایت برند).

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک حین تقرأ و تبین»^{۲۴۷}

و اما اینکه چگونه خداوند آن حضرت را بر همه امور آگاه می‌کند بسیار ساده است زیرا خداوند از همه چیز آگاه است و طبیعی است که ولی و نماینده خود در کره زمین یعنی حضرت ولی عصر ارواح‌افاده را از همه امور باخبر نماید چرا که یک رهبر باید از تمامی حیطه رهبری خود اطلاع کامل داشته باشد تا بتواند آنجا را رهبری نماید و چون خداوند متعال آن حضرت را رهبر تمامی کره زمین قرار داده طبیعی و بسیار ساده است که او را از همه امور جهان (چه پنهان و چه آشکار) مطلع فرماید.

مثال این مطلب هم بسیار ساده است : همانطور که رئیس جمهور یک کشور از صدها خبر و امور مخفی (بواسطه دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی) با خبر است و مردم عادی از یک هزارم آن مسائل مطلع نیستند پس بسیار طبیعی است که امام عصر ارواح‌افاده که رئیس کل جهان می‌باشند و خداوند او را جانشین خود بر زمین قرار داده از تمامی امور مطلع باشند.

و همین مطلب رمز عدالت گستری آن حضرت در سطح جهان است زیرا از اعمال همه مردم چه آشکار چه پنهان باخبر بوده و کوچکترین تخلف و خیانتی از هر کس و با هر نوع مخفی کاری در پیش چشم او قرار داشته و از آن آگاه می‌گردد و خیانت کار فرصت کوچکترین حرکتی برای ایجاد مانع در حکومت آن حضرت نمی‌یابد.

آری، هر کس در هر لباس، چه لباس روحانیت چه لباس مسئولیت نظام، چه لباس تشیع و پیروی و ارادت به امام عصر ارواح‌افاده، در راه زشت جلوه دادن نام آن بزرگوار قدم بردارد اگر نا آگاه باشد، انشاء الله خداوند او را هدایت و برای تربیت او چه بسا مجازات‌هایی برایش مقرر خواهد فرمود و اگر آگاهانه و بخاطر رسیدن به ریاست و آرزوهای دنیایی و باطل خود این کار را می‌کند، خداوند او را به قهر و غضب خود مبتلا خواهد نمود.

زیارت ال یاسین :
«سلام بر شما یا صاحب الزمان آنگاه که ظهور فرموده و حقایق دین و کلام خدا را برای
جهانیان روشن می‌سازی». (یا آنگاه که در زمان غیبت برای عده‌ای خاص دروس انسانیت را
تدریس می‌فرمائی).

«رمز موفقیت»

(بعد دوم بررسی سخنان امام راحل قَدِّسَ سَلَامُهُ) :

یکی از مهم‌ترین و شاید کلید اصلی موفقیت در رسیدن به کمالات روحی آن است
که انسان خداوند متعال و نماینده او در زمین را بر اعمال خود حاضر و ناظر بداند.
اصولاً حضور مربی باعث رشد و شکوفائی و پیشرفت هرکس که تحت تربیت
اوست می‌شود، همانطور که با حضور مربی و معلم در کلاس درس است که
دانش‌آموزان جهت می‌یابند و پیشرفت می‌کنند و حتی این قانون نیز در عالم طبیعت
نیز جاری است.

وقتی باغبان نزد نهالها و گلهای خود حضور داشته و بر آنان نظارت نماید موجب
رشد و شکوفائی آنان شده و با عدم حضور او آنان پژمرده شده و از بین می‌روند.
در عالم طبیعت حضور ملائکه الهی و نظارت آنان بر اتمها و گردش کرات و
کهکشانها که به اذن الهی و به قدرت مطلق حق صورت می‌گیرد موجب ایجاد نظم
واحدی در آنان می‌گردد.

در زندگی حیوانات این حضور والدین حیوان تازه متولد شده نزد نوزاد خود و
شیردادن به او و تعلیماتی چند به اوست که موجب برپا ایستادن و حرکت و زندگی
حیوان تازه متولد شده می‌گردد.

و اما زندگی انسان،

زندگی انسان از دو بُعد این نظارت را داراست.

بُعد اول، زندگی جسمی :

در زندگی جسمی انسان که از عالم رحم و پس از تولد شروع می‌شود این حضور و

زیارة آل یاسین :
«أشهدک یا مولای اتی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً
عبده و رسوله لا حبیب الا هو و اهله»^{۲۴۸}

نظارت لحظه به لحظه پدر و مادر در نزد طفل است که باعث رشد جسمی او می شود و اگر کودکی بحال خود رها شود یقیناً از بین خواهد رفت بنابراین مربی جسم کودک والدین او هستند که با نظارت و دخالت خود موجب حرکت کودک بسوی کمال جسمانی می شوند.

دوم: بُعد اصلی یا زندگی روحی انسان

برای رشد روح انسان همانند رشد جسم او والدینی مورد نیاز است، زیرا همانگونه که جسم به غذاهای معمولی نیاز دارد روح نیز به غذائی به نام دانش و فهم حقایق نیاز دارد و انسان باید علم را از والدین اصلی خود فرا گیرد.

لذا قرآن کریم می فرماید: "فلینظر الانسان الى طعامه"^(۱) یعنی: "انسان باید به غذای خود بنگرد".

از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نقل شده است که در باره این آیه شریفه فرموده اند: یعنی هر انسانی باید ببیند علمی را که فرا می گیرد از چه کسی می آموزد همانطور که در خوردن غذای جسمی خود دقت می کند تا از سوی دشمن آلوده نباشد.

والدین روحی انسان موظفند غذای سالم علمی را از آنچه خداوند به آنان روزی نموده یعنی از علوم می که از سوی خداوند به انبیاء و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده و آن حضرت به علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام تعلیم داده اند، به مردم برسانند. والدین روحی انسان همان پیشوایان معصوم از خطا هستند که اولین آنان علی ابن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنان حضرت بقیة الله علیه السلام ارواحنا فداه است

زیارت ال یاسین :
«ای مولای عزیزم یا صاحب الزمان در حضور شما به یگانگی خداوند و اینکسه
محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست و تنها آن حضرت و اهل بیتش محبوب پروردگارند
شهادت می‌دهم».

زیرا آنان دانا بهر حقیقتی بوده و از هر خطایی محفوظ می‌باشند.
انسان باید از شیر علم آنان تغذیه کند و روحش را در برابر شیطان و هواهای نفسانی
قوی نماید تا او را به خطا و لغزش نیفکنند.
خطاهای زندگی انسانی همان گناهان مختلف مانند شهوترانی نامشروع و ظلم به
دیگران، بدگویی از دیگران (غیبت)، متهم نمودن و ریختن آبروی دیگران، فحش
دادن، غضب بیجا، بی‌اعتنائی به دین و دستور پروردگار و دهها مورد دیگر از گناهان
مختلف فکری و عملی می‌باشند.
هر یک از خطاها و لغزشهای فوق که توسط انبیاء و جانشینان آنان به بشر ابلاغ شده،
مانند دست زدن یک خردسال به سیم برق یا بازی کردن او با چاقو یا وسائل آتش‌زا
است، و همانطور که کودک خردسال متوجه خطر بازی با این وسائل نیست ما انسانها
نیز متوجه خطر دوری از خدا و ارتکاب گناهان گوناگون نیستیم و بین لذت حلال و
حرام فرقی نمی‌گذاریم و فقط به شیرینی لذت گناه می‌نگریم همانطور که کودک
خردسال بین شکلات مسموم و شکلات سالم فرق نمی‌گذارد مگر آنکه بزرگترها به او
بگویند و او را از خطر باز دارند.
این بزرگترها همان پیامبران و جانشینان آنان هستند که در غیاب آنان عالمان وارسته
دینی که از هواهای نفسانی به دورند جانشین آنان می‌باشند.

«حضور حجت خدا»

حضور حجت خدا چنان ضروری است که اگر بنا باشد او در بین بشر حضور نداشته
باشد خداوند برنامه خلقت را برمی‌چیند زیرا مانند آن است که کودکی را بدون پدر و
مادر بحال خود رها نماید.

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک بجوامع السلام».^{۲۴۹}

ممکن است بعضی از این مثال ناراحت شوند و تصور کنند ما مردم را کودک بحساب آورده و آنانرا کم درک می دانیم ولی چنین نیست و ما هیچگاه این تصور را نداشته و نداریم.

آنچه ما می خواهیم بگوئیم آن است که علوم انبیاء مانند دانستیهای یک پدر باتجربه و دانش ما در برابر آنان، مانند آنچه یک طفل شیرخوار می داند است زیرا آنان به اقیانوس وحی و علم الهی متصل اند و ما انسانها باید از این اقیانوس به اندازه ظرفیت خود آب حیات را که "علم" است برگیریم.

بنابراین مثال کودک و پدر برای ما انسانها و انبیاء یک حقیقت است و توهین به انسانها نیست و حتی انبیاء علیهم السلام نیز تا خداوند به ایشان علم و حکمت عنایت نفرماید چیزی نمی دانند و مانند ما بشری معمولی هستند.

«مرتبى و مرتبى»

اکنون نیک درمی یابیم که انبیاء علیهم السلام مرتبى (پرورش دهنده) روح ما هستند و ما مرتبى (پرورش یافته) آنان هستیم.

"علم" همان شیرى است که از زبان انبیاء علیهم السلام به درون جان ما تراوش می کند و بوسیله آن رشد روحى می یابیم و به تدریج بزرگ و عقلمان کامل می شود.

آنانکه می کوشند خود را تحت تربیت دستگاه وحی قرار دهند و امام زمان خود را بشناسند و با علم و آداب او راه انسانیت را در پیش گیرند از شیر علم و معنویت حق نوشیده و روحشان قوی می شود و در برابر میکروبهای گناه و وسوسه شیطان و خواسته های دل مقاومت پیدا می کنند و در نتیجه گناه آنانرا تسلیم خود نمی کند و آنان تسلیم گناه نمی شوند.

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای حجت خدا، با تمامی سلامها و ریزش رحمت الهی که از هر بدی و ناراحتی مصون باشی».

آنان به این حقیقت که در قرآن کریم ذکر شده توجّه کامل دارند که :
"الم يعلم بان الله یری" ^(۱) یعنی : " آیا انسان نمی داند که خدا او را می بیند؟ ".

«انسان در حضور چه کسی قرار دارد؟»

باید این حقیقت را بدانیم، انسان فرمانبردار هرکس که شد خود را در حضور او حس می کند.

اگر فرمانبردار نفس خود شد همیشه خواسته های دل خود را در پیشگاه خود حاضر می بیند و ندای آنرا اجابت می کند، گاهی ندای شهوت را لبیک می گوید، گاهی ندای حسد را پاسخ می دهد، گاهی ندای تکبر و غرور را اجراء می نماید و ...
اگر فرمانبردار شیطان شد، همیشه شیطان را در کنار خود حس کرده و وسوسه های او را می پذیرد و بر خود اجرای می نماید و به اعمال خلاف مقام یک انسان و تبه کارانه دست می زند.

و اگر فرمانبردار خدای بزرگ شد و با دلی پاک تسلیم او گشت، همیشه از او پروا دارد و او را بالای سر خود حس می کند، از آن می ترسد که نکند کاری کند خدا از او ناراضی شود و محبت خود را از او بردارد.

او سخنان پروردگار را صد در صد می پذیرد و به آن گردن می نهد، سخنان او را "باور" می کند و عمل خود را طبق آن تنظیم می نماید.

حال تصوّر کنید کسی که خدا را بر خود ناظر و شاهد می گیرد، و یا به سفارش پروردگار نظارت و احاطه علمی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه به عنوان نماینده خدا را بر

زیارة امام عصر علیه السلام :

«السلام على الحق الجديد والعالم الذي علمه لا يبيد».^{۲۵۰}

خود حس می‌کند، آیا می‌شود (بجز بعضی موارد استثنائی) خطایی از او سر بزنند؟

امام زمان علیه السلام : «ما شاهد بر اعمال تو هستیم»

گرچه قضیه زیر را در کتاب "راهی بسوی نور" آورده‌ام ولی تذکر مجدد آن در این کتاب خالی از فایده نیست.

یکی از سالکین الی الله از طلاب علوم دینی نقل می‌کند که: "از وقتی که در سنین نوجوانی فهمیدم امام زمان علیه السلام مرا می‌بینند و بر اعمالم نظارت دارند بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بودم و خود را کنترل می‌کردم. شبی در توسل به آن حضرت خواستم یقین بیشتری در این باره به من عنایت فرمایند.

همان شب در عالم رؤیا دیدم آن حضرت در حیات منزلمان هستند و من و ایشان به تنهایی کنار هم هستیم در آن حال به من فرمودند: ما شاهد بر اعمال تو هستیم.

او می‌گفت: شما می‌گوئید این خواب بوده ولی اگر بجای من می‌بودید لمس می‌کردید که از آن لحظه به بعد همان جمله و فرمایش حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مانند نور خورشید به من گرما و حرارت می‌داد و من حضور روحی آن حضرت را لمس می‌کردم و این در اثر پذیرش حقیقت عقلی و فطری فوق بود که قرآن کریم به آن اشاره نموده است.

آری، انسان در اثر پذیرش این حقیقت مهم و اساسی هیچگاه خود را آزاد و رها بمعنی غلط آن نمی‌بیند، بلکه خود را تحت تربیت و نظارت پروردگار حس می‌کند و در نتیجه زندگی او بسوی یک زندگی شایسته به پیش رفته و به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد و اهل بهشت می‌گردد.

و اینجاست که قرآن کریم با اشاره به حقیقت فوق به آنانکه کلام حق، قرآن مجید را

زیارت امام عصر علیه السلام :

«سلام بر امام زمان علیه السلام آن حق تازه‌ای که کهنه نمی‌شود و علمش هیچگاه پایان نمی‌یابد». (و به علم خدا متصل است).

پذیرفته‌اند گوشزد می‌کند که :

”و قل اعملوا فسیرى الله عملکم و رسوله و المؤمنون“^(۱)

یعنی : ” هر آنچه می‌خواهید انجام دهید ولی بدانید که اعمال شما را خدا و رسول خدا و مؤمنون (ائمه اطهار علیهم السلام) می‌بینند “.

مؤمنین به قرآن، چنانچه این آیه به صراحت بیان فرموده باید هر لحظه خدا و رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام را بر خود شاهد و ناظر ببینند.

زیرا جانشینان معصوم و بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایات متعدد فرموده‌اند مقصود پروردگار از اینکه ” مؤمنون “ اعمال شما را می‌بینند ما اهل بیت عصمت و طهارت هستیم، ما نظاره‌گر به اعمال شما می‌باشیم، اگر فکر کنید که ما شما را نمی‌بینیم بد فکری کرده‌اید.

آری اگر نمایندگان خداوند از اعمال مردم باخبر نباشند پس چگونه نماینده خدا در زمین هستند، این مطلب بقدری روشن است که امروزه از مسائل اولیه زندگی بشر شده و رئیس جمهور یا مسئولین طراز اول یک کشور با در اختیار داشتن نیروهای اطلاعاتی و امنیتی گسترده خود، از بسیاری امور پنهان و آشکار مردم آن کشور باخبرند و طبق آن سیاستهای خویش را تنظیم می‌نمایند.

خداوند متعال نیز نمایندگان خود را بوسیله ملائکه قدرتمندش که تمامی امور عالم را در دست دارند به مانند نیروهای امنیتی از اعمال پنهان و آشکار بندگان خویش مطلع می‌نماید تا آنان با اطلاع از همه چیز و همه کس بتوانند راه راست را به مردم

۱- سوره توبه آیه ۱۰۵.

دعاء الندبة :

«خلقته لنا عصمة و ملاذاً... فبلغه منا تحية و سلاماً».^{۲۵۱}

نشان دهند.

و امروزه پیشرفت علمی بشر پذیرش این مطلب را آسان نموده زیرا انسانها بالعیان می بینند دوربینهای ماهواره از صدها کیلومتر خارج از جو کره زمین جزئی ترین رفتار یک انسان که در روی زمین راه می رود را می توانند ببینند پس نماینده پروردگار و حجّت خدا که خداوند او را رهبر جهانیان قرار داده چگونه از اعمال مردم باخبر نمی باشد و خداوند چگونه نمی تواند او را از چنین چیزی مطلع گرداند در حالیکه او بر همه چیز تواناست.

پس هم اکنون باید به این حقیقت گردن نهیم و آنرا بپذیریم و باور کنیم که حجّت خدا ما را می بیند و شاهد بر اعمال ماست، اگر او را شاهد بر خود دانستیم اعمالمان مرضی آن حضرت واقع می شود والا بدون نظارت آن بزرگوار به هیچ سعادت و کمالی نخواهیم رسید.

«هشدارى به مسئولین»

و لذا مسئولین کشور جمهوری اسلامی ایران (که به نام کشور امام زمان علیه السلام لقب یافته) اگر آن حضرت را ناظر بر اعمال ندانسته و خود را در پیشگاه ایشان مسئول ندانند خطرهای فراوان و ضربات سهمگینی به اسلام وارد خواهند نمود همانطور که حضرت امام علیه السلام در آغاز این بخش فرمودند :

" بیدار بشوید که مسأله خطرناک است و خطر هم مشخص نیست، خطر ملت

نیست، خطر اسلام است."^(۱)

دعای ندبه :

«خدایا امام زمان علیه السلام را در میان ما قرار داده‌ای تا از سرگشتگی و نابودی حفظمان
نماید... پس سلامها و درودهای ما را به محضر مبارکش ابلاغ فرما».

اکنون چشم جهانیان به این نظام و مسئولین و مردم آن دوخته شده تا شیعه و امام
زمان علیه السلام را از آن بشناسند.

آنان با شناخت ما شیعیان به دنبال شناخت امام زمان ارواحنافداه کشیده خواهند شد و
با سنجش اعمال ما میزان رغبت آنان به آن حضرت کم یا زیاد خواهد شد همانگونه
که مردم با دیدن اعمال فرزند خردسال، شخصیت پدرش را تا حدودی مورد قضاوت
قرار می‌دهند. (در روایتی که آنرا ذکر خواهیم نمود به این مثال اشاره شده است).
ان شاء الله در بحث "زینت او باشیم" این مطلب را قدری واضحتر مورد بررسی
قرار خواهیم داد.

قسمت هجدهم :

رهبر ما

«رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است» .
«هر چه هست از اسلام است و از برکات وجود مبارک حضرت
بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ما، همه ما، چیزی نیستیم».

صحیفه نور ج ۱۴ ص ۹۴ و ج ۲۰ ص ۹۹

دعاء الندية :

«خلقته لنا عصمة و ملاذاً... فبلغه منا تحية و سلاماً».^{۲۵۱}

- " رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است. و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست به دست بیاوریم ".^(۱)
- " از نفس گرم ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواهم که از خداوند متعال تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و تمام ملت شریف را توفیق به عمل به اسلام و قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة الله روحی فداء نماید ".^(۲)
- " اگر سرّ "(ليلة القدر)" و سرّ "(نزول ملائکه)" در شبهای قدر - که الآن هم برای ولی الله الاعظم حضرت صاحب سلام الله علیه این معنا امتداد دارد - سرّ اینها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می شود ".^(۳)
- " خداوند! دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شامل حالمان گردان ".^(۴)

۱- صحیفه نور ج ۱۴ - ص ۹۴ - تاریخ ۵۹/۱۲/۴ ۲- صحیفه نور ج ۱۵ - ص ۲۴ - تاریخ ۶۰/۳/۲۸

۳- صحیفه نور ج ۱۹ - ص ۱۷۲ - تاریخ ۶۴/۳/۳۰ ۴- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۶۲ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶

عن الصادق عليه السلام : «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»^{۲۵۲}

«اگر حضرت مهدی علیه السلام را درک می‌کردم تمام عمر به او خدمت می‌کردم».

- "هرچه هست از اسلام است و از برکات وجود مبارک حضرت

بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف. ما، همه ما، چیزی نیستیم".^(۱)

یکی از مهمترین انگیزه‌های من برای نوشتن این کتاب آن بود که جملات فوق از امام راحل قدس سره مرا بر این اندیشه واداشت که وقتی بزرگترین رهبر نهضت‌های عصر حاضر و بلکه تاریخ هزار ساله گذشته، رهبری که صلابت و استقامت و قدرت روحی‌اش همگان را به تحسین واداشت و حتی دشمنان نیز به عظمت او اعتراف نمودند و... چنین رهبر با عظمتی چگونه خود را سرباز و خدمتگزاری کوچک برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌داند.

پس جهانیان با این سخن به عظمت رهبری پی می‌برند که امام خمینی قدس سره او را به عنوان رهبر همه یاد می‌کند و می‌گوید همه ما در برابر او هیچ هستیم. آری بزرگترین حرکت میلیونی در جهان معاصر به رهبری امام راحل قدس سره این چنین خود را خاضع و خاشع در برابر رهبری می‌داند که دنیا تاکنون شاید نام او را نشنیده بود.

با توجه به اهمیت سخنانی که حضرت امام خمینی قدس سره در عظمت و شخصیت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه فرموده‌اند باید توجه داشته باشیم که ما شیعیان طبق این سخنان عمل ننموده و بسیار از امام عصر ارواحنا فداه غافل بوده‌ایم.

اگر امام امت قدس سره با همه عظمت و شخصیتش خود را در برابر آن مصلح کل هیچ

عن رسول الله ﷺ :

«يا عليُّ أنا نذيرُ أُمّتي... والقائمُ الخلفُ ساقِها»^{۲۵۳}

می‌داند،

اگر هرچه اسلام دارد و هرچه جمهوری اسلامی دارد را از برکت آن حضرت

می‌داند،

اگر او را رهبر خود می‌داند،

و اگر آن حضرت را حاضر در میان ما می‌داند و او را صاحب شب قدر، شب نزول ملائکه و تنظیم امور عالم، شبی که باید امام زمان ارواحنا فداه تقدیرات تنظیم شده توسط ملائکه در همه امور عالم از حرکت اتم گرفته تا گردش کهکشانها را امضاء بفرمایند، اگر چنین است، پس چرا ما اینچنین از آن حضرت غافل هستیم.

چرا حضور آن بزرگوار را در میان خود حس نمی‌کنیم و به امید دیدار رویش لحظه‌شماری نمی‌کنیم؟

چرا برای لحظه ظهورش بی‌تاب نمی‌شویم و بدرگاه خداوند تضرع و التماس و اظهار عجز نمی‌نمائیم تا ظهور مقدس آن حضرت را زودتر برساند.

چرا برای آنحضرت کنفرانسهای بین‌المللی تشکیل نمی‌دهیم؟

چرا همانگونه که برای موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره دهها ساعت فیلم و سریال و... پخش می‌کنیم برای امام زنده و حاضر در میان خود چنین نمی‌کنیم؟

چرا روزنامه‌ها و مجلات ما از یاد و نام آن حضرت خالی و از آنچه نباید (مانند جنجالهای سیاسی و غیره) پراست؟

چرا منبرهایمان از نام آن حضرت خالی شده و سخنی از آن بزرگوار به میان نمی‌آوریم؟

مگر در زیارت خطاب به آن حضرت نمی‌گوئیم سلام بر شما هنگامی که صبح

رسول خدا ﷺ :

«ای علی، من هشدار دهنده و برحذر دارنده امتم می‌باشم... و حضرت قائم که از فرزندانم است سوق دهنده و کشاننده آنان بسوی بهشت می‌باشد».

می‌کنید و هنگامی که عصر می‌کنید؟ یعنی که من متوجه هستم همانگونه که صبح از خواب برمی‌خیزیم امام زمان نیز همزمان با ما وارد صبح و عصر می‌شود و خلاصه آنکه مانند یکی از ما در میان ما بسر می‌برد پس چرا اینقدر او را از زمان خود جدا و مربوط به زمانهای دور و آینده تصور کرده‌ایم؟

هدف ما آن بود که تذکری مطرح شده باشد زیرا طبق فرموده قرآن کریم تذکر و یادآوری برای مؤمنین مفید واقع می‌شود و آنان را متوجه مسئولیت‌هایشان در قبال خدا و امام زمان علیه السلام می‌نماید.

«اشکال کار ما...»

اشکال کار ما اینست که در خواب غفلتیم و ذهنمان برای توجه به این امر مهم بیدار نشده است.

می‌گوئیم حالا مسائل مهمتری داریم، این مطلب که چیزی نیست، بعداً هم می‌توان به آن پرداخت در حالیکه غافلیم از اینکه اکثر مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ما در اثر همین طرز فکر و غفلت از آن رهبر عالیقدر و فراموش نمودن اوست چراکه او از ما انتظار دارد برایش حرکت جهانی و تبلیغاتی براه اندازیم همانطور که وقتی یک رهبر تبعید شده اگر ارادتمندانی در کشور خود داشته باشد از آنان انتظار یاری و حرکت دارد، امام عصر ارواحنا فداه نیز که بواسطه ظلم ظالمین و کوتاهی مردم تبعیدی بس دراز بر او تحمیل شده، از مردم هر نسلی انتظار حرکت و توجه به ظهور مقدّسش دارد.

آری امام زمان ما غریب و تنها است زیرا ما که باید به فکر او باشیم در این فکر نیستیم.

عن رسول الله ﷺ :

«تأوی الیه اُمّتُهُ کما تأوی النحلہ (الی) یعسوبها».^{۲۵۲}

غریب است زیرا کشور بزرگ ایران با تمام امکاناتش متعلق به اوست ولی تنها از او خبری نیست و فقط اخیراً در نیمه شعبان آنهم سالی یکبار مقداری نام او را می‌بریم و چه بسا در این جشن پر عظمت قلب آن حضرت را عده‌ای با انجام امور لهُو و بیهوده می‌رنجانند.

غریب است زیرا امام زنده و حاضر در بین ما است ولی مانند آن است که در میان ما نیست.

و غریب است زیرا حتی ما روحانیین که می‌گوئیم سرباز آن حضرتیم برایش کاری (کاری که باید بکنیم) نمی‌کنیم.

و غریب است زیرا فکر می‌کنیم هنوز خیلی مانده آن حضرت ظهور بفرمایند و بهمین بهانه او را به نسل‌های بعدی حواله می‌دهیم که نسل‌های آینده هم طبیعتاً اگر مثل ما عمل کنند چه خواهد شد؟ چنانکه نسل‌های قبلی هم اینکار را کردند و امام زمان علیه السلام را مربوط به آینده‌های دور دانستند.

شاید مردم ده قرن پیش همین را می‌گفتند و فکر می‌کردند امام زمان علیه السلام در قرن‌های چهارم و پنجم ظهور خواهد کرد. همچنین مردم قرن پنجم یا ششم نیز شاید آن حضرت را به آینده‌های دور یعنی قرن نهم و دهم دانسته و مردم قرن نهم و دهم نیز مجدداً همین کار را می‌کردند تا آنکه نوبت به ما رسید ما هم با اقتداء به این طرز فکر آن بزرگوار را مربوط به زمانهای آینده می‌دانیم.

اینجاست که آن حضرت (با کمال معذرت از آن امام مظلوم) مثل کسی هستند که آخر صف ایستاده و صبر می‌کنند تا نوبتش می‌شود او را مجدداً به آخر صف می‌اندازند و چند بار اینکار تکرار می‌شود و در نهایت به اعتراض صدایش بلند می‌شود که پس کی نوبت من می‌شود؟

رسول خدا ﷺ :

«بدانید همچنانکه زنبورها به ملکه خود پناه برده و به دور او جمع می‌شوند مردم به سوی حضرت مهدی ﷺ خواهند شتافت».

”الم یان للذین آمنو ان تخشع قلوبهم لذكر الله“^(۱) آیا زمان آن فرا نرسیده که دلهای

مؤمنین برای یاد خدا نرم شود و تکانی بخورند؟

اگر ما آن حضرت را این چنین به آینده حواله نمی‌دادیم و از یادش غافل نمی‌شدیم، اینقدر به مسائل بی‌اهمیت و اختلاف برانگیز نمی‌پرداختیم.

اگر جهانیان روز قیامت بگویند: خدایا ما که شیعه نبودیم و امام زمان آن منجی عالم بشریت را نمی‌شناختیم و لذا مشغول دنیای خود بودیم (و البته نمی‌بایست چنین باشیم و تمام همتان به زندگی پست دنیا معطوف گردد) ولی خدایا این شیعیان ایران با آنکه انقلاب عظیم آنان به پیروزی رسید و می‌توانستند منجی بشریت را به دنیا معرفی کنند اینکار را نکرده و عده‌ای از آنان نیروی خود را صرف امور بیهوده و اختلافات سیاسی و غیره نمودند.

آیا در دنیای امروز ما وظیفه نداریم امام زمان ﷺ را چنان معرفی کنیم که تبلیغات منفی درباره آن حضرت که می‌آید و خرابی و جنگ و جوی خون براه می‌اندازد و... خنثی گردد؟ یا خدای نکرده خود ما (البته ناآگاهانه) این سخنان را بر زبان آورده و آن حضرت را خشن و خونریز معرفی و عملاً مردم را از ظهور پربرکتش می‌ترسانیم. اکنون آیا این رهبر عالیقدر که امام راحل رهبر اینقدر به او ارادت می‌ورزد در جهان ما غریب و تنها نیست؟

او که بیش از یازده قرن صبر کرده تا دنیا آماده پذیرش او گردد آیا اینچنین مردم جهان را با او آشنا می‌کنیم که خشونت و ترس و وحشت از نام و یاد او در اذهان زنده شود و یاد او همیشه با شمشیری برهنه در ذهن مردم شکل گیرد؟

دعاء الندبة :

«... اترانا نحف بك و انت تأم الملاء»^{۲۵۵}

آیا معنی اینچنین سخن گفتن در واقع همان حواله دادن امام زمان علیه السلام به نسلهای بعد نیست با آنکه آن حضرت مربوط به زمان ما است و امام و رهبر "زمان" ماست و باید مردم این زمان به او لبیک بگویند همانطور که مردم زمانهای قبل نیز این وظیفه را داشتند و اگر به آن عمل می نمودند و آن حضرت را به نسلهای بعدی حواله نمی دادند چه بسا قرنهای پیش ظهور آن حضرت اتفاق افتاده و جهان از شر ظالمین پاکسازی شده بود.

از جانب دیگر چنان خود و دیگران را از آن حضرت می ترسانیم که می گوئیم زیاد نام امام زمان علیه السلام را نبر که متهم به وابستگی به فلان حزب و جمعیت می شوی که در نتیجه خود ما، یکدیگر را از توجه به آن حضرت باز داشته و بخلاف سفارشات خداوند و پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام که شاید از همه بیشتر نام امام عصر روحی فدا را بر زبان مبارکش جاری ساخته، عمل می نمائیم.

مگر خداوند متعال در سوره "عصر" نمی فرماید: "انسانها در زیانند مگر آنانکه به آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده ایمان بیاورند و خود را اصلاح نمایند و یکدیگر را به "حق" و بردباری توصیه نمایند."

آیا امام عصر ارواحفداء به صریح زیارت جامعه کبیره که فرموده: (والحق معکم و فیکم و منکم و الیکم و انتم اهلہ و معدنہ) آن امام بزرگواری نیست که:

"حق" با اوست.

"حق" در اوست.

"حق" از او سرچشمه می گیرد.

"حق" هر جا یافت شود به او باز می گردد.

دعای ندبه :

«یا صاحب الزّمان آیا می شود روزی را شاهد باشیم که همه ما در محضر شما جمع شده و ببینیم تو رهبر جهان هستی».

و او " اهل حق و مرکز و معدن اصلی " آن است.

پس به صریح قرآن کریم و این تفسیر معتبر جای حرفی باقی نمی ماند که
"تواصوا بالحق" یعنی باید یکدیگر را :

چه در رادیو و تلویزیون

چه در روزنامه ها و مجلات و کتابها،

چه در محافل و مجالس و کنفرانسها و اجتماعات نماز جمعه و جماعات و غیره،
و چه در سایر اماکن و مجامع بین المللی و منطقه ای،

آری در تمام گفتگوها و برخوردهایمان اگر می خواهیم از خسارت و زیان اجتماعی
و فردی خارج شویم باید یکدیگر را به شناختن امام زمان و تبلیغ برای آن حضرت و
کار مهمی که آن حضرت انجام می دهد سفارش نمائیم و جهان را برای ظهور مقدّسش
آماده نمائیم.

در اینجا ممکن است شیطان (بخاطر آنکه از ظهور امام زمان علیه السلام وحشت دارد و
آنها پایان عمر پلید خود می داند) چنین القاء کند که مگر ما یک امام زمان داریم که
همه اش از او صحبت کنیم؟

پاسخ می دهیم که آری به کوری چشم آنانکه نمی خواهند جامعه بشری به سعادت
برسد و مردم متوجه مصلح آخر الزّمان شوند، ما در حال حاضر تنها یک امام زمان
داریم.

زیرا اگر کسی بگوید ما دو یا ده یا چهارده امام زمان داریم مطلب باطلی را عنوان
نموده و از اسلام خارج می شود.

ما چهارده معصوم و دوازده امام داریم که در حال حاضر فقط یکی از آنها یعنی
معصوم چهاردهم یا امام دوازدهم مصلح کل جهان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه آری تنها

دعاء النذبة : «... و جعلته للمؤمنين منّا اماماً».^{۲۵۶}
دعای نذبه : «خدایا تو آن حضرت (امام عصرارواحنا فداه) را رهبر ما گروندگان به دینت
که او را باور داریم قرار داده‌ای». (و ما بدون رهبر و سرپرست از سوی تو نیستیم).

او و نه کس دیگر "امام زمان" ماست و بقیه آنان توسط ظالمین به شهادت رسیده و از دنیا رفته‌اند (ولی روح مطهرشان همان احاطه علمی که حضرت بقیة الله بر ما دارند، دارا هستند).

البتّه وظیفه همه ماست که از همه معصومین سخن بگوئیم ولی آنچه مورد نظر شیاطین است این است که از امام زمان اینقدر حرف نزنید.

چرا؟ برای آنکه مردم را بسوی او حرکت می‌دهید.

برای آنکه مردم دنیا اگر او را بشناسند بی‌درنگ ظهورش را از خداوند می‌خواهند.

برای آنکه با ظهور مقدّسش دیگر جایی برای ستمگران و دغلبازان باقی نمی‌ماند تا

به فریب و خدعه مردم را تحت حاکمیت خود قرار دهند و بر آنان فرمان برانند.

قسمت نوزدهم :

تھا اومی تواند

«البته این پرکردن دنیا از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم
اگر می توانستیم می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان
باید بیایند».

صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۹۸

دعاء الندبة :

«این المتخیر لاعادة الملة والشریعة»^{۲۵۷}

حضرت امام قزوینی پیرامون این حقیقت که تنها حضرت ولی عصر علیه الصلوة والسلام می توانند عدالت را در تمام جهان پیاده کنند می فرمایند:

- "ما اگر دستان می رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلمها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی توانیم، اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید."^(۱)

- "البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم، تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن

۱- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۹۷

دعای ندبه:

«کجاست آن یگانه رهبری که از سوی خداوند برای بازگشت حق و عدالت به جامعه بشری انتخاب شده است؟». (تنها او قادر به انجام چنین کاری است).

تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی توانیم بکنیم، چون نمی توانیم بکنیم باید او بیاید تا بکند، اما! باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام ^(۱).

- ^(۲) "و قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائل می فهماند، منجمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ، که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند حتی رسول ختمی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا و آن کسی که به این معنا

۱- صحیفه نوری ۲۰ - ص ۱۹۱

۲- این قسمت از سخنان حضرت امام قَلْبُكَ قبلاً در عنوان "بزرگترین عید بشر" آمده و نقل آن در اینجا به جهت ارتباط مستقیم با عنوان "تنها او می تواند" و تحلیل علمی آن می باشد.

عن الصادق عليه السلام :

«لو قام قائمنا عليه السلام، يعرف أعدائنا بسيماهم فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم».^{۲۵۸}

موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد. نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت، انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان، اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان، در زمان ظهور مهدی موعود سلام الله علیه که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیا آرزو داشتند، لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این

امام صادق علیه السلام :

«اگر حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید (از علوم الهی برخوردار است و) دشمنان حق را از چهره هایشان می شناسند و آنانرا مجازات می نماید».

بزرگوار اجرا بشود. اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است و بعد از انبیا که آنها هم بودند لکن موفق نشدند کسی بعد از انبیا و اولیای بزرگ، پدران حضرت موعود، کسی نبوده است که بعد از این، اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند، نمی توانسته و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای یک همچو مطلبی و لهذا به این معنا عید مولود حضرت صاحب ارواحناله الفدا بزرگترین عید برای مسلمین است و بزرگترین عید برای بشر است نه برای مسلمین^(۱).

- "من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم، و متصل بشود این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی و آن نهضت ولی عصر سلام الله علیه هست"^(۲).

- "ما در انتظار رؤیت خورشیدیم"^(۳).

- "واقعاً دنیا الآن یک مرضی دارد، مرض مزمنی دارد که خوب شدنش به ایسن

۱- صحیفه نور ج ۱۲ - ص ۲۰۸ - ۲۰۷ - تاریخ ۵۹/۴/۷

۲- صحیفه نور ج ۱۲ - ص ۱۷۵ - تاریخ ۵۹/۳/۲۰ ۳- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۵۹ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶

عن الصادق عليه السلام :
«انّ دولتنا آخر الدّول، و لم يبق أهل بيت لهم دولة الاّ ملكوا قبلنا لثلاً يقولوا اذا
رأوا سيرتنا : اذا ملكنا سرنا بمثل سيرة هؤلاء».^{۲۵۹}

چیزها نمی تواند باشد، دنیا علیل است.... یکی می خواهد که بیاید احیا کند
این افکار را، من امیدوارم که انشاءالله حضرت بقیةالله زودتر تشریف بیاورند،
این طبیب واقعی بشر با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند اینها را.^(۱)

- " ما دنیايمان یک همچو دنیایی است. مدعی ها خیلی زیاد ولیکن واقعیت همین
است که همه می بینیم و می بینید و تا چه وقت بشود که یک همچو مطلبی
منعکس بشود و منقلب بشود. البته انقلاب کلی اش با ظهور امام زمان سلام الله علیه
است ولی خوب ما تکلیف داریم، این درست است، اما ما تکلیف داریم ".^(۲)

یکی از مسائل مهمی که همیشه در نظر اصلاح طلبان عالم مطرح بوده این است که
باید بکوشیم دنیا را پر از عدل و داد کنیم، همه انسانها به سعادت برسند و همه مردم
در رفاه بسر ببرند، هیچکس بی خانمان و ناراحت نباشد و ...

این آرزوی هر انسانی است که کره زمین و اهل آن چنین باشند و خداوند متعال هم
چنین خواسته است.

بحثی که در اینجا مطرح است آن است که آیا صرف وجود این آرزو در ذهن بشر
خصوصاً اصلاح طلبان جامعه بشری موجب می شود که آنان به این کار در کل جهان
اقدام نمایند؟

۱- صحیفه نوری ۱۷ - ص ۴۹ تاریخ ۶۱/۷/۱۱ ۲- صحیفه نوری ۱۸ - ص ۱۹۵ - تاریخ ۶۲/۱۰/۱

امام صادق علیه السلام :
«دولت ما آخرین دولتهاست، همه گروه ها که مدعی اداره اجتماع هستند پیش از ما به حکومت می رسند تا وقتی ما به حکومت رسیدیم و راه و روش ما را دیدند نگویند اگر ما هم حکومت را در دست داشتیم چنین می کردیم».

«چون طلوع خورشید»

با کمی تأمل به این نتیجه خواهیم رسید که اگر بتوانند چنین کاری کنند، بلی باید اقدام نمایند تا اینجا حرفی نیست، ولی سخن در تشخیص شخص مورد نظر برای این کار است.

باید ببینیم شرایط لازم برای چنین فردی، چیست؟

مثل آنکه بگوئیم برای ساختن این جاده در دل کوه می بایست این سنگ هزار تنی را از سر راه برداریم، برداشتن این سنگ آرزوی همه از کوچک و بزرگ است تا جاده ساخته شود و همه به مقصد برسند ولی آیا کودک خردسالی که این آرزوی خوب را دارد می تواند چنین کاری کند؟ آیا جوانی که کمی قدرتتش از او بیشتر است می تواند؟ و... یا آنکه یک دستگاه جراثیقات با ظرفیت بزرگ را باید برای انجام این کار بکار گیریم؟

اجرای عدالت به تمام معنی در جامعه بشری نیز چنین است، باید ببینیم آن انسان کامل و قدرتمندی که می تواند چنین سنگ عظیمی (رفع ظلم و ستم از جهان برای همیشه) را از جا بردارد و راه را برای رسیدن بشر به سعادت هموار کند چه کسی است.

البته در ضمن اینرا هم بگوئیم که ما معتقدیم هر انسانی باید هرچه در توان دارد عدالت را بر خود و جامعه خود پیاده کند و حتی اگر توانست تمام دنیا را پراز عدالت نماید ولی چنانکه گفتیم صحبت بر سر این است که چه کسی می تواند چنین کند. لذا امام راحل علیه السلام با توجه به همین معنی فرمودند ما اگر می توانستیم عدالت را در تمام جهان پیاده کنیم باید می کردیم ولی اینکار را ما نمی توانیم بکنیم بلکه امام

عن رسول الله ﷺ في حديث المعراج : قال الله تعالى :
«القائم هو راحة لا وليائي و هو الذي يشق قلوب شيعتك من الظالمين و الجاحدين
والكافرين». ٢٦٠

عصر ارواحانفاده باید بکند.

چنانکه مکرر اشاره نمودیم شرایط رهبری که جهان را پر از عدل و داد نماید سه چیز است.

- ۱- از جانب پروردگار عصمت او از خطا و اشتباه تضمین شده باشد.
 - ۲- خداوند علم به همه چیز را در اختیارش قرار داده باشد.
 - ۳- خداوند قدرت خود را توسط او ظاهر نماید و به اصطلاح معجزه داشته باشد و بتواند برای اثبات آنکه نماینده خدا و پیامبران و آخرین پیامبر عظیم الشان یعنی حضرت محمد ﷺ است مانند حضرت عیسی علیه السلام مرده را زنده و معجزات دیگر را انجام دهد که حضرت مهدی ارواحانفاده چنین است.
- اکنون اگر تمام اصلاح طلبان طول تاریخ (به جز انبیاء و جانشینان معصومشان) جمع شوند دارای این سه خصوصیت نبوده و نخواهند بود.
- اینکه سه شرط فوق برای مجری عدالت جهانی ضرورت دارد جای بحث نیست زیرا:

اگر معصوم از خطا نباشد با کوچکترین اشتباه ممکن است جان میلیونها نفر را به خطر اندازد و بسیاری از امور را به اشتباه تصمیم گیری نماید که جبران آنها ناممکن یا بسیار مشکل باشد.

اگر دانای بهمه امور آشکار و پنهان نباشد اولاً در بسیاری از امور نمی داند چه تصمیمی بگیرد و به اصطلاح شماره رمز را در اختیار نداشته و دچار خطا و سردرگمی شده و امور جهان فاسد خواهد شد.

و اگر دو شرط فوق را دارا ولی قدرتمند نباشد و نتواند معجزه کند زورگویان و ریاست طلبان به سرعت او را از بین خواهند برد.

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند فرمود:
«حضرت قائم ﷺ سبب راحتی همیشگی اولیاء من است و شفا دهنده دل‌های شیعیان
تواز دردهائی که ظالمین و کافرین و منکرین بوجود آورده‌اند می‌باشد».

«چند سؤال»

در اینجا چند سؤال مطرح است:

“سؤال اول:”

ممکن است پرسید مگر انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام این شرایط را دارا نبودند؟ پس
چرا جهان را پر از عدل و داد نکردند؟

می‌گوئیم اینها شرایط رهبری است که جهان را از ظلم و ستم نجات می‌دهد ولی
تنها وجود رهبر شایسته برای تحقق بخشیدن به این هدف کافی نیست بلکه شرایط
عمومی جهان نیز باید برای پذیرش رهبر عدالت گستر فراهم باشد که متأسفانه تاکنون
چنین نشده و مردم جهان تقاضائی جدی برای ظهور منجی نداشته و سرگرم زندگی
معمولی خود بوده‌اند. گرچه در دهه‌های اخیر افکار عمومی بشر تکانی خورده و
همگان به ضرورت صلح و عدالت در سطح جهان معترفند.

“سؤال دوم:”

چرا خداوند با قدرت بی‌نهایتش، بالاجبار وارد عمل نشده و بساط ظلم و ستم را
توسط نماینده خویش حضرت ولی عصر علیهما السلام برنمی‌چیند و تاکنون یازده قرن است
آن حضرت را منتظر قرار داده است و به تعبیر واضحتر سؤال اینست که حکمت و
مصلحت بازگذاشتن راه جهت تسلط ظالمین بر جامعه بشری از سوی خداوند
چیست.

پاسخ ما:

برای آنکه جهانیان بدانند و بفهمند که: “اصلاح جهان تنها و تنها بدست مبارک
منجی کل حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ممکن است لا غیر”.

عن الصادق عليه السلام :
«ما زال مذكّر الله آدم : دولة لله و دولة لابليس، فأين دولة الله؟ أما هو إلا
قائم واحد».^{۲۶۱}

توضیح این مطلب :

بسیاری از انسانها با خود می اندیشند چه ضرورتی دارد امامی معصوم از جانب خدا بر جهان حکومت کند ما خود می توانیم به سعادت برسیم و براساس این فکر انبیاء و یا ائمه هدی علیهم السلام را تنها گذاشته و آنانرا یاری نمی کردند و یا اگر عده ای آنانرا مزاحم ریاست و شهوات خود می دیدند به جنگ و مبارزه با ایشان برخواسته آنانرا شهید می نمودند در نتیجه طاغوتها بر جهان مسلط می شدند.

خداوند برای آنکه انسانها بفهمند اشتباه کرده و نمی توانند بدون امامی معصوم از جانب حق راه سعادت را بیابند، آنانرا در طول چند هزار سال گذشته قدری آزاد گذاشت تا هرکس مدعی ریاست و حکومت است خود را نشان دهد.

و لذا گروههای مختلف با طرز تفکر خاص خود بر بشر مسلط شده و آنانرا به راهی که خود می خواسته اند یعنی غیر از راه حق و راه انبیاء کشانده و بلااستثناء همه آنها در راه باطل قدم نهاده اند زیرا راه حق یکی بیشتر نیست، اگر انسان آنها را نهد، به هر راه دیگری برود در راه باطل قدم نهاده است (فماذا بعد الحق إلا الضلال فانی تصرفون، پس از کنار گذاشتن حق جز باطل چیز دیگری نصیب انسان می شود؟ پس به کجا می روید و چرا خود را سرگردان می کنید^(۱)).

پاسخ ریشه ای و اساسی اینمطلب در سؤال بعدی آمده است.

امام صادق علیه السلام :

«پیوسته از زمان خلقت حضرت آدم علیه السلام، شیطان و خدا هر یک دولتی برای خود داشته اند اما آن دولت الهی (که دولت ابلیس را برای همیشه کنار بزند) تنها بوسیله حضرت قائم علیه السلام خواهد بود».

«گشودن قفل»

” و اما سؤمین سؤال : ”

شاید بپرسید : چرا باید بشر به این نتیجه برسد که جز راه حق، جز حکومت عدل جهانی منجی عالم بشریت، و خلاصه جز آنچه خداوند فرموده، بقیه راهها و نظریات فکری بشر (مگر فکری که مطابق سخن انبیاء و دین حق باشد) باطل و خطا است؟ پاسخ می دهیم :

برای رسیدن به نتیجه و پاسخ صحیح ابتداء مثال ساده ای را در قالب یک داستان فرضی عنوان و سپس براساس یک قانون مسلم ریاضی که یافتن شماره چند رقمی را برحسب حدس و احتمال محال می داند نتیجه گیری می نمائیم.

در شهری پرجمعیت شخصی به دنبال دوستش می گشت، ولی متأسفانه هیچ نشانه ای از او در دست نداشت جز نام و شهرت او، در همین حال فردی فهمیده و خیرخواه که متوجه مشکل او شده بود گفت : مشکل شما به راحتی قابل حل است. شخص جستجوگر گفت : چگونه.

فرد خیرخواه گفت : شما با مرکز اطلاعات تلفن این شهر تماس بگیرید تا آنان براساس نام و شهرت دوست شما، شماره تلفن و نشانی او را به شما بدهند و من به شما حاضرم هم اکنون کمک کنم و سپس با تلفن همراهی که در اختیار داشت به مرکز اطلاعات تلفن زنگ زد و با ادب و احترام سؤال شخص ناشناس را پرسید و آنها هم با اطلاعات گسترده و وسائل مجهزی که در اختیار داشتند از میان چند میلیون شماره تلفن، فوراً شماره مورد نظر را در اختیار او قرار دادند و بدینوسیله این مشکل به آسانی حل شد.

القرآن الکریم : «و قل جاء الحق و زهق الباطل».^{۲۶۲}

عن الباقر علیه السلام : «اذا قام القائم علیه السلام ذهبت دولة الباطل».^{۲۶۳}

شاید فکر کنید اینکه مشکل نبود همه مردم دنیا اکنون این را می دانند که با یک تماس تلفنی و سؤال از مرکز اطلاعات تلفن شهر می توان هر شماره ای را بدست آورد. ولی بد نیست بدانید که در همین حال که آن فرد خیرخواه مشغول رسیدگی به مشکل آن شخص ناشناس بود، چند نفر دیگر نیز همین مشکل را داشتند و به دنبال نشانی و شماره تلفن دوست مورد نظر خود بودند.

آنان هم در کنار همین شخص ناشناس و آن فرد خیرخواه حضور داشتند و تمامی مراحل سؤال و پاسخ آندو را می شنیدند و این مطلب بر آنان مسجل (کاملاً روشن و مسلم) گشت که بدون سؤال از مرکز اطلاعات تلفن نمی توان به شماره مورد نظر دست یافت ولی متأسفانه دو نفر از آنان تصمیم به عمل کردن نداشتند و بقیه می خواستند ببینند چه می شود بعد تصمیم بگیرند.

نفر اول که روحیه خودبینی و غرور داشت می گفت چه دلیلی دارد من از مرکز اطلاعات تلفن شماره خود را بپرسم.

فرد خیرخواه به او گفت : پس چگونه آن شماره را بدست می آوری؟

او با آنکه می دانست راهی جز پرسش از مرکز اطلاعات راه دیگری وجود ندارد مغرورانه جواب داد : آنقدر شماره می گیرم تا به مقصد برسم.

شخص خیرخواه گفت : انسان که با جهل و نداشتن علم نمی تواند راه را بیابد، اینکار نه تنها خسارت به وقت و فکر شما می زند بلکه هیچگاه به نتیجه نخواهید رسید و خسته و دل زده به سوی همان روش صحیح که من به آن فرد گفتم روی خواهید آورد.

نفر بعدی، شخص بدخواه و شروری بود که جز به جمع آوری پول و رسیدن به خواسته های دل خود به هیچ چیز فکر نمی کرد و حتی اگر به خودش هم ضرر می زد

قرآن کریم : «بگو حق آمد و باطل از میان رفت»
امام باقر علیه السلام : «وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید دولت باطل بطور کلی از میان خواهد رفت»

حاضر بود برای رسیدن به پول و شهوت هر کاری بکند.
این فرد شرور در این هنگام وارد سخن شخص خیرخواه با فرد مغرور شد و (چون شخص مغرور را فردی ساده و زودباور و درعین حال خودخواه می دید و می دانست او ثروت زیادی دارد، به طمع گرفتن پولهای او،) خطاب به شخص خیرخواه گفت : این چه حرفی است که شما می زنید، بگذارید مردم آزاد باشند و هر طور می خواهند عمل کنند، شما می خواهید به زور مردم را وادار به آنچه نام خوبی بر آن گذاشته اید، کنید و آنگاه به طور خصوصی به شخص مغرور و زودباور گفت : خیلی خوب جواب او را دادی، من هم با تو موافقم و حتی حاضرم به تو کمک کنم و از دانش تو استفاده نمایم، تو بسیار دانا هستی و می توانی با گرفتن شماره های تلفن براساس فکر و حدس خودت شماره مورد نظر را بیابی، پس بیا تا با هم مشغول شویم.
شخص مغرور که از تعریفهای نادرست او، مغرورتر شده بود گفت باشد حرفی ندارم، چکار باید بکنیم؟
فرد شرور که شرارت خود را پنهان و قیافه خیرخواهانه به خود گرفته بود گفت : البته قدری مخارج دارد تا به نتیجه برسیم.
شخص مغرور زودباور گفت هر چه باشد من می پردازم و بدینوسیله آندو با هم پیمان بستند و کار را شروع کردند.
هر قدر زمان می گذشت پولهای شخص ساده و فریب خورده تحلیل رفته و فکرش خسته تر می شد و به نتیجه هم نمی رسید و با هر شماره احتمالی که تماس می گرفت همه می گفتند اشتباه گرفتید مزاحم نشوید.
او که حاضر نبود از غرور و لجajتش دست بردارد دائماً سخنان نابخردانه و منافقانه رفیق شرورش را می شنید و آنرا باور می کرد و پس از قطع تماس یک شماره، بلافاصله

القرآن الکریم : «الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة...» ۲۶۴
 عن الباقر علیہ السلام : «هذه لآل محمد ﷺ المهدي علیہ السلام و اصحابه...» ۲۶۵

شماره احتمالی بعدی را می گرفت.

کار تا بدانجا پیش رفت که پولهای شخص ساده مغرور تمام شد و برای آنکه غرورش نشکند حاضر نشد به نصیحتهای شخص خیرخواه کردن نهد و حتی به او می گفت اینقدر مرا نصیحت نکن من خودم بهتر می دانم چه کنم.

او با حالت مغرورانه و در عین حال با افتخار به آنچه انجام داده بود گفت : من در عرض این مدت (پنج روز) که شماره می گیرم هزاران شماره را گرفتم و همه از کار و تلاش من تعجب کردند و آفرین به من می گفتند که چقدر دقت و پشتکار در کارم دارم ...و

شخص ظالم و شرور نیز در دل به سادگی و غرور او می خندید و می گفت : خوب کسی را گیر آوردم، از اشخاص دانا نمی شود به این سادگی پول گرفت ولی در همان حال از سخنان و نصیحتهای شخص خیرخواه عصبانی و ناراحت بود و او را دشمن خود قرار داده بود و بسیار زیرکانه می کوشید چهره او را زشت و سخنان او را تخییر و عقب ماندگی و ... معرفی کند و حتی نقشه قتل شخص خیرخواه را در سر می پرورانید.

آیا می دانید شخص شرور با شخص خیرخواه چه کرد؟

او که شخص خیرخواه را مزاحم ثروت نامشروع خود می دید و سخنان او را بیدار کننده شخص ساده می دانست نه تنها به او جسارت و سخنان فریبکارانه ای به زبان جاری می کرد بلکه عملاً کاری کرد که او را از صحنه خارج کند و حتی به اینکار موفق شد و با کتک زدن و مجروح نمودن او عرصه را برای شرارت خود باز گذاشت.

در عین حال بقیه افراد که نظاره گر صحنه بوده و مانند شخص مغرور و ساده به دنبال شماره مورد نظر خود بودند با آنکه ظلم و شرارت شخص بدخواه را می دیدند ولی از

قرآن کریم: «آنانکه وقتی حکومت زمین را در اختیارشان قرار دادیم هدفی جز برپا داشتن نماز و دادن زکات و انجام خویبها و بازداشتن از زشتیها ندارند».

امام باقر علیه السلام: «آنان حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب گرامش می باشند».

او ترسیده و تحت تأثیر سخنانش، جرأت کمک و یاری رساندن به شخص خیرخواه را نداشتند و همین ترس آنان باعث شد که فرد شرور به هدف خود برسد در حالیکه خود او در ابتداء می ترسید اقدام به اینکار کند احتمال می داد اگر سخن غیرمعقول خود را مطرح کند اشخاص حاضر به او اعتراض کرده و او را طرد نمایند.

«شما بگوئید»

اکنون شما بگوئید راه دست یابی به شماره مورد نظر کدام راه بود؟

آنچه شخص خیرخواه می گفت؟

یا آنچه شخص مغرور براساس افکار جاهلانه اش در لباس علم و دانش عنوان

می کرد و فرد ظالم نیز او را تایید می نمود؟

و یا سکوت و سستی بقیه افراد که نظاره گر صحنه بودند؟

«حقیقت همین است»

حقیقت فوق مثلی برای زندگی چند هزار ساله بشر است.

انبیاء علیهم السلام مثل آن شخص خیرخواهند که با ارتباط قلبی و روحی خود با پروردگار

راه را به بشر نشان داده و ارتباط انسان با خدا را برقرار می نمایند.

مرکز اطلاعات تلفن مثل وحی الهی و علم انبیاء و جانشینان آنان است که توسط

خداوند عالم همه شماره ها و رموز سعادت مادی و معنوی بشر را در اختیار دارند و

بدون معطلی انسان را به هدف می رسانند.

شخص مغرور و ساده نیز مثل انسانهای فریفته ای است که می خواهند با اختراعات

فکری خود راه سعادت را به بشر نشان دهند و حاضر به اطاعت از انبیاء علیهم السلام و

جانشینان آنان نمی باشند.

عن الرضا عليه السلام :
«... القائم هو الذي اذا خرج كان في سن الشيوخ و منظر الشبان قوياً في بدنه حتى لومداً
يده الى اعظم شجرة على وجه الارض لقلعها».^{۱۶۶}

افراد تماشاگر نیز مانند بسیاری از مردم هستند که به صحنه درگیری انبیاء و افراد مغرور می‌نگرند و حتی پایمال شدن حقوق خود و حقوق همه بشر را می‌بینند ولی ترس از دست دادن جان و مال آنرا وادار به اطاعت از ظالمین می‌نماید و همین سکوت و ترس آنان باعث شده است تاکنون اولیاء الهی به شهادت رسیده یا مانند حضرت ولی عصر ارواحنا فداه خانه نشین شوند و زندگی غائبانه را برگزینند.

شخص شرور نیز مثل همه ظالمینی است که زیرکانه به چپاول ثروتهای مردم جهان دست زده و با تبلیغات فریبکارانه حق را ناحق و باطل را حق جلوه می‌دهند و با استفاده از الفاظ زیبائی چون آزادی، حقوق بشر، تمدن، و صدها عنوان دیگر که عناوین خوب و مقدسی هستند در پشت این الفاظ سنگر گرفته و تیرهای شیطننت و فریب خود را به قلوب و افکار مردم جهان نشانه رفته‌اند و حتی نمی‌گذارند کسی به خلاف سخن آنان فکر کند و هر ندائی که مردم را بسوی انبیاء علیهم السلام و جانشینان آنان و امروز جانشین برحق تمامی انبیاء، مصلح کل جهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه دعوت نماید خاموش می‌نمایند زیرا ثروت و قدرت و ریاست خود را سخت در خطر می‌بینند.

و اما شخص اول که تسلیم سخن حق شد و راهنمائی شخص خیرخواه را پذیرفت مثل انسانهایی است که قلبهایشان برای پذیرش حق آماده و همیشه تسلیم پروردگارند و می‌کوشند طبق راهنمائی پیامبران عمل نمایند و نفس خود را رها ننموده و آنرا تحت تربیت الهی قرار دهند و به سعادت برسند.

«راه منحصر بفرد...»

با تحلیل علمی فوق به این نتیجه می‌رسیم و افکار بشر به آن رسیده یا خواهد رسید

امام رضا علیه السلام :
«حضرت قائم علیه السلام در هنگام خروج و قیامش با آنکه عمر درازی دارد ولی جوان دیده می شود و از لحاظ بدنی بسیار قوی و فوق العاده است بطوری که اگر دست دراز کند می تواند بزرگترین درختهای کره زمین را از ریشه درآورد».

که تنها یک راه برای برقراری صلح و عدالت در جهان وجود دارد و آن دست یابی به شماره رمز صلح و عدالت است.

طبیعی است که همه انسانها مطلب فوق را پذیرفته و می پرسند آن شماره رمز چیست؟

در اینجا عقل هر انسانی به او می گوید این شماره رمز تنها در اختیار خداوندی است که علم بی نهایت است و از جهل و نادانی مبرا است.
باید دست بسوی خالق یکتا دراز کرد.

باید به او گفت : خدایا ما اشتباه کردیم و سخن انبیاء را توجه ننمودیم، آنان رمز سعادت را بما گفتند. (مانند همان شخص خیرخواهی که فوراً فرد جستجوگر را راهنمایی کرد و به او گفت با مرکز اطلاعات تلفن تماس بگیر).

آنان (انبیاء علیهم السلام) خصوصاً آخرین آنان به جامعه بشری اعلام کردند که : منجی آخرالزمان همان رمز سعادت بشر است، " زیرا او سه اهرم (قدرت آسمانی «معجزه»، علم به همه چیز و عصمت از خطا) که شرایط سه گانه رهبر صلح و عدالت جهانی است را در اختیار دارد ".

او را از خدا بخواهید.

پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به تمام بشر اعلام فرمود : "حضرت مهدی علیه السلام تنها کسی است که نور و هدایت و علم و سعادت بشر را در دست دارد".^(۱)

۱- خطبه غدیر خم : و لا نور الا عنده...

عن الصادق عليه السلام :
«فأصبر على ما يقولون يا محمد من تكذيبهم إياك فإني منتقم منهم برجل منك و هو
قائمی الذی سلطته علی دماء الظلمة».^{۲۶۷}

آنقدر در این باره از پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ سخنان فراوانی بیان گردید که تمامی گروه‌های اسلامی با همه اختلافی که دارند هیچکدام در احادیث حضرت مهدی ارواح—نافداه تردید ننموده‌اند و حتی ادیان دیگر نیز به نوعی از آن منجی عظیم‌الشان نام برده‌اند که خلاصه‌ای از آنرا در عنوان " همه در انتظار او " نقل نمودیم. اینجاست که جامعه جهانی باید بنشیند و در باره دست‌یابی به این رمزگفتگو کند.

«آیا اکنون بشر آماده نیست؟»

بشر امروز علم‌گراست.

انسان امروز " علم " را وسیلهٔ دستیابی به همه چیز می‌داند.

حقیقت نیز همین است.

علم همهٔ قفلها را باز و انسانرا به سعادت می‌رساند.^(۱)

تاریخ چند هزار ساله بشر نشان می‌دهد که انسانها بمانند همان شخصی که (در مثال تلفن) گفت خودم آنقدر شماره‌های احتمالی را می‌گیرم تا تماس برقرار شود بوده‌اند که سخن انبیا را کنار گذاشته و به شماره‌های اختراعی خود عمل نموده‌اند و هر سال و هر قرن چندین شماره فکری خود را بر جامعه بشری آزمایش می‌نمایند و کرهٔ زمین را به آزمایشگاهی جهت رسیدن به ایده‌های اختراعی خود تبدیل نموده‌اند.

اگر شما بودید آیا به شخصی که بخواهد از تلفن منزل شما، شماره‌های احتمالی را دائماً بگیرد و چندین شبانه‌روز شما را معطل نگه دارد اجازه استفاده از تلفن را می‌دهید؟ در حالیکه مکرر به او گفته‌اید که کافی است یک تماس با مرکز اطلاعات

۱- روایات بسیاری در فضیلت علم در کتاب بحارالانوار کتاب العقل والعلم وارد شده است.

امام صادق علیه السلام در باره ایه شریفه: «ای محمد صبر کن بر آنچه دشمنان می گویند» فرمود: «یعنی صبر کن تا من بوسیله مردی از تو که حضرت قائم علیه السلام است و او را بسر ریختن خون ظالمین مسلط نموده‌ام، از آنان انتقام بگیرم».

تلفن بگیری و خود را خسته نکنی و مرا معطل نگه نداری؟
و این ما انسانها هستیم که زندگی خود را بمانند همان دستگاه تلفن وسیله شماره گیری اشتباهی خود قرار داده و آنرا از استفاده صحیح دور نموده‌ایم، زیرا زندگی اجتماعی بشر دستگاهی است که خداوند آنرا برای تربیت ما و رسیدن روحمان به کمال و صفات انسانی خلق فرموده است.
انسان امروز که علم گراست به این نتیجه رسیده است که نباید شماره‌های احتمالی فکری خود را که تنها احتمالات و فرضیه‌ها و حدسیات خود اوست بگیرد و باید بکوشد تنها یک شماره علمی که خداوند به او می دهد را به دست آورد و ما آن شماره علمی را توجّه جهانیان به "منجی آخر الزمان" و پذیرش رهبری او می دانیم.

«خسارتی سنگین»

آری اکنون جامعه بشری خسارت سنگینی برای دستیابی و رسیدن به رمز سعادت پرداخته است که بطور مختصر آنرا محاسبه می نمائیم.
۱- در اثر کنار گذاشتن رهبران الهی و آسمانی (انبیاء و جانشینان آنان خصوصاً حضرت بقیة الله ارواحنا فداه که منجی عالم بشر است) دچار رهبرانی شده که فاقد علم، عصمت و قدرت اند و عموماً بشر را سرگردان و ضعیف و علیل نموده اند.
این رهبران یا مجهز به علم آسمانی و اطلاع از همه امور جهان نیستند و براساس جهل و احتمالات فکری خود قانون و تصمیمی را بر جامعه پیاده می نمایند و یا معصوم از خطا نیستند که باز هم جامعه را به بن بست می کشانند و یا قدرت مافوق قدرت بشری ندارند که در عمل ناتوان بوده نظاره گرافساد می شوند که البته آنان عموماً فاقد هر سه شرط فوق می باشند و خداوند متعال این سه شرط را در اختیار کسی جز

دعاء النذبة :

«متی ترانا و نراک و قد نثرت لواء النصر تری».^{۲۶۸}

نمایندگان بر حق خویش که انبیاء و امروز جانشین تمامی انبیاء که حضرت بقیة الله ارواحافداء باشد، قرار نداده است تا مردم جهان بدانند که براساس فکر خود و احتمالات و حدسیات هیچگاه نمی توان به مقصد رسید و علم حقیقی را خانه نشین نمود. بلکه باید پذیرفت که "تنها او می تواند" صلح و عدالت و سعادت را به بشر هدیه نماید، او که دانش حقیقی را داراست و معصوم و دارای اعجاز و قدرت مافوق بشری است.

۲- جامعه بشری برای فقدان رهبر عادل، هزاران ظلم و بی عدالتی را تحمل نموده و می نماید که حتی آمار این تلفات انسان را متحیر و مدهوش می نماید مانند یکصد میلیون کشته و زخمی و معلول و آواره در جنگ جهانی اول و دوم، مرگ میلیونها گرسنه در هر سال، جنگهای داخلی و منطقه ای در هر ماه و سال در نقاط مختلف جهان، ناامنی و قتل و جنایت فراوان، فساد جنسی و متلاشی شدن خانواده ها، از دست رفتن روحیات انسانی و جایگزین شدن صفات ناپسند و حیوانی و دور شدن از هدف اصلی خلقت انسان.

آیا اینها و هزاران آمار تکان دهنده دیگر کافی نیست بشر را از آزمایش نمودن احتمالات مختلف فکری اش خسته نموده و دست نیاز او را به سوی رهبر حقیقی دراز نماید؟

«یک زندگی اجتناب ناپذیر»

بشر امروز خواه ناخواه به یک زندگی جهانی و یک زندگی خانوادگی بین المللی رسیده است که همه ملل عالم ناچارند در اثر سیاستهای یکدیگر با هم زندگی کنند و با داشتن وسائل ارتباطی جهانی (مانند اینترنت و تلویزیون و غیره) تمام افکار و

دعای ندبه :

«یا صاحب الزّمان چه زمانی می شود شما ما را ببینی که در محضرت گرد آمده ایم و مشاهده می کنیم آن پرچم فتح و پیروزی (که تنها به دست شما باز می شود) را گشوده ای؟».

سلیقه ها و اخلاق و روحیات مختلف آنان به یکدیگر انتقال می یابد (گرچه همیشه سیاستمداران قدرتمند به این ارتباطات رنگ و بوی خاص مورد نظر خود را می دهند و از آن به نفع خود بهره می جویند).

در چنین حالی بشر امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت وجود رهبری الهی و معصوم از خطا، قدرتمند و دارای معجزه و تنها مطیع دستور پروردگار را حس می کند تا به فرماندهی هزاران شیطان و هزاران سیاستمدار حيله گرو دغلباز پایان دهد و خود را در آغوش صلح و عدالت حقیقی که تنها منجی آخرالزمان آنرا به ارمغان می آورد قرار دهد.

«گفتگوی تمدنها»

و اینجاست که اندیشمندان و صاحبان تمدنهای مختلف در جهان باید در مباحث خود راه دست یابی به این رمز که تمدن آینده بشر می باشد را مورد توجه جدی قرار دهند.

آنچه در گفتگوی تمدنها مهم و قابل توجه است استفاده از نقاط مثبت تمدنهای جهان و جمع آوری تمامی آن نقاط مثبت در یک تمدن مثبت جهانی در آینده است زیرا جهان به سوی یک زندگی واحد پیش رفته و تمام مردم جهان بواسطه وسائل عظیم ارتباطی و الکترونیکی و... مانند اعضای یک خانواده گرد یکدیگر جمع شده اند در عین آنکه هر ملتی آئین مخصوص به خود را داراست.

آن تمدن عظیم جهانی آینده که بدون استقرار صلح و عدالت هرگز شکل نخواهد گرفت همان شماره رمزی است که هزاران سال است انبیاء عظیم الشان علیهم السلام بشر را به آن دعوت نموده اند.

زیارة امام العصر علیه السلام: «السلام علیک یا سبیل اللہ الذی من سلک غیره هلك»^{۲۶۹}
 زیارت امام عصر علیه السلام: «سلام بر شما یا صاحب الزمان ای شاهره هدایت بسوی
 خدا که هر کس در غیر آن حرکت کند هلاک می شود».

«تمدن‌ها بقایای تعالیم انبیاء است»

دعوت انبیاء و تلاش آنان در امت‌های گذشته نقاط مثبت تمدن‌های مختلف را به وجود آورد.

چنانچه محققین و دانشمندان جهان بخواهند ریشه نقاط مثبت تمدن‌های جهان را بررسی نمایند به این نتیجه خواهند رسید که هرچه نقطه مثبت در تمدن‌های جهان وجود دارد از راهنمایی پیامبران به یادگار مانده و مردم آن تمدن به جهت فطرت انسانی خود، خصال نیکی را که انبیاء به آنان تعلیم داده بودند، حفظ نموده و آنرا به تمدن اختصاصی خود تبدیل نمودند.

دلیل این امر هم روشن است، زیرا بشر اولیه و سپس نسل‌های بعدی در حالی خلق شده بودند که چیزی نمی‌دانستند و این خداوند متعال بود که با فرستادن پیامبران و قرار دادن علم و رموز سعادت در اختیار آنان مردم را به راه راست و صفات نیک دعوت فرمود.

حضرت امام خمینی قدس سره در قسمتی از سخنان خویش پیرامون خوبیهای بجا مانده در ملت‌های جهان (یا به تعبیر ما همان تمدن‌های بشری) فرمودند:

«هرچه که سلامت در دنیا هست و برکت هست، باز از همین کوشش انبیاء است اگر انبیاء را از روی بشر منها کنند، اسقاط کنند، آن وقت خواهید دید چه خبر است، دنیا چه خواهد شد، این انبیاء بودند که مردم را محدود کردند و تا یک حدودی

زیارة آل یاسین: «و اشهد انک حجة الله».^{۲۷۰}

«ای مولای عزیزم شهادت می دهم که تو حجت خدا و امام زمان من و همه جهانیان هستی».

موفق شدند و تا یک حدود این برکت و خیری که در عالم هست از برکت آنهاست».^(۱)

آری بحمدالله جهان امروز به نقطه ای رسیده است که همه انسانها حتی دولت مردان غیر شرور امروز جهان به دنبال آن هستند که صلح و عدالت در دنیا تحقق یابد و لذا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آراء طرح "گفتگوی تمدن‌ها" پیشنهاد شده از سوی مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران " حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی دامت برکاته " را به تصویب رسانده و کشورهای مختلف از آن استقبال نمودند.

بجاست که اندیشمندان جامعه بشری با بهره گیری از بارزترین نقاط مثبت تمدنهای مختلف (که حرکت بسوی صلح و عدالت در آینده و ظهور یک نجات دهنده در آخرالزمان می باشد خصوصاً تمدن اسلام که پر حجم ترین کار تبلیغاتی خود را بر ظهور منجی متمرکز نموده است) تمدن جهانی و سعادت بخش آینده که زندگی انسان براساس صلح و عدالت جهانی با ظهور منجی است را در صدر مباحث این طرح عظیم و جهانی قرار دهند.

قسمت بیستم :

مُحَبَّرِی فَا نُون

«ما حضرت مهدی [سلام الله علیه] را یکی از افرادی می دانیم
که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است، لکن تابعی
است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می کند این
مطالبی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است».

صحیفه نور ج ۱۲ ص ۲۸۶

عن رسول الله ﷺ :
«يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي وَيَنْزِلُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ وَيُخْرِجُ لَهُ
الْأَرْضَ بِرَكَّتِهَا».^{٢٧١}

امام خمینی قدس سره از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به عنوان اجرا کننده برنامه انبیاء یاد کرده و می فرمایند :

ما که از امام مهدی علیه السلام که قوه اجرائی اسلام است صحبت می کنیم و می گوئیم که عدل در زمان او فراگیر خواهد شد و از طرف خود آنها هم همین معنا هست که: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا» ما که راجع به آن می گوئیم و می گوئیم که انبیاء موفق نشده اند اجرا کنند مقاصد خودشان را و خداوند در آخر زمان کسی را می آورد که اجرا کند مسائل انبیاء را، این بیچاره ها برای خدمت به اجانب، یا نفهمیده تأویل می کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی تکمیل می کند شریعت را. این بسیار ناگوار است برای ما. ما حضرت مهدی علیه السلام را یکی از افرادی می دانیم که تابع اسلام است، تابع پیغمبر اسلام است. لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می کند این مطالبی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است.^(۱)

آنگاه که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، حضرت امام خمینی قدس سره در باره شخصیت مصلح آخر الزمان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سخنرانی فرموده و

رسول خدا ﷺ :

«مردی از اهل بیتم خروج خواهد کرد و تنها به روش و سنت من عمل می‌کند و خداوند نیز برکات آسمان و زمین را بر او فرو می‌ریزد».

اظهار داشتند آن حضرت تنها کسی است که می‌تواند عدالت را در جهان اجرای نماید.

و نیز عنوان فرمودند که آن بزرگوار آنچه را که انبیاء علیهم‌السلام حتی پیامبر اکرم ﷺ «بخاطر عدم آمادگی مردم و ایجاد موانع از سوی ظالمین»، نتوانستند اجرا نمایند یعنی صلح و عدالت جهانی، حضرت مهدی علیه‌السلام اینکار را خواهد کرد.

دشمنان صلح و سعادت بشری پس از این سخنان، دست بکار شده و فرمایشات امام خمینی ره را به شکل ناجوانمردانه‌ای مورد سوءاستفاده و تحریف قرار داده و گفتند : امام خمینی ره گفته است : " امام مهدی علیه‌السلام آنچه را که انبیاء و رسل از انجام آن عاجز بودند را انجام خواهد داد و شریعت را تکمیل خواهد نمود».

به نظر من این توطئه استکباری توسط ابلیس بزرگ در ذهن گویندگان این سخن القاء شد تا موجی منفی و سرد کننده علیه حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در سطح جهان ایجاد شود و چهره مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را زشت نماید ولی اندکی پس از آن حضرت امام ره این مطلب را بطور رسمی تکذیب نموده و حضرت مهدی ارواحنا فداه را فقط مجری قوانین شریعت دانسته و توسط نماینده خود اظهار داشتند «آن حضرت هرگز چیز تازه‌ای نمی‌آورد بلکه احکام تعطیل شده اسلام را اجرا می‌نماید».

جناب حجة الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی این مطلب را به نمایندگی از سوی امام خمینی ره در کنفرانس اندیشه اسلامی در کشور الجزائر (سال ۱۳۵۹ هجری شمسی و ۱۹۸۰ میلادی) به اطلاع علماء کشورهای اسلامی رساند و در جمع هزار و پانصد نفری علماء و شخصیت‌های اسلامی سراسر دنیای اسلام و دانشجویان

عن الصادق عليه السلام :
«إذا قام القائم عليه السلام دعا الناس إلى الإسلام جديداً، وهداهم إلى أمر قد دثر، فضَّلَ
عنه الجمهور».^{۲۷۲}

الجزائری اظهار داشت :

امام خمینی در روز عید فطر (سال ۱۳۵۹ هجری شمسی و ۱۴۰۰ هجری قمری) در جمع سفرای کشورهای اسلامی در تهران با صراحت کامل اعلام داشت:
"امام مهدی موعود که شیعه و سنی اعتقاد دارند در آخر الزمان می آید و عدل و قسط را در سراسر روی زمین می گستراند هرگز چیز تازه ای نمی آورد، بلکه او به عنوان مسلمانی معتقد به همه انبیاء احکام الهی - اسلامی تعطیل شده را، اجرا می کند." (۱)

«سه شرط اساسی»

در این کتاب مکرر گوشزد نموده ایم که : برای تحقق صلح و عدل در سراسر جهان سه شرط اساسی وجود دارد.

۱- قانون کامل ارائه شده از سوی خالق جهان

۲- مجری معصوم از خطا

۳- پذیرش مردم

در همه زمانها خداوند متعال قانون کامل و مجری معصوم را در اختیار بشر قرار داد ولی شرط سوم (پذیرش مردم) تاکنون محقق نشده و اجرای قانون الهی توسط مجری معصوم (پیامبر یا جانشین معصوم پیامبر) پیوسته به تأخیر افتاده است.
از این رو خداوند متعال چون می دانست عده ای از افراد شرور و ظالم دائماً بر مردم

۱- به نقل از کتاب مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت نوشته حجة الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی چاپ مؤسسه اطلاعات صفحه ۳۰۵.

امام صادق علیه السلام :
«حضرت قائم علیه السلام اسلام را از نو برای مردم معرفی خواهد کرد اسلامی که کنار گذاشته شد و در نتیجه مردم از آن گمراه شدند و سلیقه‌های شخصی و اختراعات فکری خود را در اسلام جای دادند».

مسلط شده و مانع اجرای قانون عدل الهی در سراسر جهان می‌شوند توسط پیامبران عظیم‌الشان چون حضرت عیسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردم بشارت داد که نگران نباشید امام مهدی علیه السلام یا منجی آخرالزمان می‌آید و قانون عدل الهی را در سراسر جهان اجرای می‌نماید و آنروز جامعه بشری می‌پذیرد که باید امامی معصوم از جانب خدا بر کره خاکی حکم عدل و سعادت را اجرای نماید و راههای شیطانی را مسدود نماید.

آنچه در این عنوان مورد نظر بود، آن است که کسی تصور نکند یا دشمنی از دشمنان خاندان وحی رسالت صلی الله علیه و آله این مطلب را القاء نمایند که ما مسلمانان می‌گوئیم :
"امام مهدی علیه السلام آنچه را که انبیاء و رسل از انجام آن عاجز بودند انجام خواهد داد که این سخنی است شیطانی و از روی کینه و نفاق گفته می‌شود تا چهره مبارک حضرت مهدی ارواحافداء را ناموزون جلوه دهد.

ما مسلمانان و خصوصاً ما شیعیان آن حضرت را اجراکننده قوانین الهی که پیامبران برای بشر آورده و ظالمین مانع اجرای آن شده‌اند می‌دانیم نه آنکه انبیاء عظیم‌الشان الهی را عاجز و ناتوان بدانیم.

«امام مهدی علیه السلام آنچه را منحرفین در چهره دین وارد نموده‌اند از آن خواهند زدود»
لازم به تذکر است به جهت آنکه قرنهای متمادی است ظالمین کوشیده‌اند دین حق را زشت جلوه داده، آنرا محو و نابود نمایند،

کوشیدند آنرا تحریف و به شکلی که خلاف عقل باشد جلوه دهند و حتی سخنان دروغ و ناموزون به پیشوایان معصوم اسلام نسبت دهند، و همیشه غلبه با آنان بوده و خداوند تنها با اعجاز و قدرت نمایی خویش قرآن را از تحریف ظالمین دور نموده

دعاء الندبة : «این المتخیر لاعادة الملة والشریعة».^{۲۷۳}
 «کجاست آن شخصیت گرانقدر الهی که برای بازگرداندن آئین و ملت اسلام انتخاب
 شده است؟».

است، لکن بعضی از خرافات و مطالب غیرحقیقی را دشمنان حق در لباس دین
 درآورده‌اند تا چهره اسلام را خشن، زشت و خلاف عقل جلوه دهند، بدیهی است
 حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به تمامی انحرافات در امت اسلام و بلکه همه ادیان جهان
 پایان خواهد داد و آنچه از دین حقیقی پنهان شده است را آشکار خواهد نمود که اینها
 معنی آوردن دین جدیدی غیر از آنچه انبیاء علیهم السلام و پیامبر اکرم ﷺ آورده‌اند
 نمی‌باشد بلکه آن بزرگوار تنها "مجری" قوانین آسمانی که تعطیل بوده و اجرای
 نگشته است می‌باشند.

خداوند متعال همه ما را از یاران آن حضرت قرار دهد. "آمین".

عن الحسين بن علي عليه السلام :
«ان الصابر في غيبته على الاذى والتكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله ﷺ» .^{٢٧٢}

حضرت امام قزوینی در باره معنی انتظار فرمودند :

- " نگوئید بگذار تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید شما نماز را هیچوقت می گذارید تا وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمد بخوانید؟ حفظ اسلام واجب تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می گفت : (باید معاصی را رواج داد تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید. اگر معصیت رواج پیدا نکند حضرت ظهور نمی کند!) اینجا ننشینید فقط مباحثه کنید، بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید، حقایق را نشر دهید، جزوه بنویسید و منتشر کنید. البته مؤثر خواهد بود. من تجربه کرده ام که تأثیر دارد ".^(۱)

- " من امیدوارم که ان شاء الله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد،

امام حسین علیه السلام :

«آنانکه در زمان غیبت بر اذیت و آزار دشمنان استقامت می کنند و به راه خود ادامه می دهند مانند کسی هستند که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد کرده باشد».

منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست. ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم شود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود،^(۱) بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.^(۲)

- "... نمی شود یک دفعه کارها درست بشود و هیچ خلاقی واقع نگردد. در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام هم خلاف واقع می شد. باید جهات مثبت را نگاه کرد نه جهات منفی را. و ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب سلام الله علیه هم که ایشان با تمام قدرت می خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند. و بالاخره

۱- روشن است که این سخن حضرت امام میرزا محمد تقی اشاره به کسانی است که از انتظار مفهوم درستی را برداشت نکرده و به جهت کج فهمی یا صفت رذیله تنبلی و بیحالی هیچ تلاشی برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه انجام نمی دهند و دست روی دست گذاشته می گویند بگذار خود امام زمان علیه السلام بیاید و کارها را درست کند.

۲- صحیفه نور ج ۱۹ - ص ۱۵۴ تاریخ ۶۴/۲/۱۶.

عن رسول الله ﷺ :

«انتظار الفرج بالصبر عبادة»^{۲۷۵}

همانها هم که مخالف هستند حضرت صاحب علیه السلام را شهید می‌کنند، و در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند.^(۱)

«تکلیف منتظران»

امام خمینی ره پیرامون تکلیف اجتماعی منتظران چنین می‌فرمایند :

- " ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی پرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم و حق متعال را در همه احوال حاضر و ناظر بدانیم و تخلف از دستورات اسلام ننمائیم و به وسوسه فتنه‌انگیزان اعتنا نکنیم."^(۲)

۱- صحیفه نوری ج ۱۹ - ص ۱۸۱-۱۸۰ - تاریخ ۶۴/۴/۹

۲- صحیفه نوری ج ۱۵ - ص ۲۲ - تاریخ ۶۰/۳/۱۸

رسول خدا ﷺ :

«چنانچه انسان با داشتن روحیه استقامت و صبر تسلیم باطل نشده و انتظار ظهور حق را بکشد یقیناً بندگی خدا را نموده است».

- “ما دنیایمان یک همچو دنیایی است. مدعی‌ها خیلی زیاد ولیکن واقعیت همین است که همه می‌بینیم و می‌بینید و تا چه وقت بشود که یک همچو مطلبی منعکس بشود و منقلب بشود. البته انقلاب کلی‌اش با ظهور امام زمان سلام‌الله‌علیه است ولی خوب ما تکلیف داریم، این درست است، اما ما تکلیف داریم.”^(۱)
- “ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد، در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که اینقدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد، ما تکلیف داریم آقا! اینطور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان سلام‌الله‌علیه هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را در دست بگیریم و بگوییم عَجَلْ علی فرجه، عَجَلْ، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان.”^(۲)
- “و آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود بلکه با کوششها و فداکاریها، ستمگران سرکوب و منزوی می‌شوند.”^(۳)

۱- صحیفه نور ج ۱۸ - ص ۱۹۵ - تاریخ ۶۲/۱۰/۱ ۲- صحیفه نور ج ۱۸ - ص ۱۹۵ - تاریخ ۶۲/۱۰/۱

۳- وصیتنامه سیاسی - الهی امام قزوینی - صحیفه امام قزوینی ج ۲۱ ص ۴۴۷.

قال رسول الله ﷺ :

«طوبى للصابرين فى غيبته»^{۲۷۶}

دو عنوان "معنى انتظار" و "تکلیف منتظران" را یکجا مورد بررسی قرار می دهیم :
در باره معنى انتظار باید بگوئیم :
انتظار یعنی چشم دوختن بسوی آنچه توقع دیدارش را داریم.
یک میزبان که منتظر میهمانی عالیقدر و عظیم الشان است هرچند دقیقه یکبار و اگر
انتظارش عمیق تر باشد بطور دائم جلوی درب منزل ایستاده و چشم براه میهمان
عزیزش می شود.

آنچه در انتظار مورد توجه است دو چیز است.

اول : چشم دوختن

دوم : آماده بودن

شخص منتظر فکر و یادش و نگاه و حرکتش بسوی چیزی است که در انتظار آن بسر
می برد.

بنابراین کسی که منتظر ظهور منجی آخرالزمان است در این فکر است که چگونه
ظهور آن حضرت فرا می رسد.

چگونه می شود آن عزیز و نور چشم انبیاء را دیدار نمود؟

چگونه می توان یکی از کسانی شد که خداوند اجازه دیدار آن بزرگوار را به او داده و

لحظاتی به جمال مبارکش چشم دوخته است؟

چگونه می توان مردم را با او آشنا کرد؟

شرایط ظهور مقدّسش چیست؟

چرا آن حضرت خود را بیش از یازده قرن است ناشناس قرار داده و در عین حال بین

مردم بسر می برد؟

چرا مردم بیاد او نیستند؟

رسول خدا ﷺ :

«خوشا بحال آنانکه در زمان غیبت صبور و با استقامت اند». (و به هیچ قیمت دست از امام زمان علیه السلام و راه حق برنمی دارند).

چرا بعضی از قدرتمندان از ظهورش هراس دارند؟
چرا توجه و فکر مردم بسوی او نیست؟ مگر او گمشده جامعه بشری نمی باشد؟
شخص منتظر در میان کتابها به دنبال کتابی که به نام آن حضرت است می گردد.
شخص منتظر در میان مجلات مجله ای که نام آن بزرگوار را به همراه دارد و در باره اوست مورد توجه بیشتری قرار می دهد.
شخص منتظر روزنامه ای که نام محبوب در آن نقش بسته و از آن عزیز گفتگو می کند بیشتر می خواند (اگر چنین روزنامه ای را بیابد).
شخص منتظر فیلمی را که در باره آن عزیز گمشده است با تمام توجه مشاهده و بر سایر فیلمها ترجیح می دهد (که متأسفانه فیلمی در باره آن حضرت یا ساخته نشده یا به ندرت یافت می شود و یا خدای ناکرده مانند فیلم پیشگوئیهای نوسترادموس منفی و علیه آن حضرت می باشد).
شخص منتظر اماکنی که به نام آن محبوب است را بیشتر مورد توجه قرار می دهد.
شخص منتظر از آنانکه اخلاق و رفتاری شبیه به محبوبش دارند خوشش می آید.
و در یک کلام، شخص منتظر، چشم به محبوبش، عزیزش که محبوب پروردگار است دوخته و زندگی بدون یاد او را بی روح و مرده می داند.
اینها گوشه ای از خصوصیات شخص منتظر بود نه همه آن که اینها را به عنوان نمونه ذکر کردیم.

ولی متأسفانه نه تنها جامعه بین المللی بلکه ما شیعیان که می گوئیم منتظر آن حضرت بوده و او را امام حاضر و زنده (ولی ناشناس) در میان خود می دانیم از این خصوصیات کمتر بهره برده و عملاً انتظار او را نداریم.
نه اخلاقمان اخلاق امام زمانی و شایسته این نام است،

عن الباقر عليه السلام :

«العارف منكم هذا الامر، المنتظر له، المحتسب فيه الخير، كمن جاهد والله مع قائم آل محمد بسيفه».^{۲۷۷}

نه گفتارمان چنانکه مورد پسند آن حضرت است،

و نه تبلیغات و رسانه‌هایمان، مجلات و فیلمهایمان و ... کمتر چشم به محبوب دوخته و تا این زمان می‌توان گفت اصلاً چشمی ندوخته و مانند کسی هستیم که در خانه خوابیده و فقط در عالم رؤیا گاهی می‌گویید من منتظر هستم، نه خانه را از زیاده‌های متعفن گناه زدوده‌ایم و نه لباسهای صفات نیک و شایسته انسانی را بتن کرده‌ایم و نه ...

آیا شخصی که منتظر میهمان است حیاط منزل را پر از زیاده متعفن کرده و بدون لباس و پوشش ایستاده و مدعی انتظار میهمان است؟
آری ما شیعیان به عنوان طلایه‌داران استقبال از ظهور منجی، انتظار آن حضرت باید از زبان و اعمالمان نمایان باشد.

باید رسانه‌هایمان، فیلمهایمان، سریالهایمان، تبلیغات فرهنگی و سازمان یافته‌مان، روزنامه‌هایمان، مجلاتمان، و خلاصه هرچیزمان پر باشد از انتظار و نام مقدس حضرت مهدی ارواحنا فدا.

آن زمان که منتظر برگزاری مسابقه‌ای حساس و سرنوشت‌ساز بین دو تیم فوتبال می‌باشیم، مگر نه این است که چون منتظر و مشتاق دیدن مسابقه هستیم تمام توجهات فکری، قلبی، و سپس گفتارزبانی و گفتگو با دوستان و حتی اعمال بدنیمان همه و همه رنگ فوتبال را می‌گیرد و اگر اهل توجه به خدا و دعا و راز و نیاز باشیم دائماً می‌گوئیم خدایا، تیم مورد علاقه‌ام را پیروز گردان و ... (اینرا به عنوان یک مثال تنها بخاطر نزدیک شدن مطلب به ذهن گفتم).

آیا لااقل به اندازه یک مسابقه فوتبال، ظهور انسانی که بیش از یازده و قریب دوازده قرن منتظر حرکت ما بسوی خود نشسته را انتظار می‌کشیم؟

امام باقر علیّه السلام :
«کسیکه در زمان غیبت، امام زمان خود را با معرفت قلبی بشناسد و انتظار ظهور حضرتش را جزء برنامه زندگی خویش قرار دهد و بهمین جهت خود را وادار به انجام خوبیها کند بخدا قسم مانند کسی است که به همراه قائم آل محمد با شمشیرش جهاد نموده باشد».

به جرأت و طبق روایات متعدد خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می توان گفت اگر مانند مسابقه های هیجان انگیز فوتبال مردم چشم براه امام زمان علیّه باشند و برای ظهور مقدّسش دعا کنند، فرج آن حضرت به سرعت انجام خواهد شد.

«چشم دوختن»

گفتیم شخص منتظر به آنچه در انتظارش بسر می برد چشم دوخته است. قبل از خواب در یاد اوست. در عالم رؤیا او را می بیند. و مگر ما نگفتیم و مگر همه ما نمی گوئیم کشور ما کشور صاحب الزّمان علیّه است. اکنون این کشور (یعنی مردمش) را به یک فرد تشبیه می کنیم و می گوئیم: آیا همه اعضا این کشور در انتظار محبوب اند؟ عضو حساسی که باید به آن حضرت چشم بدوزد و با چشمان در انتظارش بفهماند این مملکت هر روز منتظر ظهور است (که این از آرزوهای بایگانی شده عاشقان آن حضرت می باشد) همان عضو حساس کشور و چشمان آن یعنی "صداوسیما" است. مگر صداوسیما مانند چشمان این کشور نیست؟ آیا نباید دنیا این چشمان را در انتظار محبوب خیره ببیند؟ آیا از شبکه های مختلف آن نباید نام و یاد منجی آخر الزّمان و شوق انتظار را همه روزه در جان مردم تزریق نماید و رمز پایان تمام گرفتاریهای جامعه فردا را در ظهور آن حضرت بنمایش گذارد؟ آیا در دنیا کدام صداوسیمائی است که بتواند مانند صداوسیمای این کشور دم از محبوب پروردگار حضرت صاحب الزّمان ارواحنا فداه بزند؟

عن الامام الجواد عليه السلام :

«افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج»^{۲۷۸}

کدام تلویزیونی است که به تصاویر زشت و شهوت‌آلود، آلوده نباشد و بردن نام مقدّس حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه در آن هیچ تناسبی با آن سیما نداشته و انسان از جمع شدن آن تصاویر و نام محبوب عالم خلقت شرم کند، پس حال که سیمای ما بدور از این آلودگی‌ها می‌تواند به عنوان چشم اشک‌آلود شیعیان دلسوخته و شهید داده به ظهور منجی چشم بدوزد و او را به دنیا بشناساند چرا چنین نمی‌کند و هنرمندان آن و آنانکه می‌توانند چنین کنند چرا از این حقیقت غافلند؟^(۱)

چرا فیلمسازان و هنرمندان این سازمان عظیم خالصانه و تنها برای نام محبوب بمیدان نمی‌آیند و امام زمان خود را تنها و فراموش شده در امواج فتنه‌های آخرالزمان رها می‌کنند.

آری از کلمه "چشم‌دوختن" که به شخص منتظر نسبت داده می‌شود مطلب فوق به ذهن می‌آید که کشور امام زمان علیّه به عنوان تنها کشوری که بطور رسمی حکومتش را با نام آن حضرت مشروعیت بخشیده باید چشمانش یعنی صداوسیمایش بسوی آن حضرت دوخته شده باشد و این تکلیف سنگینی بر عهده این سازمان است که به عنوان تذکر و یادآوری که (فذكر فان الذكر تنفع المؤمنين) بدان اشاره نمودیم باشد که از این پس شاهد چشم‌دوختن چشمان کشور خود بسوی میهمان عزیزمان باشیم.

۱- طبیعی است که این تذکر به عزیزان صداوسیما تا این زمان که حقیقتاً غفلت عجیبی از آن حضرت داریم گفته می‌شود که امیدواریم پس از این هنرمندان و فیلمسازان و ... غفلت از آن بزرگوار را تبدیل به یاد و نام مقدّسش نمایند. انشاءالله.

امام جواد علیه السلام :

«با ارزشترین اعمال شیعیان ما چشم براه ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام بودن است.»

«اشکالی که هست...»

اشکالی که ما داریم این است که فرهنگ توجه به امام عصر ارواحنا فداه در میان ما به فراموشی سپرده شده است.

از آن حضرت تصور شمشیری برهنه و ترسناک داریم (که این از تبلیغات منفی علیه آن حضرت است).

از آن حضرت تصور خونریزی و خشونت و وحشت و ویرانی و جنگ داریم.

از آن حضرت شوقی که مشتاق زیارتش باشیم در دل نداریم.

حتی عده‌ای می‌گویند از آن حضرت نام نبرید.

عده‌ای هم می‌گویند تو که زیاد از امام زمان علیه السلام نام می‌بری چه و چه هستی.

عده‌ای هم می‌گویند دعا کن امام زمان نیاید والا با من و تو چه خواهد کرد.

عده‌ای نیز می‌گویند هرکس بگوید آن حضرت را دیده‌ام دروغ می‌گوید و تشرف به

محضر مقدس آن حضرت بهیچ وجه مورد قبول نیست حتی تشرفات معتبر هم از نظر این افراد اعتباری ندارد.

عده‌ای هم فکر می‌کنند آن حضرت مربوط به زمانهای آینده و خیلی دور است.

با اینهمه تبلیغات شیطانی و منفی علیه آن حضرت دیگر چه شوق و توجهی به آن

حضرت در میان مردم باقی می‌ماند.

شیعیان که چنین مورد هجوم تبلیغاتی شیطان واقع و در برابر این سخنان باطل

عقب‌نشینی نمایند مردم دیگر جهان نیز وضعی مشابه یا پائین‌تر خواهند داشت و در

نتیجه :

نه چشم براه امام زمان علیه السلام و منتظر آن حضرتیم،

عن الامام الرضا عليه السلام :

«ما أحسن الصبر و انتظار الفرج».^{۱۷۹}

و نه آمادگی فکری و اخلاقی و اجتماعی برای استقبال از آن بزرگوار داریم و لذا با چنین روحیه‌ای ما هرگز منتظر نبوده و بی جهت شعار انتظار را سر می‌دهیم. بنابراین انتظار حقیقی وقتی است که تمام توجهمان بسوی ظهور امام زمان علیه السلام جلب شده و در عمل با انجام کارهای شایسته و مورد پسند آن امام بزرگوار به شعار انتظار جامه عمل بپوشانیم.

«و اما تکلیف منتظران»

آنانکه حقیقتاً مشتاق و منتظرند چه وظیفه‌ای دارند،
آنانکه وقتی افکار عمومی و روزنامه‌ها و مجلات و تلویزیونها و گفتگوی معمولی مردم را دیده و به جز یاد و نام محبوبشان همه چیز در آنها می‌یابند و خون دل می‌خورند،
آنانکه وقتی جنگ و فقر و محرومیت و آوارگی مردم جهان را دیده و می‌گویند اگر امام زمان علیه السلام ظهور می‌فرمود این همه نابسامانی وجود نداشت و همه ظلمها از سطح عالم برچیده می‌شد،
آنانکه صبح و شب بیاد آنحضرت هستند،
آنانکه زیارت آل یاسین که شاید بهترین زیارت برای آن حضرت باشد را می‌خوانند، خود را در محضر مقدس امام زمانشان می‌بینند و حضور روحی و احاطه علمی آن حضرت را حس می‌کنند.
آنانکه جز دفاع از اصل اسلام و نام امام زمان علیه السلام و اصول محکم نظام اسلامی و توجه به سوی حضرت ولی عصر ارواحنا فدایه چیز دیگری دل نمی‌بندند،
و آنانکه...

امام رضا علیه السلام :

«استقامت در راه حق و انتظار فرج و ظهور را کشیدن چقدر نیکو است»
(و انسان را به کمال می‌رساند).

آری آنان چه وظیفه‌ای دارند؟
آنان باید دست بکار شوند.
آنان باید کشور را متحول نمایند.
آنان باید افکار را بسوی امام زمان علیه السلام سوق دهند.
آنان باید مردم شریف و مسلمان و بلکه غیرمسلمان را چنان با امام عصر ارواحنا فداه آشنا نمایند که سخن از امام عصر ارواحنا فداه سخن روز رسانه‌های عمومی جهان گردد.
آنان باید اگر منبر می‌روند منبرشان رنگ و بوی امام زمان علیه السلام داشته باشد.
اگر کتاب می‌نویسند نور امام زمان علیه السلام در کلمات آن، دلها را روشن نماید.
اگر در تلویزیون در پیش روی میلیونها نفر قرار می‌گیرد توجه به محبوبشان را به بیننده منتقل نمایند و با خود فکر کنند شاید حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هم مانند مردم دیگر تصویر ایشان را می‌بینند (زیرا مسلم است آن حضرت در میان مردم و بطور معمولی مانند دیگران ولی ناشناس بسر می‌برند) پس بکوشند برای جلب رضایت آن حضرت گفتار و رفتار خود را تنظیم نمایند.

«تکلیف شخصی و تکلیف اجتماعی»

برای منتظران ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه دو نوع تکلیف وجود دارد،

اول: تکلیف شخصی

دوم: تکلیف اجتماعی

ما ابتدائاً تکلیف اجتماعی منتظران را بررسی و سپس به تکلیف شخصی آنان می‌پردازیم.

عن الامام الباقر عليه السلام :

«ما ضر من مات منتظراً لامرنا الا يموت في وسط فسطاط المهدي و عسكرة»^{۲۸۰}

«تکلیف اجتماعی منتظران»

تکلیف اجتماعی منتظران آن است که برای ظهور آن حضرت "یکپارچه" شوند تمامی نیروهای خود اعم از روزنامه و مجله و تلویزیون و غیره را برای سوق دادن افکار بسوی منجی جهان سوق دهند زیرا خداوند متعال وضعیّت اجتماعی مردم را تا آنان اقدامی برای تغییر وضعیّت اجتماعی خود نکنند تغییر نمیدهد. خداوند متعال می فرماید :

"ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم"^(۱)

خداوند گرفتاری مردم را تا خود آنان علت ایجاد آنرا که از اعمال خودشان ناشی می شود برطرف ننمایند، رفع نمی فرماید.

به عنوان نمونه : آنگاه که مردم مسلمان ایران برخواسته و ریشه نابسامانیها را که "سستی در برابر ظلم و ستم" و "سکوت در برابر ظالمین" بود را تغییر دادند و تصمیم گرفتند بطور یکپارچه اسلام را یاری و وضعیّت جامعه خود را اسلامی کنند، خداوند متعال هم با کمترین تلفات و خسارات وضعیّت اجتماعی آنانرا تغییر داد.

اکنون اگر از آن حرکت و نهضت درسی بگیریم می بینیم بهمان شکل که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید می توان به انقلاب عظیم و سراسری منجی عالم بشریّت دست یافت. زیرا قانون فوق (که در آیه شریفه بالا) عنوان شد در اصل برای بیان تغییر وضعیّت اجتماعی مردم قبل از ظهور به پس از ظهور می باشد.

امام باقر علیه السلام :

«کسیکه در حالت انتظار فرج حضرت بقیه الله از دنیا برود اگر در وسط خیمه لشکرگاه حضرت مهدی علیه السلام از دنیا نرود ضرری نکرده است».

«اگر با خود بگوئیم...»

اگر با خود بگوئیم : ما نمی توانیم در ظهور امام زمان علیه السلام نقشی داشته باشیم،
و یا بگوئیم :

مردم آماده ظهور نیستند و ظهور آن حضرت در آینده دور انجام خواهد شد -
چنین فکری، مانند افکار مردم ایران در سالهای خمودگی نهضت اسلامی آنان
است.

در آن زمان مردم همین دو مطلب را در باره انقلاب اسلامی تصور می نمودند یعنی :
فکر می کردند ما نمی توانیم وضعیت کشور را از رژیم شاهنشاهی تغییر دهیم مگر
چنین چیزی ممکن است؟
و نیز فکر می کردند :

مردم آماده نیستند و شاید دهها سال بعد زمینه ای برای سقوط رژیم شاهنشاهی
فراهم گردد.

ولی آنگاه که این دو مطلب از خاطر شریف مردم مسلمان ایران کنار رفت و آنان باور
کردند :

- ۱- می توانند در پیروزی انقلاب نقش داشته باشند و،
 - ۲- مردم آماده بوده و شدیداً مشتاق پیروزی انقلاب و تشریف فرمایی
امام راحل علیه السلام هستند،
- اینجا بود که موانع برطرف و حرکت حقیقی مردم آغاز شد و در فاصله کوتاهی به
پیروزی و تحولی عظیم انجامید.

چنانکه در روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام ذکر شده اگر مشابه همین مطلب در

عن الامام الصادق عليه السلام :
 «يأتى على الناس زمان يغيب امامهم، فيا طوبى للثابتين على أمرنا في ذلك الزمان».^{۲۸۱}

مردم (و لا اقل شیعیان) تحقق یابد و آنان بپذیرند که :

- ۱- می توانند با حرکت خود موجب ظهور امام زمان علیّه شوند و
 - ۲- ظهور آن حضرت در همین زمان ممکن بوده و هیچ مانعی برای تحقق آن وجود ندارد،
- حرکت خود را آغاز و نهضت اصلی و بزرگ را شکل خواهند داد،
- آیا چه کسی از شیعیان برای انجام این مأموریت مناسبتر است؟
- شیعیانی که تجربه انقلاب اسلامی را نموده و آنرا لطف و معجزه‌ای الهی دانستند.
- و باید پرسید چه مانعی وجود دارد؟
- آیا خداوند متعال، انقلاب اسلامی ایران را یاری نموده ولی حرکت و نهضت مردم بسوی ظهور منجی عالم بشریت را یاری نمی نماید؟
- پس اکنون این تکلیف بر دوش منتظران و شیفتگان آن حضرت است که در تمام روزنامه‌ها و مجلات و رسانه‌های عمومی، (مانند صداوسیما و شبکه اینترنت و غیره).
- دو حقیقت فوق را در عمق افکار مردم ایران و جهان خصوصاً شیعیان وارد نمایند تا همه باور کنیم که با حرکت و نهضت ما بسوی حضرت بقیة الله روحی فداء آن حضرت بسرعت ظهور خواهند فرمود.
- و اینجاست که با گوش ظاهر و گوش دل می شنویم که خداوند (در قرآن کریم) می فرماید :

”فانتظروا انی معکم من المنتظرین“^(۱)

امام صادق علیه السلام :

«زمانی فرا می‌رسد که امام زمان علیه السلام از مردم غائب می‌شود، خوشا بحال آنانکه در آن زمان بر برنامه و مسیر ما ثابت قدم بمانند».

«قل انتظروا انا منتظرون» (۱)

شما منتظر باشید ما هم به‌مراه شما منتظر هستیم یعنی ما منتظر حرکت شما بسوی پذیرش حکومت حق و درخواست تحقق آن هستیم و شما هم منتظر فرمان ظهور از سوی ما باشید.

لازم به تذکر است ما در خلال مطالب این کتاب تکلیف اجتماعی منتظران حضرت بقیة الله ارواحانفاده را بطور مشروح و به تناسب مطالب گوشزد نموده‌ایم. همچنین در کتاب «راهی بسوی نور» نیز بطور مشروح در اینباره مباحثی را تقدیم علاقمندان نموده‌ایم.

«تکلیف شخصی منتظران»

و اما تکلیف شخصی منتظران چیست؟

باید بگوئیم: تکلیف به معنی کلفت و باری را بر دوش کشیدن می‌باشد. اگر این بار را انسان بدون عشق و محبت به امام عصر ارواحانفاده بخواهد به دوش بکشد چندان موفق نخواهد بود.

انسان تا عشق و علاقه به انسان کامل حضرت بقیة الله ارواحانفاده نداشته و یا در خود ایجاد ننماید نمی‌تواند تکالیف شخص منتظر را به آسانی انجام دهد و اگر انجام دهد، با زحمت بیشتری خواهد بود.

منتظران ظهور چون باید بارهای سنگین تبلیغ و ترویج نام مقدس امام عصر ارواحانفاده را قبل از ظهور آن بزرگوار به دوش گیرند باید از شوق و محبت خود در این راه

۱- سورة انعام آیه ۱۵۸ و موارد مشابه آن که به هفت مورد می‌رسد.

عن الامام الصادق عليه السلام :

«طوبى لمن تمسك بامرنا في غيبة قائمنا فلم يزغ قلبه بعد الهداية».^{۲۸۲}

سرملیه‌گذاری نمایند که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم. مثلاً آنانکه برای تبلیغ نام مقدس امام زمان علیه السلام می‌خواهند قدمی بردارند نباید انتظار پاداش از سوی کسی داشته باشند و تنها به عشق و محبت به محبوب قدم در راه تبلیغ آن حضرت بگذارند و بدانند اگر دستگاههای دولتی یا غیردولتی نتوانند زحمات بی‌شائبه و خالصانه آنها را جبران کنند مهم نیست، این امام عصر روحی فدا است که شیفته و دوست واقعی خود را می‌شناسد و پاداشهای فراوان و غیرقابل تصور به او می‌دهد.

و چه بسا همین محرومیت ظاهری، از عنایات خود محبوب باشد چرا که آنحضرت می‌خواهند پاداش زحمات دوستان خود را با دست خود بدهند و نگذارند نیت آنان با مسائل دنیوی مخلوط شده و ارزش خدمات عاشق و شیفته حقیقی کاهش یابد. بهر حال مهم آن است که شخص منتظر باید ابتداء عشق و علاقه به حضرت بقیة الله ارواحفاده را در خود ایجاد و تقویت نماید.

همین شوق و محبت است که او را بسوی خوبیه‌ها و ترک زشتی و بدی سوق می‌دهد (و در مناجات محبین می‌خوانیم: و ان تجعل حبی ایاک قائداً الی رضوانک یعنی: خدایا از تو می‌خواهم محبت به خودت را وسیله حرکت بسوی رضایت قرار دهی)^(۱) انسان وقتی شیفته کسی می‌شود خود بخود بسوی او کشیده و اخلاقش، رفتارش، کردارش و حتی طرز سخنانش شبیه به محبوبش می‌شود، این قانون محبت است.

از محبت خارها گل می‌شود

از محبت تلخها شیرین شود و...

امام صادق علیه السلام :

«خوشا بحال آنانکه در زمان غیبت قائم ما محکم و استوار برنامه ما را اجرا می کنند
و ذره ای سستی و شک به خود راه نمی دهند».

رمز رسیدن یک شخص منتظر به محبوبش، امام زمان سلام الله علیه، در یک کلمه است :

«محبت»

محبت به امام زمان علیه السلام ،

در جستجوی او بودن،

او را صدا زدن،

در فراق حضرت اشعاری را زمزمه کردن،

مشتاق دیدار رویش بودن، و در فراقش اشک ریختن که اثر محبت شدید انسان به

آن حضرت است،

به اماکن متعلق به آن حضرت مثل مسجد جمکران، مسجد سهله، سرداب مطهر، و

هر جا که می شود او را صدا زد رفتن، حتی در خلوت خانه و یا در حال تنهایی و ...

پس می توان به شوق دیدارش روزها را به شب رساند و شبها را با یاد او در بستر

آرمید و بدینوسیله بر پله اول نردبان انتظار قدم گذاشت.

«قلب جوانان»

من معتقدم در میان مردم، جوانان بیش از همه می توانند عشق و محبت آن حضرت

را بدست آورند.

زیرا آنان به تازگی دوران خردسالی را پشت سر گذاشته و هنوز چندان آلوده به

صفات رذیله و تکبر و خودخواهی و ... که در سنین بالاتر در انسان ریشه می دواند

نشده اند.

آنان راحت تر از بزرگسالان می توانند موانع محبت امام زمان علیه السلام که صفات رذیله

است را دور بریزند زیرا ریشه این صفات در آنها چندان محکم نیست و مانند نهال تازه

عن مولانا صاحب الزمان رحمته الله :
 «و اما اموالکم فلا تقبلها الا لتطهروا فمن شاء فليصل و من شاء فليقطع و ما آتانا
 خير مما اتاكم»^{۲۸۳}

نشانه شده است که با یک حرکت می توان آنرا ریشه کن کرد.

و از لحاظ محبت بسیار قوی و سرزنده هستند.

چشمه های محبت در آنها پرآب و فعال است.

و اما پله دوم :

پله دوم نردبان انتظار (پس از عبور از پله اول که پله مجذوب شدن به نام حضرت
 بقیة الله ارواحنا فداه است)، پله تزکیة نفس است.

کسی که مجذوب انسان کامل شده،

کسی که در این دنیای مادیّت، مرد آسمانی و انسانی که همه کمالات در او جمع
 است را شناخته،

کسی که می داند او زنده و فعال ولی ناشناس در بین مردم حضور دارد،

کسی که فهمیده است افراد بسیاری به محضر مبارکش مشرف شده و از او زیباتر و
 ملکوتی تر چیزی ندیده اند.

و خلاصه کسی که یوسف گم شده آل محمد صلی الله علیه و آله و منجی عالم بشریت را گم شده
 خود می داند،

چنین کسی، دیگر آرام ندارد، قرار ندارد، خود را از یاد می برد، نام حضرتش او را از
 خود بی خود و در وادی دیگر سیر می دهد، به کسی کاری ندارد (و در جستجوی
 عیوب دیگران نیست).

تنها به اینکه محبوبش را شناخته و به او دلخوش کرده، احساس سرور و نشاط
 خاصی دارد.

از هرچه مورد کراهت آن حضرت باشد دوری می کند.

حضرت صاحب الزمان علیه السلام :
«ما اموال شمارا بخاطر آنکه خودتان پاک شوید قبول می کنیم هر که خواهد بدهد و هر کس
نمی خواهد قطع نماید، آنچه خدا بخواهد بدهد بهتر از چیزی است که شما می دهید».

«و اینجاست که...»

و اینجاست که او به پله دوم قدم می گذارد

پله تزکیه نفس

چنانکه امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود :

” هر کس مشتاق آن است که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید روحیه
انتظار را در خود بوجود آورد و در حالیکه به ظهور آن حضرت بیش از هر چیز
چشم دوخته است اخلاق خود را اصلاح نماید و از امور بیهوده و از گناهان و آنچه
به او مربوط نیست پرهیز داشته و اخلاق نیک را برنامه خود قرار دهد.

چنانچه در طی حرکت خود در این مسیر فوت کرده و حضرت ولی عصر علیه السلام را
ندید و آن حضرت پس از فوت او ظهور فرمود، پاداش او مانند کسی است که آن
حضرت را درک نماید.

پس ای دوستان و معتقدین و شیفتگان آن حضرت که رحمت الهی شما را فرا
گرفته (این دو محور را اساس کار خود قرار دهید یعنی) هم در تزکیه نفس خود
بکوشید و هم حالت انتظار حقیقی را در خود ایجاد نمائید گوارا باد بر شما این
لطف مخصوص ^(۱).

۱- مکیال ج ۲/ ۳۰۵. عن الصادق علیه السلام : من سره ان یكون من اصحاب القائم، فلیتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو
منتظر، فان مات وقام القائم علیه السلام بعده، کان له من الاجر مثل اجر من ادركه، فجددوا وانتظروا، هنیا لکم ایته العصابة المرحومه.

دعاء النذبة :

«بنفسی انت امنیة شائق یتمنی من مؤمن و مؤمنة ذکر افحنا»^{۲۸۲}

و خلاصه آنکه، تکلیف منتظران آن است که در عین انتظار خود را از اخلاق غیرانسانی دور نموده و نفس خود را به صفات شایسته و امام زمانی بیارایند. انسان تا در راه تهذیب نفس قدم برندارد و در رفع صفات رذیله کوشش ننماید موفق به ترویج و تبلیغ نام آن حضرت نخواهد شد.

زیرا امام عصر ارواحنا فداه برای تبلیغ و ترویج نام خود از هر سخنگو و هر کسی کمک نمی گیرند.

آن حضرت از کسی که در گمراهی و صفات رذیله غوطه می خورد کمک نمی گیرند همانطور که جدّ بزرگوارشان حضرت سیدالشهداء علیه السلام در روایتی از شخصی که حاضر نشد آن حضرت را با حضور خود یاری کند و تنها اسب قیمتش را تقدیم نمود، کمک نگرفت و حتی اسب قیمتی او را قبول نفرمود و با برگرداندن صورت مبارکش از او فرمود: من از گمراهان و گمراه کنندگان کمک نمی گیرم و آنانرا یاور خود قرار نمی دهم.^(۱)

در عین حال انسان باید بکوشد با بردن نام آن حضرت خود را از شرّ نفس طغیانگر نجات دهد.

نام آن حضرت پربرکت است.

یاد آن حضرت آرامش بخش است.

یاد او یاد خداست و انسان را از خطا باز می دارد.

آنکه بیاد اوست می کوشد اخلاقش را چون اخلاق آن حضرت مهربان، صمیمی، دور از هرگونه تکبر و کینه توزی، محبت به مردم، احترام گذاشتن به مردم و بدگمان

۱-... فاعرض عنه الحسين عليه السلام بوجهه ثم قال : لا حاجة لنا فيك ولا في فرسك وما كنت متخذ المظلمين عضداً... بحار الأنوار ج ۴۴ ص ۳۱۰.

دعای ندبه :

«جانم فدایت یا صاحب الزّمان، ای محبوبی که در آرزوی دیدارت و در یاد رویت هر
مرد و زن مؤمنی آه از نهاد برمی آورند و در فراق می سوزند».

نبودن به آنان و دهها صفت دیگر قرار دهد.

و اینک بر منتظران آن حضرت است که در درجهٔ اوّل خود را از صفات رذیله تزکیه
نمایند و در عین حال در بُعد اجتماعی بکوشند حرکتی یکپارچه و موجی از توجه
معنوی به سوی امام عصر ارواحنا فداه در جامعه خود و جامعه جهانی ایجاد نمایند.

«یک تذکر»

ما در کتاب "راهی بسوی نور" بطور مشروح از تکالیف شخصی منتظر که در قالب
(ارتباط روحی) امام عصر ارواحنا فداه گنجانده شده، سخن گفته ایم که طالبین می توانند
به آن کتاب مراجعه نمایند.

قسمت بیست و دوم:

زنت او باشم

«وقتی نامه‌های ما را بردند پیش امام زمان سلام‌الله‌علیه، ... اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم، ما آنطور نیست که خودسر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم».

صحیفه نور ج ۸ ص ۱۵۰ - ۱۴۹

زیارة آل یاسین :

«یا مولای... و نصرتی معدة لکم و مودتی خالصة لکم».^{۲۸۵}

حضرت امام قزوینی در سفارش به شیعیان می فرمایند :

- " آن خلیفه بحق خدا بود و شماها باید به او اقتدا بکنید همه ما باید اقتدا بکنیم البته هیچ کدام طاقت نداریم مثل او باشیم. لکن اینقدر که اگر نامه ما را بردند آنجا بگویند اینها هم شیعه هستند، اینها هم تابعند، وقتی نامه های ما را بردند پیش امام زمان سلام الله علیه اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم. ما آنطور نیست که خودسر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم".^(۱)
- " رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیة الله است. و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست به دست بیاوریم".^(۲)
- " در حکومت عدل بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف هم عدالت جاری می شود، لکن خُبهای نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان خُبهای نفسانی است

۲- صحیفه نور ج ۱۴ - ص ۹۴ - تاریخ ۵۹/۱۲/۴

۱- صحیفه نور ج ۸ - ص ۱۵۰-۱۴۹

زیارت آل یاسین:

«ای سرورم یاری‌ام تنها برای شما آماده و مهیاست و تمام محبت و علاقه‌ام تنها و تنها برای شماست».

که بعضی روایات هست که حضرت مهدی سلام‌الله‌علیه را تکفیر می‌کنند.^(۱)

«چگونه زینتِ او باشیم»

هر مقتدا و امامی با اعمال پیروانش آراسته می‌گردد.

هر فرزندی زینتِ بخش پدر و مادرش می‌باشد.

صداقت و راستی موجب بروز این حالت در انسان است، زیرا وقتی انسان می‌گوید من پیرو امام زمان علیه‌السلام هستم اگر در این حرف صادق باشد باید رفتارش "زینتِ بخش" نام مقدس امام زمان علیه‌السلام باشد و اگر دروغگو باشد رفتارش سبب زشتی نام آن حضرت خواهد شد.

مرحوم علامه مجلسی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در کتاب شریف بحارالانوار روایتی را نقل می‌فرماید که در آن امام صادق علیه‌الصلاة والسلام فرمود:

"ای شیعیان زینتِ ما باشید و موجب زشتی ما نباشید، با مردم سخن نیکو بگوئید و زبانهایتان را نگهداری کنید و آنرا از حرفهای اضافی و زشت، باز دارید."^(۲)
و نیز در جای دیگر از آن حضرت نقل فرموده است که:

"مبادا عملی انجام دهید که ما را به آن سرزنش نمایند زیرا فرزند بد را به پدرش نسبت داده و بواسطه عمل او پدر را سرزنش می‌نمایند پس برای امام زمان خود که

۱- صحیفه نور ج ۱۶ - ص ۱۰۵ - تاریخ ۶۱/۱/۱۴

۲- بحارالانوار ج ۶۸ ص ۱۵۱ ح ۶ - عن سلیمان بن مهران: قال دخلت علی الصادق جعفر بن محمد علیه‌السلام و عنده نفر من

الشیعة و هو یقول: معاشر الشیعة کونوا لنا زینا و لا تكونوا علینا شیئا، قولوا للناس حسنا، و احفظوا الستکم و کفوها عن

الفضول و قبح القول.

عن الامام زين العابدين عليه السلام :
«مسن ثبتت على موالأتنا في غيبة قائمنا أعطاه الله أجر الف شهيد مثل شهداء
بدر و احد».^{۲۸۶}

خود را به او وابسته و از غیر او فاصله گرفته‌اید زینت باشید و موجب زشتی او
نشوید...» (۱).

«دروغگو نباشیم...»

آنانکه به زبان خود را شیعه امام زمان علیه السلام معرفی ولی در عمل خلاف آنرا نشان
می‌دهند طبق روایات نقل شده دروغگو می‌باشند زیرا شیعه کسی است که اعمالش
با اعمال امام زمانش مطابقت داشته باشد.

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در کتاب پراج بحارالانوار (۲) از تفسیر
منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل می‌فرمایند که آن حضرت فرمود :

رسول خدا ﷺ فرمود : " ای شیعیان قوانین الهی را رعایت کنید چرا که شما
بهشتی هستید گرچه ممکن است اعمال زشتتان ورود شما به بهشت را به تأخیر
اندازد... ".

آن حضرت در ادامه بطور مشروح شیعیان را دسته‌بندی کرده و هرکس اعمال
زشت‌تری داشته باشد را به ترتیب از عذابهای دنیا گرفته تا عذابهای در محشر و
قیامت تقسیم‌بندی می‌فرمایند و آنانکه خیلی اعمالشان بد باشد را اصولاً شیعه
ندانسته بلکه آنانرا دوستدار خاندان رسالت می‌دانند و می‌فرمایند آنان در طبقه بالای
جهنم (که از داخل آن حرارت کمتری دارد) بمقداری که از گناهانشان پاک شوند
عذاب می‌شوند و سپس فرمودند :

۱- بحارالانوار ج ۷۵ ص ۴۳۱ ح ۹۱ - عنه عليه السلام : اياكم ان تعملوا عملاً تتعير به، فان ولد السوء يعير والده بعمله، كونوا لمن

انقطعتم اليه زينا ولا تكونوا عليه شينا... ۲- بحارالانوار ج ۶۸ ص ۱۵۴ ح ۱۱

امام سجّاد علیه السلام :

«کسیکه بر پیروی حقیقی از ما و اظهار محبت به ما در زمان غیبت قائم ما ثابت قدم بماند خداوند پاداش هزار شهید از شهداء جنگ بدر و أخذ به او عنایت می فرماید».

”شیعیان ما کسانی هستند که در عمل از ما پیروی نمایند و پا جای پای ما بگذارند و اعمال ما را الگو قرار دهند.”

سپس امام عسکری علیه السلام فرمود: مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله فلان شخص چشم چرانی به منزل همسایه اش نمود و اگر کار حرامی در مقابلش قرار گرفت از آن پرهیز نمی کند.

بناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله غضبناک شده و فرمود: او را نزد من آورید.

شخصی گفت: ای رسول خدا او از شیعیان شما و از کسانی است که به ولایت شما و حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام اعتقاد داشته و از دشمنان شما بیزار می جوید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اینرا نگو که او از شیعیان ماست زیرا که سخن دروغی است، شیعیان ما کسانی هستند که ما را مشایعت و همراهی نمایند و در اعمالشان پیرو ما باشند و این عمل (زشتی) که نام بردی او انجام می دهد از اعمال ما (اهلیت رسالت صلی الله علیه و آله نیست (پس او شیعه ما نیست).

«آیا من شیعه شما هستم؟»

امام عسکری علیه السلام در این روایت مشابه همین مطلب را از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام نقل فرموده و سپس فرمود: (در زمان حضرت فاطمه علیها السلام دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله) مردی به همسرش گفت: نزد حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برو و از آن حضرت بپرس آیا من از شیعیان شما هستم یا خیر.

عن رسول الله ﷺ :
«طوبى لمن أدرك قائم اهل بيتى و هو موقتد به قبل قيامه يأتهم به و
بأئمة الهدى من قبله»،^{۲۸۷}

آن زن نزد حضرت فاطمه زهرا عليها السلام رفته و سؤال را پرسید، حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: به شوهرت بگو: اگر به آنچه ما دستور می دهیم پیروی، و از آنچه نهی نموده ایم پرهیز و دوری می کنی از شیعیان ما هستی والا از شیعیان ما نیستی.
زن نزد همسرش بازگشته و جواب حضرت فاطمه زهرا عليها السلام را نقل نمود، آن مرد گفت: وای بر من چه کسی است که بتواند گناه نکند،^(۱) پس من باید همیشه در آتش جهنم بسوزم زیرا اگر انسان پیرو خاندان رسالت (که راهنمایان الهی بشرند) نباشد در آتش جهنم خواهد سوخت.

آن زن (که چنین دید) نزد حضرت فاطمه زهرا عليها السلام رفته و سخن همسرش را بازگو نمود.

حضرت فاطمه عليها السلام به او فرمود: به همسرت بگو: چنین که گفته ای نیست بلکه حقیقت این است که: شیعیان ما بهترین اهل بهشت اند و هرکسی که ما اهل بیت را

۱- این سخن که از بسیاری از شیعیان امروز هم شنیده می شود سخنی است نادرست زیرا خداوند ما را به شکلی خلق فرموده که بوسیله اراده محکم از هر چه ممنوع و حرام است خود را بازداریم همانطور که کارخانه ماشین سازی، برای ماشین ترمز را تعبیه کرده تا راننده آنرا از چراغ قرمز عبور ندهد و از جاده منحرف نگردد و این حرف از هیچ راننده ای پذیرفته نیست که بگوید ما نمی توانیم از چراغ قرمز عبور نکنیم و نمی توانیم خود را از انحراف و سقوط در درّه باز داریم لذا ما هم نباید بگوئیم ما نمی توانیم گناه نکنیم زیرا اگر نمی توانستیم، خداوند دستور گناه نکردن را بما نمی داد چرا که خداوند حکیم است و آنچه را که بنده اش نتواند انجام دهد به او دستور نمی دهد.

رسول خدا ﷺ :

«خوشا بحال آن‌انکه حضرت قائم علیّه از اهل بیت را درک می‌کنند در حالیکه قبل از قیام آن حضرت او را شناخته و به او و ائمه قبل از او اقتداء نموده باشند».

دوست بدارد و با دوستانمان دوست و با دشمنانمان دشمن باشد، و با قلب و زبانش ما را همراهی کند و تسلیم ما باشد ولی اعمالش خلاف دستوراتمان باشد از شیعیان ما نیست ولی پس از آنکه او را از گناهان پاک نمودند وارد بهشت می‌شود. سپس فرمود :

پاک شدن از گناهان (و رذائل اخلاقی) طی چند مرحله است : -

اول : در دنیا با گرفتاریهای دنیا و فشارهای آن،

دوم : (و اگر گناهان و رذائل اخلاقی اش سنگین تر بود و در مرحله اول پاک نشد)

در صحرای قیامت با انواع عذابها و سختی‌های آن،

سوم : (و اگر طی مرحله دوم پاک نشد و گناهانش سنگین تر بود) در طبقه بالای

جهنم (نه داخل آن) عذاب می‌شود تا پاک گردد،

سپس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود : آنگاه این افراد را (پس از پاک شدن)

بواسطه آنکه ما را دوست دارند نجات داده و به بهشت و پیشگاه خود می‌بریم.

«... مردی گفت من شیعه شما هستم...»

امام عسکری علیّه سپس فرمود :

مردی به امام حسن مجتبی علیّه عرض کرد : من از شیعیان شما هستم.

امام علیّه به او فرمود : ای بنده خدا، اگر طبق دستورات ما حرکت می‌کنی راست

عن الامام السجّاد عليه السلام :

«... فلا يثبت على امامته الا من قوى يقينه و صحّت معرفته».^{۲۸۸}

گفته‌ای و اگر خلاف آنرا عمل می‌کنی با این سخن برگناهانت افزون مکن زیرا مقام شیعه مقامی بس شریف است که تو اهل آن نبوده و بی جهت ادعای آنرا کرده‌ای پس نگو که من از شیعیان شما هستم بلکه بگو من از هواداران و دوستداران شما و با دشمنان شما دشمنی می‌کنم که اگر چنین باشی در مسیر خوبی هستی (که تو را به بهشت می‌کشاند).

«مجازات دو ماهه»

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه از یکایک امامان معصوم علیهم السلام مشابه همین مطلب را نقل فرموده و در باره حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام داستانی را نقل می‌فرماید که خلاصه آن این است :

عده‌ای از آنانکه خود را شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام می‌دانستند برای تشرف به محضر مقدّس حضرت رضا صلوات الله وسلامه علیه به درب خانه آن بزرگوار رفته اجازه خواستند تا آنحضرت را دیدار نمایند ولی آن حضرت وقتی شنید آنان می‌گویند ما شیعیان علی علیه السلام هستیم به دربان فرمود : من مشغول کاری هستم بگو بروند.

آنان روز بعد و بعد تا دو ماه هر روز به درب خانه آن حضرت می‌آمدند ولی همین پاسخ را می‌شنیدند و امام علیه السلام به جهت تربیت آنان و شیعیان دیگر در طول تاریخ به آنان اجازه ورود نمی‌داد تا آنکه خسته شده و با التماس گفتند : ما چگونه به شهر و دیار خود برگردیم و سخن و شماتت دشمنان را بشنویم.

در این حال امام علیه السلام به آنان اجازه ورود داد ولی اجازه نشستن به آنان نداده و پس از مدتی فرمود : اینها (طرز برخورد من) از اعمال خود شماست زیرا ادعا کردید

امام سجّاد علیه السلام :

«تنها کسانی که دارای یقینی قوی و معرفتی صحیح از ما اهل بیت باشند می توانند در زمان غیبت بر اعتقاد به حضرت ولی عصر علیه السلام ثابت قدم بمانند».

شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام هستید در حالیکه مثل ابوذر و سلمان و مقداد و عمار و محمد بن ابی بکر که در هیچ دستوری خلاف فرمان علی بن ابیطالب علیه السلام عمل نمودند، شیعیان واقعی علی علیه السلام هستند ولی شما که چنین نیستید اگر بگوئید دوستدار و هوادار ما بوده و با دشمنان ما دشمن و با دوستانمان دوست هستید قابل قبول است ولی شیعه بودن مقامی بس شریف است که نمی توانید مدعی آن باشید. آنان در این هنگام توبه کرده و از آن حضرت عذرخواهی نمودند و سخن خود را اصلاح کرده و گفتند : ما دوستداران شما و دوست دوستان شما و دشمن دشمنانتان هستیم.

آنگاه حضرت رضا علیه السلام همه آنانرا مورد تفقد قرار داده و در آغوش خود گرفته و سپس جهت دلجوئی از ایشان پول و هدایای دیگری به همه آنان داده، فرمودند : اینان با طلب بخشش و توبه خود همه گناهانشان را پاک نمودند.^(۱)

«تأثیر اعمال شیعیان ایران و مسئولین کشور در ظهور امام عصر علیه السلام»

در دنیای امروز که ما شیعیان کسانی هستیم که به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اجداد گرامی اش معتقد و خود را به نام آنان زینت داده ایم وظیفه سنگینی بر دوش داریم.

بواسطه این انتساب، مردم دنیا ما را چون فرزندی که به پدر منتسب می گردد، به خاندان عصمت علیهم السلام نسبت داده و اعمالمان را به حساب آنان می گذارند.

۱- بحارالانوار ج ۶۸ ص ۱۵۴-۱۵۹.

عن ابن عباس قال : قال رسول الله ﷺ :
 «أَنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ (الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ) فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزَّ مِنَ الْكَبْرِيتِ الْأَحْمَرِ».^{۲۸۹}

اعمال ما شیعیان گاهی آبروی خاندان عصمت علیهم السلام را لکه دار و اذهان مردم دنیا را نسبت به آنان غبارآلود می نماید و چه بسا همین مطلب موجب تأخیر در ظهور مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می گردد.

زیرا اگر ما شیعیان امام زمان علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام را به دنیا (با تبلیغات صحیح و اعمال شایسته) زیبا معرفی کنیم، مردم به دنبال حق براه افتاده و موجی از نیاز بسوی این خاندان، دنیا را فرا می گیرد و مردم شیفته آنان می شوند و این امر موجب تعجیل در امر فرج می گردد چرا که افکار مردم دنیا برای پذیرش خاندان رسالت علیهم السلام آماده شده و خداوند دستور ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را صادر می فرماید. در این میان شیعیان ایران از همه جا وظیفه سنگین تری بر دوش دارند زیرا ایران پایگاه تشیع و محلّ احیاء نام خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بوده و در آن انقلابی بزرگ در جهت رفع فساد و اصلاح اعمال و روحیات مردم بسوی صفات شایسته انسانی برپا گشته و مردم شریف ایران (و در رأس آن مسئولین کشور) با اعمال خود، آبروی امام عصر ارواحناده و خاندان عصمت علیهم السلام را در نظر مردم جهان زشت یا زیبا جلوه می دهند و حرکت افکار جهانی بسوی ظهور منجی عالم بشریت را کند یا تند می نمایند.

«جهانیان بدانند»

جهانیان باید بدانند گفتار و اعمال و اخلاق ما شیعیان، ممکن است گاهی مطابق با آنچه خاندان عصمت علیهم السلام فرموده اند نباشد.

آنان نباید اعمال ما را به حساب ائمه هدی علیهم السلام و امام زمان علیه السلام بگذارند. اگر خوبی در ما دیدند این خوبی را ما از امامان معصوم خود فرا گرفته ایم و اگر بدی

ابن عباس می گوید رسول خدا ﷺ فرمود :
«کسانی که براءتقاد و ایمان راسخ به امامت (حضرت قائم منتظر علیه السلام) در زمان غیبتش
ثابت قدم بمانند از نایاب ترین افراد هستند».

و زشتی در ما مشاهده نمودند آنرا به حساب کوتاهی و سستی و ضعف خودمان
بگذارند.

مردم دنیا خود می توانند تحقیق کنند و با عقل و درایت که موهبت خداوند به هر
انسانی است، امامان معصوم علیهم السلام و امام زمان ارواحنا فداه را بشناسند زیرا امام زمان علیه السلام
تنها امام ما شیعیان نیست بلکه امام هر انسانی است که در این زمان زندگی می کند،
پس خود آنان باید آن حضرت را بشناسند، در نتیجه ممکن است آنان خود را به این
خاندان (بواسطه اعتقاد و ایمان و گرویدن به حق و پیروی از رفتار ائمه هدی علیهم السلام)
نزدیکتر و مقربتر نمایند و ما از آنان درس بگیریم، چرا که زندگی دنیا میدان مسابقه
بسوی خوبیهاست و بزرگترین خوبی شناختن رهبران خوبی یعنی خاندان عصمت و
طهارت و خصوصاً امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نماینده پروردگار در زمین
و پیروی از اخلاق و اعمال آنان است، هرکس در این مسابقه جلوتر رود امتیازش بالاتر
خواهد بود و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نظر لطف بیشتری به او خواهند فرمود
چه آن شخص اروپائی باشد یا آمریکایی یا آفریقایی و یا متعلق به هر نژاد و رنگ
دیگر.

«گذرنامه ورود به بهشت»

پس از نقل روایات متعدد در صفحات گذشته توضیح یک مطلب در
اینجا ضروری و لازم می رسد و آن مطلب اینکه در روایاتی که نقل
نمودیم این مطلب عنوان شد که :

«شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داخل جهنم
نمی شوند بلکه خارج از آن در صحرای قیامت یا در عالم

عن مولانا المهدی رحمته الله :

«فما يحبسنا عنهم إلا ما يتصل بنا مما نكرهه ولا نؤثره منهم».^{۱۰}

برزخ یا قبل از آن در عالم دنیا با انواع سختی‌ها و در نهایت کسانیکه گناه بسیاری دارند در طبقه فوقانی جهنم (که در صفحات قبل به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شد " طهر منها في الطبقة الأعلى من جهنم و هولاء اشد محببنا عذاباً ") از گناهان خود پاک و تطهیر می‌شوند ولی در نهایت پس از پاکی جواز ورود به بهشت را از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دریافت و وارد آن می‌شوند."

برای توضیح این مطلب مثالی را که یکی از اولیاء خدا به ما تعلیم فرمود مطرح می‌کنیم و براساس آن، مطلب را شرح می‌دهیم. ورود به بهشت مجوز و یا به قول امروز "گذرنامه" می‌خواهد و مانند گذرنامه‌های مسافرتی باید چند مهر تایید به آن زده شود.

اول : مهر تاییدیه اعتقادات صحیح

دوم : مهر تاییدیه اخلاق صحیح

سوم : مهر تاییدیه بخشش گناهان

گذرنامه هر انسانی که بخواهد به بهشت وارد شود باید این سه مهر را دارا باشد و ملائکه الهی در مسیر ورود به بهشت برین کنترل کننده جواز عبور هر شخص می‌باشند و کسی نمی‌تواند به آنان نیرنگ بزند.

در باره هریک از این سه مهر به طور مختصر باید بگوئیم :

امام زمان علیه السلام :

«چیزی مانع دیدار شیعیان ما با ما نیست مگر اعمال و روحیات ناپسند خود آنان که ما را خوش نمی آید و از آنان انتظار نداریم».

«مهر اعتقادات»

اعتقادات، حقایق و مطالبی است که با قلب انسان پیوند می خورد و انسان قلباً و حقیقتاً آنرا تایید و تصدیق می کند. مثلاً می گوید خدا یکی است، تنها باید او را بندگی و اطاعت کرد، پیامبران او را قبول داشت، امام زمان علیه السلام را باید قلباً پذیرفت و او را ناظر بر اعمال خود دانست، قرآن را سخن حق دانست و خود را به پیروی آن ملزم نمود و ...

اینها و دهها مطلب دیگر اعتقادات صحیح نام دارند.

اعتقادات صحیح چیزی نیست که انسان با فکر بشری خود به دست آورد بلکه حقایقی است که باید به آن حقایق همانطور که هست معتقد شد و آنرا پذیرفت و یک حقیقت هیچگاه با فکر و اشتباه ما تغییر نمی کند و در هنگام حسابرسی و روز قیامت مهر تایید اعتقادات صحیح به گذرنامه کسی که عقایدش طبق اعتقادات پیامبران و جانشینان آنان نبوده زده نمی شود و افکار غلط و اشتباهات فکری بشری را بجای آن عقاید صحیح نمی پذیرند.

بدیهی است اعتقادات صحیح که علم به حقایق مهم عالم هستی می باشد را تنها از منبع علم می توان فرا گرفت و اگر عقاید انسان مطابق با آن بود به راه راست هدایت شده و الا از راه راست و راه علم و حقیقت منحرف گشته است. لذا در قرآن کریم (طبق تأویل و تفسیر امامان معصوم علیهم السلام) در سوره بقره آمده است : اگر مردم ایمان و اعتقادشان دقیقاً مانند آنچه شما (خاندان رسالت به عنوان منبع علم و پاکی و سخنگویان علم پروردگار) به آن معتقد و مؤمن هستید، بود روشن است که به راه راست هدایت شده اند ولی اگر از شما روی گردان بودند بدانید که آنان در مسیر

عن مولانا المهدی علیه السلام :

«... و آورد علی من شیعتی و انصاری من تقرّ بهم العین و یشد بهم الازر...»^(۱)

جدائی از راه حقّ بوده (و زندگی و اعمال و گفتارشان باعث گمراهی دیگران و ضرر برای شماست مانند راننده‌ای که از جاده منحرف شده و موجب می‌شود رانندگان دیگر هم تصور کنند راهی که او می‌رود صحیح است) ولی خداوند شما را از ضرر آنان کفایت می‌فرماید که او شنوا و داناست.^(۱)

لذا پذیرفتن ولایت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام همان مهر تاییدیه اول در گذرنامه روز قیامت است چنانکه در روایات شیعه و سنی آمده است :

”حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ جَوَازُ عَلَي الصِّرَاطِ“^(۲)

یعنی : ”محبت خاندان عصمت و طهارت گذرنامه عبور از پل صراط است“

و نیز :

”لَا يَجُوزُ أَحَدُ الصِّرَاطِ إِلَّا بِوَلَاءِ عَلِيٍّ علیه السلام“^(۳)

یعنی : ”هیچکس از پل صراط عبور نخواهد کرد مگر با پذیرفتن ولایت حضرت

علی بن ابی طالب علیه السلام“

«مهر اخلاق یا تزکیه نفس»

پس از آنکه انسان در قیامت مهر اعتقادات صحیح را دریافت نمود و عقایدش مطابق عقاید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که جانشینان حقیقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱- فان آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهتدوا وان تولوا فانما هم في شقاق فسيكفيكهم الله و هو السميع العليم.(سوره

بقره آیه ۱۳۷). ۲- احقاق الحق ج ۱۸ ص ۴۹۶.

۳- احقاق الحق ج ۷ ص ۱۱۴-۱۲۱ و ج ۱۷ ص ۱۵۸-۱۶۲.

امام زمان علیه السلام :

«خدا یا از میان شیعیان و یارانم عده‌ای که موجب روشنی چشم و مایه پشت‌گرمی باشند بر من وارد فرما».

و تمامی پیامبران الهی هستند بود، باید مَهرِ دَوم در گذرنامه او زده شده باشد یعنی باید اخلاق و صفات روحی او مطابق اخلاق پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و دارای صفات یک انسان صالح و شایسته باشد.

باید صلاحیت اخلاقی او برای زندگی در بهشت احراز شود چرا که بهشت محل زندگی جاودانه انسانهاست و معنی جاودانه زیستن در آن اینست که هرکس در آن داخل شد هیچگاه از آن خارج نمی‌شود.^(۱)

بنابراین کسی که دارای اخلاق شایسته و صفات رذیله است ولو مقدار کمی حسد یا تکبر یا بخل یا ظلم داشته باشد در بهشت به دیگران آزار می‌رساند و کسی هم نمی‌تواند او را از آنجا اخراج نماید و در نتیجه بهشت هم مانند دنیا محل درگیری و نزاع و دچار فساد خواهد شد و دیگر بهشت به آن نمی‌توان گفت بلکه مانند همین زندگی دنیا محل فساد و خونریزی خواهد گردید.

«پنجاه هزار سال باید صبر کنید»

لذا قبل از ورود به بهشت کسانی که دارای عقاید صحیح (یعنی عقاید مطابق با عقاید خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به عنوان نمایندگان انبیاء و جانشینان آنان) هستند، مانند شیعیان این خاندان، از جهت صفات شایسته یک انسان نیز بایستی صلاحیت لازم را احراز نموده و هیچ صفت رذیله‌ای از صفات هفتاد و پنجگانه‌ای که قبلاً ذکر

۱- (در روایات ما آمده بهشتی که حضرت آدم علیه السلام در آن وارد شده بهشت جاودانه نبود زیرا کسی از بهشت جاودانه اخراج نمی‌شود بلکه آن باغی از باغهای مجهز دنیایی بود که حضرت آدم علیه السلام به راحتی

می‌توانست در آن بسربرد). بحارالانوار ج ۶ ص ۲۸۴ ح ۲ و ج ۱۱ ص ۱۴۳.

عن الامام الباقر عليه السلام :
«واعلموا أن المنتظر لهذا الأمر، له مثل اجر الصائم القائم، و من أدرك قائمنا فخرج معه فقتل عدونا كان له مثل اجر عشرين شهيدا».^{۲۹۲}

شد^(۱) را نداشته باشند و چنانچه دارای این صفات اند باید در عالم قیامت خود را از آن تزکیه و پاک نمایند.

مطابق بعضی از آیات و روایات گاهی این تزکیه و زدودن صفات رذیله برای بعضی از افراد چند هزار سال (تا پنجاه هزار سال) طول می کشد. زیرا امام صادق عليه السلام در روایتی فرمودند :

"بیدار باشید و نفس خود را مورد بررسی قرار دهید و ببینید چه مقدار از صفات و کمالات روحی لازم دارید تا خود را به درجه ای برسانید که هرچه خواستید خدا بشما عنایت فرماید (طبیعی است مهمترین خواسته انسان از خدا این است که او را وارد بهشت نماید) اگر چنین نکنید و دارای موانع ورود به بهشت باشید بدانید که در قیامت پنجاه توقفگاه وجود دارد (که برای برطرف نمودن صفات رذیله باید در آنها درنگ نمود) و توقف در هریک از آنها هزار سال طول می کشد و آنگاه این آیه شریفه را آن حضرت قرائت فرمود که : " فی يوم کان مقداره خمسين الف سنة " ^(۲) یعنی در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است. ^(۳)

۱- (در بحث طبیب بشر این صفات را مشروحاً ذکر کردیم).

۲- سوره معارج آیه ۴

۳- بحار الانوار ج ۱۲۶/۷ وج ۶۴/۷۵ عن ابی عبد الله عليه السلام : اذا اراد احدکم ان لا یسال الله شیئاً الا اعطاه فلیس من الناس کلهم ولا یکون لرجاء الا من عند الله عزوجل فاذا علم الله عزوجل ذلك من قلبه لم یسال الله شیئاً الا اعطاه الا فحاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا فان فی القیامة خمسين موقفاً کل موقف مثل الف سنة مما تعدون ثم تلا هذه الآية " فی يوم کان مقداره خمسين الف سنة " .

امام باقر علیه السلام :
«بدانید، کسیکه انتظار فرج را داشته باشد پاداش او مانند کسی است که دائماً روزه دار
و در حال عبادت باشد و اگر حضرت قائم علیه السلام را درک کرد و در رکابش دشمن ما را
کشت اجر بیست شهید را دارد».

بنابراین کسانی که می خواهند بهشتی باشند، باید در دنیا خود را از صفات رذیله پاک
نمایند و الا در عالم قیامت چه بسا باید چندین هزار سال با شرایط سختی که در آنجا
حکمرماست معطل شوند.

«نشستن در کلاس اول ابتدائی در سن نود سالگی»

با مثال زیر مطلب روشن تر می شود :

دنیا مدرسه ای است که باید درسهای انسان شدن را در آن فراگرفت و بر روح و جان
پیاده نمود، طبیعی است اگر دانش آموزی درس خود را در مدرسه و در سنین طفولیت
فرار نگیرد و سراغ بازی های کودکانه خود برود و بگوید بعداً درس می خوانم و سپس
درس خواندن را فراموش نماید تا به سن نود سالگی برسد و چشم و گوش و بدنش
ضعیف و ناتوان گردد و آنگاه بخواهد درس بخواند، بجای یک سال کلاس اول
ابتدائی که در سن هفت سالگی آنرا با شور و نشاط می گذرانند باید ده سال زحمت
بکشد و رنج فراوانی را تحمل نماید تا شاید سواد کلاس اول ابتدائی را فراگیرد.

و این مثلی است برای انسان در دنیا (که مانند طفل هفت ساله دبستان) به
راحتی می تواند صفات رذیله را از خود دور نماید و انسان واقعی شود و اگر به
سراغ بازیهای دنیا رفته و تزکیه نفس را فراموش نماید و بگوید در سنین
بازنشستگی توبه می کنم و خود را پاک می کنم بدیهی است که به اینکار موفق
نخواهد شد و اگر موفق هم شود مدتهای بسیاری باید بکوشد تا به مقصد برسد
که غالباً اینکار به قیامت موکول شده و در آنجا چند هزار سال طول خواهد کشید زیرا
هر قدر از عمر انسان سپری می شود ریشه صفات رذیله در او محکمتر شده و تبدیل
به درخت تنومندی خواهد شد که کندن آن (مانند ریشه کن نمودن درخت حسد از

عن الامام الصادق عليه السلام :
«من آمن بنا و صدق حديثنا وانتظر (امرنا) كان كمن قتل تحت راته القائم، بل
والله تحت راية رسول الله ﷺ».^{۲۹۳}

قلب) مدتها بطول خواهد انجامید و مانند همان پیرمرد نود ساله، کمتر کسی، حال و حوصله زدودن این صفات رذیله را در سنین آخر عمر خواهد داشت. بهر حال دومین شرط ورود به بهشت عاری بودن انسان از صفات رذیله است.

«و اما شرط سوم»

سومین شرط ورود به بهشت بخشیده شدن گناهان و اعمال ناپسندی است که انسان در زندگی بواسطه صفات رذیله اش انجام داده است.

فرق بین این شرط و شرط دوم آن است که شرط دوم ریشه و درخت این شرط است زیرا صفات رذیله منشاء پیدایش اعمال ناپسند می باشند.

اگر در سرزمین دل، درخت پلید حسد روئیده باشد میوه آن دشمنی و حسادت و اعمال زشت ناشی از حسادت است که گاهی تا قتل و جراحت طرف مقابل پیش می رود.

و گاهی درخت پلید دل، صفت زشت کفر و ناسپاسی است که بواسطه آن میوه هائی چون بی اعتنائی به پروردگار، شکستن قوانین او، قساوت قلب و بی تفاوتی در برابر ظلم به بندگان خدا و ... از انسان سر می زند.

«هم درخت پلید را باید به دور انداخت، هم میوه هایش را»

بهر حال کسیکه می خواهد وارد بهشت شود هم درخت صفات رذیله را باید از سرزمین دل ریشه کن نماید (تزکیه نفس کرده باشد) و هم میوه های گندیده پلید و تلخ آنرا در زباله دانی قیامت بریزد. (گناهانش بخشیده شود).

دور ریختن میوه های پلید این درختهای زشت یعنی بخشیده شدن گناهان و چشم پوشی پروردگار از اعمال ناپسند انسان، برای خداوند کار مشکلی نیست ولی

امام صادق علیه السلام :

«کسیکه به ما ایمان آورده و سخن ما را راست بداند و منتظر فرا رسیدن حکومت ما باشد مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام به شهادت رسد بلکه بخدا قسم مانند به شهادت رسیدن زیر پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله است».

مهم آن است که درخت پلیدی چون حسد، تکبر، ناسپاسی و ... که این میوه‌ها را بوجود می‌آورند ریشه‌کن گردد زیرا با بردن این درخت پلید به بهشت مجدداً میوه‌های اعمال ناپسندی که در دنیا انجام می‌شد از آن می‌روید و بهشت را تبدیل به جایی همانند دنیا یا بدتر از آن خواهد نمود.

طبیعی است ریشه‌کن نمودن این درختها، کار آسانی نیست لذا در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شد، اشاره شده است که زدودن این صفات رذیله تا پنجاه هزار سال ممکن است بطول انجامد.

چنانچه انسان موفق شود این صفات را از خود دور نماید آنگاه بخشیدن اعمال ناپسند و گناهان او کار آسانی است و خداوند چه بسا در یک لحظه تمامی گناهان سنگین را می‌بخشد.

تفاوتی که در اینجا وجود دارد این است که ریشه‌کن کردن درختهای مذکور باید توسط خود انسان و با تلاش او انجام شود ولی دور ریختن میوه‌های آن (بخشش گناهان) را خداوند به سرعت انجام می‌دهد چراکه با از بین رفتن درخت مذکور دیگر عمل ناپسندی از انسان سر نمی‌زند و با درخواست بخشش از خداوند اعمال زشت قبلی مورد عفو الهی قرار می‌گیرد.

«مهر خروجی»

در فرودگاهها و مرزها امروزه مرسوم است که تاگذرنامه شخص مسافر «مهر خروجی» نداشته باشد به او اجازه خروج نمی‌دهند.

در قیامت نیز مطلب همینطور است، اگر گذرنامه انسان ممهور به مهر خروج از قیامت و ورود به بهشت نباشد نمی‌تواند از آن عبور نماید.

عن الامام الصادق عليه السلام :
«من سرّه أن يكون من أصحاب القائم فلينتظرو لي عمل بالورع و محاسن الاخلاق،
و هو منتظر...»^{۲۹۴}

عقاید صحیح و پاک بودن از صفات رذیله و بخشیده شدن گناهان شرایط سه گانه‌ای است که موجب می‌شود ملائکه الهی به گذرنامه انسان مهر خروج از صحرای قیامت و ورود به بهشت را بزنند.

از اینرو در روایات فوق، خاندان رسالت علیهم السلام فرموده‌اند: تنها نام شیعه گذاشتن بر خود کافی نیست بلکه شیعه کسی است که در عمل و رفتار خود پیرو این خاندان باشد و کوچکترین تخلفی از دستورات آنان نداشته باشد زیرا شیعه بودن در حالیکه اعمال و رفتار انسان مطابق با امامان معصوم علیهم السلام نیست تنها تحقق یک شرط از شرایط سه گانه ورود به بهشت است، یعنی شرط اول.

شیعه بودن چنین افرادی یعنی دارا بودن عقاید صحیح بدون آنکه دو شرط دیگر را بدست آورده باشد که بدینهی است باید خود را از صفات رذیله و گناهان و اعمال ناپسند پاک و هر سه شرط را کامل نمایند تا اجازه ورود به بهشت را داشته باشند.

«اگر مطلب به عکس باشد...»

توجه به این نکته هم لازم است که اگر کسی به عکس بود با او چگونه رفتار می‌شود؟ یعنی اگر کسی شرط دوم و سوم را دارا بود (دارای صفات رذیله نبود و اعمالش نیز اعمال صحیحی بود که فرض این مطلب قدری مشکل است) ولی شرط اول را نداشت (عقاید صحیح مطابق با عقاید امامان معصوم که جانشینان دوازده گانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اند را دارا نبود) با او چه می‌کنند؟

پاسخ روشن است چنین فردی هم مجوز ورود به بهشت را دارا نخواهد بود، زیرا عقاید صحیح مهمترین اصل در زندگی بهشتی است.

انسان اگر پیامبران و امامان معصوم را قبول نداشته باشد در حقیقت صاحبان بهشت

امام صادق علیه السلام :

«کسیکه دوست دارد از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشد باید روحیه انتظار را در خود ایجاد و بداشتن چنین روحیه‌ای به تزکیه نفس و کسب کمالات روحی مشغول باشد».

و آن‌انکه خداوند بهشت را بخاطر آنان آفریده قبول ندارد و طبیعی است که راهی به بهشت نداشته باشد ولو اخلاق و اعمالش صحیح باشد.

چنین فردی مانند کسی است که دارای اخلاق و رفتار خوب است ولی وقتی وارد منزل شما می‌شود اصلاً قبول ندارد که این منزل مال شماست و ورود خود به آنرا اتفاق و طبیعی می‌داند و استفاده از آنرا حق خود می‌شمارد.

شما با این فرد محترم چه رفتاری خواهید نمود؟

آیا می‌گوئید چون فرد خوش رفتاری است و فلان خدمت را به مردم انجام داده است (مثل مخترعین و مکتشفینی که دارای عقاید صحیح مطابق با انبیاء علیهم السلام و خاندان عصمت علیهم السلام نیستند) دیگر کاری به کارش نداریم، بگذار بیاید از منزل ما استفاده کند و هرکاری خواست در آن انجام دهد؟

یا آنکه می‌گوئید رفتار انسانی و خدمات بزرگ او بجای خود محفوظ، ولی این دلیل نمی‌شود من منزل خود را در اختیار او بگذارم تا هر طور می‌خواهد در آن عمل نماید. آری مثل کسانی که عقاید صحیح مطابق با عقاید انبیاء و جانشینان معصومان ندارند چنین است.

چنین فردی اگر عقاید خود را مطابق عقاید خاندان عصمت علیهم السلام نکند هرگز به بهشت راه نخواهد یافت مگر آنکه عقاید خود را تصحیح نماید و خداوند متعال و پیامبران الهی خصوصاً پیامبر اسلام و رهبری امامان معصوم که جانشینان حضرت‌اند را بپذیرد.

آری گذرنامه هر فرد در آن روز باید سه مهر تاییدیه داشته باشد، مهر عقاید صحیح، مهر اخلاق صحیح و مهر اعمال صحیح و بخشیده شدن اعمال ناپسند.

القرآن الکریم : «قال لو ان لی بکم قوّة أو آوی الی رکن شدید».^{۲۹۵}
 قال الامام الصادق علیه السلام : «قوة القائم علیه السلام، والرکن الشدید الثلاثه و ثلاثة
 عشر اصحابه».^{۲۹۶}

و اینها معنی آن سخن است که در روایات فوق به آن اشاره شد مثل فرموده حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله : " ای شیعیان، قوانین الهی را رعایت کنید چرا که شما بهشتی هستید، گرچه ممکن است اعمال زشتتان ورود شما به بهشت را به تأخیر اندازد." و یا سخن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که فرمود : " پاک شدن شخص از گناهان ابتدا در دنیا با گرفتاریها و فشارهای آن و سپس (اگر پاک نشده و آلوده بود) در صحرای قیامت با عذابها و سختیهای آن (و اگر آلودگی بیشتر بود) سپس در طبقه بالای جهنّم (نه داخل آن) مجازات می شوند تا پاک گردند و آنگاه ما این افراد را بواسطه آنکه ما را دوست دارند نجات داده به بهشت و پیشگاه خود می بریم." «مقام شفاعت»

و این است مقام شفاعت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که آنان افرادی را که دارای عقاید صحیح می باشند را شفاعت نموده و پس از پاک شدن از صفات رذیله و گناهان (هرچند مدتی در قیامت به طول انجامد) به بهشت می برند. ممکن است کسی بگوید چرا کسانی که دارای اخلاق و اعمال صحیح بوده ولی دارای عقاید صحیح نیستند مورد شفاعت قرار نمی گیرند و یا بخاطر عقاید ناصحیحشان به جهنّم بروند؟

پاسخ می دهیم زیرا عقاید صحیح شرط حیاتی و اصلی ورود به بهشت است. وقتی کسی خدا را قبول نداشته باشد یا اگر قبول دارد برای او شریک قرار می دهد یا اگر چنین نیست نمایندگان خدا یعنی پیامبران الهی و جانشینان آنان خصوصاً جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند معصوم

قرآن کریم : لوط فرمود ای کاش من قدرتی بر شما می یافتم یا به ستون محکمی پناه می بردم.
امام صادق علیه السلام : منظور او از قدرت، قدرت حضرت قائم علیه السلام و ستون محکم، ۳۱۳ نفر اصحاب آن حضرت بود.

آن حضرت را قبول ندارد با اینکه بهشت بخاطر آنها خلق شده، چگونه می تواند وارد بهشت یعنی همان جایی که این بزرگواران در آن سکونت دارند گردد؟
فلذا این خاندان کسانی که دارای عقاید صحیح باشند را شفاعت می فرمایند و کسانی که دارای اخلاق و اعمال خوب باشند در عذابشان تخفیف داده می شود مگر آنکه عقاید خود را تصحیح و مطابق با واقع نمایند.

قسمت بیست و سوم :

عمرت دین یار و زطو

" وقتی که ایشان ظهور کنند... تمام بشر را از انحطاط
بیرون می آورد، تمام کجی ها را راست می کند ... تمام
بشر را ایشان هدایت خواهند کرد."

صحیفه نور ج ۱۲ ص ۲۰۸

عن الصادق عليه السلام :
«إذا قام القائم... ردّ كلّ حقّ إلى أهله... ولا يجد الرجل منكم يومئذ موضعاً لصدقته
ولا لبرء، لشمول الغنى جميع المؤمنين».^{۲۹۸}

حضرت امام خمینی قدس سره توصیفی از زندگی زمان ظهور حضرت
بقیة الله ارواحنا فداء یا عصر تمدن حقیقی زندگی بشر را چنین بیان می فرمایند :

- " آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد
کرد نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در
زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت، انسان اگر هر
انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن
این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان. اگر
اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این
عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی هائی
باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این

حضرت امام صادق علیه السلام :

«حضرت قائم علیه السلام وقتی قیام می‌فرماید همه حقوق را به اهلش برمی‌گرداند... در آن زمان هیچ یک از شما جایی برای صدقه دادن و نیکی کردن نخواهید یافت زیرا همه مؤمنین ثروتمند و بی‌نیاز شده‌اند».

ایجاد عدالت است در عقل انسان^(۱).

- " وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله (خداوند تعجیل کند در ظهور او) تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند (یملا الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً) همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می‌فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست، معنی (یملا الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً) الآن زمین و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود، پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافاتی هست ولو خودش نداند در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقائد انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند (یملا الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً) از این جهت این عید، عید تمام بشر است بعد از اینکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است این عید، عید تمام بشر است، تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد، ان شاء الله و ظلم و جور را از تمام

عن الامام الباقر عليه السلام :

«اذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد، فجمع بهاء قلوبهم وكملت بها أحلامهم»^{۲۹۹}

روی زمین برمی دارند»^(۱)

- " سالروز مبارک ولادت باسعادت و پربرکت حضرت خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء حجت بن الحسن العسکری ارواحنا المقدمه الفداء بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد. و چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که برپاکننده عدالتی است که بعثت انبیاء عليهم السلام برای آن بود و چه مبارک است زادروز ابرمردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغلبازان تطهیر می نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فراگرفته پر از عدل و داد می نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می نماید. و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد. منافقان و حيله گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا عليهم صلوات الله و حامیان اولیاء عليهم السلام بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای ننگین و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتوافکن

حضرت امام باقر علیه السلام :
«وقتی حضرت قائم علیه السلام ظهور فرماید دست محبت خود را بر بندگان خدا قرار خواهد داد (دریچه های علم را به رویشان خواهد گشود) در نتیجه از پراکندگی فکری نجات یافته و دارای رشد فکری کاملی خواهند شد».

گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند و سازمانهای دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده شوند و امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده، را به ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید ^(۱).

- آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخر الزمان ارواحنا فداه حاصل شود و رسیدن انسانها به کمال و سعادت اخروی است که خداوند نصیب همگان فرماید ^(۲).

«عصر تمدن»

تمدن چیست؟ متمدن چه کسی است؟
گرچه در اینجا قصد تفصیل مطلب درباره تمدن و مباحث اجتماعی آن، مطابق با مسائل رایج روز را نداریم، ولی بطور خلاصه باید بگوییم:
«تمدن» از ماده مدن و از باب تفعیل به معنای پذیرش زندگی شهرنشینی و گردن نهادن به قوانین زندگی اجتماعی و رعایت حقوق دیگران است و کسی که به این قوانین گردن می نهد و آداب زندگی فردی و اجتماعی را رعایت می کند را «متمدن» می نامند.

۱- صحیفه نور ج ۱۵ - ص ۲۲ - تاریخ ۶۰/۳/۲۸ ۲- صحیفه نور ج ۱۸ ص ۹۳ - ۹۲ مورخ ۶۲/۶/۱۲

عن الامام المجتبی علیه السلام :

«طوبی لمن ادرك ایامه و سمع کلامه».^{۲۰۰}

خلاصه تحقیقات در این باب آنست که:

«قوانین علمی و صددرصد مطابق با صلاح فرد و اجتماع» را قوانین ترقی و تمدن و افرادی که به آن قوانین عمل می نمایند را متمدن می نامیم، ولی سخن اینجاست که قوانین صددرصد علمی و مطابق با صلاح حال فرد و اجتماع کدام قوانین است؟ ما در مباحث مختلفی که در این کتاب داشتیم این حقیقت را کاملاً بررسی نمودیم که تنها مرجع صلاحیت دار جهت قانون گذاری برای فرد و اجتماع بشر، کسی است که از همه حقایق عالم هستی رموز پیچیده خلقت انسان آگاه و نسبت به آن علم صددرصد داشته باشد و تنها مرجع شایسته برای این کار، خداوند متعال، خالق بشر است که علم بی نهایت است و به خلق خویش بی نهایت مهربان است.

او این قوانین را به وسیله پیامبران خویش در اختیار بشر قرار داده و با آخرین پیامبرش حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آن را کامل و تمام نموده است و لذا پیامبر دیگری تا روز قیامت برای بشر نمی فرستد ولی جانشینان معصومی برای آن حضرت قرار داده تا آنان کلیه قوانین دین حق و تعالیم انبیاء علیهم السلام را بر جهان پیاده نمایند و مردم را به سعادت و رفاه کامل مادی و معنوی برسانند.

اکنون با صراحت باید بگوییم:

قوانین علمی و صددرصد مناسب با صلاح حال فرد و اجتماع بشر، قانونی است که انبیاء علیهم السلام ارائه داده اند و فرد و اجتماعی که این قوانین را بپذیرد و آنرا بر خود اجرا نماید، فرد و اجتماعی مترقی و متمدن است.

بنابراین، زیر سایه تعالیم و قوانین انبیاء علیهم السلام و اجرای آن توسط خود آنان یا در نبود ایشان توسط جانشینان معصوم و دور از خطای آنان و همچنین پذیرش مردم، یک زندگی با تمدن و مترقی و طبق قانون تحقق خواهد یافت.

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام :

«خوشا بحال کسیکه زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را درک کند و سخن او را بشنود».

بنابراین تا روزی که در جامعه بشری قوانین ارائه شده از سوی خداوند مهربان پذیرفته نشده و اختراعات فکری و سلیقه‌های شخصی و خواسته‌های نفسانی افراد بشر اجرا می‌شود، «تمدن حقیقی» تحقق نخواهد یافت مگر آنکه قوانین ساخته و پرداخته افکار ناقص بشری را تمدن نامیده و شعار ترقی و تمدن سر دهیم. آری، روز ظهور منجی آخرالزمان و زندگی با رهبری او که قدرتمندانه تمام قوانین الهی را بر جهان اجرا می‌نماید روز تمدن است زیرا در آن روز است که جامعه قوانین حقیقی زندگی فردی و اجتماعی را پذیرفته و به آن گردن نهاده است. اکنون به توصیف زندگی آن روز که «عصر تمدن زندگی بشر» است می‌پردازیم.

«روز ظهور»

ظهور یعنی آشکار شدن،

روز ظهور چیست؟

در روز ظهور چه اتفاقی می‌افتد؟

چه چیز در آن روز ظاهر می‌شود که قبل از آن پنهان بوده و بدین جهت به آن روز

ظهور می‌گویند؟

از آغاز خلقت بنی آدم تا کنون، انسانها چیزی را گم کرده و به دنبال آن می‌گردند. و آنگاه که آن چیز را یافتند گم شده آنان پیدا می‌شود و آنچه پنهان شده بود آشکار می‌گردد که معنی ظهور همین است یعنی چیزی که پنهان شده بود آشکار گردید.

آن چیز چیست؟

اگر مایلید با هم آنرا از ابعاد مختلف جستجو می‌کنیم.

اول با انسانها مصاحبه‌ای می‌کنیم ببینیم گم‌شده آنان چیست؟

عن رسول الله ﷺ :

«يتنعم امتي في زمن المهدي عليه السلام لم يتنعموا قبلها قط».^(۱)

ده نفر را از میان همه انسانها به نمایندگی از بقیه برمی‌گزینیم تا بما بگویند گمشده آنها چیست؟

از نفر اول می‌پرسیم گمشده انسان چیست؟

می‌گوید: ثروت و بی‌نیازی تمام انسانها.^(۱)

نفر دوم می‌گوید: سیر شدن تمام گرسنه‌ها.^(۲)

نفر سوم می‌گوید: پوشیده شدن همه برهنه‌ها.^(۳)

نفر چهارم می‌گوید: ادا شدن قرضهای تمام قرض داران.^(۴)

نفر پنجم می‌گوید: پایان یافتن همه غمها و ناراحتیها از افراد بشر.^(۵)

نفر ششم می‌گوید: برگشتن همه افراد آواره و غریب به وطن خود.^(۶)

نفر هفتم می‌گوید: همه زندانیان و اسراء بی‌گناه آزاد و رها شوند.^(۷)

۱- میلیاردها انسان از درد جانکاه فقر رنج می‌برند.

۲- روزانه هزاران نفر و سالیانه میلیونها نفر در اثر گرسنگی در جهان می‌میرند.

۳- میلیونها انسان از نداشتن لباس و یا کمبود آن رنج می‌برند.

۴- همیشه و در هر زمان خصوصاً در زمان حاضر مردم جهان بطرز شخصی و اجتماعی و حتی تمام جمعیت و دولت بسیاری از کشورها زیر بار قرضهای سنگین کمر خم کرده و رنج می‌برند و استعمار می‌شوند.

۵- میلیاردها نفر در جهان دچار ناراحتیهای شدید روحی و عصبی و غیره هستند که در اثر مشکلات فراوان بین‌المللی و شخصی بوجود آمده است.

۶- میلیونها انسان امروزه در جهان آواره و از وطن رانده شده هستند مانند مسلمانان بی‌دفاع فلسطین، افغانستان و بسیاری از کشورهای جهان.

۷- میلیونها انسان در زندانهای پر درد و رنج اسیر و زندانی می‌باشند و حتی در آن جان می‌دهند.

رسول خدا ﷺ :

«در زمان حضرت مهدی علیه السلام امت من چنان غرق در نعمت می شوند که هرگز پیش از آن چنین نبوده است».

نفر هشتم می گوید : امور زندگی همه مسلمانان اصلاح شود.^(۱)
نفر نهم می گوید : شفا یافتن همه مریضها خصوصاً مرضهای لاعلاج.^(۲)
و بالاخره نفر دهم می گوید : اخلاق و روحیات افراد بشر از حیوانیت و شیطنیت و فساد و زشتی و تباهی و دغلبازی به اخلاق انسانی تغییر یابد.^(۳)
اینها گم شده های جامعه بشری است
تمام انسانها در طول چند هزار سال گذشته برای دست یابی به صلح و عدالت و سعادت و... کوشیده اند ولی با کمال تأسف موفق نشده و جز فقر و مرض و جنگ و... ندیده اند.
آنها با خود می گویند : آیا می رسد روزی که هیچ نابسامانی در زندگی ما وجود نداشته باشد و به تمدن حقیقی دست یابیم؟
چرا از میان همه موجودات و جانداران و حیوانات گوناگون فقط ما انسانها گرفتار و بیچاره و ناتوان بوده و بر سر یکدیگر می زنیم.

۱- صدها میلیون مسلمان امروزه در جهان تحت فشار ظالمین کمر خم کرده و از هر سو قدرتمندان آنها را تحت فشار شدید و شکنجه و آوارگی قرار داده اند مانند مسلمانان کوزوو، چین، فلسطین، لبنان، افغانستان، ایران در طول دهها سال گذشته و در زمان حاضر با محاصره و تحریم اقتصادی، جنگ و غیره و...

۲- همه ساله میلیونها انسان در اثر لاعلاج بودن مرضهای شدید و نداشتن دارو و به بن بست رسیدن علم پزشکی در بسیاری از امراض تلف می شوند و از حق حیات محروم می گردند.

۳- و بالاخره قریب به اتفاق مردم جهان از بزرگترین درد جامعه بشری و آن فقدان اخلاق انسانی و صفات شایسته یک انسان و دوری از خدا و معنویت و رسیدن به سعادت فردی، رنج می برند و آرزو دارند با ظهور منجی آخرالزمان تمامی انسانها نفس خود را از صفات رذیله حیوانی و شیطانی پاک و همه در صلح و صفا و برادری و پیشرفت بسوی زندگی حقیقی بسر برند.

عن الامام السجّاد عليه السلام :

«اذا قام قائمنا ذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة، وجعل قلوبهم كزبر الحديد».^{۳۰۲}

«یک توافق برای رسیدن به تمدن حقیقی»

همه ناراحتیهای بشر با یک توافق حل و فصل می شود.

ما هم می توانیم مانند سایر موجودات سالم و بی دغدغه خاطر زندگی کنیم. آری، یک توافق کافیت همه چیز خاتمه یابد و خوبی و سعادت جایگزین بدی و شقاوت گردد.

زیرا معنی تمدن چیزی جز پذیرش حقوق دیگران (حقوقی که از سوی خداوند به عنوان خالق بشر تنظیم شده) نمی باشد و هرگاه ما انسانها با خداوند توافق کنیم که قوانین او را محترم بشماریم و نماینده او یعنی منجی آخرالزمان را رهبر حقیقی خود بدانیم، به دروازه تمدن حقیقی رسیده ایم.

اکنون چند هزار سال است خداوند نمایندگان خود را بسوی ما گسیل می دارد و از ما دعوت به صلح و آرامش و گردن نهادن به قوانین عالم خلقت می نماید. ولی ما انسانها نمایندگان او را مسخره کرده و کتک زده و کشته ایم و حتی اکنون نزدیک به دوازده قرن است آخرین نماینده الهی و جانشین انبیاء یعنی منجی آخرالزمان، حضرت مهدی موعود ارواحافداء را مجبور کرده ایم برای آنکه کشته نشود پنهان زیست کند.

بعضی از انسانها همیشه کوشیده اند نظر خود را بر حکم خدا غلبه دهند و بر مردم تحمیل نمایند.

علت چیست؟

علت یک چیز است و آن صفت پلید خودخواهی است که عده ای را وادار به ظلم و ستم می نماید.

امام سجّاد علیه السلام :

«هنگام ظهور قائم ما، خداوند ناراحتی و ناتوانی را از شیعیان ما برداشته و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن می‌نماید».

آنان اگر سخن خدا را که علم مطلق است بپذیرند، اگر سخن نمایندگان او را بپذیرند و مطیع آنان باشند، آن را با خواسته‌های بی حدّ و حصر خود سازگار نمی‌دانند و حتّی شیطان پذیرش سخن انبیاء علیهم السلام را خلاف تمدن و علم برایشان جلوه‌گر ساخته است.

این مرض خطرناک (خودخواهی) در همه انسانها هست مگر آنانکه روح خود را از این پلیدی رهانیده و تزکیه نفس کرده باشند.

این مرض خطرناک تاکنون جنگهای بین‌المللی و صدها میلیون کشته و زخمی و آواره بر جای گذاشته و هزاران نوع مرض و مرگ و میر ناشی از آنرا بر جامعه بشری تحمیل نموده است.

این درد درمان نشده همه را به ناله و فریاد ناشی از درد کشانده که ناله گناه یک شاخه از آن است.

امروز ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اصول حقیقی تمدن در آن بر زمین مانده است یعنی:

- ۱- عقل در آن پایمال گشته و جهل بر آن حاکم شده است.
- ۲- علم و آگاهی از حقایق ملکوتی عالم جای خود را به حدس و گمان و اظهارنظرهای جاهلانه و دور از حقیقت داده که نشانه آن اختلاف دانشمندان در زمینه مسائل روحی و معنوی و سعادت انسانهاست.
- ۳- ظلم جایگزین عدالت گشته و هیچ انسانی نیست که از ظلم بی‌بهره باشد حتی ثروتمندترین و قدرتمندترین افراد بشر که به بقیه ظلم می‌کنند خودشان هم طعمه ظلم خود شده و بسوی جهنم طی طریق می‌کنند.

عن امیر المؤمنین علیه السلام :
 «کافی انظر الى شيعتنا بمسجد الكوفة و قد ضربوا الفساطيط، يعلمون الناس القرآن
 كما انزل» ۳۰۳

۴- پاکی و دوری از خطا جای خود را به اشتباهات فراوان داده و زندگی را فاسد نموده است.

۵- سعادت جای خود را به شقاوت و بدبختی داده،

۶- بی‌مهری جایگزین محبت انسانها به یکدیگر گشته،

۷- فقر جایگزین ثروت در اکثریت جمعیت جهان گشته،

۸- امراض گوناگون جایگزین سلامتی در بسیاری از مردم جهان گشته،

۹- غم و اندوه ناشی از گرفتاریهای مختلف جامعه بشری جایگزین خوشحالی و مسرت گشته و،

۱۰- صفات نیک انسانی و الهی جای خود را به صفات زشت شیطانی و حیوانی داده و انسانهای بسیاری را از مرز انسانیت خارج و تنها شکل جسمی آنان بصورت انسان باقی مانده ولی در پشت این نقاب انسانی، چهره‌های خطرناک و شیطنت‌آمیز و فتنه‌گر و خونریز و خائنانه رخ پنهان نموده‌اند.

من دوست ندارم بیش از این دردهای جامعه بشری را برایتان بازگو کنم.
 همه ما با این دردها آشنا هستیم و از آن زخمها خورده و در آتش بسیاری از آنها می‌سوزیم.

«ولی یک پرسش...»

ولی یک پرسش باقی می‌ماند و آن پرسش اینکه پس کی این دردها خاتمه می‌یابد؟
 با مرگ برای هر شخص، یا با قیامت برای اجتماع بشر؟
 خداوند متعال هزاران سال و لا اقل ۱۴۰۰ سال است که بوسیله آخرین فرستاده خود حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پاسخ این پرسش را به ما داده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«مثل اینست که می بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه ها برپا نموده و به مردم قرآن را همانطور که نازل شده است (طبق تفسیر ما اهل بیت) تعلیم می دهند».

«اصول اولیه و حقیقی تمدن بشر»

روز ظهور روز پایان این ده نوع درد و مرض چند هزار ساله است (که تمامی مشکلات بشر از آنها ناشی می شود).

پس باید بگوئیم :

روز ظهور، گمشده های ده گانه انسانها پیدا می شود،

ده گنج پنهان که اصول اولیه و پایه های تمدن حقیقی بشر است، ظاهر می شود،
و در ده جمله کوتاه و زیبا :

۱- روز ظهور، روز ظهور خوشحالی هاست.

۲- روز ظهور، روز ثروت و بی نیازی است.

۳- روز ظهور، روز ظهور عقل و علم است.

۴- روز ظهور، روز محبتهاست.

۵- روز ظهور، روز عدالت است.

۶- روز ظهور، روز اطاعت و بندگی خداست.

۷- روز ظهور، روز سلامتی و شفای تمام مریضهاست.

۸- روز ظهور، روز خوبی و سعادت است.

۹- روز ظهور، روز ظهور صفات نیک در همه انسانهاست.

۱۰- و روز ظهور، روز ظهور حق و پایان دوره پنهان زیستی منجی عالم بشریت

حضرت مهدی ارواحنا فدا و به تعبیر ادیان مختلف اعم از مسیحی و یهودی و

عن الامام الصادق عليه السلام :

«كأنّ بشيعة عليّ في أيديهم المثاني يعلمون الناس».^{۲۰۴}

زرتشتی و هندو و ... روز ظهور منجی انسانها و روز تمدّن حقیقی بشر است. آری در آنروز خواهیم فهمید (و الآن هم می‌توانیم بفهمیم) که خداوند هرگز نمی‌خواست این دردها در میان انسانها وجود داشته باشد همانطور که یک پدر مهربان و ثروتمند و عاقل و از هر جهت با کمال هیچگاه دوست ندارد فرزندانش فقیر، مریض، ناراحت، بداخلاق، جاهل، ظالم، بدبخت و با یکدیگر درگیر و دچار دعوا و اختلاف باشند.

خداوند آن پدر مهربان را سرپرست ما انسانها قرار داده، پدری که دوست دارد همه ده نوع خوبی و سعادت فوق برایمان فراهم باشد.

«در محضر مقدّس حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه»

شاید به من بگوئید : تو، این ده نوع عنوان را برای روز ظهور یا عصر تمدّن حقیقی بشر، از کجا آوردی؟

پاسخ می‌دهیم :

اینها ضرورت حکم عقل هر انسانی است و اگر کمی فکر کنیم به خوبی آنها درمی‌یابیم.

ولی به شما حق می‌دهم که بگوئید : درست است که اینها حکم عقل است ولی به این شکل و خصوصیت شاید انسان نتواند روز ظهور را توصیف نماید.

من هم با شما موافقم و اعتراف می‌کنم که این مطلب جالب، یکی از مطالب زیبایی است که من با فکر خودم آنها کشف ننموده و هیچگاه دوست ندارم فکر خود را در

امام صادق علیه السلام :

«مثل اینکه می بینم که شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام (در زمان ظهور قائم علیه السلام) قرآن را با تفسیر حقیقی اش به مردم تعلیم می دهند».

معارف و حقایق اظهار نمایم^(۱) بلکه آنرا حضرت بقیة الله ارواحانفاده در یکی از تشرّفات به یک ولیّ خدا فرموده اند که ما آنرا بسط و توضیح دادیم.

می خواهید بدانید آن ولیّ خدا و یاور امام زمان علیه السلام چگونه و کجا به محضر مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است؟

این تشرّف یکی از دهها تشرّفی است که علامه بزرگوار حضرت آیه الله ابطحی مدظله العالی در کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام ^(۲) نقل فرموده اند که با اندکی تصرّف در عبارت و تلخیص آنرا نقل می نمائیم :

ایشان فرمودند : صاحب این قضیه یعنی کسی که به محضر مقدّس امام عصر روحی فداء رسیده از اولیاء خداست و هیچ تردیدی در اینکه این مطلب را امام عصر روحی فداء فرموده اند نیست و قضیه این است که آن ولیّ خدا گفته بود :

در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۱ هجری قمری ^(۳) در سر سفره افطار به محضر مبارک حضرت بقیة الله ارواحانفاده مشرّف شدم. آن حضرت مطالبی به من فرمودند که آنچه مناسب است نقل شود این است که فرمودند :

این دعا را زیاد بخوانید : اللهم ادخل علی اهل القبور السور، اللهم اغن کل فقیر،

۱- چنانکه ابن درس را جناب حسین بن روح نایب خاص حضرت بقیة الله ارواحانفاده در زمان غیبت صغری بما داده و فرمودند : اگر مرا از بلندای آسمان به زیر افکنده و مرغهای هوا مرا بدرند یا باد و طوفان شدید مرا از زمین برگرفته در مکانی دور بیندازد (و کشته شوم) برایم دوست داشتنی تر است از آنکه نظر خود را در معارف دین بیان کنم و یا از پیش خود چیزی بگویم... "کلمة الامام المهدي ص ۵۰۸ به نقل از احتجاج طبرسی.

۲- در چاپ دو جلدی کتاب فوق ابن مطلب نقل شده است.

۳- مطابق با سال ۱۳۵۹ هجری شمسی و ۱۹۸۰ میلادی.

عن رسول الله ﷺ :

«... يظهر الله كنوز الارض و معادنها...»^{۲۰۵}

اللهم اشبع كل جائع، اللهم اكس كل عريان... (که در مفاتیح الجنان اعمال مشترک ماه رمضان نقل شده و بحمد الله در ماه مبارک رمضان در مساجد خوانده می شود).
و فرمودند :

"جدم رسول اکرم ﷺ که فرموده است این دعا را در ماه رمضان بخوانند برای این است که استجابات این دعا صددرصد در زمان ظهور خواهد بود و در حقیقت این دعائی است که برای ظهور و فرج ما خوانده می شود.
زیرا در زمان قبل از ظهور غیرممکن است که بکلی فقر و گرسنگی و کرب و ناراحتی از میان تمامی مردم جهان برداشته شود، هیچ اسیری در عالم نباشد و تمام امور مسلمانان اصلاح شود و بالاخره غیرممکن است که قبل از ظهور حال و روحیات همه مردم به خوبی و صفات الهی تبدیل شود و همه متخلق به اخلاق پروردگار گردند و دیون همه اداء شود و فقر و فاقه در عالم جای خود را به ثروت و مکنّت بدهد."

بنابراین اگر این دعا بخواند مستجاب شود باید قبل از آن ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه واقع شود و لذا آن حضرت فرمودند که : "به شیعیان ما بگویید این دعا را که در حقیقت دعا برای ظهور ما است زیاد بخوانند."

اکنون تذکراتی را لازم می دانم.

اول : مطلب بیان شده در این تشرف بقدری روشن و واضح و عقلی و مطابق آیات و روایات فراوان است که اگر کسی این تشرف را نپذیرفت و آن را انکار کرد، ضرری به

رسول خدا ﷺ :

«خداوند برای حضرت مهدی علیه السلام گنجهای زمین و معادن آنرا آشکار خواهد ساخت».

مطلب نمی‌رساند زیرا روشن است تا زمانی که شخص معصوم از خطا که از سوی خداوند به تمام رموز عالم هستی و سعادت بشر آگاه شده باشد حکومت حق را بر جهان پیاده نکند و تا زمانی که هواهای نفسانی افراد بشر زمام امور آنرا در دست دارد جهان روی سعادت را نخواهد دید و نابسامانیهای مادی و معنوی آنرا از پای در خواهد آورد.

دوم: این دعا را باید مردم در همه اوقات بخوانند و اختصاصی به ماه مبارک رمضان ندارد و شاید علت سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خواندن آن در ماه مبارک رمضان این باشد که در این ماه دعاها زودتر به اجابت می‌رسد و مردم کمتر در معرض وسوسه‌های شیطان قرار دارند و گناهان بسیاری که مانع استجاب دعا است آمرزیده می‌شود. والا خواندن آن در هر زمان و پس از هر نماز واجب در سایر ایام سال مانعی نداشته بلکه لازم و ضروری است.

سوم: ما تشرّفات را معتبر می‌دانیم که با سند محکم برایمان نقل شود و چنین نیست که هر قضیه‌ای که نقل شد فوراً آنرا بپذیریم بلکه مانند سند روایات که از لحاظ علم الرجال مورد دقت و بررسی قرار می‌گیرد، آنرا بررسی می‌نمائیم تا راه بر سوءاستفاده کنندگان بسته شود.

چهارم: شاید خوانندگان محترم از ما توقع داشته باشند داستانهای بیشتری از کسانی که به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه رسیده‌اند را برایشان نقل کنیم، ما هم به آنها حق می‌دهیم و معتقدیم: تشرّفات تنها نقل یک ماجرا و داستان نیست بلکه چهارچوبه‌ای است که بوسیله آن می‌توان بالاترین مسائل علمی و معنوی و روحی و کلید حل مشکلات را از زبان امام زمان علیه السلام که همه علوم در سینه

القرآن الکریم: «والفجر و لیل عشر ... (الفجر/۱)
عن الصادق علیه السلام: «الفجر هو القائم علیه السلام»، «لیال عشر» الائمة علیهم السلام...»
(المحجده / ۲۵۰)

مبارک اوست بدست آورد. لذا کسانی که خیال می کنند نقل تشرفات چندان مهم و علمی نیست، سخت در اشتباهند چرا که اگر علمی وجود داشته باشد در سینه مبارک حجت خدا نهفته است و ضمن نقل تشرفات انسان می تواند علم را بدست آورد.

مگر صدوده جلد بحارالانوار علامه مجلسی رحمه الله تماماً نقل تشرفات به محضر مقدس چهارده معصوم علیه السلام نیست؟

تمامی روایاتی که از خاندان عصمت علیه السلام بدست ما رسیده، هر یک نقل تشرافی است که راوی سخن به محضر امام علیه السلام مشرف شده و از امام علیه السلام مطلبی را در احکام یا اعتقادات یا تاریخ و غیره نقل می نماید.

پس در حقیقت منبع علم ما همین تشرفات است که به محضر مبارک خاندان عصمت و طهارت علیه السلام صورت گرفته و تشرفات معتبر به محضر مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فدای یکی از آنها است.

«تمدن حقیقی بشر»

در یکی از سخنان ارزشمند امام راحل رحمه الله که در آغاز این بحث نقل شد آن بزرگوار فرمودند:

«آنچه غایت تعلیمات اسلامی است، همزیستی مسالمت آمیز در سطح جهان

قرآن کریم: «قسم به فجر (سپیده صبح) و قسم به ده شب...»
امام صادق علیه السلام: «سپیده صبح حضرت قائم علیه السلام است و ده شب مقدس، امامان
معصوم علیهم السلام اند...»

است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخر الزمان برسد، حاصل شود...»^(۱)
باید بگوئیم "همزیستی مسالمت آمیز" چیزی جز تحقق همان شرایط ده گانه‌ای که
در این تشرّف و این دعای معتبر ماه مبارک رمضان مطرح شد و اصول اولیه تمدن
حقیقی بر اساس آنها قرار داده شده، نمی باشد زیرا وقتی که همه مردم جهان از
نابسامانیهای مادی و معنوی رهائی یابند و خداوند از آنها راضی و خشنود گردد،
نعمتهای بیکران خویش را بر آنان فرو ریخته و همزیستی مسالمت آمیز به معنی کامل
و حقیقی اش تحقق خواهد یافت.

«اصلاح روحيات مردم شرط دستیابی به تمدن»

دهمین شرط از شرایط ده گانه فوق یعنی اصلاح روحيات مردم به قدری مهم است
که حتی اگر نه شرط قبل از آن بدون هیچ اشکالی محقق باشد یعنی هیچ کس فقیر
نباشد، هیچ کس گرسنه، بی پوشاک، مریض، قرض دار و... نباشد (و خلاصه آنکه رفاه
مادی بشر کامل باشد) ولی بدون شرط دهم (یعنی اصلاح روحيات و اخلاق
الهی) تمدن حقیقی تحقق نخواهد یافت.

زیرا:

وقتی روحيات و صفات مردم (که شرط دهم است) روحيات انسانی و متصف به
صفات سفارش شده از سوی پیامبران نباشد تمامی شرایط ده گانه را بهم خواهد زد
چرا که کافی است یک رئیس جمهور دارای روحیه تکبر یا حسادت یا کینه باشد و
کشور خود یا منطقه و حتی دنیا را به ویرانی و فقر و گرسنگی و غیره بکشانند چنانکه

عن الامام الباقر عليه السلام :

«... فلا يبقى في الارض خراب الا عُمر...»^{۳۰۶}

امروزه شاهد این حقیقت هستیم و با بهم خوردن شرائط ده گانه فوق چگونه می توان جامعه بشری را متمدن دانست؟

آری، اعمال انسان از روحيات او نشأت می گیرد و به قول معروف " از کوزه برون تراود آنچه در اوست ".

و خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید : **قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ** یعنی : به مردم بگو تا این حقیقت را بدانند هر انسانی اعمالش براساس صفات روحی اوست.^(۱) کسی که حسود است یا مختصری از این مرض در دل اوست ممکن است اعمال بسیاری برای پاسخ به دل مریض خود انجام داده و حسادت خود را بر دیگران اعمال نموده و فساد و حتی خونریزی ایجاد نماید.

کسیکه متکبر و زورگو است اگر قدرت یابد ممکن است حاضر شود میلیونها نفر کشته شوند تا غرور او لکه دار نشود و همینطور سایر هفتاد و پنج صفت رذیله هریک قادرند انسانی را فاسد و سپس بوسیله آن انسان فاسد جامعه ای را فاسد نمایند.

«یازده قرن تأخیر در دستیابی بشر به تمدن حقیقی»

در بخشهای قبلی بطور مشروح در باره شرایط دستیابی به تمدن حقیقی و همزیستی مسالمت آمیز سخن گفتیم و تحقق آن را به سه شرط :

- ۱- قانون کامل از جانب خداوند.
- ۲- مجری معصوم از خطا،
- ۳- پذیرش قانون الهی و مجری معصوم توسط مردم.

۱- سوره اسراء آیه ۸۴

امام باقر علیه السلام :

«با ظهور حضرت مهدی علیه السلام هیچ نقطه‌ای از زمین نیست مگر آنکه آباد می‌شود».

منوط دانستیم و خاطرنشان ساختیم که خداوند متعال آنچه را مربوط به دستگاه الهی بود یعنی شرط اول و دوم را به بشر مرحمت فرمود یعنی قانون کامل اسلام که حاوی تمام حقایق اظهار شده از سوی پیامبران گذشته و آنچه بشر به آن تا روز قیامت نیازمند است، بود و همچنین دوازده مجری معصوم از خطا که امامان معصوم پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند را به بشر عنایت فرمود ولی مردم در آنچه برعهده داشتند یعنی پذیرش این موهبت الهی سستی نموده و راه را برای تجاوز ظالمین باز گذاشته و در برابر آن سکوت نمودند و در نتیجه برنامه «همزیستی مسالمت‌آمیز یا تمدن حقیقی» از آن زمان به بعد (یعنی حداقل از تولد منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحفداء) هر روز به تأخیر افتاده است.

این تأخیر بسیار سنگین بوده است.

تأخیری بیش از یازده قرن (۱۱۶۰ سال) و تاکنون نزدیک به ۴۱۰،۰۰۰ روز (براساس ۱۱۶۰ سال قمری که پس از چاپ این کتاب هر قدر بگذرد این عدد بالاتر می‌رود).

آری ما انسانها تا این زمان حدود چهارصد و ده هزار روز با سستی خود برنامه همزیستی مسالمت‌آمیز و دستیابی به تمدن حقیقی را که از سوی خداوند به ما ارزانی شده، به تأخیر انداخته‌ایم.

آیا می‌دانید در هریک از این چهارصد و ده هزار روز چه مقدار از انسانها در اثر فقر و گرسنگی تلف شده‌اند؟

چه تعداد از آنان در اثر مرض‌های جسمی از بین رفتند که اگر حکومت عدل پروردگار اجرا می‌شد آنان از دنیا نمی‌رفته و تا پایان مدت طبیعی عمرشان به درازا

عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) :

«... و لا غارماً الاّ قضي دينه ...» ۲۰۷

می کشید و می توانستند از سعادت مادی و معنوی برخوردار شوند؟
آیا می دانید در این چهارصد و ده هزار روز چه مقدار قرض های سنگین و خردکننده بر انسانها تحمیل شده که اگر حکومت عدل الهی می بود هیچیک از آنها مقروض و گرفتار آثار سوء و مفسد ناشی از قرضهای سنگین نمی شدند؟
آیا ارقام این قرضها برای ما قابل محاسبه است؟
آیا می توان محاسبه کرد در این مدت چه تعداد انسانها بخاطر مفسد اجتماعی جامعه بشری گرفتار جنگ های کوچک و بزرگ و اخیراً دو جنگ بین المللی شده و صدها میلیون انسان کشته و زخمی و مجروح و معلول و آواره شدند؟

«مهمترین فاجعه»

آیا می توان عمق "مهمترین فاجعه" در این چهارصد و ده هزار روز را درک کرد؟
فاجعه ای که اگر تمام کره زمین در اثر برخورد با خورشید تبدیل به مواد مذاب گردد در برابر آن ناچیز است و آن، فاجعه جهنمی شدن انسانهاست.
آیا می توانیم این فاجعه را درک کنیم که یک انسان جهنمی شده است یعنی چه؟
کافیست برای درک این فاجعه، تصور کنیم خود جهنمی شده ایم و میلیاردها سال باید در آتش سوزان غیرقابل تحمل جهنم بسوزیم.
در این چهارصد و ده هزار روز چند نفر در اثر حکومت شیطان و هواهای نفسانی جهنمی شده اند؟

آری باید نشست و خون گریست که چه بر سر بشر آمده است در حالیکه اگر شما جلوی تلویزیون بنشینید و صحنه آوارگی و مرگ چند انسان مظلوم که مورد تجاوز قرار گرفته اند را ببینید اشکتان جاری می شود و بر ظالمین لعنت می فرستید آیا به

امیرالمؤمنین (علیه السلام):

«امام زمان (علیه السلام) بدهی تمام بدهکاران در کره زمین را ادا خواهد فرمود».

عمق این فجایع بزرگ ده گانه در طول چهارصد و ده هزار روز می توانید پی ببرید یا از غصه قالب تهی خواهید کرد؟ که دیدن یک صحنه جانخراش از جنایتهای انجام شده در طول این یازده قرن چون قطره‌ای در برابر دریاست. و امروز، هر روز که بر تعداد این چهارصد و ده هزار روز اضافه می شود دهها هزار فاجعه جدید در روی کره زمین رخ می دهد. هر روز هزاران گرسنه و فقیر و مریض می میرند. صدها هزار نفر دچار فحشاء و اعتیاد و دزدی و قتل و... می شوند. هزاران نفر خود را راهی جهنم می نمایند و با خداوند مهربان که آنها را آفریده، قطع ارتباط می نمایند.

«چه کسی اشک می ریزد»

چه کسی از دانشمندان جهان، متفکرین، دانشجویان، سیاستمداران و توده‌های مستضعف به ما می پیوندد و برای این فاجعه غیرقابل توصیف اشک می ریزد؟ ما شیعیان دعاءندهای داریم که برای همین جهت برنامه‌ریزی شده و از طرف خاندان عصمت علیهم السلام دستور داده‌اند در این مصیبت خونبار هر روز جمعه بنشینید و اشک بریزید.

این دعاء به ما شیعیان اختصاص ندارد، مربوط به همه غمدیدگان و مصیبت‌زدگان دنیاست.

این دعا از همه آنها که بخاطر مصیبت و فاجعه و ظلمی می‌گیرند دعوت می‌کند بیایند و بر ریشه تمامی این مصائب گریه کنند.

اگر زندگی انسانی را به درختی تشبیه کنیم هر جامعه‌ای که مصیبتی می‌بیند مانند

عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) :

«.. لينزعن عنكم قضاة السوء...»^{۳۰۸}

برگی است که خزان می شود و مردم آن جامعه برای خزان شدن آن برگ گریه می کنند. یکی برای افتادن به دامن شیطان می گرید. دیگری برای نرسیدن به مقام انسانیت و غوطه خوردن در زندگی حیوانی می نالد، سوّمی برای فشارها و سختی روزگار و ظلمی که به او و دیگران شده اشک می ریزد. شاید آنها ندانند که چرا این برگها خزان می شود و فقط برای خزان شدن همان برگ گریه کنند ولی دعاء ندبه ما می گوید بیائید برای اصل مصیبت گریه کنید. بیائید برای خشک شدن ریشه های درخت انسانیت که نزدیک است بکلی به چوب خشکی مبدل شود اشک بریزید زیرا این ریشه هاست که بی آب مانده و باعث خزان شدن برگها می گردد.

«بیائید بر فقدان تمدن گریه کنیم»

آری، بیائید بر فقدان تمدن حقیقی گریه کنیم آیا در دانشگاهی که دانشجویان آن استاد دانشمند خود را مورد بی توجهی قرار داده و به سخنانش گوش نمی دهند و برای سرگرمی و بازی، کلاس خود را ترک کرده و سپس شعار می دهند ما متمدن و متمدن هستیم، آیا می توان این سخن را از آنها پذیرفت؟

آیا آنان نباید به حال خود گریه کنند و بر این مصیبت اشک بریزند؟ جهان کنونی ما چنین مثلی دارد، زیرا ما افراد بشر صدها سال است نماینده پروردگار که استاد این دانشگاه یعنی دانشگاه خلقت و زندگی است و خداوند سینه او را معدن علوم خود قرار داده، به چنین انسان کاملی بی توجهی می کنیم. او را نمی شناسیم.

ضرورت وجود او در میان بشر را لمس نمی کنیم در حالی که حضور او در میان انسانها از هوائی که تنفس می کنیم ضروری تر است زیرا اگر هوائی برای تنفس نداشته

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«حضرت ولی عصر علیه السلام تمامی قضاات بد را کنار می زند».

باشیم، نهایت آن است که جسم خود را از دست می دهیم و روحمان می تواند سالم باشد، ولی آنگاه که امام و حجّت خدا که پروردگار مهربان او را برای هدایت بشر و رفع ظلم و ستم و سعادت مند شدن انسانها در میان آنان قرار داده را نشناسیم و او را از میان خود خارج بدانیم، روحمان سلامتی خود را از دست داده و به تعبیر رسول مکرم اسلام که طبیب واقعی بشر است دچار مرگ روحی می شود (حدیث معروف «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» که به طور مکرر به آن اشاره شد). آیا این تمدن است که به آن انسان کامل، به آن معدن علم، به آن رهبر حقیقی و دور از خطا، و به آن طبیب حقیقی چنان بی اعتنا باشیم که بسیاری از مردم جهان حتی ندانند او هست یا نیست و عده ای که بسیارند بگویند بعدها می آید و عده ای که به او معتقدند و حضور او را در میان خود قبول دارند، چنان فراموشش نمایند که گویا او حضور ندارد و بعدها خواهد آمد.

آیا این تمدن است که مهمترین قانون عالم خلقت یعنی پذیرش رهبری امام معصوم را کنار گذاشته و رهبری خواسته های دل خود و دیگران یا شیطان را پذیرا شویم؟ یا چنین کاری ضدّ تمدن است، زیرا حقیقت معنای تمدن پذیرش قانون زندگی اجتماعی و گردن نهادن به آن می باشد و خداوند متعال برای رسیدن جامعه بشری به یک زندگی مرفّه و سعادت مند، محور اصلی تمدن را پذیرش رهبری و هدایت های انسان کاملی قرار داده است که نماینده و حجّت اوست.

«یک تذکر»

تذکر این نکته را هم لازم می دانیم که قبل از تولّد حضرت مهدی ارواحنا فداء نیز خداوند مأمورین نجات جامعه بشری را پدران آن حضرت که جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند

عن الامام الباقر عليه السلام :
«وَتُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ، حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْأَةَ لِتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ.. عليه السلام» ۳۰۹

قرار داده بود و قبل از آن پیامبران عظیم الشان و جانشینان آنان عليهم السلام که پیوسته از زمان حضرت آدم تا امروز در کره زمین نماینده خدا بر خلق بوده‌اند مأمور نجات مردم بوده‌اند ولی استقبالی از آنان بعمل نیامد و کشته یا مسموم یا مطرود واقع شدند.

«تداوم همزیستی مسالمت آمیز تا روز قیامت»

ممکن است پرسید پس از حضرت مهدی عليه السلام که آخرین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله است آیا دنیا پایان خواهد یافت یا مردم دنیا پس از آن حضرت بی رهبر و راهنما شده و همزیستی مسالمت آمیز و حکومت عدل الهی پایان خواهد یافت؟ پاسخ این سؤال نیز طبق علوم و معارف اهل بیت رسالت علیهم الصلوة والسلام روشن است.

آنان به ما از رجعت ائمه عليهم السلام خبر داده‌اند. رجعت یعنی بازگشت ائمه عليهم السلام به دنیا، پس از استقرار حکومت عدل جهانی به رهبری حضرت بقیة الله ارواحافدا. زیرا جانشینان مظلوم رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی حضرت علی بن ابیطالب و یازده فرزند معصومش نتوانستند کار خود را که ساختن انسانهای کامل است انجام دهند. آنان مانند معلمینی بودند که هنوز وارد کلاس نشده از آن اخراج شدند و درسهای خود را به دانش آموزان منتقل ننمودند و فارغ التحصیل و تربیت شده‌ای (مگر چند نفر در هر زمان) نداشتند در حالیکه خداوند این مدرسه یعنی کره زمین را بیخاطر آنان و درسهایشان و تربیت انسانها و شایسته بهشت نمودن آنان، آفرید پس باید پس از رفع موانع و بازگشائی مدرسه توسط منجی آخر الزمان این معلمین عزیز سرکلاس حاضر شوند و تا روز قیامت که شاید میلیونها سال پس از ظهور منجی آخر الزمان باشد میلیاردها انسان را تربیت و لایق بهشت نمایند.

امام باقر علیه السلام :
«در زمان حضرت مهدی علیه السلام فهم حقایق قرآن و سنت یعنی حکمت به شما عنایت خواهد شد تا جائیکه یک زن می تواند در خانه خویش حکم الهی را از کتاب و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله دریابد».

لذا یکی از اصول مسلم عقاید ما شیعیان که پیروان خاندان عصمت و طهارت هستیم آن است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و استقرار حکومت جهانی آن حضرت، حضرت حسین بن علی علیه السلام که در کربلا مظلومانه به شهادت رسید به دنیا بازگشته و مدت بسیار طولانی عمر خواهد نمود و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام با عمرهای طولانی چهل و پنجاه هزار ساله کره زمین را تبدیل به بهشتی کوچک و موقت و در حقیقت پلی برای رسیدن به بهشت جاویدان خواهند نمود. (در حالیکه هم اکنون زندگی دنیا بخاطر فقدان منجی آخر الزمان پلی برای رسیدن به جهنم گشته و اکثریت انسانها در دام شیطان گرفتار می شوند).

«ما هم می توانیم مردم عصر ظهور باشیم»

شاید یک سؤال دیگر برای شما مطرح باشد که اگر چنین است پس ما مردم عصر غیبت امام زمان علیه السلام چه کنیم، ما چگونه بهشتی شویم، ما چرا از امتیازات زندگی در زمان حکومت امامان معصوم محروم شده ایم، آیا ما نمی توانیم مانند مردم زمان ظهور امام زمان علیه السلام شویم؟

پاسخ ما آن است که چرا ما هم می توانیم و از دو راه به این هدف خواهیم رسید.
راه اول: آنکه یکپارچه شده از جان و دل خواستار ظهور امام زمان علیه السلام شویم و آن حضرت ظهور نماید و همه مردم دنیا به امتیازات زمان ظهور دست یابند.
راه دوم: آنکه اگر مردم غافل بوده و خواستار ظهور آن حضرت نبودند هر شخصی بطور خصوصی در راه رسیدن به کمالات روحی حرکت کند و سیرالی الله نماید.

«چگونه و از چه راهی؟»

شاید بگوئید: چگونه و از چه راهی می توان به این مقصد رسید و

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام عن أبيه صلوات الله عليه انه قال :
«فعندها يتلألا صبح الحق... يود الطفل في المهد لو استطاع اليك نهوضاً»^{۳۱۰}

در همین عصر محرومیت از زندگی حقیقی و رهبری انسان کامل
بطور خصوصی و فردی به امتیازات دهگانه زندگی در زمان ظهور
دست یافت؟

پاسخ می دهیم : بوسیله علمائی که تربیت شده امام زمان عليه السلام اند، علمائی که آن
حضرت را به معرفت حقیقی می شناسند، دین شناس اند، هیچ چیز آنانرا از هدفشان
سست نمی کند، هیچگاه از راه اهل بیت عصمت و طهارت که دین حقیقی است جدا
نمی شوند و افکار و عقاید خود را تنها از خاندان عصمت و طهارت که منبع علم و
پاکی هستند فرا می گیرند، محبتشان را به اهل بیت عصمت و طهارت خالص
نموده اند، با هوای نفس خود سالهای درازی است که جنگیده و او را مغلوب نموده و
به خاک افکنده اند و بالاخره بندگانی خالص برای پروردگارند که جز به دستور او کاری
انجام نمی دهند که همه اینها در روایت معروف و شریف... " فامّا من کان من الفقهاء
صائناً لنفسه حافظاً لدینه مخالفاً هواه مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه... " گنجانده شده
است.

چنین علمائی که با توجه به این صفات روحی باید شناخته شوند نه به اسم و رسم
و خصوصیات ظاهری و سطحی، جانشینان و نمایندگان امام عصر ارواحنا فداه هستند و
تربیتهای الهی را بر مشتاقان پیاده می نمایند.

انسان باید آنانرا بشناسد و با آنان عهد ببندد و خود را مقید کند که از دستوراتشان
اطاعت نماید مانند مریضی که ابتداء طبیب را می شناسد و از تخصص و درستی و
پاکی او اطمینان حاصل می کند و سپس خود را متعهد و مقید به اطاعت بی چون و
چرا از دستورات و نسخه آن طبیب می نماید.

چنین علماء و ارسته ای در هر زمانی چه در عصر غیبت و چه عصر ظهور امام

امام عصر علیه السلام : پدرم فرمود :
«هنگام ظهورت صبحگاه حقیقت می درخشد و جهان سرشار از خوبی و صفا می گردد
حتی طفل در گهواره نیز دوست دارد اگر بتواند تو را یاری کند».

زمان علیه السلام خدمتگزار خاندان عصمت و طهارتند و تربیتهای آنانرا بر مردم پیاده می نمایند و هیچگاه انسان نمی تواند بگوید خدایا چون من به امام زمان علیه السلام به دلیل آنکه غائب بود دسترسی نداشتم پس در اینکه خود را به مقام انسانیت نرساندم معذورم زیرا به او گفته می شود اگر امام زمان علیه السلام بطور مخفی و ناشناس (غائب) زندگی می کرد ولی تربیت شدگانی (همان علماء مذکور) داشت که به تربیت روحی مردم بپردازند چرا آنانرا نشناختی و به ایشان مراجعه ننمودی؟ و چنانکه اشاره شد این تربیت شدگان و مربیان اخلاق و صفات انسانی در عصر ظهور امام زمان ارواحفداه نیز همین وظیفه را بر دوش دارند و به تربیت مردم همت می گمارند و در همان زمان هم نمایندگان امام علیه السلام در میان بشرند.

بنابراین راه رسیدن به کمالات روحی و مقام بندگی که انسان برای آن خلق شده باز است و زمان غیبت منجی آخرالزمان و ظهور آن حضرت در این جهت یکسان است زیرا در زمان غیبت اگر مردم بطور مستقیم به امام علیه السلام دسترسی ندارند به نمایندگان آن حضرت می توانند مراجعه نمایند تا همان تربیتهائی که می بایست در زمان ظهور امام علیه السلام بر خود پیاده نمایند قبل از آن مؤفق به اجرای آن شده و نفس خود را از صفات رذیله نجات دهند و مدال معرفت امام زمان علیه السلام را برگردن بیاویزند که چنین افرادی زمان ظهور و غیبت امام زمان علیه السلام برایشان یکسان خواهد شد.

چنانکه امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود : "بکوش امام زمانت را بشناسی که اگر به این هدف (یعنی معرفت آن حضرت به نورانیت و با برطرف شدن صفات رذیله از روح) رسیدی چه ظهور آن حضرت جلو بیفتد یا تأخیر داشته باشد ضرری به حال

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام عن ابيه صلوات الله عليه انه قال :
«تهتز بك اطراف الدنيا بهجة...»^{۱۱}

تو نخواهد داشت.^(۱)

«دامهای شیطان»

باید به کسانی که با شوق و اشتیاق خاصی وارد اینراه می شوند متذکر شویم که صدها و هزاران شیطان جنّی و انسی دامهای خود را برای شکار انسانهای حقیقت جو پهن نموده و هزاران نفر را نیز شکار خود نموده اند.

آنان باید توجه داشته باشند که فریب هر سخن و هر شخصی را نخورند و تنها به صفاتی که فوقاً به آن اشاره شد که در روایت معروف از امام حسن عسکری علیه السلام آمده توجه داشته باشند یعنی کسی را استاد سیر و سلوک خود قرار دهند که دارای صفات: فقاہت در دین، صیانت نفس و استقامت در برابر همه فشارها و فریبها و خستگی ناپذیری در راه خدا دین نگه دار (صد درصد در چهارچوبه شرع مقدّس حرکت کردن و اختراعات فکری این و آن را ملاک قرار ندادن) مخالف هوای نفس و بنده کامل خدا، باشد.

تنها چنین کسی می تواند انسانرا در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سوی آن حضرت راهنمایی کند.

بنابراین باید از صدها دام فریبنده که در پشت سخنان و چهره های به ظاهر زیبا پنهان شده و انسان را بسوی غیر امام زمان علیه السلام می کشانند بر حذر بوده و دست توسل و استمداد بسوی ذوات مقدّسه و ارواح مطهره ائمه اطهار علیهم السلام دراز کرد و از آنان برای رسیدن به این مقصود کمک خواست زیرا این ارواح مطهره بسیار با عظمت و بینا

۱- عن زراره قال : قال ابو عبد الله علیه السلام : اعرف امامک فانک اذا عرفته لم یضربک تقدّم هذا الامر او تأخّر.

بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۴۱.

امام عصر علیه السلام : پدرم فرمود :

«با ظهور و قیام تو تمامی دنیا پر از طراوت و شادکامی می‌گردد».

و شنوا برای شنیدن صدای هر انسانی می‌باشند و با آبرویی که نزد پروردگار خویش دارند به سرعت انسان را به هدف می‌رسانند.

ارواح مطهری که پیامبران عظیم‌الشانی چون حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیه السلام به آنان در مشکلات توسل جسته و حاجت گرفته‌اند.^(۱)

آنان به انسانهایی که طالب رسیدن به کمالات روحی هستند و هدفی جز رسیدن به امام زمان علیه السلام (که در حقیقت رسیدن به خداست) ندارند کمکها و عنایتهای مخفی و آشکار خود را خواهند نمود و آنانرا از صید شدن در دام صیادان چیره دستی که حتی ممکن است از نام دین برای رسیدن به شهوات نفسانی و شیطانی بهره گیرند، حفظ خواهند کرد.

بهر حال صفات و خصوصیات استاد سیروسلوک (یا مرجع تقلید در مسائل روحی) همان شرایط مرجع تقلید در احکام دین است که باید در نوشتاری دیگر مورد بررسی قرار گیرد انشاءالله.

۱- الواحی که از بقایای کشتی حضرت نوح علیه السلام بجای مانده این مهم را به اثبات رسانده است و در سوره‌های جهانی موجود است.

قسمت بیست و چهارم :

مقام ولایت

همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی علیه السلام همان طور حاکم بر جمیع موجودات است...
جمیع ذرات در برابر ولی امر خاضعند.

صحیفه نوری ۲۰ ص ۸۳ / ولایت فقیه ص ۴۲

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :
«وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ عليهم السلام فَانَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَيَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ إِيَّابَا لِمَسْأَلَتِهِمْ
وَاعْظَاماً لِحَقِّهِمْ».^{۳۱۲}

امام خمینی قدس سره پیرامون مقام امام زمان علیه السلام می فرمایند :

- "همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است حضرت مهدی همان طور حاکم بر جمیع موجودات است. آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت، آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است".^(۱)

- "برای امام مقامات معنوی هم هست که جدا از وظیفه حکومت است و آن، مقام خلافت کلی الهی است که گاهی در لسان ائمه علیهم السلام از آن یاد شده است، خلافتی است تکوینی که بموجب آن جمیع ذرات در برابر ولی امر خاضعند".^(۲)

۲- ولایت فقیه - ص ۴۲.

۱- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۸۳

امام عصر علیه السلام :
«جایگاه ائمه علیهم السلام آن است که از خدا می خواهند پس خداوند می آفریند و از خداوند می خواهند و او بخاطر بزرگداشت حق آنان و برای پاسخ به درخواستشان به خلق روزی می دهد.»

«بازگشت روح به پیکر بی جان»

از آن رو که طبیب حقیقی بشر یعنی انبیاء عظام علیهم السلام و در رأس آنان خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله معرفت به امام زمان علیه السلام (و در زمانهای قبل از آن حضرت معرفت به حجت خدا در هر زمانی تا حضرت آدم علیه السلام) را علامت حیات روح انسان دانسته اند، لذا این بخش از کتاب یک بخش حیاتی و ریشه ای می باشد و مطالب آن که خلاصه معارف خاندان عدالت و طهارت علیهم السلام است برای هر انسانی ضروری و حیاتی می باشد.

«قدرت پروردگار»

خداوند متعال می تواند شخصی را چنان قدرت دهد که با اراده و تحت فرمان پروردگار هر کاری را انجام دهد مثل آنکه به ملائکه قدرت داده کیهانها و کرات مختلف را به چرخش در آورند، باران را تنظیم نمایند، ابرها را به حرکت آورند و ... اکنون چگونه می توان معتقد شد که پیامبران عظیم الشانی چون حضرت موسی و عیسی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان معصوم آنان چنین قدرتهائی دارند. دوراه برای این کار وجود دارد :

اول آنکه انسان قدرت و معجزه آنها را مشاهده نماید و یا برای او بصورت اطمینان بخش آنقدر نقل نمایند تا یقین کند این معجزات انجام شده است مثل معجزات حضرت موسی علیه السلام در شکافتن دریا و یا تبدیل عصا به اژدها و معجزه حضرت عیسی علیه السلام در زنده نمودن مردگان و شفا دادن به مریضهای لاعلاج و یا معجزات پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در شکافتن ماه و دو نیم کردن آن و دهها معجزات آن حضرت و نیز معجزات فراوان بی شمار دوازده امام معصوم و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام في دعاء التوحيد :

«فبهم ملات سائك و ارضك حتى ظهران لا اله الا انت».^{۲۳}

که در چندین کتاب قطور مانند اثبات الهداة مرحوم شیخ حرعاملی و سایر کتب معتبره ثبت شده است.

«معجزه‌ای که هم‌اکنون قابل رؤیت است»

از معجزات زنده و آشکاری که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مربوط و بزرگترین معجزه آن حضرت محسوب می‌شود معجزه عظیم همه زمانها و قرن‌ها تا روز قیامت یعنی «قرآن کریم» است.

قرآن کتابی است آسمانی

اعجاز قرآن با آن همراه است.

اعجاز قرآن بقدری روشن و آشکار است که اگر تمامی دانشمندان امروز دنیا جمع شوند قادر به آوردن یک سوره مثل آن نیستند (به شرط آنکه از کلمات قرآن استفاده نکنند و تقلید آنرا ننمایند که این خود قرآن است).

آری قرآن معجزه روز و زنده و حاضر در میان بشر است تا روز قیامت ادعایی نداشته باشد خدایا من در اعتقاد پیدا کردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلیلی و معجزه‌ای در دست نداشتم والا ایمان می‌آوردم.

البته معجزاتی که از چهارده معصوم (یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام و یازده فرزند معصوم علیهم السلام) نقل شده به قدری زیاد و فراوان است که کتابهای تاریخی ما مملو از آنهاست با آنکه دشمنان این خاندان همیشه بر جامعه اسلامی حاکم بوده و آثار و معجزات آنرا محو می‌نمودند.

از معجزات زنده و آشکار آنان باقی ماندن و زنده بودن آثارشان پس از چهارده قرن است با آنکه دشمنان همیشه در صدد نابودی آنان برآمده‌اند این قبر

امام عصر علیه السلام در دعای توحید :
«خدا یا تو بواسطه ارواح با عظمت چهارده معصوم علیهم السلام آسمان و زمین خود را پر از
نشانه های توحید نمودی.»

معاویه بن ابی سفیان در شام است که همگان مشاهده می کنند بصورت مخروبه ای در آمده در حالیکه در کمال قدرت و ثروت ظاهری بود و آن قبر حضرت رقیه دخت سه ساله سیدالشهداء علیه السلام است که یزید بن معاویه او را مظلومانه به شهادت رساند و اکنون در کمال عزت و ثروت و محبت قلبی مردم قرار دارد و از آن معجزات و کرامات فراوان مشاهده شده و می شود.

این قبر مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که هزاران معجزه روشن و قطعی از آن مشاهده شده و در بین تمامی مردم جهان (آنانکه آشنا هستند) خصوصاً در بین شیعیان ایران چون خورشیدی در آسمان بی ابر واضح و آشکار است و همه دیده اند یا شنیده اند که چطور کور مادرزاد با دو چشم زیبا و بینا از کنار قبر آن حضرت شفا یافته یا شخص مبتلا به سرطان که تمام دکترهای داخل و خارج او را لاعلاج دانسته اند چگونه از قبر مبارک آن حضرت شفا گرفته و صدها معجزه دیگر که هر کس طالب حقیقت است می تواند این معجزات را یا از میلیونها نفر مردم شیعه و غیر شیعه بشنود یا از دفتر ثبت کرامات و معجزات آن حضرت در آستان قدس رضوی و یا کتابهای مربوطه مطالعه نماید.

«راه عقل»

راه دوم آن است که انسان از طریق عقل به مقام با عظمت معصومین علیهم السلام و وجود مقدس امام زمان علیه السلام پی برد.

خداوند عقل را به عنوان یک موهبت الهی به بشر عنایت فرموده تا در اولین قدم امام و راهنمای خود را بوسیله آن بشناسد.

عقل به انسان می گوید خداوند حکیم و دانا تو را بدون امامی معصوم و زنده و

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :

«و نحن صنایع ربنا والخلق بعد صنایعنا».^{۲۱۴}

حاضررها ننموده است.

عقل به انسان می‌گوید آن امام معصوم و زنده باید معجزه داشته باشد تا مردم بپذیرند او نماینده خداست.

عقل می‌گوید حجت خدا باید قدرتهای لازم برای رهبری مردم کره زمین را دارا باشد.

باید از همه چیز آگاه باشد.

قرآن کریم را بین معجزه است زیرا تمام انسانها و جنّ نمی‌توانند حتی یک سوره مثل آنرا بیاورند.^(۱)

وقتی به این نقطه رسیدی که قرآن معجزه است یعنی همه قدرتهای موجود در برابر آن عاجز هستند، طبعاً باید در مقابل آن زانوی عجز به زمین بزنی و مطالب آنرا به عنوان علوم حقیقی و راهنمائیهای خالق جهان برای خودت بپذیری.

آنگاه تو یک کتاب معجزه‌ای در دست داری که به آن معتقدی.

هرچه در آن گفته شده برای تو حجّت و علم صددرصد است و همه می‌دانیم که علم صددرصد (نه فرضیه و احتمال) گشاینده همه قفلها و رمز دستیابی به هر خوبی می‌باشد.

بدیهی است که علم صددرصد تنها در اختیار خالق جهان بوده و او اختیار علم خویش را به دست انسان غیرمعصوم نمی‌دهد.

او این علم (منظور علم به تمامی حقایق عالم هستی است) را از زبان پیامبر خویش و سپس جانشینان معصوم او در اختیار انسان می‌گذارد تا به وسیله آن خود را به

۱- در عنوانهای گذشته (بحث مظلومیت و مهوریت) مقداری در باره اعجاز قرآن صحبت کردیم.

امام عصر علیه السلام :
«ما ساخته شده‌های پروردگارمان هستیم و مخلوقات دیگر پس از ما و تحت تربیت
ما می‌باشند».

سعادت برساند.

اکنون همه حقایق سعادت بخش زندگی بشر در این کتاب آسمانی (به شرط آنکه
جانشینان معصوم رسول خدا صلی الله علیه و آله آنرا تفسیر کنند) نهفته است.
با گذشت چهارده قرن این کتاب دست نخورده باقی مانده و این خود یکی دیگر از
معجزات آن است.

زیرا اگر دست می‌خورد دیگر معجزه نبود و حجت بر بشر نمی‌شد.
با اثبات حقانیت قرآن، مطالب و حقایق آن برای ما صد درصد علمی است زیرا
خالق جهان از حقایق عالم بما خبر داده و ما اگر در نتایج تحقیقات علمی خود شک
کنیم در قرآن که کلام خالق جهان است شکی نمی‌کنیم.
یکی از حقایق قرآن آن است که هر چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشما می‌گوید وحی است و
از جانب خدا است. (و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى) ^(۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز حقیقت مقام امامان معصوم و جانشینان پس از خود از علی بن
ابیطالب علیه السلام گرفته تا امام دوازدهم حضرت مهدی ارواحنا فداه را برای مردم بیان
فرموده‌اند و سخنان آنانرا حجت بر همه بشر قرار داده‌اند.

از مجموع سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام عظمت مقام آنانرا در
می‌یابیم، مانند مطالبی که در زیارت جامعه کبیره بیان شده که چنین زیارتی بر زبان
غیر حجت خدا جاری نمی‌شود و مانند آیات قرآن کریم کلام الهی و کلام برگرفته از
وحی است.

زیارت جامعه بهترین سخن در بیان مقام امام معصوم است.

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :

«... بل قلوبنا اوعیه لمشیة الله، فاذا شاء شئنا».^{۲۱۵}

«همه ذرات در برابر ولی امر خاضعند»

در این زیارت ذکر شده که همه موجودات در برابر ولی امر و امام زمان علیه السلام خاضعند^(۱) و آنان بر همه اشیاء عالم مسلط بوده و تمام اشیاء (از حرکت اتم گرفته تا...) را می توانند به اذن پروردگار تحت تصرف خود قرار دهند ولی لازم به تذکر است که آنان مانند ملائکه و بلکه مافوق ملائکه سر سوزنی از سوی خود کاری انجام نمی دهند بلکه به دستور و فرمان پروردگار عمل می نمایند.

ولذا امام هشتم حضرت رضا علیه السلام یا امام زمان علیه السلام مریضهای غیرقابل علاج در دنیای امروز را که به آن بزرگواران متوسل شده اند شفا داده اند یا معجزات دیگر که اکنون جای ذکر آنها نیست را مردم بطور فراوان از آن بزرگواران مشاهده نموده اند.

طبیعی است که این چنین قدرتی بدون اذن پروردگار صورت نمی گیرد و از سوی خداوند به آنان داده شده است همانطور که در قرآن کریم به حضرت موسی یا حضرت عیسی علیه السلام معجزاتی نسبت داده شد و ما به همه آنها ایمان داریم زیرا به قرآن ایمان و اعتقاد داریم و معتقدیم این پیامبران عظیم الشان در عالم خلقت به اذن پروردگار تصرفاتی داشته اند.

«چرا امامان معصوم علیهم السلام باید معجزه داشته باشند»

آری پیامبر و جانشینان معصومش باید چنین قدرتهای آسمانی و معجزه‌ای داشته

۱- و ذل کل شیء لکم یعنی : ای خاندان عصمت خداوند همه ذرات عالم را برای شما رام و در اختیارتان قرار داده است. زیارت جامعه کبیره - مفاتیح الجنان.

امام عصر علیه السلام :

«در معرفت ما به اشتباه نیفتید و ما را بجای خدا قرار ندهید، ما بنده خدا و دل‌هایمان محلّ خواست خداست هرگاه او بخواهد ما هم همان را می‌خواهیم».

باشند تا انسانها به آنان ایمان آورده و آنانرا خلیفه خداوند و الگوی خویش بدانند و چون آنان معصوم از خطا هستند انسانها با پیروی از ایشان از خطا حفظ می‌شوند و اشتباه و نادانی و فساد از برنامه فردی یا اجتماعی کنار می‌رود.

«مهر اطمینان»

در حقیقت معجزه مهر اطمینانی است که خداوند به نماینده خویش عنایت می‌فرماید تا اگر مردم گفتند ای پیامبر یا امام شما به چه دلیل می‌فرمائید من نماینده خدا هستم زیرا عده‌ای برای سوءاستفاده به دروغ این ادعا را کرده یا ممکن است بکنند، در اینجا است که خداوند این خواسته بحق و عقلی مردم را بی‌پاسخ نگذاشته و مهر اطمینان خود یعنی معجزه را بر دفتر نمایندگی فرستادگان خود و جانشینان آنان می‌زند.

بنابراین اصل ایمان و پذیرش براساس عقل و درک انسانی است که با شنیدن کلمات امام و پیامبر، هر انسانی می‌فهمد آیا او کلماتش آسمانی و از سوی خدا می‌باشد یا ساخته خود اوست.

«معجزات امام زمان علیه السلام»

اعجاز قرآن کریم و عدم تحریف آن خود گویای حضور و وجود امام زمان علیه السلام در زمان ما است و بیان می‌کند که آن حضرت رهبر امروز انسانها از جانب پروردگار است. توضیح آنکه :

عقل می‌گوید قرآن حاوی حقایق بی‌شمار عالم خلقت است که تا روز قیامت باید راهنمای بشر باشد ولی روشن است که پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله یک شخص معصوم در کنار قرآن باید باشد تا کلام حق را مطابق حقیقت و خواست الهی تفسیر و

استیذان السرداب المطهر :

«الحمد لله الذي من علينا بحكام يقومون مقامه لو كان حاضراً في المكان».^{۲۱۶}

بیان نماید و جلوی سوء استفاده کنندگان از کلام الهی را بگیرد که متأسفانه بهمین دلیل متجاوزین به کلام الهی در طول چهارده قرن گذشته توانسته‌اند کلام پروردگار را با تفاسیر مورد نظر و افکار گوناگون و ضد و نقیض و خلاف حقیقت ارائه و دهها فرقه و گروه در اسلام ایجاد نمایند.

در حالیکه اگر به سخن مفسرین حقیقی قرآن از علی بن ابیطالب علیه السلام گرفته تا حضرت مهدی علیه السلام گردن می‌نهادند هیچگاه یک آیه قرآن با چند نظر ضد و نقیض تفسیر نمی‌شد و هرکس به راهی نمی‌رفت و حقایق و علوم مادی و معنوی قرآن (تا این زمان) بایگانی و مخفی نمی‌شد.

خداوند قرآن کریم را نازل نفرمود تا با وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بی استفاده مانده و هرکس هر طور خواست آنرا به نفع خود تفسیر و معنی نماید و مورد سوء استفاده حکومت یا قدرت یا شخصیت خود قرار دهد چنانکه پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا امروز افراد بسیاری به اسم اسلام از آن سوء استفاده نموده و چهره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را زشت جلوه داده و به آرزوهای باطل و دنیایی خود دست یافته‌اند و همین سوء استفاده فرصت طلبان از قرآن کریم و عدم رشد فکری مردم باعث شد آنان قدرت یافته مفسرین حقیقی قرآن یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده فرزند معصومش علیهم السلام را مورد اهانت و خانه نشینی و سپس شهادت و آوارگی قرار دهند و مردم را از هدایت‌های آنان که تفسیر حقایق قرآن بود محروم نمایند.

کلام پروردگار را یا خود او باید تفسیر کند و یا تفسیرش را به نماینده معصومی از جانب خود که دارای معجزه باشد بسپارد تا هیچکس نتواند از کلام خداوند به نفع خود سوء استفاده نماید و جامعه را دچار اختلاف و سردرگمی و انحراف از راه حق نماید.

اذن دخول سرداب مطهر امام عصر علیه السلام :
«سپاس خدائی را که رهبران معصومی از سوی خدا برای ما قرار داد که اگر (بر فرض) خدا می‌خواست در صورت انسانی ظاهر شود بصورت آن بزرگواران در می‌آمد».

لذا قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مردم را پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به امام معصوم پس از او یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام ارجاع دادند و بدینوسیله این حقیقت محکم عقلی را بیان و اثبات نمودند که کلام خداوند را فقط باید امام معصوم تفسیر نماید و تا قرآن باقی و پابرجاست یک امام معصوم نیز باید در کنار آن باشد و الا حکمت و قدرت پروردگار زیر سؤال می‌رود و انسانها با خود خواهند گفت چرا خداوند قوانین جامع و کامل برای زندگی مادی و معنوی و فردی و اجتماعی بشر را توسط آخرین پیامبر خود به جهانیان ارائه داده ولی مجری و مفسری معصوم از خطا را در کنار آن قرار نداده تا هرکسی نظر شخصی خود را در باره آیات آن اظهار ننماید، آیاتی که کلام خود اوست و او حق دارد برای کلام خویش مفسری قرار دهد تا مردم گروه گروه و منحرف نشوند.

بنابراین امروز ما (یعنی همه جهانیان) که از نعمت آخرین سخن الهی که قرآن کریم است بهره‌مندیم، باید بدانیم این کتاب مقدس و امانتی بزرگ در دست ما است که باید توسط آخرین جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حضرت مهدی ارواحنا فداه تفسیر و مورد استفاده قرار گیرد تا همه انسانها به راه راست هدایت شوند و چون آن حضرت معصوم از خطا می‌باشد هیچکس نخواهد توانست نظر شخصی خود را به جامعه تحمیل نماید و همه افراد بشر به سخن و تفسیر آن حضرت گردن نهاده و راه راست را گم نمی‌کنند هم‌چنانکه همه اعضاء و سلولهای بدن به فرمان و راهنماییهای مغز گردن نهاده و سخن او را مطابق عقل و علم می‌دانند ولی متأسفانه ما انسانها آن امام بزرگ را بواسطه طولانی شدن زمان غیبتش فراموش نموده و با فکر و نظر خود هر طور خواسته‌ایم حرکت کرده و راه حق را گم نموده‌ایم.

اگر شیعیان و مسلمانان و حتی همه انسانها حقیقت فوق را فهمیده و با پی بردن به

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته»^{۲۱۷}

این مطلب که جامعه بشری بدون امامی معصوم از جانب خدا نمی تواند سعادت مند باشد، امام زمانش را شناخته و راه استفاده از رهبری آن بزرگوار را بررسی و عمل نمایند بسرعت زمان غیبت و خانه نشینی آن حضرت پایان یافته و ظهور خواهند فرمود.

مطلب فوق دلیل محکم بر وجود حضور امام عصر ارواحنا فداه در بین ما است که براساس رشد عقلی و فکری انسان بنا شده و با تکیه بر آن بشر امروز می تواند به وجود مقدس امام عصر و زمان خود اعتراف نماید و از سرگردانی و گمراهی نجات یابد.

و اما معجزات معروف مثل شفای بیماران لاعلاج و بینا شدن کور مادرزاد و امثال آن، بقدری زیاد و فراوان است که مردم جهان می توانند با مطالعه سرگذشت آنانکه این معجزات را دیده اند و رجوع به دفتر ثبت کرامات و معجزات مسجد مقدس جمکران در قم و نیز شنیدن از هزاران شیعه آن حضرت که همه هفته شبهای چهارشنبه و جمعه به این مسجد مقدس یا سائر اماکن متبرکه منسوب به آن حضرت در عراق مثل سامراء و مسجد سهله و ... مراجعه و معجزاتی از آن حضرت دیده یا شنیده اند به آن پی برند، معجزاتی که برای هیچ عاقلی جای انکار باقی نمی گذارد و این معجزات که برخی از آنها در کتابهای مربوطه نقل شده آرامش دهنده به انسان و افشاننده تخم ایمان در دل است.

«حفظ شیعیان»

یکی از معجزات زنده آن امام بزرگوار در زمان حاضر و نیز زمانهای قبل و بلکه زمانهای آینده آن است که شیعیان خود یعنی آنانکه به آن حضرت ایمان دارند

زیارت آل یاسین :
«سلام بر شما ای زبان گویای الهی که خلق را بسوی خدا می خوانی و آنانرا براساس تربیتهای الهی پرورش می دهی».

(مادامی که ایمان خود به آن حضرت را حفظ و اعمال شایسته را ترک ننمایند) را در برابر دشمنانشان حفظ فرموده و خواهد فرمود.

شیعیان کسانی هستند که به منجی آخرالزمان اعتقادی آمیخته با شناخت شخصیت خصوصی آن بزرگوار دارند، نام او را می دانند، او را زنده و حاضر در بین خود (ولی ناشناس) دانسته، به او متوسل می شوند و او را در پیشگاه الهی شفیع خود قرار داده و حاجت خود را می گیرند .

شیعیان کسانی هستند که پایه های حکومت جهانی بر دوش آنان قرار می گیرد زیرا قرنهایست امام خود را فراموش ننموده و برای فرجش دعا می کنند.

خداوند نیز توسط آن امام بزرگ و دعاهای او شیعیانش را در حصار دامن خود قرار داده و عزت و سربلندی در دنیا و آخرت به ایشان مرحمت فرموده است که نمونه آن عزت شیعیان ایران و لبنان در جهان است که با وجود دشمن های فراوان از سوی قدرتهای ظالم در حفظ و امن الهی بسر می برند و اگرگاهی مصیبتی برایشان پیش می آید که نباید پیش می آمد برای آنان مصلحت داشته و سبب تربیت روحی و حفظ ایمان آنان می باشد.

و این شیعیان ایران هستند که با انقلاب عظیم خود کوشیدند خود را از گرداب گناه و ظلم خارج سازند و بسوی جامعه عصر ظهور پیش روند در حالیکه قدرتهای بزرگ هیچگاه نخواسته اند آنان را بپذیرند و هر چه می کوشند نمی توانند آنانرا از بین ببرند و این بخاطر آن است که دنیا به حضور و وجود امام زمان ارواحنا فدای پی برده و به سرچشمه این قدرت غیبی واقف گردد.

«شیعیان بزرگترین قدرت جهان اند»

شاید از این عنوان که شیعیان را بزرگترین قدرت جهان معرفی می کند تعجب کرده و

دعا النذبة :

«این باب الله الذی منه یوتی».^{۳۱۸}

آن را یک خیال پردازی بدانید، ولی حقیقت آن است که شیعیان چنین اند.
زیرا اگر همه دنیا را به آنان بدهند، آنان ایمان و اعتقاد خود به منجی آخر الزمان را با
آن معاوضه نمی نمایند.
اگر تمام دنیا با قدرتهای اتمی و غیره علیه آنان وارد جنگ شود، آنان تسلیم ظلم و
ستم نشده و تا پای جان بر راه خود می ایستند.
اکنون خود به قضاوت بنشینید و بگوئید کدام یک برترند، قدرتهای ظاهری و مادی
دنیا یا شیعیان و پیروان امام زمان علیه السلام ؟

«یک دلیل مهمتر»

اگر شیعیان از سلاحی برتر از سلاحهای روز جهان برخوردار بودند شاید چنین
تصور می شد که قدرتهای جهان از سلاح برتر آنان ترسیده و نتوانسته اند کاری از پیش
ببرند ولی همه می دانند که شیعیان به چیزی جز سلاح ایمان و اعتقاد حقیقی به
جانشین پیامبر خدا و آنکه نماینده پروردگار در زمین است یعنی حضرت بقیه الله
ارواحنا فداء، مسلح نیستند و سلاحهای ظاهری آنان همان سلاحهای معمولی جهان
است و بیش از بیست سال است که در برابر همه تهدیدها و فشارهای قدرتهای جهان
ایستاده و در میدان جنگ هشت ساله که از سوی شرق و غرب بر آنان تحمیل شد
مردانه ایستادگی نموده و پیروز میدان شدند، حال کدام یک برترند؟
آیا این همه نشانه و معجزه برای آن نیست که دنیای مادی امروز با یک قدرت
معنوی و حقیقی که از ظلم و ستم متنفر است و شعارش استقبال از ظهور منجی
است، آشنا گردد و با چشمان خود برتری قدرت ایمان به پروردگار و نماینده او که
زنده و حاضر (ولی ناشناس) در میان بشر بسر می برد را ببیند و از خواب سنگین
غفلت برخیزد و ظهور منجی را طلب کند؟!

دعای ندبه :

«کجاست آن درب خدائی و آن انسان کاملی که تنها راه ارتباط بین خلق و خالق است».

هر انسان عاقلی باید به این مهم توجه نماید که چگونه دلهای میلیونها انسان شیعه یکپارچه شده و همه خواستار پیروزی اسلام و امام زمان علیه السلام در کشورشان شدند و از رهبری عالیقدر اطاعت نموده و پس از پیروزی انقلاب بیش از دو دهه تاکنون در برابر همه فشارها مقاومت نموده‌اند.

در جنگ تحمیلی، هشت سال جانانه مقاومت نموده و تنها بخاطر حفظ دین و حفظ نام مقدس امام زمان علیه السلام هزاران شهید تقدیم نمودند آیا می‌شود آنان بخاطر دنیا و مادیات اینهمه شهید تقدیم نموده باشند و آیا وصیتهای شهداء گویای این مطلب نیست؟

آیا این معجزه نیست که چندین ابرقدرت مجهز به سلاحهای اتمی و پیشرفته در این جنگ دشمن متجاوز را یاری نموده ولی در نهایت با شکست و پشیمانی از عمل خود مراجعت نمودند؟ در حالیکه ایران عزیز جز به نیروی ایمان و کمکهای الهی بجائی وابسته نبود؟

آیا این معجزه نیست که میلیونها انسان در تشییع پیکر مطهر حضرت امام خمینی قدس سره گرد آمده و به یکباره تمام امید دشمنان را در شکست دادن جمهوری اسلامی به یأس مبدل نمودند؟

آیا این معجزه نیست که با بروز همه اختلافات جناحی و سیاسی و غیره که در اثر غفلت و بی‌توجهی شیعیان در میان آنان بوجود می‌آید، ولی در عین حال برای یاری امام زمان خود سر از پا نمی‌شناسند و حاضرند جان خود را با اعتقاد تقدیم نمایند؟ شاید بسیاری از افراد چنین فکر کنند که اینها چیز طبیعی و عادی است، ملتی یکپارچه شده و خواسته‌ای دارند و معلوم است به خواسته خود می‌رسند.

ولی مگر انسان باید ظاهربین بوده و از آنچه می‌بیند فقط بعد مادی آنرا

زیارة يوم الجمعة: «السلام عليك يا عين الله في خلقه».
 زیارت روز جمعه امام عصر علیه السلام: «سلام بر شما ای چشم بینای پروردگار در
 میان خلق (که از همه چیز و همه امور آشکار و نهان آگاهی) (مفاتیح الجنان زیارت روز جمعه)

ملاحظه کند؟

این سخن در جایی ممکن بود که شیعیان برای بدست آوردن پول و ثروت یکپارچه می شدند ولی همه دنیا یا می داند و یا اگر به سخنان امام خمینی قدس سره دقت نماید می بیند آنچه دلهای مردم ایران را یکپارچه نمود همان "ایمان و اعتقاد راسخ به امامی بود که او را دوازدهمین جانشین پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دانسته و معتقدند برای ظهور مقدسش باید فداکاری و از خودگذشتگی نشان داد و جهان را آماده این امر نمود.

آیا این معجزه نیست و کدامین قدرت بشری قادر به انجام چنین کاری است و می تواند دلهای میلیونها نفر را برای امر غیرمادی و غیبی متحد و یکپارچه نماید؟ آری شیعیان کسانی هستند که اعتقاد ناب و خالص داده شده از سوی خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره جانشینان معصوم و امامان عظیم الشان عالم بشریت را حفظ نموده و بیش از یازده قرن است امام زمان خود را می شناسند و به او اعتقادی از اعماق وجود دارند و می کوشند با دادن جان و مال خود در راه آن حضرت که راه خداست، عالم بشریت را با آن حضرت آشنا و جهان را بوسیله آن حضرت از ظلم و ستم و تیره روزی نجات دهند.

قسمت بیست و پنجم :

خورشیددایت

... امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این
مولود فرخنده هر چه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و
امامت را طالع فرماید .

صحیفه نوری ۱۵ ص ۲۲

دعاء الندبة :

«وكان بعده هدى من الضلال و نوراً من العمى»^{۳۱۹}

حضرت امام قزوینی در باره عظمت مقام حضرت بقیة اللہ ارواحسنا فداء و تشبیه آن وجود مقدس به خورشید و نور آن می فرمایند :

- "گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه
آمال محرومان و مستضعفان..."^(۱)
- "ما در انتظار رؤیت خورشیدیم..."^(۲)
- "امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نور افشانده و مقدمات ظهور
منجی بشریت را فراهم آورد و «ماذک علی الله بعزیز»^(۳)
- "امید است که این انقلاب جرقه، و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در
توده های زیرستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت

۱- صحیفه نور ج ۱۸ ص ۱۱ مورخ ۶۲/۳/۱۵ ۲- صحیفه نور ج ۲۰ ص ۵۹ مورخ ۶۵/۱۱/۱۶

۳- صحیفه نور ج ۱۹ ص ۱۰۱ مورخ ۶۳/۱۱/۲۲ پیام امام قزوینی بمناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

دعای ندبه:

«پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام (و یازده امام معصوم علیهم السلام) نجات دهنده مردم از گمراهی و خورشید هدایت برای جهانیان بوده و هستند».

بقیة الله ارواحنا المقدّمة الفداء منتهی شود ^(۱).

- "سالروز مبارک ولادت باسعادت و پسربرکت حضرت خاتم الاولیاء و مفخر الاولیاء حجة بن الحسن العسکری ارواحنا المقدّمة الفداء - بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد... و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد... و امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر فرا رساند و «خورشید هدایت» و امامت را طالع فرماید ^(۲)."

«خورشید هدایت»

نور خورشید، هدایت کننده مردم در زندگی مادی و ظاهری است بطوری که بدون آن حیاتی در کره زمین وجود نخواهد داشت. ولی نور خورشید با همه فوائد و آثار حیاتی که دارد هیچگاه نمی تواند روشن کننده حق و باطل از یکدیگر و هدایت کننده قلبها بسوی حق و حقیقت گردد بلکه این انبیاء الهی علیهم السلام هستند که کلماتشان

۱- صحیفه نوری ۱۵ ص ۷۵.

۲- صحیفه نوری ۱۵ ص ۲۲ مورخ ۶۰/۳/۲۸ قسمتهایی از پیام امام علیه السلام بمندسبت سید مسعود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء.

عن الامام الصادق عليه السلام :

«... اما والله ليدخلن (القائم عليه السلام) عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر».^{۲۲۰}

نور خورشید هدایت در زندگی انسانی می باشد.

«علم روشن کننده زندگی است»

همه می دانیم که زندگی انسانی انسان با علم و فهم و رشد فکری او شکل می گیرد بطوری که هر قدر دانش و فهم و عقل انسان بالاتر رود، انسانیت او بیشتر و چهره زندگی حقیقتی تر می شود و حتی زندگی مادی انسان در پرتو رشد علمی و انسانی او حفظ می شود مثلاً اگر انسانها در اخلاق و صفات انسانی دچار کمبود باشند، خدا را شناسند، مقید به حفظ قوانین او در زمین نباشند و خود را آزاد آزاد بدانند نه تنها برای انسانهای دیگر ارزشی قائل نخواهند بود بلکه محیط زندگی مادی خود را نیز تغییر داده و آنرا تخریب خواهند نمود که فجایع زیست محیطی یک نمونه از آنهاست.

«خورشید علم و هدایت»

علم نور حقیقی است و جهان بواسطه آن زندگی و حیات می گیرد. علم موجب شکوفائی فکر و خلاقیت آن می شود و مانند چراغهای ماشین در جاده ای تاریک فکر را بسوی مقصد هدایت می کند. بنابراین تشبیه علم به نور ظاهری یک حقیقت روشن و غیرقابل تردید است. حال اگر کسی یک مطلب از علم بداند و بوسیله آن انسانی را بسوی حق و حقیقت هدایت نماید و از بدبختی و انحراف باز دارد مانند یک شمع است. اگر کسی دو مطلب راه گشا از علم بداند مانند دو شمع است. اگر کسی صد مطلب راه گشا و سعادت بخش بداند و البته خود نیز به آن پای بند بوده و به آنها عمل نماید مانند صد شمع نور دارد. علمائی که به علم خود عمل می کنند اینچنین اند.

امام صادق علیه السلام :
«حضرت مهدی علیه السلام چنان (با علم و قدرت و عصمت الهی اش) جهان را پر از عدالت خواهد نمود که عدالتش در اعماق خانه‌ها نفوذ می‌کند همانطور که سرما و گرما در اعماق خانه‌ها وارد می‌شود».

حال اگر میزان این نور و علم بالا و بالاتر رود و کسی یافت شود که همه هدایتها و علوم را در اختیار داشته باشد مانند خورشید است.

یعنی همانطور که خورشید معدن نور در جهان مادی ماست، همینطور آن کسی که همه حقایق را خداوند به قلب او سرازیر نموده، معدن علم و روشنایی حقیقی در جهان می‌باشد و همه علوم به او باز می‌گردد.

و او نیست کسی جز نماینده برحق خدا در زمین، کسی که جانشین آخرین پیامبر خداست.

کسی که معصوم از خطاست، کسی که اگر در زمین نباشد زمین از نور هدایت و علم حقیقی محروم و تاریک می‌گردد و همانگونه که زندگی جانداران بدون خورشید ممکن نیست زندگی انسانی نیز بدون این "خورشید هدایت" ممکن نمی‌باشد و عالم انسانیت نابود می‌گردد.

بنابراین، این "خورشید هدایت" به ضرورت عقل و شرع باید در میان بشر باشد تا خلقت انسانها معنی داشته باشد.

خداوند او را صدها و هزاران سال است به بشر معرفی نموده است.

ادیان مختلف جهان از او خبر داده‌اند.

همه پیامبران او را می‌شناختند.

او به عنوان نجات دهنده جهان از ظلم و ستم و تیره‌روزی معرفی شده است، همان

شماره و رمزی که هزاران سال است بشر به دنبال آن می‌گردد.

او "منجی آخر الزمان" یا همان رمز صلح و عدالت و شماره پیچیده آن است.

او "خورشید علم" و "مرکز علم" است و هر قفلی از قفل‌های باز نشده صلح و

عدالت با علم و قدرت او باز می‌شود.

عن الامام الكاظم عليه السلام :

«النعمة الظاهرة الامام الظاهر و الباطنة الامام الغائب».^{۳۲۱}

«خود را معطل و خسته نکنید»

قرنهای بسیار است که خداوند این رمز را در اختیار جامعه بشری قرار داده و به آنان اعلام فرموده است خود را معطل و خسته نکنید، تا این رمز را عمل ننمائید از صلح و عدالت در جهان خبری نیست.

اگر کسی سخن فوق را نپذیرد، آیا تجربه هزاران شکست به ما نمی‌گوید که خود را معطل و خسته نکنید، شماره‌گیری شما براساس شماره مرکز علم الهی و شماره رمزی "علمی" نیست؟

«یک پله بالاتر...»

بیائید با هم یک پله بالاتر رویم.

طبق محاسبات دقیق ریاضی، محال است کسی که رمزی و شماره‌ای را نمی‌داند بطور اتفاقی و به یکباره آنرا بدست آورد و همین مطلب از محکمترین دلایل اثبات وجود خداست. زیرا همه مخلوقات عالم هستی نبوده و سپس آفریده شده‌اند و چیزی که نبوده و سپس به وجود آمده محال است چیزی را بداند مگر آنکه یک قدرت بی‌نهایت که علم بی‌نهایت نیز هست این موجود خلق شده را علم بیاموزد. اکنون همه می‌دانیم که همه خلقت براساس علوم و رموز پیچیده‌ای است که تمام دانشمندان به این رموز پیچیده معترفند و تاکنون حتی یک قطره از اقیانوس علم را نیز کشف نکرده‌اند.

دانشمندان با دیدن رموز بی‌نهایت در نظام هستی از ذره اتم گرفته تا کهکشانهای غیرقابل تصور با "علم بی‌نهایت" مواجه شده‌اند و لذا محال می‌دانند که این نظم پیچیده علمی خود بخود و بطور اتفاقی ایجاد شده باشد و ضرورتاً یک قدرت مطلق و

امام کاظم علیه السلام در باره آیه شریفه : «خداوند نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما ارزانی داشت». فرمود: «نعمت ظاهر، امام ظاهر و نعمت باطن، امام غائب است».

بی نهایت آنرا ایجاد نموده است.

«خلقت بیهوده»

اکنون آیا ممکن است آن قدرت بی نهایت که او را خدا می نامیم برای زندگی ما انسانها مرکزی از علم قرار نداده باشد با آنکه در دل ذره کوچکی به نام اتم (که در نقطه ای به اندازه سر سوزن تعداد یک میلیون اتم وجود دارد) نظامی پیچیده مانند منظومه شمسی خلق فرموده، آیا چنین خداوند قادری برای بهترین مخلوق خویش یعنی انسان (اگر مطیع پروردگارش گردد) خورشید علم و هدایت را خلق نفرموده و او را بدون راهنمایی بحال خود رها نموده است؟

«وقت چیدن میوه است»

آیا فرستادن هزاران پیامبر از سوی خداوند و هزاران معجزه برای هدایت مردم باید بی نتیجه مانده و در عصر حاضر که همه تعالیم انبیاء و زحمات آنان چون درختی عظیم باید به محصول بنشیند همه و همه بیهوده و بی ثمر بوده و انسان امروز بدون منجی بحال خود رها شده است؟

آیا انسانهای هزاران سال قبل تا عصر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با جمعیت اندک نسبت به این زمان، باید هزاران پیامبر و جانشین پیامبر که علم حقیقی داده شده از سوی خداوند در اختیارشان بود باید آن همه مورد توجه خداوند باشند ولی خدای حکیم برای میلیاردها انسان امروز هیچ حجت و راهنمایی قرار نداده است؟ اینجاست که عقل هر انسانی با کمترین تأمل در نظام آفرینش به این حقیقت پی می برد که اگر خدا دانا و حکیم و مهربان و بخشنده و ... است باید ما را بوسیله نماینده خود راهنمایی کند، ما باید امام و پیشوایی از سوی خداوند داشته باشیم تا

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«منا المهدي الذي يسرى في الدنيا بسراج منير»^{۳۱۲}

اعمالمان با راهنمایی او باشد.

«بیائید این ...»

بیائید این خورشید را بشناسیم.

ابعاد وجودی اش را درک نمائیم.

ما در گذشته از کتابهای آسمانی تورات و انجیل مطالبی فراوان در باره آن حضرت آوردیم که در بخش " همه در انتظار او " تقدیم شما خوانندگان گرامی شد.

اکنون می خواهیم از دهها مورد معرفی قرآن کریم و سخن پروردگار درباره " منجی آخر الزمان " یک سخن را بررسی نمائیم.

با هم به سراغ صندوقچه ای از گنجهای بی نهایت علم می رویم و آن صندوقچه علمی سوره " شمس " یعنی سوره " خورشید " است که خداوند متعال در ابتدای آن می فرماید :

" وَالشَّمْسُ وَضَحِيهَا "

" قسم به خورشید و قسم به روشنایی آن "

روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام که آیه شریفه فوق را تفسیر نموده اند گویای این حقیقت است که منظور از خورشید و نور آن که جهان را روشنایی می بخشد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و مطهر اوست که با علم بی پایان خود تمام فضای وسیع فکر انسانها را نور می بخشند.

این تفسیر و تشبیه بیان حقیقت مقام آن حضرت است زیرا او مرکز علم و هدایت از سوی خداوند برای مردم جهان است و علم نور است پس او خورشید علم و هدایت می باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام :
«حضرت مهدی علیه السلام از ماست، آنکه در دنیا با چراغ درخشان هدایت سیر می‌کند».
(و خورشید هدایت برای مردم است).

رسول گرامی اسلام در خطبه پر عظمت غدیر خم که همه مسلمانان آنرا قبول دارند فرمود :

«الآن خاتم الأئمة منا القائم المهدي تا آنکه فرمود : و لا نور الا عنده»
یعنی : «ای مردم جهان بدانید آخرین راهنمای بشر و آخرین جانشین من حضرت مهدی است که از ماست و قیام کننده به صلح و عدالت در جهان است و بدانید که نور هدایت نزد کسی جز او یافت نمی‌شود».

«خورشید چهره می‌پوشاند»

با آنکه خداوند متعال همیشه جهان را بوسیله نماینده خود هدایت می‌فرماید و از آغاز خلقت اولین کسی که بر زمین پا گذاشت حجّت خدا حضرت آدم علیه السلام و آل او علیه السلام بود و آخرین کسی که در هنگامه قیامت پا از روی زمین برمی‌دارد حجّت خداست زیرا جهان بدون راهنما و حجّت الهی جهانی پوچ و بیهوده خواهد بود.

ولی در عین حال گاهی که مردم قدر آن راهنمای الهی را نمی‌دانند و در صدد کشتن او برمی‌آیند، خداوند او را به شکل ناشناس در میان آنان حفظ می‌فرماید.
این حالت ناشناس زندگی کردن را «غیبت» می‌نامند.

در میان پیامبران بعضی از آنان از قوم خود غائب شدند که حضرت موسی بن عمران علیه السلام یکی از آنان است.

در اینحال مردم با آنکه راهنمای الهی را نمی‌بینند ولی بطور غیرمستقیم از علم و هدایت و دعاها و عنایات او بهره می‌برند.

عن رسول الله ﷺ :

«المهدي رجل من ولدي وجهه كالكوكب الدرّي»^{۳۳۳}

«منجی آخر الزمان غائب می شود»

چنین حالتی برای منجی آخر الزمان به عنوان یک خبر غیبی و معجزه در زبان مبارک پیشوایان معصوم اسلام حضرت رسول اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام در بیش از دو قرن و نیم قبل از وقوع آن پیش گوئی و بیان شد.

گفته شد این خورشید رخ می پوشاند و غائب می شود.

سؤال شد آیا وقتی خورشید علم و هدایت رخ می پوشاند مردم از او بهره ای می برند؟ پاسخ داده شد: آری به خدا قسم مانند استفاده مردم از نور خورشید هنگامیکه ابرها آنها پوشانده اند از وجود مقدس آن حضرت بهره می برند.

«سخن گرانمایه رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره»

مرحوم صدوق در کتاب ارزشمند کمال الدین این حدیث را از جناب جابر بن عبدالله انصاری (ره) نقل می نماید که :

وقتی خداوند بر پیامبر گرامی خویش حضرت محمد ﷺ این آیه شریفه را نازل فرمود که " ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا و صاحبان امر اطاعت کنید " ^(۱) به آن حضرت عرض کردم :

ای رسول خدا، خدا و رسولش را شناختیم، ولی صاحبان امر که خداوند اطاعت از آنها را در ردیف اطاعت از شما (ای رسول خدا) قرار داده چه کسانی هستند؟
فرمود: آنان جانشینان من هستند ای جابر.

۱- یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم. سوره نساء آیه ۵۹

رسول خدا ﷺ :

«حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من است که صورتی چون ستاره درخشان دارد».

آنان پیشوایان و مسلمین پس از من هستند.

اولین آنان علی بن ابیطالب و سپس حسن و حسین و آنگاه علی بن الحسین و پس از آن محمد بن علی است که در تورات به باقر معروف است که ای جابر تو (بقدری عمر خواهی کرد که) او را درک خواهی کرد، پس وقتی که با او ملاقات نمودی سلام مرا به او برسان.

پس از او حضرت صادق جعفر بن محمد و سپس موسی بن جعفر و سپس علی بن موسی و آنگاه محمد بن علی و پس از آن علی بن محمد و سپس حسن بن علی (امامان و پیشوایان پس از من خواهند بود).

پس از آن، هم نام و هم کنیه من، آنکه حجت خدا در زمین و باقیمانده الهی در میان بندگان خدا فرزند حسن بن علی (پیشوای مردم است).

او همان کسی است که خداوند متعال تمام شرق و غرب عالم را به دست او فتح خواهد کرد (و حکومت واحد جهانی توحیدی و الهی را برپا خواهد نمود).

او کسی است که از شیعیان و دوستانش غائب خواهد شد بطوری که تنها آنانکه دلهای محکم و ایمان پایداری دارند و خداوند قلبهایشان را برای ایمان آزمایش نموده، بر اعتقاد به امامت او پایداری خواهند ماند.

جابر گفت: به آن حضرت عرض کردم: ای رسول خدا، آیا در زمانی که آن حضرت

غائب (و ناشناس) بسر خواهد برد پیروانش می توانند از او بهره ببرند؟

عن الامام الصادق عليه السلام :
«ما من معجزة من معجزات الانبياء والاولياء الا يظهر الله تبارك و تعالى على يد قائلنا لاقام الحجّه على الاعداء».^{۳۲۴}

فرمود : آری، بخدائی که مرا پیامبر خویش قرار داد، آنان از نور او بهره برده و از عنایات و راهنماییهای پدرانه او سود می‌برند همانطور که مردم از خورشیدی که ابرها آنها پوشانده‌اند بهره می‌برند...^(۱)

«سخن منجی آخر الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف در این باره»

در توقیعی که آن حضرت در پاسخ به سوالات احمد بن اسحق فرموده‌اند و به خط خود آن حضرت بوده اظهار می‌دارند :

« و اما وجه الانتفاع بي في غيبتي فكالاتفاع بالشمس اذا غيبتها عن الابصار السحاب ».^(۲)

یعنی :

«اینکه در زمان غیبت من چگونه می‌توان بهره جست، مانند بهره‌ای است که از خورشید می‌برید آنگاه که ابرها آنها از دیده پنهان می‌سازند».

«تشبیهی زیبا و پربرکت»

با تشبیه وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف به خورشید درهائی از علم و حکمت به رویمان باز می‌شود که بهره‌های فراوان علمی از آن می‌توان گرفت که در «سیزده بهره» آنها را بیان می‌کنیم.

»

۱- کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۳ باب ۲۳ ح ۳.

۲- احتجاج ج ۲ ص ۵۴۵ احتجاج شماره ۳۴۴ و بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۸۰.

امام صادق علیه السلام :

«خداوند برای اتمام حجت بر دشمنان تمامی معجزات انبیاء و جانشینان آنان را بر دست حضرت قائم علیه السلام جاری می‌فرماید». (تا خورشید هدایت جهانیان باشد).

«بهرهٔ اول»

«عنصر حیات»

همانگونه خورشید در عالم ظاهر عنصر حیات و زندگی موجودات است در عالم انسانیّت، علم و هدایت‌های امام معصوم علیه السلام عنصر حیات روح و به در آمدن از تاریکی جهل و صفات خبیثه است و همین صفات رذیله مانند کفر و ناسپاسی و حسادت و خودخواهی و محبت دنیا و... موجب بروز اختلافات و جنگها و تخریب محیط زیست و فقر و فحشاء و تبدیل شدن انسان به موجودی دور از انسانیّت و پست‌تر از حیوانات و شیطان و موذی می‌شود.

لذا اگر انسانها امام و رهبر عادل و شایسته و پیشوائی دور از خطا و جهل و صفات غیرانسانی داشته باشند همه به او اقتدا کرده، اعمال و رفتار خود را اصلاح خواهند کرد و تمامی مقاصد فردی و اجتماعی و ظلم و ستم از بین ببرد و رفاه و عدالت و امان را برپا دارند. انسانهای عصر علم از خورشید علم و هدایت، نور و صفات حمیده را نگیریم مرده‌ایم به مرگ در شهوات و بی‌دینی و دنیاپرستی و انهدام همه مرزهایی که خالق جهان برایمان و برای مقام انسانیّت‌مان در نظر گرفته و سپس بروز اعمال زشت از فسادهای جنسی گرفته تا جنگهای بزرگ و انهدام همه شهرها و تلفات میلیونی و هزاران بالای دیگر.

تابش این خورشید بر روح و فکر انسانها زمین را زنده و جهل و شیطنیت را می‌میراند.

قال رسول الله ﷺ :
«... والذى بعثنى بالنبوة انهم يستضيئون بنور ولايته فى غيبته كانتفاع الناس
بالشمس و ان سترها السحاب»^{۳۲۵}

«بهره دۆم»

«روشنایی خورشید»

خورشید در عالم ظاهر با نور خود موجب می شود انسان بتواند اشیاء مقابل خود را بشناسد و به دیوار یا سنگ برخورد نکند و در چاه نیفتد و راه خود را برود و به مقصد برسد.

همچنین خورشید هدایت نیز با انتشار علم خود در جامعه بشری موجب می شود فکر انسان ها رشد یافته و خوب و بد را از هم تشخیص دهند و بدی بد و خوبی خوب را درک کنند و همانطور که نجاست متعفن را نمی خورند از ارتکاب زشتیها دوری نمایند.

این حالت درونی انسان در اثر پذیرش نور هدایت این خورشید و روشن شدن فکر انسان پدید می آید.

انسانهایی که مرتکب اعمال ناشایست می شوند به این دلیل است که چشم دلشان به خورشید هدایت معرفت پیدا نکرده و آن حضرت را به عنوان الگوی زندگی خود نمی شناسند.

انسان اگر امام زمانش را بشناسد قبش مانند اتاقی است که با کنار زدن پرده های تاریک و سیاه غفلت، نور خورشید را به خود راه داده و موجب باز شدن چشم دل به حقایق می گردد.

اینکه جهان ما از لحاظ ارتکاب اعمال غیر انسانی و فساد و خونریزی و فقر و فحشاء در حد انفجار آمیزی بسر می برد بخاطر آن است که روشنائی خورشید هدایت را دریافت نداشته و با فرستادن ابرهای نبره و سیاه غفلت و ریاست طلبی و ثروت

رسول خدا ﷺ :

«بخدا قسم که مردم با ایمان از نور ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان غیبتش بهره می‌برند همانگونه که از نور خورشید که ابرها آنرا پوشانده‌اند بهره می‌برند».

اندوزی و ... جلوی نور او را گرفته و چشمهایش اشیاء مقابل (بد و خوب) را از هم تشخیص نمی‌دهد و از زشتی بسیاری از مفاسد و گناهان غافل است.
دلیل این مطلب هم روشن است :

زیرا علم انسان را از بدیها و خوبیها آگاه و موجب باز شدن چشم او می‌شود. از این رو آنان که تجربه بیشتری در زندگی اندوخته و از خوب و بد آن بیشتر آگاهند کمتر از کسانی که آن علوم و تجربیات را کسب نکرده‌اند دچار اشتباه می‌شوند.
حال اگر منبع تمامی علوم و دانشها در رأس جامعه بشری قرار گیرد و مردم از کلمات حکمت‌آمیز او (مانند کلمات جدش علی ابن ابیطالب علیه السلام در نهج البلاغه و غررالحکم) بهره گیرند، آیا دیگر کسی دچار جهل و تاریکی فکر می‌شود؟

عن الامام الباقر عليه السلام :

«القائم منا منصور بالعرب، مؤيد بالنصر، تطوى له الارض، و تظهر له الكنوز».^{۲۲۶}

«بهره سؤم»

«بهره همگانی»

یکی از فوائد نور خورشید آن است که همه کره زمین از نور آن بهره می برد و فایده آن همگانی است و اختصاصی به سرزمینی خاص ندارد و مرزکشورها و خانه پادشاه یا فقیرترین مردم برای تابش نور آن فرقی ندارد. نور امام عصر ارواحنا فداه نیز اینچنین است و همگان را مورد عنایت و تابش خود قرار می دهد.

آن حضرت علوم بی پایان را از خداوند گرفته و هرکس پذیرای این نور باشد و خانه دلش را به روی خورشید مقام و معرفت آن حضرت باز نماید چه پادشاه باشد چه فقیر از نور آن استفاده کرده به راه راست هدایت می شود.

امام عصر ارواحنا فداه حجت خدا برای همه مردم جهان است و به شیعیان و مسلمانان اختصاص ندارد، اگر مردم جهان آن حضرت را بشناسند به همه نور می دهد و همه عالم را متوجه ذات مقدس پروردگار می نماید و برکات مادی و معنوی را با دعاها و خویشتن از خداوند گرفته و به مردم زمین ارزانی می دارد بطوری که هیچ فقیر و گرسنه و بی پوشاک و قرض دار و مریض لاعلاج و اسیر و گرفتار و غمدیده و از همه مهمتر صفات و اخلاق رذیله در جهان یافت نمی شود و تاریکیهای جهل و صفات زشت از بین می رود همانطور که با طلوع خورشید تاریکی شب از بین می رود.

عنایت امام عصر ارواحنا فداه مخصوص مردم خاصی نیست زیرا او معصوم از خطاست و ثروت و قدرت و لطف الهی را بطور عادلانه در جهان تقسیم می نماید ولی انسانهای غیر معصوم بطور اشتباه و نا آگاهانه یا بطور عمدی و از روی هواهای نفسانی ثروت و

امام باقر علیه السلام :

«حضرت قائم علیه السلام از جانب خداوند با رعب (هراس در دلها) و کمکهای غیبی الهی یاری شده است زمین برایش پیچیده شده و گنجهای آن برایش بیرون می‌ریزد».

قدرت و نعمتهای خدادادی را به خود یا جمعیت خاصی اختصاص می‌دهند بطوری که در جهان امروز با پیشرفت علم و صنعت و ثروت، مشاهده می‌کنیم چگونه حدود ۱۵٪ مردم جهان از ۸۵٪ ثروت جهان برخوردار و ۸۵٪ مردم جهان تنها به ۱۵٪ ثروت جهان دسترسی دارند و صاحبان قدرت و ثروت و تبلیغات و بازرگانیهای جهانی هر روز بزرگ و بزرگتر و مردم ناتوان اکثر کشورهای جهان را به شکل پیشرفته و گاهی محترمانه برده و بنده خود کرده‌اند.

القرآن الکریم : «الم، ذلک الکتاب لاریب فیہ هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب».^{۳۲۷}
 عن الامام الصادق علیه السلام :
 «المتقون شیعة علی علیه السلام والغیب هو الحجة القائم».^{۳۲۸}

«بهره چهارم»

«نابینا خسارت می بیند»

یکی از ابعاد تشبیه نور و هدایت امام عصر ارواحنا فداه به خورشید آن است که خورشید به کور و بینا بطور یکسان می تابد ولی شخص کور صد درصد از روشنائی خورشید و فوائد آن محروم است و مجبور است با کمک دیگران حرکت کند و بطور کلی در زندگی فلج است ولی شخص بینا با داشتن چشم می تواند از نور خورشید بهره مند شده به سرعت بدود و همه کارهایش را خودش انجام دهد و از زندگی لذت کامل ببرد.

در عالم انسانیت نیز اینچنین است.

آنانکه امام زمان علیه السلام و حجت الهی را می شناسند و به او اقتدا نموده اند و مقام با عظمت آن بزرگوار را در قلب خود پذیرا شده اند، دارای چشمهای بینا هستند ولی کسانی که آن حضرت را نمی شناسند و قلبشان با مقام و صفات ایشان بیگانه است در حقیقت با عالم معنویت و انسانیت و تربیتهای انبیاء آشنائی نداشته و مانند شخص نابینا باید به کمک دیگران و با لمس کردن اشیاء زندگی کنند (یعنی دهها مرتبه یک چیز را تجربه کرده به زشتی یا زیبایی آن آگاه گردند و خسارت فراوان ببینند).

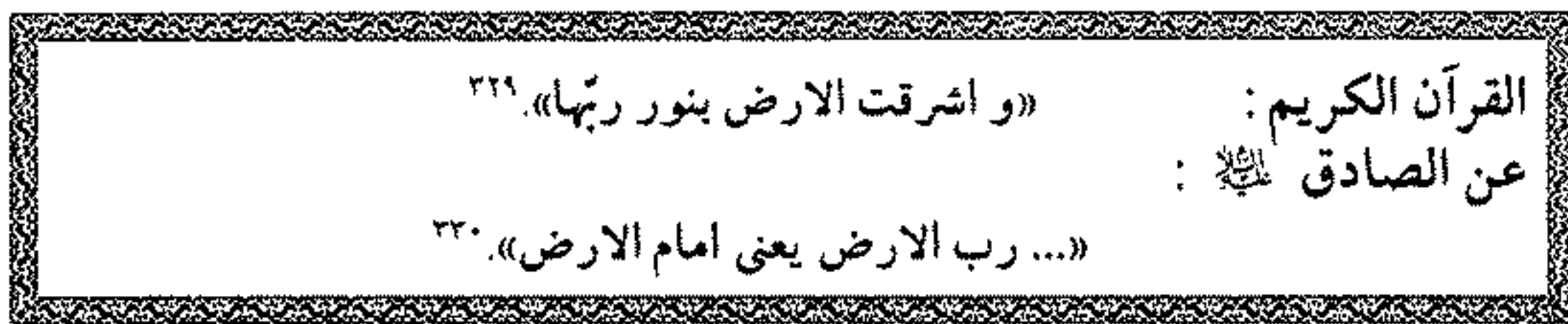
«تذکر مهم»

باید به خوانندگان غیرمسلمان این نکته را متذکر شویم که آنان فکر نکنند ما چون خود را شیعه و معتقد به امام زمان علیه السلام می دانیم پس بینا بوده و دیگران را نابینا می دانیم.

سخن ما اینست که هر انسانی در جهان امروز اگر نماینده خداوند را بشناسد و به او،

قرآن کریم : «این کتاب هدایت است برای متقین، آنانکه به غیب ایمان می آورند».
امام باقر علیه السلام : «متقین شیعیان حضرت علی علیه السلام اند و غیب حضرت قائم علیه السلام است».

و نور هدایتش توجّه نماید، علوم بی‌کران آن حضرت که میراث علوم تمامی انبیاء علیهم السلام است فکر انسان را روشن کرده و چشم دلش بینا شده بدی را از خوبی تشخیص می دهد و اعمالش اعمال شایسته مقام یک انسان می شود. بنابراین اگر آنان دیدند هر کس از ما مسلمانان شعار پیروی از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را سر می دهیم ولی اعمالمان با آنان مطابقت ندارد، باید ما را دوستدار و هوادار این خاندان بدانند نه پیرو واقعی آنان که پیرو واقعی آنان چشمان دلش بینا و زشتی و زیبایی را از هم تشخیص داده مرتکب اعمال زشت و صفات ناپسند نمی شود.



«بهره پنجم»

«ابرهای سیاه»

خورشید با قرار گرفتن ابر در برابر آن از دید ما پنهان می شود، این مثالی است برای صفات ناپسند عمومی ما انسانها که نور خورشید هدایت را از تابش بر افکار و قلوب مردم ممانعت نموده است.

صفات ناپسندی مانند کنار گذاشتن عملی خدا از زندگی و نادیده گرفتن حق او در جامعه بشری، چرا که حق هدایت مردم و هدایت آنان بسوی بهشت و دور نمودن آنان از زشتیها و صفات ناپسند که انسانرا بسوی جهنم می برد بر عهده دستگاه الهی است.

آنگاه که بی اعتنائی و غفلت از دین حق، بر سرزمین دل انسانها سایه می افکند روشن است آنان از تابش نور پروردگار محروم می شوند.

وقتی مدت این محرومیت طولانی می شود دلهای مردم مانند زمینی می شود که سالها آفتاب به آن نتابیده و می پوسد و هیچ گیاهی در آن سبز نشده و متعفن می گردد.

قرآن کریم: «آنگاه که زمین به نور پروردگارش روشن می شود»
امام صادق علیه السلام: «منظور از پروردگار زمین، امام و رهبری است که خداوند او را برای
راهنمایی مردم تعیین فرموده است».

«بهره ششم»

«یقین راسخ»

یکی از فوائد این تشبیه آن است که وقتی خورشید بوسیله ابرها پوشیده شده، مردم با آنکه جرم خورشید را نمی بینند ولی به وجود او یقین کامل دارند و ممانعت ابرها و دیده نشدن جرم خورشید باعث نمی شود در وجود خورشید شک کنند زیرا اثر آنرا که نور و روشنایی است می بینند.

در باره خورشید علم و عصمت نیز مطلب همین طور است، آنانکه چشم عقل خود را به روی حقایق نبسته اند هرگز نمی توانند وجود خورشید هدایت را در هیچ زمانی نادیده بگیرند با آنکه جرم و جسم شریفش را نمی بینند.

عقل آنان آنقدر نیرومند است که نمی توانند بپذیرند خداوند آنانرا بحال خود رها نموده و هدایت و راهنمائیشان نفرماید.

عقل آنان بقدری قوی است که با دیدن آثار اهل بیت رسالت و معجزه جاودانه قرآن کریم به خدا و رسول خدا و خاندان پاک او یقین دارند و نبودن حجّت و امام معصوم وقت را مساوی با بیهوده بودن خلقت و حکیم ندانستن خداوند می دانند.

آنان با دیدن روشنائی هدایت های خورشید علم و حجّت خدا به یقین می دانند که اینهمه نور و روشنایی از انعکاس نور خورشید است.

شرط دیدن این روشنایی واضح و آشکار آن است که انسان چشم عقل و قلبش را باز کند زیرا نور خورشید علم مانند نور خورشید نیست بلکه نور آن هدایت ها و سخنان نورانی و راه گشای اوست که اعمال زشت را از انسان دور می نماید.

بنابراین یکی از فوائد مهم غیبت امام علیه السلام آن است که عقول مردم بارور و شکوفا

القرآن الکریم : «اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها»^{۳۳۱}
 عن الامام الباقر عليه السلام :
 «يحيى الله بالقائم عليه السلام فيعدل فيها فيحيى الارض بالعدل بعد موتها بالظلم»^{۳۳۲}

شده به دیدن ظاهری اکتفا نمی‌کنند بلکه علم و معرفت خود را بالا برده و وجود حجت خدا را درک و از نور هدایت او بهره می‌برند.
 در بحث انعکاس نور نحوه استفاده از این نور را ذکر خواهیم کرد.

«عجیب‌ترین ایمان و والاترین یقین»

در حدیثی از وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ به آن حضرت فرمود :

«ای علی بدان عجیب‌ترین مردم از لحاظ ایمان و والاترین آنان به لحاظ یقین مردمی هستند در آخر الزمان یعنی زمانی که رسول خدا را ندیده و حتی جانشین او که حجت خداست نیز از ایشان غایب شده است و او را مستقیماً نمی‌بینند ولی در عین حال از روی حقایق منتقل شده و آثار بجای مانده رسالت که نوشته‌ای است بر کاغذ (قرآن کریم و روایات خاندان عصمت علیهم السلام) حقیقت را پذیرفته و به آن یقین نموده‌اند»^(۱).

«گوارا باد بر آنانکه چنین‌اند».

۱- کمال الدین صدوق (ره) ج ۱ ص ۲۸۸.

قرآن کریم: «بدانید خداوند زمین را پس از مرگش زنده خواهد کرد».
امام باقر علیه السلام: «یعنی آنرا با عدالت حضرت مهدی علیه السلام زنده خواهد کرد پس از آنکه بواسطه ظلم و ستم مرده و از صفات انسانی تهی شده است».

«بهره هفتم»

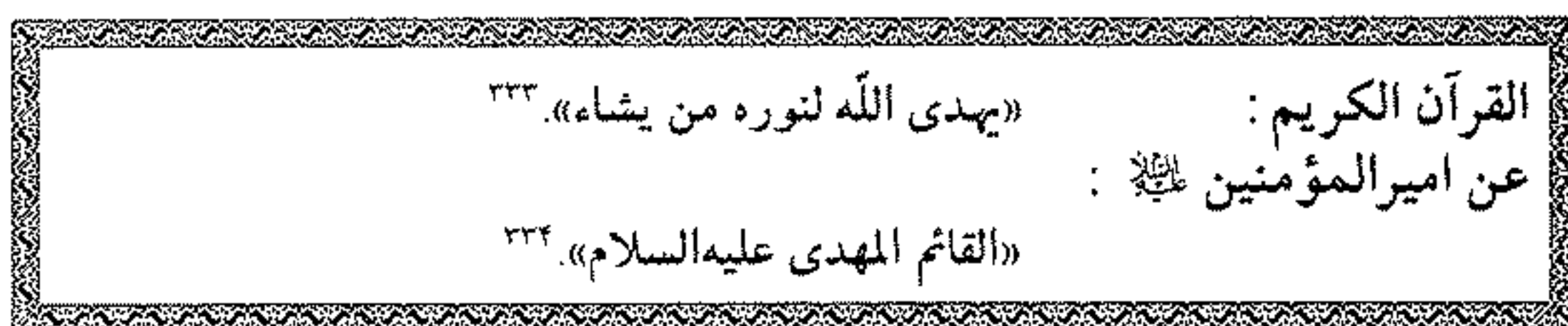
«زندگی در پرتو پاکی»

از فوائد نور خورشید آن است که در عین حالی که همه جا را روشن می‌کند ولی نورش مضر نیست و کوچکترین مشکلی برای جانداران ایجاد نمی‌نماید.
نور خورشید هدایت نیز چنین است یعنی در عین آنکه کاملاً فضای فکری آنانکه چشم دل خود را به روی او باز نموده‌اند را روشن و راه را به آنان نشان می‌دهد ولی هیچگاه کوچکترین ضرری به هیچ کس نمی‌رساند و با کنار رفتن ابرهای تردید و غفلت همه اهل زمین را جان می‌بخشد و کوچکترین ضرری ایجاد نخواهد کرد زیرا از هراشتباه و خطائی معصوم است.

توضیح آنکه:

وقتی علم در دست انسان معصوم قرار گیرد راه گشای دیگران بوده و ضرری به حال هیچ کس ندارد، ولی آنگاه که شخص غیر معصوم، علمی را در اختیار داشته باشد آنرا در خدمت خواهش‌های نفسانی خود قرار داده و با اهرم علم دیگران را اسیر خود می‌نماید و یا به آنان ضرر می‌رساند و یا با جهل خود و اشتباه نمودن خسارت عظیمی به جامعه بشری وارد می‌نماید و در حقیقت علم او نوری است پر ضرر که زندگی را بجای روشنایی بخشیدن تاریک می‌نماید.

به عنوان نمونه وقتی دانشمندان به قدرت اتم علم پیدا کردند و قدرتمندان دور افتاده از تعالیم انبیاء این علم را در اختیار گرفتند آنرا در خدمت هواهای نفسانی خود قرار داده و در یک رقم بسیار کوچک آن در ظرف چند دقیقه شهری را با بیش از



یکصد هزار نفر بخاک و خون کشیدند.

ولی اگر همین قدرت اتم در دست انسان سالم قرار گیرد از آن نیروی برق و... تولید کرده بجای مرگ زندگی می آفریند.

«هواپیمائی که دو بال می خواهد»

در همین جا این نکته را خاطرنشان می سازیم که خداوند برای آنکه به مردم جهان بفهماند سعادت و پیشرفت و تمدن تنها بوسیله علم به دست نمی آید بلکه پاکی و عصمت نیز باید با آن ملحوظ گردد و هواپیمای پیشرفت و سعادت بشر وقتی به پرواز در خواهد آمد که دو بال "علم و عصمت" آن کامل باشد.

اگر این هواپیما فقط بال علم داشته باشد هرگز به پرواز درنیامده بلکه بمجرد مقداری حرکت و سرعت گرفتن در باند پرواز از مسیر خارج شده منهدم خواهد شد. هواپیمای پیشرفت و سعادت جامعه بشری در عصر حاضر را مردم این عصر خواستند به پرواز درآورند و تصور نمودند تنها بال علم و صنعت و تکنولوژی پیشرفته برای حرکت آن کافی است.

ولی برای آنکه خداوند به آنان بفهماند پرواز این هواپیما در آسمان سعادت رموز پیچیده ای دارد که دانشمندان قطره ای از اقیانوس این رموز را نمی دانند بشر عصر حاضر را با مقداری اندک از پیشرفتهای علمی آزاد گذاشت تا نقش رهبری منجی آخر الزمان به عنوان یک نماینده معصوم الهی روشن گردد.

انسانها به مجرد آنکه مقداری اندک از علوم مادی را به دست آورده اند به خود مغرور شده مدعی شدند می توانند این هواپیمای سنگین را به پرواز درآورند.

ولی وقتی این هواپیما مختصری حرکت کرد فجایعی چون جنگ جهانی اول و دوم

قرآن کریم: «خداوند بوسیله نورش هر کس را بنخواهد هدایت می فرماید».
امیرالمؤمنین علیه السلام: «نور خدا حضرت مهدی علیه السلام است».

و انفجار بمبهای اتمی و جنگهای خانمانسوز و هزاران بلای دیگر بیار آورد و جهانیان دریافتند که اگر قدرت علم در دست انسان غیرمعصوم قرار گیرد همان قدرت در جهت نابودی آنان بکارگرفته خواهد شد با آنکه این بال علم زیبا و حیرت انگیز است ولی مهم آن است که چه کسی آنرا حرکت دهد انسان معصوم از خطا یا غیر او؟ اینجاست که عقل هر عاقلی درمی یابد وجود یک امام معصوم در رأس رهبری جهان از نفس کشیدن برای بشر ضروری تر است زیرا اگر او رهبری جهان را در دست نگیرد وقوع یک جنگ جهانی دیگر کافیت به حیات همه مردم جهان برای دهها مرتبه پایان دهد و دیگر کسی در جهان برای نفس کشیدن یافت نشود.

«خداوند کره زمین را حفظ نموده است»

البته نگران نباشید، خداوند مهربان به بشریت وعده داده است بوسیله نماینده خویش حضرت بقیه الله ارواحناده جهان را نجات دهد و کره زمین را تا لحظه ظهور آن حضرت حفظ نماید.

توضیح آنکه: خداوند پس از بعثت آخرین پیامبر خویش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و توسط جانشینان معصوم او خواسته است جهان برای همیشه از شر ظلم و ستم و بی عدالتی پاک شود ولی چون مردم آن زمان تاکنون رشد فکری از خود نشان ندادند این اصلاح را به تأخیر انداخت و عمر طولانی به دوازدهمین جانشین رسول خود عنایت فرمود تا قرنهای بگذرد و مردم آماده پذیرش حکومت جهانی حق گردند.

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :
 «و تعمرا الارض و تصفو و تزهو بمهدیها و تجری به أنهارها و تعدم الفتن والغارات و
 یكثر الخیر و البركات».^{۳۳۵}

«بهره هشتم»

«سومه دیدار»

هنگامی که ابرها سراسر آسمان را پوشانده‌اند، برای بعضی از مردم در نقطه‌ای گوشه‌ای از ابرها کنار رفته و جرم خورشید لحظاتی نمایان می‌شود. در زمان غیبت کبری نیز چنین است، گاهی برای بعضی از مردم خصوصاً آنانکه بیشتر چشم‌انتظار رؤیت خورشیداند و گاهی برای کسانی که چنین نیستند، ابرها کنار رفته و لحظاتی خورشید بی‌مثال هدایت، آنکه ابرهای تیره غفلت و ظلم، ظالمانه چهره او را پوشانده‌اند، جمال خود را نمایان ساخته و سپس به سرعت رخ پنهان می‌کند تا همه او را به یکدیگر نشان ندهند و تیرهای ظلم و ستم او را نشانه نگیرد همانطور که با پدران مظلومش چنین کردند.

پس باید به آنانکه مشتاق دیدار جمال خورشیدند، مژده داد گاهی ممکن است بدون پیش‌بینی قبلی این سعادت نصیب آنان گردد و در لیست کسانی که موفق به دیدار خورشید گشته‌اند قرار گیرند.

در بخش "او در بین ماست" این عطش و آرزو بیشتر مورد توجه قرار گرفته و چند نمونه کوچک نیز تقدیم گردیده است.

شما می‌توانید بطور مرتب این دعا را بخوانید و آن حضرت را از خود خشنود نمائید.

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ

امیرالمؤمنین علیه السلام :
«کره زمین تنها بوسیله حضرت مهدی علیه السلام آباد و پرطراوت و با نشاط می شود و آنها
در آن جریان یافته و فتنه ها و دزدیها در آن پایان می یابد و خیر و برکات در آن بسیار
می گردد».

مَخْرَجُهُ (۱).

یعنی : "خدایا آن پاره ماه درخشان و سفیدروی نیکو منظر را به من بنمایان و
دیدگانم را با سرمه دیدار او روشنایی بخش و گشایش امر او را تعجیل فرما و
خروجش را آسان نما".

«مرا کدام یک از سلاطین تصوّر کرده ای؟»

چه خوش است یکی از آن دیدارهای پر طراوت را که بطور اتفاقی
وقتی کتاب پرنور و معنویت ملاقات با امام زمان علیه السلام نوشته استناد
بزرگوaram را باز کردم، دیدم در اینجا نقل کنم شاید مرا از دعای خیر
فراموش نفرمائید. انشاءالله.

ایشان در ملاقات سی و پنجم (۲) مرقوم فرموده اند :

حاجی نوری رحمه الله علیه می گوید : شیخ محمد طاهر نجفی که مرد صالح و متقی
است و خادم مسجد کوفه بوده و با عیالش سالها همانجا زندگی می کرده و من خودم
مدتهاست که او را به تقوی و دیانت می شناسم می گفت :

«یکی از علماء باتقوا که مدتها در مسجد کوفه معتکف بود و تقوی و دیانت شیخ
محمد طاهر را می ستود، می فرمود :

در سال گذشته به مسجد کوفه رفتم و احوال او را پرسیدم، قضیه ای برای من نقل
کرد و آن این بود که در چند سال قبل به واسطه نزاعی که بین دو قبیله در نجف اشرف

۱- قسمتی از دعا عهد - مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره).

۲- کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام نک جلدی ص ۱۶۱.

عن الامام الرضا عليه السلام :

«... يطهر الله به الارض من كل جور، و يقدرها من كل ظلم...»^{۲۳۶}

اتفاق افتاده بود، زوَّار و اهل علم به مسجد کوفه مشرف نمی شدند لذا امر معاش بر من سخت شده بود زیرا درآمد من تنها از این طریق بود و عیالاتم زیاد بودند، و حتی بعضی از ایتام کوفه را من تکفل می کردم.

بالاخره شب جمعه‌ای بود، که هیچ قوت و پول و غذا نداشتم و اطفالم از گرسنگی ناله می کردند، خیلی دلتنگ شدم رو به قبله در محلی که بین محل سفینه که معروف به تنور است و بین دکه القضاء^(۱) نشستم و شکایت حال خود را به خدای تعالی نمودم.

و ضمناً عرض کردم، که خدایا، به این حالت راضی هستم ولی چه کنم؟ که در عین حال جمال مقدس مولایم حضرت صاحب الامر عليه السلام را نمی بینم.

اگر این عنایت را به من بکنی و مرا موفق به زیارت آن حضرت بنمائی!

از تو چیز دیگری نمی خواهم و به این فقر و تنگ دستی صبر می کنم.

ناگاه بی اختیار سرپا ایستادم و دیدم، به دست سجاده سفیدی است و دست دیگرم در دست جوان جلیل القدری است که آثار عظمت و جلال و هیبت از او ظاهر بود. لباس نفیسی مایل به سیاه در برداشت، که من گمان کردم، او یکی از سلاطین است. ولی بعد دیدم، عمامه‌ای سبز دارد و پهلوی او شخصی ایستاده که لباس سفید در برداشت.

بالاخره سه نفری به طرف دکه القضاء نزدیک محراب رفتیم، وقتی به آنجا رسیدیم، آن کسی که دستش در دست من بود فرمود :

«یا طاهر إفرش السجادة» یعنی : ای طاهر سجاده را بینداز.

۱- این دو محل از مقاماتی است که در مسجد کوفه موجود می باشد.

امام رضا علیه السلام :
«خداوند کره زمین را بوسیله حضرت مهدی علیه السلام از تمامی ستمها و ظلمها پاکسازی و آن را با قداست خواهد نمود».

من سجاده را انداختم، دیدم آن سجاده فوق العاده سفید و درخشندگی دارد، ولی نفهمیدم جنس آن سجاده از چیست.

من سجاده را رو به قبله انداختم، آن آقا روی آن سجاده ایستاد و تکبیر گفت و مشغول نماز شد و دائماً نور و عظمت او در نظرم افزوده می شد، کم کم به قدری نورش زیاد شد، که دیگر ممکن نبود به صورتش نگاه کنم.

و آن شخص دیگر که با او بود، پشت سرش به فاصله چهار وجب نماز می خواند. من روبروی آنها ایستاده بودم، و فکر می کردم و در دلم افتاد که این آقا کیست؟ وقتی از نماز فارغ شدند، آن شخص را که پشت سر آن اولی نماز می خواند، دیگر ندیدم ولی آن آقا را دیدم که ناگهان بر بالای کرسی مرتفعی که چهار ذرع ارتفاع داشت و سقفی هم بر او بود نشسته و به قدری آن کرسی و خود وجود مقدسش نورانی است که چشم را خیره می کرد.

سپس به من فرمود :

ای طاهر مرا از کدام یک از سلاطین گمان کرده ای؟!

گفتم : ای مولای من! شما سلطان سلاطین و سید عالمی و شما از اینها نیستید. فرمود :

ای طاهر به مقصد خود (که زیارت صاحب الزمان علیه السلام باشد) رسیدی حالا بگو چه می خواهی آیا ما شما را هر روز حمایت و رعایت نمی کنیم؟ احوال و اعمال شما را هر روز به ما عرضه می دارند. و بالاخره به من وعده فرمود : که وضعم خوب خواهد شد و از آن تنگدستی نجات پیدا می کنم.

عن الامام الباقر عليه السلام :
 «أنه اذا خرج أسند ظهره الى الكعبه فأول ما ينطق بهذه الآية : بقية الله خير لكم
 ان كنتم مؤمنين» ثم يقول : أنا بقية الله و خليفته...»^{۳۳۷}

در این بین، شخصی که من او را می‌شناختم و اسمش را می‌دانستم و او آدم معصیت‌کاری بود، از طرف صحن حضرت مسلم وارد مسجد کوفه شد. ناگهان دیدم، آثار غضب در سیمای آن وجود مقدس ظاهر شد و روی مبارکش را به طرف آن مرد کرد و فرمود :

ای... کجا فرار می‌کنی! مگر زمین مال ما نیست، مگر آسمان از ما نیست در زمین و آسمان احکام و دستورات ما باید اجرای شود و تو چاره‌ای جز آنکه زیر دست ما باشی نداری!

سپس رو به من کرد و تبسمی فرمود و گفت :
 ای طاهر به حاجت رسیدی دیگر چه می‌خواهی؟
 اما من به قدری تحت تأثیر جلال و عظمت و هیبت او قرار گرفته بودم، که نمی‌توانستم حرف بزنم.

باز دو مرتبه آن حضرت همین کلام را تکرار فرمود.
 باز هم نتوانستم چیزی بگویم و سوالی از او بکنم و به قدری خوشحال بودم، که به وصف نمی‌آید در این موقع با کمتر از یک چشم برهم زدن خود را تنها در میان مسجد دیدم و دیگر اثری از او نبود وقتی به طرف مشرق نگاه کردم، دیدم صبح طالع شده است.

شیخ طاهر می‌گفت : از آن تاریخ تا بحال به حمدالله به قدری در وسعت رزق قرار گرفته‌ام که دیگری پولی و سختی به هیچ وجه ندیده‌ام.

امام باقر علیه السلام : اولین کلام حضرت ولی عصر علیه السلام در هنگام ظهور این آیه است :
«ای مردم بقیة الله (باقیمانده خدا) بهترین چیز برای شماست اگر به آن ایمان داشته باشید.»
آنگاه می فرمایند : «من همان باقیمانده پروردگار و جانشین او هستم.»

«بهره نهم»

«انعکاس نور»

گرچه وقتی خورشید را ابرها پوشانده اند نمی توان بطور مستقیم آنرا مشاهده و از نور مستقیم اش بهره جست ولی همان نور را می توان در اثر انعکاس نور که از ابرها و یا اشیاء اطرافمان می رسد دریافت نمود.

در اینجا هم با آنکه مستقیماً به امام عصر ارواحنا فداه دسترسی نیست ولی می توان از انعکاس نور (یعنی همان علوم بی پایانش) بهره جست.

در حقیقت آنچه برای ما که پشت ابرها قرار گرفته ایم مهم است آن است که از نور خورشید استفاده کنیم، حال که ابرها آنرا پوشانده اند ممانعتی در استفاده از نور نیست و می توان علوم و کلمات آن حضرت و آباء گرامش را که جملگی نورند و هدایت بخش، استفاده نمود.

و شرط استفاده از نور منعکس شده در قالب کلمات و روایات خاندان عصمت علیهم السلام که توسط علماء تربیت شده این خاندان به ما می رسد آن است که اعتقادات خود را تصحیح و محکم نموده و با اعتقاد راسخ به آنچه معتقد هستیم عمل نمائیم، لذا آنانکه طالب حقیقت اند با آنکه جمال بی مثال خورشید هدایت را مستقیماً نمی بینند ولی از انعکاس نور آن کمال بهره را برده و همه کارهائی که باید انجام دهند و در زیر نور مستقیم خورشید می خواستند انجام دهند در زیر همان ابرها انجام می دهند.

آری عده ای در همین زمان غیبت چشم دل باز کرده و دیده نشدن جسم امام زمان علیه السلام را بهانه تنبلی ها و سستی های خود قرار نمی دهند فقط آنانکه چشمان خود

دعائندبة :

«بابی انت و امی و نفسی... یابن الهداة المهدیین»^{۳۳۸}

را بسته‌اند یا کورند یا... و نمی‌خواهند خورشید را باور کنند و به عظمت او اعتراف نمایند، پوشیده شدن آنرا بهانه نموده اصل خورشید و نورش را منکر شده‌اند تا هواهای نفسانی خود را حاکم نمایند.

بنابراین اگر جرم خورشید را مستقیماً نمی‌توان دید ولی از نورش که می‌شود استفاده کرد انسانی که می‌خواهد به راه راست هدایت شود و به کمال برسد، لازم نیست جسم امام علیه السلام را با چشمان ظاهری ببینند.

دیدن جسم امام علیه السلام عنایتی است که خداوند در این زمان به بعضی می‌کند و شاید بعضی از آنان بهمین وسیله اعتقادشان قوی شود و در اثر غیبت امام علیه السلام از راه راست منحرف نشوند.

در روایتی این مطلب بدین مضمون آمده است که اگر خداوند می‌دانست دوستانش در اثر غیبت امام علیه السلام دچار شک و تردید می‌شوند هرگز آن حضرت را از دید آنان مخفی نمی‌نمود.

معلوم می‌شود دوستان واقعی خدا آنقدر قوی هستند که با دیده نشدن جسم امام علیه السلام ایمانشان تکان نمی‌خورد و دیدن جسم امام یا ندیدن آن از ارزش آنان نمی‌کاهد.

کسی که از خواب غفلت بیدار شده و چشمانش را باز نموده و در زندگی دنیا خود را بین بهشت و جهنم حس می‌کند با استفاده از نور غیرمستقیم خورشید پنهان در پس ابر، راه خود را می‌رود و مانند زمانی که خورشید در پس ابر نیست (یعنی زمان ظهور امام علیه السلام) خود را به مقصد می‌رساند و لذا امام صادق علیه السلام در روایتی به فضیل بن یسار می‌فرمایند :

دعای ندبه :

«پدر و مادر و جانم فدای شما ای فرزندان پیشوایان هدایت و خورشیدهای نورانی».

“ ای فضیل کوشش کن مقام امام زمانت را بشناسی (و بدینوسیله خود را به کمالات روحی برسانی) که اگر چنین کردی (به مقصد رسیده‌ای) خواه ظهور آن حضرت جلو بیفتد یا تأخیر داشته باشد ضرری به تو نخواهد رسید ”.^(۱)

دعاء الندبة :

«این الشموس الطالعة این الأقار المنيرة این الأنجم الزاهرة».^{۲۳۹}

«بهره دهم»

«بر فراز ابرها»

هنگامیکه ابرها چهره خورشید را می پوشانند ما پشت ابر هستیم یا خورشید پشت ابر است؟

با کمی تأمل در می یابیم که ما پشت ابریم نه خورشید.

از لطائف و ظرافتهای تشبیه امام عصر ارواح نافذ به خورشیدی که ابرها آن را پوشانده اند این مطلب است که ما در پس پرده ها و حجابهای نفسانی و ظلمانی غفلت و دنیا دوستی و شهوات و ... قرار گرفته ایم و این ابرهای تیره مانع تابیدن نور خورشید هدایت بر ما می شود نه آنکه خورشید پشت ابر است، زیرا اگر بر فراز ابرها رویم خواهیم دید خورشید بهمه عالم نورافشانی می کند و این ما بودیم که در پس ابرها از نور آن محروم بودیم لذا آنانکه می گویند امام زمان علیه السلام در زندان غیبت است تعبیر صحیحی نمی کنند.

آنان باید بگویند ما در زندان غیبت اعمال و حجابهای روحی عمومی خود گرفتار و در پس ابرهای تیره ایم.

لذا در هنگام ظهور حضرت بقیة الله ارواح نافذ، آن حضرت این ابرهای سیاه و تاریک را از میان برداشته، نور علم و عصمت خود را به ما می رسانند و جهان پر از ثروت و خوشی و عدالت و رفاه و آسایش عمومی و سیرالی الله و توحید می گردد.

این ابرهای تیره را خودمان بالای سر خود قرار داده ایم همانطور که امروزه در شهرهای بزرگ آلوده دنیا، مردم با دود اتومبیلهاشان ابری از گازها و مواد سمی و آلوده را بر بالای شهر خود می فرستند و موجب مرگ و میر خود می گردند.

دعای ندبه :

«کجایند آن خورشیدهای هدایت، کجایند آن ماههای نورانی کجایند آن ستارگان درخشان»
(تاجامعه بشری تاریکی جهل و ستم را بوسینه نورآنان بر طرف نماید و خود را به سعادت برساند).

زمان غیبت چنین زمانی است.

زمانی است که دود سمّی و کشنده فساد جنسی و فیلمهای مبتذل و گناهان دیگری چون غیبت دیگران، تهمت و شایعه و ... از اتومبیل بدن ما خارج و فضای فکری و معنوی و هوای سالم توجه به خدا را آلوده می نماید.

این دودها بقدری زیاد و کشنده است که اولاً مانع دیده شدن جرم خورشید هدایت (دیده شدن امام زمان علیه السلام) می گردد و ثانیاً با تنفس از این هوای آلوده بسیاری از مردم روحشان زندگی انسانی را از دست می دهد و چیزی جز گناه و بدبینی و شایعات و مفاسد گوناگون و میل به شهوات نامشروع در اجتماع دیده نمی شود و تمام همت مردم صرف ازدیاد ثروت و حسابهای بانکی و رسیدن به شهوات و کسب ریاست و مقام و رشوه خواری و غیره می گردد.

«خروج از شهر یا پرواز...»

در اینحال انسان باید خود را از مرگ حتمی روحی نجات دهد یا از شهر آلوده خارج شود و یا بر هواپیما سوار شده بر فراز ابرها و در فضای باز قرار گیرد.

اینجاست که مسأله "هجرت" مطرح می شود.

آنانکه نمی خواهند در مفاسد دنیای امروز بمیرند باید بر طرح "هجرت" بیندیشند و آنرا بر خود و خانواده و اجتماع خود (تا جائیکه توان و قدرت هست) عمل نمایند. قرآن کریم بر هجرت فی سبیل الله تاکید بسیار نموده است.

اینک باید آنانکه مقام انسانیت را می خواهند، انسانیتی که انبیاء آنرا تعریف نموده اند (نه شعار انسانیت و حقوق بشر که دشمنان انسانیت نیز آنرا بسیار داغ تر از دیگران سر می دهند تا شکار بیشتری از جامعه بشری در تور صیادی مفاسد اخلاقی و

دعائندبة :

«بابی انت و امی و نفسی... یابن البدور المنيرة یابن السرج المضيئه». ۳۴۰

اجتماعی و سیاسی خود بیندازند). آری آنانکه مقام انسانیّت و صفات پسندیده الهی را می خواهند باید از رذایل و افکار آلوده و اعمال زشت مردمی که نماینده خدای خود حضرت منجی آخرالزمان ارواحناده را نمی شناسند هجرت نمایند و در شهر آلوده غفلت و فساد آنان نمانند.

باید به کمک یاران امام زمان علیه السلام و آنانکه جان و مالشان را در کف دست گذاشته فدای آن حضرت می کنند و اعمال و رفتار و اخلاق و گفتار و عقایدشان آینه ای است برای نشان دادن راه امام زمان علیه السلام و توجه به آن حضرت به عنوان نماینده همه انبیاء الهی و منجی آخرالزمان است، آری به کمک اینان باید هواپیمای سالم و پر قیمت "نفس" را مجهز نموده و با دو بال علم و پاکی و دوری از صفات رذیله پرواز و از ابرهای سیاه و آلوده عبور نمود.

باید از فضای چنین شهری گذشت و به شهری دیگر و محیطی سالم راه یافت به شهر علم، شهر پاکی، شهر صداقت، شهر توبه، شهر استقامت بر راه خدا، شهر حفظ افکار و روحیات در مسیر خاندان رسالت، شهر محبت به پروردگار و...

«چه کسی زندانی است»

آری خورشید پشت ابر نیست ما پشت ابر هستیم، امام زمان علیه السلام در زندان غیبت نیست، ما در زندان اخلاق و اعمال زشت خود گرفتاریم و باید یک انقلاب عظیم فکری و فرهنگی براه انداخته میله های این زندان را بشکنیم و خود را نجات دهیم. باید دودهای غفلت و گناه را متوقف کنیم و از بدنمان، از هیچ جای آن، نه از چشم نه از گوش نه از زبان و نه از قلب و فکر و دست پا و شهوتمان هیچ دود سیاهی خارج نشود و خود و دیگران را به مرگ روحی نکشانند.

دعای ندبه :

«پدر و مادر و جانم فدای شما یا صاحب الزمان، ای فرزند ماههای نورانی، ای فرزند چراغهای هدایت».

«بهره یازدهم»

«با همه و دور از همه»

خورشید هم با همه است هم دور از همه، همچنین نماینده و حجّت خدا در زمین باید چنین باشد و هست.

او می خواهد همه را هدایت کند پس مانند خورشید باید نور علم و هدایتش به همه برسد و هر انسانی بتواند از کلمات و راهنماییهایش راه راست را بیابد چنانکه خورشید این چنین است.

از سوی دیگر خورشید چنان بزرگ و با عظمت است و درخشش و حرارت زیادی دارد که باید میلیونها کیلومتر از زمین دور باشد زیرا که صدها هزار کره زمین (چه رسد به جمعیت آن) در میان خورشید جای می گیرند، همچنین حجّت خدا چنان با عظمت و مقام بلندی دارد که از افکار و اذهان مردم فاصله بسیار دارد و هیچکس نمی تواند مقام او را درک نماید و این بخاطر عظمت علمی آن وجود مقدّس است که تمام علوم دانشمندان در همه تاریخ بشریت از قطره ای نیز در برابر اقیانوس علم آن بزرگوار که به علم پروردگار متصل است کمتر می باشد بدیهی است که مقام منبع او را کسی نتواند درک کند و همانطور که اگر انسان دست خود را بسوی خورشید دراز کند چقدر به آن نزدیک می شود و چقدر می تواند آنرا دریابد همچنین فکر انسان هر قدر بخواهد به عظمت مقام حجّت خدا و علم او نزدیک شود کمتر از آن است که بتواند او را درک نماید.^(۱)

۱- در حدیث بسیار گرانقدر معرفت امام علیّه که از حضرت رضا علیّه می باشد این حقایق بیان شده است.

کمال الدین صدوق ج ۲ ص ۶۷۵ - ۶۸۱.

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک یا باب الله و دیان دینه».^{۳۴۱}

«بزرگ ولی مهربان»

خورشید در عین عظمت و دوری از زمین در هر خانه‌ای حضور دارد و کسی او را از خود دور نمی‌بیند و حرارت و نورش جان انسان را نیرو می‌بخشد. حجت خدا نیز بواسطه علم بی‌پایانش (که چون نور خورشید است) در همه دلها و افکار تابش و حرارت دارد که نزدیک و پهلوی هر کس که وجود مقدّسش را نادیده نگیرد حاضر است (زیرا همه چیز عالم است) و جان انسان و روحش را محبت و صفا می‌بخشد و او را متوجه عظمت پروردگار و مهربانی او می‌نماید و این حرارت محبت انسان را از دردها خصوصاً درد دنیاپرستی و دنیا دوستی دور کرده، آرامش به او می‌بخشد.

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای تنها راه ارتباطی خدا با خلق و ای تحقق بخش راه و روش پروردگار در جهان».

«بهره دوازدهم»

«حیات مجدد»

آنگاه که نور خورشید به مدت طولانی به زمین نرسد گیاهان حیات خود را از دست می دهند و با تابش مجدد آن جان می گیرند.

همچنین بواسطه زمان غیبت امام علیه السلام، علوم و معارف آن حضرت از اذهان مردم کنار می رود و آنان با تاریکیهای فکری و جهالتها خو می گیرند مانند گیاهان محروم از نور، حیات انسانی خود را از دست داده یا نیمه جان می شوند چرا که علم حقیقی زنده کننده روح و فکر آدمی است و قلب و روح انسان بدون آن زندگی حقیقی ندارد.

ممکن است کسی بگوید صدها صنف و گروه و هزاران رهبر فکری جامعه بشری (ایدئولوگ یا تئوریسین به اصطلاح غربی) هزاران کتاب علمی تألیف کرده و امروزه رسانه های بزرگ و میلیونها جلد کتاب افکار مردم جهان را از اطلاعات مختلف پر کرده اند آیا این رسیدن غذای فکری به بشر نیست؟

پاسخ ما آن است که علم حقیقی با فرضیه و احتمال و گمان و آنچه انسان فکر می کند و حدس می زند نباید جابجا شود.

علم حقیقی چیزی است که صد درصد مطابق با واقع است و اگر صدها میلیون سال هم بگذرد و بشر پیشرفت کند علم حقیقی تغییری نمی کند.

مثلاً علم حقیقی در باره کرویت زمین اینست که زمین کروی شکل است چرا که بالعیان آنرا چنین می بینیم ولی دانشمندان قدیم جهان می گفتند زمین کروی نیست، حال آیا گفته آنان برای مردم آن زمان علم بوده یا گمان و حدس و فرضیه؟ و آیا این

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک یا حجة الله و دلیل ارادته».^{۳۴۲}

اظهار نظر آنان می توانست جایگزین علم حقیقی که کرویّت زمین است گردد؟ هرگز! مثال دیگر که مطلب را روشنتر نماید آنکه علم حقیقی در مورد آب و اثر آن اینست که آب تشنگی را برطرف و انسان در حال مرگ از شدّت تشنگی را جان تازه می بخشد.

حال اگر کسی بگوید من تحقیق کرده ام که آب هیچ فایده ای برای بدن انسان ندارد، آیا سخن غیر علمی او را می توان با شعار و ظاهر سازی و یا خیال پردازیهای او و پوشیده شدن واقعیت "علم" تصوّر کرد و هنگام تشنگی آب ننوشید و به بدن ضرر وارد نمود و حتّی در اثر تشنگی جان سپرد؟

«جهان از آب حیات بهره نمی برد»

مثّل علم و حکمتهایی که خداوند بوسیله حجّت خویش به بشر می دهد مثّل آب حیات است که حقیقت آن زنده نمودن روح و جان انسانهاست. حتّی باید بگوئیم علم بی کران حجّت خدا موجب حفظ حیات موجودات می شود چنانکه در عصر حاضر خداوند به بشر فهمانده که علم موجب حیات می شود و بوسیله علم زندگی مادی انسانها متحوّل و زندگی شکل دیگری بخود گرفته است.

«علم دانشمندان قطره ای ...»

علمی که دانشمندان بشری به آن دست یافته اند تنها قطره ای از اقیانوس علوم بی کران الهی است که حجّت خدا خزانه نگهداری آن علوم است.^(۱)

۱- در زیارت جامعه کبیره در باره معرفت به علوم امام علیّه آمده است: و خزنة لعلمه یعنی شما خاندان عصمت خزائن علم خدا هستید.

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما ای سخن پروردگار و حجت او، ای راهنمایی کننده بسوی آنچه خدا اراده فرموده است».

چنانکه قبلاً گفتیم جامعه بشری قدر علم را نمی دانست و حجج الهی و جانشینان آخرین پیامبر خدا را بهمین دلیل از بین برد و خداوند آخرین آنان که منجی آخرالزمان است را برای حفظ حیات بشر نگه داشت تا قرنهای سپری شود و مردم قدر علم را بدانند که در عصر حاضر خداوند این عنایت را به انسانها فرموده و اجازه کشف اندکی از علوم مادی را به آنان داده است تا با چشم خود ببینند علم چه آثار حیاتبخشی در جامعه بشری دارد که هم اکنون ما این آثار بزرگ را در جای جای زندگی خویش ملاحظه می کنیم.

اکنون که جهان از علوم بی پایان حجت خدا بهره نمی برد چون تشنه ای است که زمان بسیاری است آب به او نرسیده^(۱) و نزدیک است از شدت عطش بیهوش شده و جان دهد.

آیا سخن دشمنان بشر یا افراد ناآگاه که حقیقت وجود حجت خدا را نمی شناسند و این "آب گوارای علم و معرفت" را تاکنون ننوشیده اند، آیا سخن اینان که "آب" را تکذیب و اثر حیاتبخش آنرا انکار می کنند باید موجب شود جهانیان آنرا کنار گذاشته برای رفع عطش خود به سراب و به آنچه آثار زیانبخش دارد پناه برده و هرچه از آنها می خورند یا می میرند و یا تشنگی شدیدتری پیدا می کنند.

۱- در دعاء ندبه خطاب به امام عصر ارواحنا فداه می گوئیم : متى ننتفع من عذب ماءك فقد طال الصدى یعنی : ای بزرگوار، ای حجت خدا چه وقت از آب گوارایت (علوم بی پایانت) بهره می بریم که تشنگی طولانی شده است.

زیارة آل یاسین :

«السلام علیک فی اللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی».^{۳۲۳}

«چه باید کرد؟»

اکنون چه باید کرد؟

آیا می توان برای رفع عطش چیزی جز آب را معرفی کرد؟

آیا می شود با خدا بحث و اعتراضی نمود که چرا تو اینقدر اصرار داری آب را برای

رفع عطش بما بدهی؟

باید بگوئیم :

خداوند مربی بشر و مربی تمام ذرات عالم است.

محال است او بجای آب چیزی جز آب نشانمان دهد.

محال است بجای منجی عالم بشریت، سرابهای دروغین و افکار و ایده های

هدایت کننده بسوی جهنم را بما ارائه دهد.

«خداوند به بشر می فهماند...»

و خداوند به بشر می فهماند و فهمانده است که اگر منبع علم و عصمت را نادیده

بگیرید، اگر حجت من که همان منبع علم و پاکی است را فراموش کنید یعنی آب

حیات را فراموش کرده و تشنه خواهید شد. ولی من نمی گذارم این وضع ادامه پیدا

کند، من به بشر می فهمانم که معنی نادیده گرفتن امام معصوم یعنی تحمّل دهها

میلیون کشته جنگهای جهانی و تحمّل میلیونها فاجعه که جامعه بشری به آن

مبتلاست.

«زمین روشن می شود»

نوید تحقق وعده فوق و حقایق بیان شده در صفحات پیشین که یک بشارت عقلی و

الهی است در دو جای قرآن کریم بیان شده است:

زیارت آل یاسین :

«سلام بر شما یا صاحب الزمان در تاریکیهای شب و روشنائی روز»
(در عصر غیبت که چون شب و در عصر ظهورت که چون روز است).

اول : در سورة حدید آیه ۱۷ فرموده است :

“اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها”

یعنی : “بدانید که خداوند کره زمین را پس از مرگش زنده خواهد کرد.”
در تفسیر این آیه مبارکه از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام روایت شده است که منظور زنده شدن مردم کره زمین با ظهور امام زمان علیه السلام است زیرا قبل از آن کفر و دوری از علم و حقیقت همه جا را گرفته و زمین مرده است.^(۱)

دوم : در سورة زمر آیه ۶۹ می فرماید :

“واشرق الارض بنور ربها”

یعنی : “آنگاه که زمین با نور پروردگارش روشن و درخشان گردد.”
در تفسیر این آیه شریفه نیز نقل شده است که منظور از رب الارض امام و حجت خداست که با نور او زمین روشن می شود.^(۲)
آری، کره زمین در اثر دوری از علم و عصمت “خورشید هدایت” مرده و تاریک است زیرا :

تاریکی جهل و صفات رذیله جهانی شده و بوسیله ماهواره ها و وسائل پیشرفته تمام نقاط کره زمین را صفات غیرانسانی و فساد و فحشاء و هزاران بلای دیگر و مهمتر از همه دوری از تعالیم انبیاء علیهم السلام فراگرفته و انسان در این تاریکی نمی تواند قدم از

۱- عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل (اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها) قال عليه السلام يحيى الله عزوجل بالقائم عليه السلام (الارض) (بعد موتها) كفر اهلها (بموتها بكفر اهلها) الكافر ميت. المحجة ص ۲۲۱.

۲- المحجة ص ۱۸۴.

عن مولانا صاحب الزمان رحمته الله :

«و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الأبصار السحاب».^{۳۴۴}

قدم بردارد و خود را به کمالات روحی برساند و بوی تعفن اعمال زشت و غیر انسانی شامه هر انسانی را می آزارد و او را از زندگی در این جهنم صفات شیطانی و حیوانی بیزار می نماید.

امید است آنانکه خورشید هدایت را شناخته اند وقتی می بینند جامعه بطور عموم تکانی نخورده و بسوی آن منجی یگانه حرکتی نمی کند خود را از این گرداب نجات دهند و بسوی آن عزیز مهربان که منتظرشان ایستاده حرکت کنند که او پناه بی پناهان و یاور مستضعفان و فریادرس بیچارگان است.

امام عصر ارواحناده :

«کیفیت استفاده از من در زمان ناشناس زندگی کردنم (غیبتم) مانند استفاده مردم از نور خورشید است آنگاه که ابرها آنرا از دیده پنهان نموده‌اند».

«بهره سیزدهم»

«به خطر افتادن امنیت در تاریکی شب»

در تاریکی شب فرصت سوءاستفاده برای افراد شرور ایجاد می‌شود و آنان با استفاده از تاریکی و تحت تعقیب واقع نشدن اقدام به دزدی و جنایت و ... می‌نمایند ولی با طلوع خورشید و روشن شدن هوا دیگر این امکان از آنان سلب می‌شود.

در باره خورشید هدایت نیز مطلب چنین است.

اگر جهان با نور علم و هدایت آن حضرت روشن شود، تاریکی‌های جهل و صفات رذیله‌ای که امروزه روحیات بسیاری از افراد بشر را فرا گرفته و آنانرا متصف به صفات رذیله حسد، تکبر، ریا، خودخواهی و خودپسندی، زورگویی، دنیادوستی و وابستگی روحی به آن، و دهها صفت دیگر نموده است از بین خواهد رفت.

در اثر تاریکی این صفات است که انسانها در معرض دستبرد لشکرهای شیطان واقع شده و حتی انسانیت آنانرا شیطان می‌رباید و هیچ ارزشی برایشان باقی نمی‌گذارد مانند دزدی که در تاریکی شب تمام اثاثیه منزل را غارت نماید و حتی علاوه بر ربودن اثاثیه در بعضی موارد صاحب منزل را هم بکشد و خانه‌اش را نیز خراب کند.

شیطان و هواهای نفسانی بشر دزدهائی هستند که اثاثیه زندگی انسانی را می‌ربایند، اثاثیه‌ای که نامش صفات حمیده و پسندیده انسانی است که نام بعضی از آنها چنین است پرده‌های گران قیمت عفت، حیا، کتابخانه علم و دانش، فرشهای گرانقیمت محبت و ... گاهی علاوه بر ربودن این اثاثیه، شیطان و هوای نفس روح انسانرا می‌کشند و خانه ایمان را نیز خراب می‌نمایند. بطوری که بعضی از انسانها امروز هیچ

زیارة يوم الجمعة :

«السلام عليك يا نورالله الذي يهتدى به المهتدون».^{۳۲۵}

چیزی ندارند و آواره و سرگردان و از درون تهی هستند و حتی ممکن است در ثروت و رفاه کامل مادی خود را با مواد مخدر آرام نمایند که همین عمل را نیز شیطان بر آنان تحمیل نموده است و با مواد مخدر که امروز معضل بزرگی در جهان است حتی نگذارد آنان درد انسانیت و درد دوری از خدا و سایر دردهای هشدار دهنده را حس نمایند شیطان حتی نمی خواهد آنان برای انسانیت و حیاء و عفت و ایمان و خوبیهای از دست رفته خویش گریه کنند و با تخدیر مواد مخدر هیچ نفهمند و در مقابل همه چیز بی تفاوت باشند.

این مواد مخدر منحصر به تریاک و هروئین و امثال آن نیست بلکه دامنه آن وسیع تر است و شامل افکار انحرافی و فیلمهای مبتذل جنسی و دهها نوع امور بیهوده در زندگی بشر امروز می شود.

انسان با صفات حمیده ارزشمند می شود، انسان وقتی دارای صفات حمیده و انسانی باشد او را می توان انسان نامید.

«همه جا را غارت می کنند»

جهان امروز مانند شهری تاریک و زلزله زده است که هیچ در و پیکری ندارد و شیاطین جتنی و انسی همه ارزشهای انسانی و الهی بشر را در تاریکی حکومت جهل ربوده و می ربایند.

زلزله وحشتناک دوری از خدا همه خانه های بندگی و اطاعت از حق را خراب کرده و در بازدید از این شهر زلزله زده کمتر خانه ای را می توان یافت که فرو نریخته باشد جز خانه های افرادی که با بتون استقامت در راه خدا ایمان و ارزشهای انسانی، خود را حفظ کرده اند.

زیارت جمعه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه :

«سلام بر شما ای نور خدا که روشنگر راه هدایت برای هدایت جویان هستی».

بهر حال وضع عجیبی است و شیاطین از تاریکی «شب غیبت» منجی جهان بشریت سوءاستفاده کرده و هر دسته و گروهی در جهان خود را آزاد می بینند که برخلاف قوانین الهی هرچه می خواهند انجام داده و بر مدت حکومت جهل و غفلت بیفزایند و جهان را از نور منجی آخرالزمان محروم نمایند.

«حکومت جهل»

هرگاه علم خانه نشین شود و جهل بر افکار و جوامع حکومت نماید نتیجه و آثار شوم آن مفاسد فردی و اجتماعی است.

فقر از آثار حکومت جهل است.

گرسنگی از آثار حکومت جهل است.

جنگ از آثار حکومت جهل است.

بدهکاری و فشار معیشت از آثار حکومت جهل است.

فساد مالی و رشوه خواری از آثار حکومت جهل است.

مفاسد اخلاقی و شهوانی از آثار حکومت جهل است.

صفات رذیله حیوانی و شیطانی از آثار حکومت جهل و لشکر شیطان برای تسلط بر دلها و افکار و اعمال مردم است.

پس از آنکه شیطان بوسیله صفات رذیله و ناپسند بر انسانها مسلط شد خود بخود بر سیاست آنها و مسایل اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی و کلیه امور آنان مسلط شده است و به یکباره جهان تحت سلطه شیطان قرار گرفته و آنچه در ابتدای خلقت حضرت آدم علیه السلام توسط شیطان عنوان شد و به خداوند گفت خدایا من همه بنی آدم را گمراه می کنم، تحقق یافته است.

زیارة آل یاسین : «السلام علیک یا تالی کتاب اللہ و ترجمانه».^{۳۴۶}
زیارت آل یاسین : «سلام بر شما ای بیان کننده حقایق کتاب خدا و برگردان کننده آن»
(تا کسی به خطا و جهل آن را نفهمد).

بنابراین اگر جهانیان بخواهند از حکومت شب تاریک جهل که همه آثار زیانبار را به همراه دارد رهایی یابند باید به حکومت " پاکی و علم " که در وجود رهبر مقتدر آسمانی و وجود مقدس منجی عالم بشریت تجلی یافته و از هر خطا و نقصی مبرا است روی آورند و آثار حکومت علم و روشنایی خورشید هدایت را شاهد باشند که این آثار را در بحث " روز ظهور " برشمرده ایم.

قسمت بیست و ششم :

دنیای زُ از ظلم

«الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید
در عالم، عالم پر از ظلم است.»

صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۹۸

دعاء النذبة :

«و لما قضي نجه و قتله اشق الاشقياء... لم يمتثل امر رسول الله في الهادين بعد الهادين»^{۲۴۷}

حضرت امام خمینی قدس سره دنیا را پر از ظلم دانسته و می فرمایند :

- " البته این پر کردن دنیا را از عدالت، اینرا ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است."^(۱)

در کتاب احقاق الحق احادیث بسیاری بصورت متواتر در شصت صفحه به این مضمون از طریق شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که :

" المهدي منا اهل البيت يملاء الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جوراً "

یعنی : حضرت مهدی علیه السلام مردی از ما اهل بیت است که دنیا را پر از عدل و داد می نماید همانطور که قبل از آن پر از ظلم و جور شده است " (که نمونه هائی از این احادیث را در پاورقی نقل نموده ایم).^(۲)

۱- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۱۹۸

۲- احقاق الحق جلد ۱۳ ص ۱۳۲ الی ص ۱۹۴.

دعای ندبه:

«آنگاه که شقی ترین فرد تاریخ علی بن ابیطالب را به شهادت رساند دستورات رسول خدا درباره مجریان عدالت و امامان معصوم اجرا نشد و جامعه بشری از آنان محروم و گرفتار ظلم و فقر و سرگشتگی گردید».

عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ : المهدي مني... يلاء الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظمناً.

عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ : لا تقوم الساعة حتى تمتلئ الأرض ظمناً و عدواناً ثم يخرج رجل من عترتي أو من أهل بيتي يلاءها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظمناً و عدواناً.

عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ : لا تقوم الساعة حتى يملك من أهل بيتي اجنبي عني يلاء الأرض عدلاً كما ملئت قبله ظمناً...

عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ : لا تنقضي الساعة حتى يملك الأرض رجل من أهل بيتي يلاء الأرض عدلاً كما ملئت قبله جوراً...

عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ : ليقوم من عني رجل من أهل بيتي اقني يوسع الأرض عدلاً كما وسعت ظمناً و جوراً...

عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ : ... يوسع الأرض عدلاً كما وسعت قبل ذلك جوراً

عن جابر بن عبد الله انصاري عن رسول الله ﷺ : ابشركم بالمهدي اسمه اسمي و كنيته كنيتي شبه الناس في خلقا و خلقا يكون له غيبة و حيرة يضل فيها الأمة يقبل كالشهاب الثاقب يلاءها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظمناً.

عن ابن عباس عن رسول الله ﷺ : ان علي بن ابي طالب عليه السلام مني و خليفتي عسيها بصرى و من ولده القائم المنتظر الذي يلاء به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظمناً...

عن ابن عمر عن رسول الله ﷺ : يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي و كنيته كنيتي يلاء الأرض عدلاً كما ملئت جوراً فذلك هو المهدي... لو لم يبق من الدهر الا يوم واحد لبعت الله من هل يبق من يلاء الأرض عدلاً.

عن قرة المزني عن رسول الله ﷺ : لتلاء في الأرض جوراً و ظمناً فاذ ملئت جوراً و ظمناً يبعث الله رجلاً مني اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي فيملاها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظمناً.

عن امير المؤمنين علي عليه السلام عن رسول الله ﷺ : لا تذهب الدنيا حتى يقوم من مني رجل من ولد الحسين يلاء الأرض عدلاً كما ملئت ظمناً.

عن ابی هريرة عن رسول الله ﷺ : لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لحول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً من أهل

عن رسول الله ﷺ :

«يأتي على الناس زمان ياكلون فيه الربا»^{۳۳۸}

پیرامون این احادیث مطالبی قابل توجه و دقت است :

اول : معنی پرشدن دنیا از ظلم و جور چیست؟ آیا دنیا پر از ظلم شده است؟

دوم : چگونه دنیا پر از ظلم و جور می شود و اصولاً معنی اینکه حضرت مهدی علیه السلام

پس از پر شدن دنیا از ظلم و جور قیام می فرماید چیست؟

سوم : چرا آخرین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله اینکار را می کند و امامان دیگر یا انبیاء علیهم السلام

اینکار را نکردند؟

چهارم : منظور از اینکه اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد آنروز بقدری طولانی

خواهد شد تا حضرت مهدی ارواحنفاذ کرده زمین را پر از عدل نماید چیست؟

کوشش می کنیم سوالات فوق را با توضیحات کافی پاسخ دهیم زیرا مطالب مهمی

در آنها نهفته است.

پاسخ به سؤال اول

«دنیا پر از ظلم شده است»

توجه مختصری به وضعیّت اجتماعی یک کشور یا جهان به خوبی به ما می فهماند

که اکنون دنیا پر از ظلم شده است.

اگر در یک اتاق که عده ای در حال غذا خوردن هستند، یک نفر مسلح آمده و با

تهدید حاضران غذاهای آنها را بگیرد و همه را بترساند یا در یک هواپیما، هواپیماربا

بیعی... یلاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً.

عن ابن مسعود عن رسول الله ﷺ : لن تنقضي الدنيا حتى يخرج رجل من امتي يواطى اسمه اسمي واسم ابيه اسم ابي

فيملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.

رسول خدا ﷺ :

«زمانی می‌آید که مردم در آن به راحتی ربا می‌خورند»
(و بدینوسیله با خدا اعلام جنگ می‌کنند).

همه مسافرین و خلبانان و خدمه را تهدید به مرگ کند آن هواپیما و آن اتاق پراز ظلم شده و همه افراد تهدید شده و مورد ظلم قرار گرفته‌اند.

آنگاه که یک قدرت نظامی - اتمی در جهان سلاح اتمی خود را بکار گرفته و با دخالت عملی در یک یا چند کشور، همه کشورهای جهان را تهدید به نابودی می‌نماید و همه ملل دنیا از ترس او سکوت کرده و عملاً تسلیم می‌شوند، نیز دنیا پراز ظلم شده است.

اکنون وضعیت جهان اینچنین است یعنی یک یا چند قدرت نظامی - اتمی دنیا را در قبضه تهدیدهای خود قرار داده و همه مردم را در برابر خود وادار به تسلیم نموده‌اند و تمام اذهان و افکار مردم دنیا را از ترس و خطر مرگ و نیستی هراسان نموده‌اند.

رسانه‌های تبلیغاتی مختلف وابسته به این قدرتها نیز این وظیفه شیطانی خود را بنحو احسن انجام و با ماهواره‌ها و کانال‌های شبانه‌روزی خود تمام دنیا را بطور مستقیم یا غیرمستقیم بسوی افکار دلخواه و شهوات مختلف کشانده و سرگرم می‌نمایند و بطور مستقیم یا غیرمستقیم هراس و رعب از قدرتهای حامی خود در دل مردم جهان ایجاد و راه تسلط آنان بر جهان را هموارتر می‌نماید.

آیا دنیای ما اکنون همان اتاقی نیست که با تهدید فرد مسلح پراز ظلم و ترس و ارباب شده است؟

بگذریم از آنکه ایران تنها کشوری است که در جهان کنونی مرعوب تهدیدهای قدرتمندان زورگو نشده و از هیچ کسی جز خدا ترس ندارد ولی ایران به فرمایش امام خمینی علیه السلام یک نقطه در جهان است الآن تمام عالم پراز ظلم شده است.

در عین حال با آنکه ایران کوشیده است مرعوب تهدیدهای قدرتمندان جهان واقع

عن رسول الله ﷺ :

«بعثت بين جاهليتين، لأخرا هماشراً من أولا هما».^{۳۳۹}

نشود ولی عملاً از دیوانگی و لجاجت ظالمینی که به هیچ قانونی جز رسیدن به خواسته‌های نفسانی خود پای بند نیستند ترسی عاقلانه دارد و با خود می‌گوید اینها دیوانه‌اند و در اثر لجاجت ممکن است با چند انفجار اتمی فاجعه بیافرینند و لذا تا جائیکه ممکن است و اسلام عزیز اجازه می‌دهد رعایت حال این دیوانگان را می‌نماید در عین آنکه حاضر است از جان و مال و آبرو و همه چیز خود در راه حق گذشت کند.

«پر شدن دنیا از ظلم از چهارده قرن پیش...»

و به فرمایش یکی از اولیاء خدا باید بگوئیم از همان وقتی که شمشیر بر سر علی بن ابی طالب علیه السلام گرفته و آنحضرت را مجبور به سکوت نمودند، دنیا پر از ظلم شد زیرا این حق مردم کره زمین است که از راهنمائیهای نماینده خدا برخوردار شوند و اگر کسی این حق را از آنان بگیرد به همه آنان چه مردم مدینه که مرکز حکومت اسلامی بود چه مردم کشورهای دیگر جهان ظلم نموده است.

آری نماینده خداوند در کره زمین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام را با زور شمشیر (بواسطه سستی مردم و نداشتن یاران از جان گذشته) مجبور به سکوت نمودند و سپس یازده امام بعد نیز در وضعی مشابه یا بدتر از آن مجبور به سکوت شدند که امام دوازدهم حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در وضعیتی جانسوز (همانند جد بزرگوارش علی ابن ابی طالب علیه السلام که چون کسی که خار در چشم و استخوان در گلو دارد ۲۵ سال صبر کرد) تاکنون نزدیک به دوازده قرن صبر نموده و در همه این مدت دنیا از رهبریهای این امامان معصوم محروم و به تمامی انسانها چه مسلمان چه غیرمسلمان بی‌نهایت ظلم شده است.

رسول خدا ﷺ :

«بین دو جاهلیت مبعوث شده‌ام که دومی آنها بدتر از جاهلیت اولی است»
(جاهلیت مردم پس از اسلام نسبت به حقوق خاندان عصمت علیهم‌السلام)

«یکایک انسانها از چهارده قرن پیش مورد ظلم قرار گرفتند»

این حق هر انسانی است که بوسیله راهنمائیهای خالق خود که توسط جانشینان پیامبر خدا ارائه می‌شود به سعادت کامل و رفاه مادی و معنوی برسد، وقتی که دشمنان دین و انسانیت با کنار زدن ائمه علیهم‌السلام مردم را از حکومت آنان و در نتیجه از هدایت‌هایشان محروم می‌کنند به هر انسانی حتی خود افراد منحرف ظلم شده و دنیا مملو از بی عدالتی شده است.

بنابراین از آنروز که حق مسلم جانشینان با عظمت پیامبر اکرم ﷺ غصب شد دنیا پر از ظلم گردید و همه مجبور شدند با تهدید و ارباب زندگی کنند.

«پس چرا حضرت همان موقع ظهور نفرمود»

شاید بگوئید : اگر چنین است پس می‌بایست حضرت ولی عصر علیهم‌السلام (در همان موقع که دنیا پر از ظلم شده بود) ظهور بفرماید.

پاسخ می‌دهیم : آری چنین است حضرت ولی عصر علیهم‌السلام همان موقع آماده قیام بود و لذا خاندان عصمت علیهم‌السلام پیوسته مردم را برای ظهور آن حضرت آماده می‌نمودند و به آنان بشارت می‌دادند که با قیام و ظهور قائم ما صلوات‌الله و سلامه علیه بشر نجات می‌یابد و پیوسته با این بشارت امید و آرامش به آنان می‌دادند.

این بشارت و نزدیک دانستن ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بحدی بود که بعضی از مردم از امامان معصوم می‌پرسیدند : پس حضرت قائم علیهم‌السلام کی ظهور خواهد کرد ما پیر شدیم و امیدمان کم شده و بیم آن داریم ظهور آن حضرت را درک نکنیم.

و عده‌ای از آنان می‌پرسیدند (مثلاً از امام صادق علیهم‌السلام) که آیا شما قائم آل محمد ﷺ نیستید؟

عن رسول الله ﷺ :

«... ثم تكون فتنة فلا يبقی لله محرم الا استحل...»^{۲۵۰}

اینها همه به آن جهت بود که اگر مردم امام زمانشان را یاری می کردند ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه بسیار سریع و همان وقت انجام می شد چرا که دنیا پر از ظلم و جور شده بود و خداوند می خواست بوسیله نماینده خود دنیا را از ظلم نجات دهد. باز ممکن است بپرسید : پس اگر دنیا پر از ظلم و جور شده بود چرا حضرت ولی عصر علیه السلام قیام نفرمود؟

پاسخ می دهیم : پر از ظلم و جور شدن دنیا نقطه آغاز و مانند صدور مجوز برای شروع قیام حضرت ولی عصر علیه السلام است ولی شرایط دیگر مانند پذیرش مردم و یاری نمودن امام زمان علیه السلام و... نیز باید لحاظ شود.

این سخن مانند آن است که بگوئیم وقتی خانه آتش گرفت آتش نشان را باید خبر کرد تا آتش را خاموش کند، یعنی از وقتی که اولین شعله های آتش گوشه ای از منزل را فراگرفت وقت آن است که آتش نشان در محل حضور یابد.

کره زمین نیز چنین است از وقتی که اولین شعله های آتش درب خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را سوزاند وقت آن بود که امام برحق که آنزمان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود آتش فساد را خاموش نماید ولی مردم آن زمان این را نخواسته و درب را به روی این امام مظلوم بستند و نگذاشتند آتش فتنه و فساد خاموش شود و آنقدر این آتش شعله خود را گستراند تا در کربلا همه اهل بیت علیهم السلام را سوزاند و به تبع آن تمام مردم جهان را در آتش فقر و فساد و ظلم و جنایت و دزدی و فحشاء و... قرار دارد و بسیاری از مردم را روانه آتش جهنم نمود. زیرا با بسته شدن درب خانه علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام که انتقال دهنده "علم"، این آب حیات زندگی بشر، به مردم بودند در حقیقت درب خانه علم بسته شد و جامعه بشری مانند عده ای که در کویری خشک گرفتار آیند، گردید و طبیعی است که

رسول خدا ﷺ :

«پس از این فتنه‌ای بوجود خواهد آمد که هیچ حرامی از خداوند باقی نمی‌ماند مگر آنکه حلال شمرده شود».

آتش فقر و فساد و جنگ و خودسری عده‌ای دیگران را بسوزاند، همان دیگرانی که سکوت کردند و راه را برای ظلم ظالمین باز نمودند.
آن آتش چهارده قرن است که شعله می‌کشد و خلق بسیاری را در آتشی دنیایی و آخرتی می‌سوزاند.

قرنهاست که مردم دنیا در آتش فقر و فساد و جنگ و بی‌دینی می‌سوزند و علاوه بر محرومیت از زندگی خوب و سالم در دنیابه آتش جهنم نیز گرفتار می‌آیند.
پس چنین نیست که تا دنیا پر از ظلم و جور شد، بلافاصله ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام صورت گیرد بلکه از آنموقع به بعد، آری از آن موقع به بعد، وقت آن است که بشر از شر ظلم و ستم نجات یابد ولی شرایط دیگر هم باید ملاحظه شود.
مشابه همین مطلب در باره امیرالمؤمنین علیه السلام وجود داشت، بعضی از مردم از خاندان عصمت علیهم السلام می‌پرسیدند: چرا علی علیه السلام قیام نفرمود با آنکه حقش را غصب کردند؟ در پاسخ می‌شنیدند که خاندان عصمت علیهم السلام می‌فرمایند: زیرا علی علیه السلام یاری نداشت و اگر عده‌ای جان برکف او را یاری می‌نمودند او قیام می‌فرمود.

پاسخ به سؤال دوم:

«چرا دنیا پر از ظلم و جور می‌شود؟»

پاسخ به این سؤال نیز خیلی روشن است، اگر مایل باشید آن را با یک مثال آغاز کنیم:

اگر کسی از شما بپرسد: چرا شبها هوا تاریک و ظلمانی می‌شود؟
شما چه پاسخی خواهید داد، خواهید گفت چون خورشید غروب کرده است هوا

عن رسول الله ﷺ :
«تَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعَدْوَانًا ثُمَّ لِيُخْرِجَنَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي حَتَّى يَمْلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا
كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَعَدْوَانًا».^{۳۵۱}

تاریک می شود.

«علم نور است و جهل تاریکی»

باید بدانیم و همه می دانیم که علم نور و روشنائی زندگی و جهل تاریک کننده آن است بلکه هر چیز که به وجود آمده در اثر نور علم بوده و هر چیز که فاسد می شود در اثر جهل است.

خداوند که علم بی نهایت است، تمامی علوم حیاتبخش را در سینه نمایندۀ خود (پیامبر یا جانشین او) قرار می دهد و او چون خورشید که نور ظاهری به زندگی داده، با کلمات و هدایت های خود خورشید علم و هدایت بشر شده و تمام زوایای زندگی مادی و معنوی آنرا پر از نور علم و هدایت و از هرگونه جهل و فساد دور می نماید. چنانچه عده ای جاهل که فقط به منافع نامشروع و ریاست و خودخواهی می اندیشند، تابش نور علم را از این خورشید به ضرر خود ببینند (که البته آنها هم اشتباه فکر می کنند و نور علم نجات دهنده آنها نیز هست) و خورشید علم و هدایت را در پشت افق تیره جهل و خودخواهی و ریاست باطل خود پنهان کنند، آیا جهان از نور هدایت الهی محروم و تاریک نمی شود و بجای عدالت، ظلم جای جای زندگی بشر را نمی گیرد؟

مگر آنچه از خوبی و زندگی و حیات در جهان و در کره خاکی ما بوجود آمده در اثر علم و اراده پروردگار عالم نیست؟ اگر خدای بزرگ علم و اراده خود را موجب آفرینش جهان قرار نمی داد آیا جهانی به وجود می آمد؟ مگر نمی بینیم وقتی عده ای نظم موجود در جهان هستی را از مدار و محور علم

رسول خدا ﷺ :
«قطعاً زمین (بخاطر کنار زده شدن خاندانم از حکومت حق) پر از ظلم و دشمنی خواهد شد
ولی خداوند آنرا با مردی از اهل بیت (حضرت مهدی علیه السلام) پر از عدالت و برابری و
سعادت خواهد نمود».

خارج می کنند مثلاً نظم موجود در اتم را (با انفجار هسته ای) بهم می زنند نابودی و
فساد به وجود می آید؟

بنابراین باید به این حقیقت علمی اعتراف کنیم که وقتی نمایندگان پروردگار و ائمه
هدی علیهم السلام که معدن علوم الهی و حقیقی اند و باید زندگی بشر را با علم خود حیات
بخشند، در اثر سستی و بی توجهی مردم و ظلم ظالمین خانه نشین می شوند علم جای
خود را به جهل و عدالت جای خود را به ظلم می دهد.

از اینرو حضرت رسول اکرم ﷺ امام عصر ارواحنا فداه را به خورشید تشبیه فرموده و
طبق بعضی از روایات که در تفسیر سوره "واللیل" و سوره "والشمس" نقل شده
فرموده اند: منظور از "روشنائی خورشید" و منظور از "روز" که جهان را با نور خود
روشن می کند، حضرت ولی عصر علیه السلام است که دنیا را با انتشار نور علم خود روشن
می نماید.

این سؤال را برای آن مطرح کردیم که کسی فکر نکند برای ظهور حضرت
ولی عصر ارواحنا فداه حتماً باید جهانی پر از ظلم را در نظر بگیریم و فکر کنیم تا جهان پر از
ظلم و جور نشود آن حضرت ظهور نخواهد فرمود، زیرا پرشدن جهان از ظلم و جور
یک امر اجتماعی و بوجود آمده از سوی خود انسانهاست و خداوند سر سوزنی از
ظلم و جهل را دوست ندارد (زیرا فرموده است: "ان الله لا یظلم مثقال ذرة" ^(۱)) و
«لا یرضی لعباده الکفر» ^(۲) یعنی "خداوند سر سوزنی به کسی ظلم نمی کند" و "برای
بندگان بهیچ عنوان انحراف و کفر را دوست ندارد".

۲- سوره زمر - آیه ۷.

۱- سوره نساء آیه ۴۰.

عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) :
 «یا قی علی الناس زمان همّهم بطونهم و شرفهم متاعهم قبلتهم نساؤهم و دینهم
 دراهمهم و دنایرهم اولئک شر الخلق لا خلاق لهم عند الله».^{۳۵۲}

بنابراین علت پرشدن زمین از ظلم و جور اعمال خود مردم است و بقول
 ما " از ماست که بر ماست " و خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

" ظهر الفساد فی البرّ والبحر بما کسبت ایدی الناس " (۱)

یعنی : " فساد در خشکی و دریا بواسطه اعمال مردم پدیدار گشت ".
 از اینرو باید به صراحت بگوئیم :

حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مبتنی بر آنکه ظلم و ستم دنیا را فراگیرد
 نیست بلکه خداوند دوست دارد هیچ ستمی صورت نپذیرد و از همان آغاز مردم دین
 حق را بپذیرند و سر سوزنی ظلم به کسی نشود.

«پس چرا...؟»

ممکن است سؤال شود : پس چرا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) را
 در کنار پرشدن دنیا از ظلم عنوان فرموده اند ؟

در پاسخ می گوئیم : آن حضرت از وضعیّت اجتماعی بشر پس از رحلت خود خبر
 داده اند که بواسطه اعمال بد مردم، فساد در خشکی و دریا ظاهر شده و دنیا پر از ظلم
 و جور خواهد شد و همانگونه که ظالمین دنیا را پر از ظلم و جور کرده اند نجات دهنده
 بشر آنرا پر از عدل و داد خواهد فرمود.

مثل آن است که شما از بالای ساختمانی مرتفع می بینید، یک خائن و جنایتکار
 تصمیم گرفته خانه ای را به آتش بکشد و هم اکنون در حال حرکت بسوی آن منزل
 است تا اینکار را انجام دهد، شما با خود یا اطرافیانتان می گوئید آن منزل چند دقیقه

امیرالمؤمنین علیه السلام :
«زمانی فرا می‌رسد که مردم سرگشته و حیران شده یکسره در فکر پرکردن شکم و جمع‌آوری و افتخار به اموال هستند قبله آنان بجای خدا و دین، شهوترانی بوسیله زنان و پول و ثروت خواهد شد».

بعد پراز آتش خواهد شد و چون خود شما آتش نشان را خبر کرده‌اید (زیرا فرصتی در بین نبود، آن جنایتکار را از عمل زشتش باز دارید)^(۱) می‌دانید که چند دقیقه بعد آتش‌نشان خانه پراز آتش را خاموش خواهد کرد و لذا می‌گوئید : من می‌دانم همانگونه که این خانه پراز آتش خواهد شد همانطور هم با حضور آتش‌نشان پراز خوبی و طراوت و سرسبزی و... خواهد شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل آن کسی است که بر آن ساختمان مرتفع ایستاده و دنیا را چون آن منزل در آتش فتنه و فساد و اعمال ناشایست عده‌ای می‌بیند ولی خود آن حضرت به آتش نشان که فرزند عزیزش حضرت مهدی ارواحنا فداه است دستور داده حرکت کند و این آتش را خاموش نماید و به زودی است که نجات دهنده بشر از راه رسیده و آتش را خاموش نماید، گرچه ما مردم جهان که ساکنین این منزل آتش گرفته‌ایم به دستورات نجات دهندگان خود یعنی خاندان عصمت علیهم السلام توجه ننموده و خیابان منتهی به منزلمان را با موانع مختلفی چون افکار انحرافی و اعمال بیهوده و خیالات باطل، مسدود نموده‌ایم و فکر می‌کنیم حالا حالاها آتش نشان بما نمی‌رسد (هنوز خیلی مانده امام زمان علیه السلام ظهور فرماید) در حالیکه این نجات دهنده بزرگ بشر یازده قرن است پشت موانع ایجاد شده از سوی ما ایستاده و دائماً ما را صدا می‌زند که این موانع را از سر راه بردارید.

آری همین یازده قرن تأخیر در ظهور را، ما انسانها بر آن حضرت تحمیل نموده‌ایم و اصلاح جامعه بشری بسیار دیر و جهان‌قربانهاست پراز فساد گشته است. (موانعی مثل

۱- مؤمنین تیزهوش می‌فهمند که این جمله اشاره به حوادث پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و آتش گرفتن درب خانه وحی یعنی خانه فاطمه زهرا علیها السلام است.

عن رسول الله ﷺ :
«المهدي من ولدى تكون له غيبة، اذا ظهر يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»^{۲۵۳}

آنکه فکر می‌کنیم اگر امام زمان علیه السلام بیایند بسیاری کشته خواهند شد و اوضاع زندگی مردم بهم می‌خورد که همین فکر باعث تصوّراتی غلط در اذهان مردم شده و شوق مردم را نسبت به ظهور آن حضرت کم‌رنگ می‌نماید).

ما متوجه این نکته نیستیم که چنین فکری از سوی شیطان القاء شده تا از ظهور آن حضرت تصویری معکوس داشته باشیم یعنی بجای آنکه تصور کنیم ظهور آن حضرت باعث عدل و داد و گسترش خیر و خوبی از هر جهت در جهان می‌شود فکر می‌کنیم با ظهور آن حضرت کشتار و جنگ و خونریزی و بهم‌ریختگی اوضاع زندگی بوجود خواهد آمد.

همین افکار به اضافه ارتکاب گناهان مختلف از سوی مردم و آلوده شدن جوانان به غفلت از یاد آن حضرت و رفتن آنان به دامان شیطان و نیز غفلت سیاستمداران و هدایت‌کنندگان جامعه از یاد آن حضرت و صرف نمودن تمامی وقت در مسائل سیاسی و فرعی، همه و همه دست به دست هم داده موانعی عظیم بر سر راه ظهور آن حضرت ایجاد نموده و آنرا به تأخیر انداخته است.

«نتیجه»

نتیجه آنکه، پرشدن جهان از ظلم و فساد شرط ظهور امام عصر ارواحنا فداه نبوده و نمی‌باشد، بلکه اثر طبیعی بسته شدن درب خانه راهنمایان بشر و نمایندگان پروردگار و محروم شدن مردم جهان از علم و هدایت آنان، جهانیان را به جهل و تیره‌روزی افکنده و ظلم و فساد را در زندگی آنان وارد خواهد کرد.

اگر مردم جهان از همان آغاز شروع اسلام و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله امامان معصوم را تنها نمی‌گذاشتند دنیا پر از فساد نمی‌شد و روز به روز دوازده امام

رسول خدا ﷺ :
«حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان من است، او دارای غیبتی خواهد بود و آنگاه که ظهور نماید دنیا را پراز عدل و داد خواهد نمود».

معصوم علیه السلام دنیا را با نور علم خود روشن تر می نمودند و امام دوازدهم تمامی نقاط زمین را پراز عدالت و سعادت می نمود.

«اگر شما آتش نشان بودید...»

آیا اگر شما آتش نشان بودید می گفتید که برای آنکه این خانه پراز صلح و صفا و سلامتی باشد حتماً باید آتش تمامی آنرا فرا گیرد و سپس من آنرا خاموش کنم و سوختگی ها و خاکسترها تخلیه شوند و مجدداً فرش و مبلمان منزل خریداری گردد تا خانه پراز صلح و صفا گردد؟ و اگر آتش تمام خانه را فرا نگیرد من نمی توانم خانه زیبا و خوش عطر و بوئی با فرشها و لوازم جدید به شما تحویل دهم.

شما می گوئید هیچ عاقلی این را نمی گوید، مگر انسان مریض است که اول خانه را آتش بزند و سپس آنرا خاموش نماید و بگوید تا خانه کاملاً پراز آتش نشود من آنرا خاموش نمی کنم؟ مگر بدون آتش سوزی نمی شود خانه را نو کرد؟ آری، عقل شما و همه ما اینرا می گوید و حقیقت نیز همین است.

پیامبر اکرم ﷺ هم که رئیس همه عقلاء عالم است هیچگاه منظورش از اینکه فرموده حضرت مهدی علیه السلام دنیا را پس از آنکه پراز ظلم و جور شده باشد پراز عدل می فرماید، این نیست که تا دنیا پراز ظلم نشود، پراز عدل نخواهد گردید بلکه منظور آن حضرت آن است که در اثر دوری مردم از قرآن و عترت جامعه بشری به قدری دچار فساد خواهد شد که ظلم و ستم همه جا را پر خواهد کرد.

«به عنوان مثال ...»

همانگونه که وقتی دشمن ستمگر با گذاشتن بمب برق یک شهر را قطع کرد همه خانه های آن شهر پراز تاریکی می شود و دولت اعلام می کند هرگاه دشمن متجاوز

عن الامام الصادق عليه السلام :

«... و رأيت الصلوة قد استخف باوقاتها...» ۳۵۴

چنین کرد و شهر را پر از تاریکی نمود ما وارد عمل شده برق را به شهر برمی گردانیم و خانه ها را پر از نور می نمائیم.

در نتیجه این سخن رسول گرامی اسلام ﷺ تنها یک خبر غیبی از آینده پس از خود تا قبل از ظهور حضرت مهدی ارواحنفاء است که چنین خواهد شد نه آنکه چنین باید بشود و این جمله مثل آن است که می گوئیم : خداوند می داند که بعضی از انسانها جهنمی می شوند و حتی ممکن است خبر از آینده بسیاری از جهنمیان بدهد (چنانکه در قرآن کریم این خبر را داده است) ولی چنین نیست که چون خداوند «می داند» عده ای جهنمی خواهند شد پس حکم فرموده باید آن عده جهنمی باشند و آنان هم نمی توانند غیر از این باشند که این مطلب کاملاً نادرست است.

پاسخ به سؤال سوم :

چرا آخرین جانشین پیامبر اکرم ﷺ دنیا را پر از عدل و داد می نماید و

جانشینان قبلی مانند حضرت علی علیه السلام یا حضرت صادق علیه السلام چنین مهمتی

را انجام نداده و می فرمودند ما آن کسی که دنیا را پر از عدل و داد

می کند نیستیم.

در پاسخ می گوئیم : بدلیل آنکه پدران بزرگوارش و حتی رسول اکرم ﷺ و پیامبران قبل از آن حضرت همه می خواستند دنیا را سرشار از عدل و داد نمایند، ولی عدم رشد فکری در بشر باعث شد آنان پا به پای انسانها راه بیایند و کلاس به کلاس فکر بشر را رشد دهند تا به بلوغ فکری نزدیک و ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام را در رأس رهبری جهان حس نماید.

امام صادق علیه السلام :

«در زمان غیبت آن حضرت (به جهت محرومیت از نور مقدّسش) می بینی که اوقات نماز سبک شمره می شود». (مردم اهمیتی به نماز نمی دهند).

در واقع باید جامعه بشری را به دانش آموزانی تشبیه کنیم که باید با تلاش انبیاء و آخرین پیامبر الهی و یازده امام معصوم پس از آن حضرت آماده ورود به دانشگاه علم پاکی یعنی زمان امامت و رهبری منجی آخرالزمان گردند.

انبیاء و امامان معصوم می توانستند عدالت را در جهان اجرا کنند ولی رشد فکری و پذیرش مردم شرط اساسی آن بود که این شرط در آن زمان محقق نگردید و خداوند توسط پیامبرگرامی خویش به مردم فرمود ما منتظر می مانیم شما هم منتظر بمانید. (تا آن رشد معنوی در مردم بوجود آید).

بنابراین دلیل آنکه آخرین جانشین پیامبران و آخرین بازمانده از خانواده رسالت و امامت حضرت مهدی ارواحنا فداه اینکار را انجام می دهد بدان جهت است که بشر رشد فکری لازم را بدست آورده و فرصت بیشتری برای درک ضرورت وجود امام معصوم داشته باشد والا امامان معصوم علیهم السلام نیز این قدرت را داشتند که دنیا را پر از عدل و داد نمایند.

پاسخ به سؤال چهارم :

منظور از اینکه در بعضی از احادیث آمده بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله

فرموده بودند: اگر یک روز از عمر دنیا بیشتر باقی نمانده باشد خداوند

آروز را بقدری طولانی خواهد فرمود تا منجی عالم بشریت عدالت را

در تمام جهان مستقر نماید چیست؟

پاسخ ما آن است که آشنایان به فنون بلاغت می دانند این طرز بیان برای چنین

عن رسول الله ﷺ :

«ليست همتهم إلا الدنيا عاكفون عليها معتمدون فيها»^{۳۵۵}

مطلبی، جنبه حتمیت مطلب را می‌رساند، یعنی برقراری عدل و داد در تمام جهان آنقدر ضروری و حتمی است که اگر بر فرض یک روز از عمر جهان باقی باشد همانروز بقدری وسیع و طولانی (و به اصطلاح تبدیل به هزاران سال) خواهد شد که تمام جهان سرشار از عدل و داد گردد.

بنابراین نباید تصور کرد که چگونه ممکن است یک روز آنقدر طولانی شود که کار عظیمی همچون برقراری عدل در جهان انجام شود.

جمله فوق مثل آن است که شما برای نشان دادن اراده محکم و حتمی خود در انجام کاری می‌گوئید اگر هزار سال هم عمرم طول بکشد حتماً اینکار را انجام خواهم داد در صورتیکه هیچگاه نظر شما بر اینکه واقعاً هزار سال عمر نمائید، نمی‌باشد بلکه به حتمی بودن اراده خود اشاره دارید.

خداوند متعال نیز برای آنکه حتمی بودن مطلب را به ما بفهماند توسط رسول اکرم ﷺ در این روایات چنین فرموده است.

لذا نباید ما تصور کنیم بشر در تمام عمر دنیا پیوسته در ظلم و ستم بسر می‌برد و در اواخر عمر دنیا که برپائی قیامت نزدیک است مدت کوتاهی مثلاً صد سال جهان پر از عدل و داد خواهد شد.

این تصویری ضعیف و کودکانه است چرا که خداوند حکیم است و جهانی را خلق نمی‌فرماید که مثلاً از چند میلیون سال عمر آن فقط مدت کوتاهی در اواخر آن بشر را به هدف از خلقت برساند.

آیا انسانهای عاقل و حکیم چنین کاری را در برنامه‌های معمولی خود انجام می‌دهند؟ مثلاً یک دولت که مدرسه یا دانشگاهی را می‌سازد اگر فرض کنیم این

رسول خدا ﷺ :

«در آخر الزمان مردم همتی جز رسیدن به دنیا نداشته و بر آن ماندگارند و تکیه گاهشان «نیاست» (خدا و معنویات را فراموش می کنند).

دانشگاه تا دویست سال استحکام داشته و بتواند بطور مرتب دانشجو پذیرفته و فارغ التحصیل نماید، آیا صحیح است به دزدان و قاچاقچیان و جنایتکاران و... فرصت دهد دانشگاه را از درس و دانشجو خالی نمایند و از دویست سال عمر مفید این دانشگاه ۱۹۹ سال و یازده ماه آنرا در دست افراد شرور و جانی قرار داده آنرا تبدیل به زیاله دانی نمایند و تنها در یک ماه آخر آنرا از محیط دانشگاه اخراج و یک ماه دانشجو تربیت و فارغ التحصیل نماید، آیا چنین چیزی عاقلانه است؟

آیا با این تصوّر خداوند را در رساندن انسانها به سعادت عاجز و ناتوان معرفی نکرده ایم؟

«معنی آخر الزمان»

ممکن است بپرسید :

مگر نمی گویند منجی آخر الزمان، یعنی حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان ظهور می فرماید و مگر نمی گویند (یا بهتر است بگوییم : مگر ما چنین تصور نمی کنیم که) ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک قیامت است؟

پاسخ می دهیم : اولاً منظور از آخر الزمان، اواخر عمر زندگی بشر بر کره خاکی نیست بلکه منظور زمان پایان انحرافات و خودخواهیها و جهالتها از جامعه بشری توسط پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است، لذا به آن حضرت پیامبر آخر الزمان گفته می شود.

آخر الزمان در مقابل اول الزمان و وسط الزمان که دوران جهل و انحطاط و ضعف رشد فکری بشر بوده می باشد.

آخر الزمان به معنی دوران پایان ضعف و جهل و فساد بوده و باید زمینه اجرای

عن مولانا صاحب الزمان عليه السلام :

«والحق معنا فلن يوحشنا من قعد عنا»^{۳۵۶}

حکومت حق فراهم گردد و تا قیامت که شاید میلیونها سال باشد ادامه یابد. در حقیقت باید بگوئیم اَوَّلُ الزَّمان و وسط الزَّمان به عنوان دوران مقدماتی رشد فکری بشر بوده و از نظر مدت و زمان بمانند دوران زندگی یک کودک در عالم رحم است که برای زندگی هشتاد سال پس از تولد آماده می شود، با این توجه، اگر به دوران قبل از تولد اَوَّلُ الزَّمان و به دوران پس از تولد آخر الزَّمان بگوئیم معنای آن این نیست که دوران پس از تولد کوتاهتر و بسیار کمتر از قبل از آن است. آری، آخر الزَّمان، زمان پایان انحطاط فکری در انسانهاست.

آخر الزَّمان، آخر عمر دنیا نیست بلکه شروع عمر اصلی و مفید آن یعنی شروع دوران تربیت انسانها و بهشتی شدن آنهاست و زمان تحقق خواسته انبیاء و پروردگار در کره خاکی است که با شروع آن جامعه بشری به زندگی انسانی براساس علم الهی و محبت و عدالت دست خواهد یافت و پس از آن میلیونها سال، میلیاردها انسان به مقام انسانیت و جانشینی خدا بر زمین برسند.

و از همین روست که توسط خاندان عصمت و طهارت علیهم الصلوة والسلام در روایات متعدد اعلام شده است که پس از استقرار حکومت واحد جهانی به رهبری حضرت بقیة اللہ ارواحاً نافداً، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام همچون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهداء علیه السلام مجدداً به دنیا باز خواهند گشت و به نوبت این حکومت عدل را تا قیامت ادامه خواهند داد و عمرهای آنان هر یک چند هزار سال خواهد بود مثلاً عمر شریف رسول گرامی اسلام در آن زمان پنجاه هزار سال عنوان شده است. بر این اساس زندگی اصلی و انسانی در کره خاکی پس از استقرار صلح و عدالت حقیقی توسط منجی آخر الزَّمان آغاز و شاید میلیونها سال بر کره خاکی ادامه یابد.

امام عصر علیه السلام :

«حق همیشه با ماست، هرکس ما را یاری نکند موجب وحشت ما نخواهد بود».

«یک معنی دیگر»

شاید مهمترین معنایی که از حدیث شریف :

” یملاء به الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً ”

بنظر می‌رسد، آن باشد که منظور از این جمله عظمت کاری است که حضرت مهدی ارواحنا فداه انجام می‌دهند.

یعنی همانطور که دنیا از ظلم و ستم پر شده (مانند خانه‌ای که در آتش خاکستر شده)، کاری که حضرت مهدی ارواحنا فداه می‌کند آن است که این دنیای پر از فساد (و خانه خاکستر شده) را به بهشتی پر از نعمت و سرسبز و سراسر صلح و صفا و عدالت و محبت و ثروت و خوشحالی و سعادت تبدیل خواهد نمود.

این جمله حقیقت بسیار مهمی را بیان می‌کند. این جمله بیانگر جایگاه عظیم رهبری امام معصوم خصوصاً منجی آخرالزمان ارواحنا فداه در جهان می‌باشد جمله فوق بیانگر این واقعیت است که جایگاه امام معصوم از جانب خداوند در مقام رهبری جهان بمانند وجود مغز در پیکره آدمی است اگر پیکر انسان دارای عقل و مغز نباشد آن شخص را دیوانه می‌خوانند و اعمالش هیچکدام پسندیده و مناسب یک انسان نیست و این بدان جهت است که امام معصوم علیه السلام گیرنده علم و عصمت از جانب خداوند برای مردم است و همین دو چیز حقیقت عقل را تشکیل می‌دهند و لذا محرومیت جهان از رهبری پیشوائی آگاه از تمام حقایق پنهان مساوی است با نبودن عقل در پیکره بشریت و نتیجه آن بروز اعمال غیرانسانی در تمامی جهان و پرشدن زمین از فساد است نه مسائل اقتصادی مردم سامان می‌یابد نه مسائل معنوی آنان همانطور که شخص محروم از نعمت عقل نه می‌تواند درآمدی کسب نماید و نه به

دعا النذبة :

«این قاطع حبال الكذب والافتراء».^{۳۵۷}

مسائل روحی و اخلاقی پردازد.

حدیث شریف «یلاء الارض قسطاً و عدلاً...» ناظر به این حقیقت است که اگر مردم قدر امامان معصوم علیهم السلام را ندانند و خود را از رهبری آنان محروم نمایند به زمان غیبت امام زمان علیه السلام دچار شده و از نعمت عقل (علم و عصمت امام معصوم) محروم و اعمال غیرانسانی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و پس از عبور جامعه بشری از این روزگار سیاه و پذیرش این مطلب که تنها بوسیله چنین امامی اعمال انسانها انسانی خواهد شد، حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرموده و بشریت را از نعمت عقل (علم و پاکی) بهره‌مند خواهد نمود و در نتیجه جهان بمانند شخصی خواهد شد که عقل به پیکر او بازگشته و اعمالش تماماً انسانی و جهان پر از عدل و داد خواهد گردید.

مثال دیگری برای بیان حقیقت معنی حدیث زیبای فوق آن است که گفته شود : همانطور که شب ظلمانی همه جا را تاریک نموده و انسان جلوی پای خود را هم نمی‌بیند، خورشید چنان نور زیادی دارد که با آمدن خود دنیا را از تاریکی خارج نموده و همه جا را پر از نور می‌سازد.

و حقیقت نیز همین است شب تاریک محرومیت از خاندان پیامبر و منجی عالم بشریت چنان دنیا را تاریک نموده است که هیچکس (جز عده معدودی) راه حق را تشخیص نمی‌دهند و همه سرگرم زندگی مادی هستند و مانند آن است که آخرتی در کار نیست و همه چیز در پول و ثروت و قدرت خلاصه می‌شود ولی اندکی نمی‌پاید که خورشید عظیم امامت و هدایت طلوع نموده با نورش به تمامی جهالتها، ظلمها، فقرها، مرضها، بی‌دینی‌ها و صفات غیرانسانی پایان خواهد داد و زندگی انسانی از آن هنگام شروع خواهد شد چنانکه خداوند متعال فرموده است :

دعای ندبه :

«کجاست آن منجی یگانه‌ای که رشته‌های شیطانی دروغ و تهمت را قطع نماید (با تبلیغات فریبنده و خدعه و دروغ، ظالمین دنیا را ببنوع خود سیاست‌گزاری می‌نمایند)

” و اشرق الارض بنور ربها “^(۱)

آنگاه که زمین با نور پروردگارش روشن شود.

و نور پروردگار همان کلمات نماینده خدا و منجی عالم بشریت است که با سخن خویش جهان را پر از علم و هدایت می‌نماید.^(۲)

آری، عظمت کاری که حضرت ولی عصر ارواحنا فدایا انجام می‌دهند آنگاه روشن می‌شود که همه ما و نسلهای قبل از ما در ایجاد عدالت در جامعه خود نیز ناتوان بوده‌ایم چه رسد به تمام کره خاکی زیرا اکثر ما انسانها حتی نتوانسته‌ایم خود را از خواسته‌های نفس و شیطان نجات دهیم چه رسد به آنکه دیگران را به سوی عدالت سوق دهیم.

این مانند آن است که بگوئیم : در این زمان ظلم و جهل چون تاریکی همه جا را گرفته و باید چراغ علم و عدالت را روشن کرد تا در این تاریکی پایمان نلغزد و انسانیت خود را از دست ندهیم ولی متأسفانه به قدری کم نور هستیم که حتی نتوانسته‌ایم چراغ قوه‌ای شخصی از نور عدالت و هدایت فراهم کنیم تا خود را با دست خود در چاههای گناه و ظلم و بی‌عدالتی نیندازیم چه رسد به آنکه نورافکنی تهیه و دیگران را نیز به معنویات هدایت کنیم و لذا دائماً در تاریکی ظلم و بی‌عدالتی سرمان به سنگهای ظلم، کشتار، آوارگی، فقر و درد و رنج میلیونها نفر می‌خورد و هیچ کاری نتوانسته‌ایم انجام دهیم ولی آنگاه که خورشید هدایت طلوع می‌کند و همه جا روشن می‌شود و میلیاردها میلیارد برابر یک نورافکن قوی نور می‌افشاند، دیگر هیچ

۱ و ۲ - سوره زمر آیه ۶۹ به ضمیمه تفسیر آن از روایات و نیز این جمله از زیارت جامعه کبیره : و اشرق الارض

بنورکم و زمین با نور شما خاندان عصمت علیهم السلام روشن خواهد شد.

دعا الندبة: «... و قد ملأت الارض عدلا و اذقت اعداءك هوانا و عقابا».^{۳۵۸}
دعای ندبه: «یا صاحب الزمان آیا می شود آن روز را ببینیم که تو کرة زمین را پر از عدالت فرموده ای و دشمنانت را خوار و ذلیل نموده و به مجازات رسانده باشی؟».

انسانی پایش نمی لغزد و حتی خطای کوچکی هم ممکن است از او سر نزنند و به تعبیر زیبای یکی از اولیاء خدا: "معمولی ترین مردم زمان ظهور امام زمان علیه السلام از دانشمندترین مردم زمان غیبت داناترند" خواهد شد. زیرا در زمان غیبت نهایت امر آن است که یک دانشمند با تلاش خود نورافکنی تهیه نموده تا تاریکی را بزدايد ولی زمان ظهور که خورشید هدایت جهان را پر از نور می نماید نور نورافکن در برابر روشنایی او چیزی بحساب نمی آید و همه مردم راه راست را می یابند.

تلاش اصلاح گران جامعه بشری هر قدر پر عظمت باشند نهایتاً مانند آبی است که یک پرنده با منقار خود در آتش سهمگین فقر و فساد و فحشاء و بی عدالتی می ریزد و صدها مرتبه پرواز می کند و آب می آورد تا شاید آنرا خاموش نماید، ولی موفق نمی شود و خسته و بال و پرسوخته پرواز می کند و می رود.

اما حضرت بقیة الله ارواحنا فداه آن مأمور نجاتی است که با قدرت الهی خود تمامی شعله های فساد و انحطاط و بدبختی بشر را در مدت کوتاهی خاموش می نماید همانطور که یک انسان شمعی را با یک فوت خاموش می کند.

سخن در وصف آن منجی یگانه بشر بیش از این قطرات کوچک است که بر صفحات این کتاب ریخته شود در حالیکه اقیانوس وصف او را با این قطرات نتوان درک کرد و این سخن مبالغه در وصف او نیست چرا که خداوند متعال او را چنین پر عظمت معرفی فرموده است.^(۱)

۱- قل لو كان البحر مدادا لكتلت ربي لنفذ البحر قبل ان تنفذ كلمات ربي (سوره كهف آیه ۱۰۹) بگو اگر دریاها مرکب قلمی شوند که بخواهد وصف کلمات پروردگار (ائمه اطهار علیهم السلام) را بنگارد این همه مرکب پایان می یابد ولی فضائل کلمات الهی پایان نمی پذیرد. (در روایات خاندان رسالت علیهم السلام این تفسیر در باره ائمه هدی علیهم السلام دیده می شود به تفسیر البرهان در ذیل آیه شریفه مراجعه شود).

قسمت بیست و هفتم :

سلام بر منتظران

«سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت
و ظهور او،... سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری
و ایثار و شهادت راه ظهورش را هموار می کنند.»

صحیفه نور ج ۲۱ ص ۱۰۷

دعاء الندبة : «واتم نعمتك بتقديمك اياه امامنا حتى توردنا جناتك و مرافقة
الشهداء من خلصائك»^{۲۵۱}

- " با سلام و درود به پیشگاه مقدّس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت
حضرت بقیه الله ارواحنا فدا و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان
از قیود ظلم و ستم استکبار، سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر
غیبت و ظهور او، و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می کنند و از
جام هدایت و معرفت او لبریز می شوند. سلام بر ملت بزرگ ایران که با
فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می کنند."^(۱)

آری، سلام بر ملت بزرگ ایران و همه دوستداران نهضت جهانی
حضرت ولی عصر ارواحنا فدا.

سلام بر آنانکه در این زمان از خواب غفلت برخاسته ظهور منجی را طلب می کنند.
سلام بر آنانکه با تقدیم شهدای گرانقدر به امام زمان علیه اظهار محبت می نمایند.
و سلام بر شیعیان مظلوم لبنان که در مقابل یک دنیا شیطننت و خباثت تنها به امام

۱- صحیفه نور ج ۲۱ - ص ۱۰۷ - تاریخ ۶۸/۱/۲

دعای ندبه:

«خدایا آن رهبر فرزانه و منجی آخرین را رهبر برایمان قرار ده تا بوسیله او ما را به بهشت‌ها و همراهی با شهدائی از بندگان خالصت وارد فرمائی.»

عصرارواحنافده چشم دوخته و تنها تکیه گاه و پناهگاهشان را آن بزرگوار قرار داده‌اند. سلام بر همه کسانی که در جهان امروز، در گرداب مادیات فرو رفته و خود را به کشتی نجات امت، حضرت ولی عصرارواحنافده رسانده و او را شناخته و به او توجه دارند و از او استمداد می‌جویند.

سلام بر آنانکه در این زمان چشمانشان به جمال دلربای امام عصرارواحنافده روشن شده و از چهره نورانی اش رموز بندگی خداوند سبحان را قرائت کرده‌اند.

سلام بر آنانکه صبح و شام دست بر سر گذاشته و با اقتدا به امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به امام عصر علیه السلام سلام می‌دهند و از خداوند خاضعانه تقاضای فرج آن حضرت را می‌نمایند و با این عمل علاوه بر زنده نگه داشتن یاد و نام امام زمان علیه السلام در میان مردم، خود را مورد لطف و مرحمت خاص حضرتش قرار می‌دهند.^(۱)

سلام بر آنانکه با گردش زمان مجذوب دنیا نشده و قطب و محور زندگی یعنی امام زمان علیه السلام، امامی که بر زمان امامت دارد را رها نمی‌کنند.

آنانکه تا پرچم جمهوری اسلامی را به دست مبارک مولایشان نسپارند در زیر چرخهای سنگین پول و مقام و ریاست و شهرت نرفته و خرد نمی‌شوند بلکه تنها عزتشان توجه به صاحب این کشور است و می‌کوشند آن را بیش از گذشته امام زمانی کنند و همه جای آنرا با نام مقدّسش زینت دهند و خود نیز زینت او باشند و در راه محبّت آن بزرگوار از سخنان ناروا و تهمت‌های مختلف که آنرا در اظهار محبّت به امام عصرارواحنافده سرزنش می‌نماید، نهراسند و چون اصحاب سیدالشهداء علیه السلام که در

۱- منتخب الاثر فصل ۱۰ باب ۳ ح ۴ (ص ۵۰۶)

عن الصادق عليه السلام :

«من مات منتظراً لهذا الأمر كان كمن كان مع القائم في فسطاطه...»^{۳۶۰}

هنگام نماز تیرها را بجان می خریدند و از امامشان دفاع می نمودند، اینان نیز تیرهای تهمت و شایعات و دروغ پراکنی های منافقانه را در دفاع از مولایشان بجان خریدار بوده و حتی بزمین بیفتند ولی نام مولایشان و راه او را زنده نگه دارند. سلام بر آنانکه تنها جرمشان آن است که نیرویی جز محبت امام زمان علیه السلام قلبشان را تسخیر نکرده و در این زمان که زمان غربت آن حضرت است بمانند اصحاب سید الشهداء علیه السلام، مولایشان را تنها نمی گذارند.

«سلام نشانه چیست؟»

سلام بر جامعه منتظر و انسانهای چشم براه نشانه چیست؟ آنگاه که عده ای را به بزرگی یاد می کنند و در برابر عظمتشان سر فرود می آورند این چنین بر آنان سلام می دهند.

سلام بر انسانهای منتظر نشانه عظمت شخصیت و مقام آنان است. و اکنون آیا در میان ما به دوستان امام زمان علیه السلام به عنوان افراد با شخصیت نگریسته می شود؟

آیا در اهداء جوایز، در تکریم مقام انسانهای با شخصیت اجتماع آیا به منتظران ظهور امام زمان علیه السلام، بهائی داده می شود؟

از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده است: "افضل اعمال امتی انتظار الفرج"^(۱) یعنی:

"با ارزشترین اعمال امت من انتظار فرج است."

کسانیکه انتظار فرج آن حضرت را محور برنامه های خود قرار داده و برای ظهور

۱- منتخب الآثار فصل ۱۰ باب ۲ ح ۵ (ص ۴۹۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«بارزترین عبادت یک مؤمن انتظار ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام را داشتن است.»
(زیرا با داشتن روحیه انتظار خود را از ذرائع اخلاقی و زندگی غیر خدا دور می‌کند).

مولایشان تلاش می‌کنند با فضیلت‌ترین مردم زمان می‌باشند.

«سلام بر دوستان امام زمان علیه السلام»

دوستان حقیقی امام زمان علیه السلام نه آنانند که تنها محبت آن حضرت را به زبان اظهار می‌دارند که آنان هواداران و دوستداران اسمی ایشانند بلکه دوستان حقیقی امام زمان علیه السلام آنانند که آن حضرت را :

الف: به قلب می‌شناسند و آن حضرت را با آنکه ندیده‌اند به قوت عقل خویش چنانکه دیده باشند، باور دارند.

ب: با زبان خود آنچه به قلب پذیرفته‌اند را اظهار می‌نمایند و زبان خود را بلندگوئی برای آن حضرت قرار می‌دهند و بوسیله سخن به آن بزرگوار اظهار محبت می‌نمایند.
ج: محبت آنان از قلب و زبان به دست و پا و چشم و سایر اعضاء بدنشان سرایت کرده و بوسیله این اعضاء به آن حضرت اظهار محبت می‌نمایند یعنی: می‌کوشند تمامی اعمال و رفتار خود را براساس محبت به آن بزرگوار انجام دهند و عملی از آنان سر نزنند که قلب حضرتش را اندوهگین نماید.

«سلام امام سجاد علیه السلام بر دوستان امام زمان علیه السلام»

اکنون باید بگوئیم :

سلام خداوند بر چنین دوستانی که به امام زمانشان اظهار محبت می‌کنند نازل می‌شود و سلام خداوند سلامتی از هر پلیدی و ناراحتی و مرض و نقص و ضعف روحی را به ارمغان می‌آورد.

کسانیکه نامشان بر زبان حجت خدا، و چهارمین جانشین حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت امام زین العابدین علیه السلام، قرار گرفته و در دعای روز عرفه که در بهترین اوقات و

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :

«افضل عبادة المؤمن انتظارالفرج».^{۲۶۱}

مکانها صورت می گیرد، چنین یاد می شوند :

«...^(۱) اللهم و صل على اوليائهم، المعترفين بمقامهم، المتبعين منهجهم، المقتفين آثارهم، المستمسكين بعروقهم، المتمسكين بولايتهم، المؤتمنين بامامتهم، المسلمين لامرهم، المجتهدين في طاعتهم، المنتظرين ايامهم، المادين اليهم اعيانهم، الصلوات المباركات الزاكيات الناميات الغاديات الرائحات، و سلم عليهم و على ارواحهم واجمع على التقوى امرهم و اصلح لهم شؤونهم وتب عليهم انك انت التواب الرحيم و خيرالغافرين، واجعلنا معهم في دارالسلام برحمتك يا ارحم الراحمين».^(۲)

یعنی :

«خدایا دوستان حقیقی امام زمان علیه السلام را مشمول محبت مخصوص خود قرار ده، آنانکه :

۱- مقام امام زمان علیه السلام را پذیرفته و به آن گردن نهاده اند،

۲- تنها راه و روش آن حضرت را پیروی می نمایند،

۱- در جملات قبل از این آمده است : اللهم فاوزع لولیک شکر ما انعمت به علیه و اوزعنا مثله فيه و اته من لدنک سلطاناً نصيراً و افتح له فتحة یسیرا... و امدده بچندک الا غلب... و اقم به کتابک و حدودک و شرائعک... و ابسط یدہ علی اعسائک...، آشنایان با این جملات بخوبی می دانند که اینها مطالبی در خصوص ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می باشد.
۲- دعای ۴۷ صحیفه مبارکه سجادیّه.

امیرالمؤمنین علیه السلام :

«بارزترین عبادت یک مؤمن انتظار ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام را داشتن است»
(زیرا با داشتن روحیه انتظار خود را از رذائل اخلاقی و زندگی غیرخدا دور می‌کند).

۳- تنها آنچه از خاندان رسالت علیهم السلام باقی مانده را ملاک عمل خود قرار می‌دهند

و افکار غیر این خاندان را منبع شناخت خود از حقایق قرار نمی‌دهند. (چرا که

تنها این خاندان مرکز اتصال به وحی و علم صددرصد می‌باشند).

۴- تنها به آنچه این خاندان به عنوان راه و روش زندگی و اخلاق و غیره

ارائه داده‌اند چنگ می‌زنند.

۵- ولایت و سرپرستی این خاندان بر خود را تنها وسیله نجات خویش قرار داده

و براساس آن تربیت می‌شوند.

۶- جانشینان حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله (دوازده معصوم علیهم السلام) را پیشوایان خود

می‌دانند.

۷- قلبشان تسلیم دستورات این خاندان است و از خود نظری ندارند.

۸- در اطاعت از آنان پرتلاش اند.

۹- چشم انتظار روزهای طلایی حکومت امام عصرند و هر روز احتمال ظهور

حضرتش را می‌دهند.

۱۰- آن حضرت را ناظر بر اعمال خود دانسته و چشم به او دوخته‌اند.

خدایا براینان :

صلوات (رحمت و لطف مخصوص حق) را نازل فرما،

صلوات و درودهای پربرکت، پاکیزه و دلنشین، زیادکننده نعمتهای الهی که در

عن رسول الله ﷺ :

«سیأتی قوم من بعدکم، الرجل الواحد منهم له اجر خمسين منکم».^{۳۶۲}

صبح و شام بر آنان فرو ریزد.

و خدایا بر آنان و بر روحشان "سلام" خود را نازل فرما (همه وجود و زندگیشان را از آفات گوناگون مادی و معنوی حفظ فرما).

خدایا امورشان را یکجا در مسیر خودت قرار ده و از انحراف و گناه حفظ فرما و کارهایشان را اصلاح نموده بر آنان با لطف و رحمت خاص بازگرد (توبه فرما) چرا که تو همان خدای بسیار توبه کننده و پرمحبتی و توبهترین بخشندگانی و ما را نیز با آنان یکجا در دارالسلام (خانه سلامتی «بهشت») جمع فرما به رحمت خاص خودت ای مهربانترین مهربانان.^(۱)

آری، اینان دوستان حقیقی امام زمان علیه السلام اند و اگر برخلاف این دیده شوند تنها این نام مبارک را بر خود نهاده و هیچگاه لایق امتیازات و صلوات و دعاهاى فوق و مشمول این الطاف بیکران نمی شوند.

آیا کسی که چشم انتظار افزایش حسابهای بانکی خود است، و کسی که بجای امام زمانش افکار اختراعی این و آن را امام و رهبر خود قرار داده، و کسی که علوم و معارف انسان ساز را از غیر منبع حقیقی آن که خاندان رسالت اند فرا می گیرد،

و کسی که غیر این خاندان و اشخاص مورد تایید آنان را اصلاح کننده و مربی روح خود قرار می دهد،

۱- دعای روز عرفه صحیفه سجادیّه.

رسول خدا ﷺ :

«پس از شما مردمی خواهند آمد که یک نفر از آنان پاداش پنجاه تن از شما را خواهد داشت».

و کسی که خود را در دست هواهای نفسانی اسیر ساخته،
و کسی که قلبش تسلیم دستورات آن حضرت نیست و خود را آزاد از قوانین الهی
می داند،

و کسی که در اطاعت از آن حضرت تلاش نمی کند،
و کسی که چشم خود را به حوادث مبهم دوخته و ظهور و قیام منجی عالم بشریت
را جزء انتظارات روزانه خویش قرار نداده و آنرا به آینده های دور مربوط می نماید و یا
خدای نکرده برخلاف سخن انبیاء و ادیان بزرگ الهی (آن حضرت) را ناظر بر اعمالش
ندانسته و از او غافل است.

چنین کسانی چگونه می توانند نام "دوستان امام زمان علیّه" را بر خود قرار دهند و
چگونه صلوات بیکران و دعاها و فوق شامل حالشان می گردد و چگونه توقع دارند
خداوند آنانرا از غمها و گرفتاریها و بلاها و انحرافات دور نگه دارد؟ و سلامتی روحی
و جسمی به آنان عنایت فرماید؟

«آنگاه که یک سلول»

سلامتی و دوری از مرض، آنگاه نصیب یک سلول می شود که ارتباطش با قلب و
مغز قطع نگردد.

و یک انسان بمانند یک سلول در پیکره بزرگ بشری است که باید با قلب و مغز آن
که امام هر زمانی است مرتبط باشد تا سلامتی او بخطر نیفتد.

سلام پروردگار، نزول سلامتی او بر موجودات است.

خداوند موجودی را سالم و بدون مرض نگه می دارد که قوانین بهداشت روح و
جسم را مراعات نماید.

عن رسول الله ﷺ :

«يا علي واعلم ان اعجب الناس ايماناً و اعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان»^{۳۶۳}

همانطور که وقتی قوانین بهداشت جسم توسط انسان نقض می‌گردد، در بستر بیماری می‌افتد، هم‌چنین اگر قوانین بهداشت روح که رعایت دستورات الهی است مراعات نگردد سلامتی آن در معرض خطر قرار می‌گیرد تا جائیکه پیامبر اکرم ﷺ آن طبیب یگانه بشر، کسانی که امام زمانشان را با معرفت قلبی نمی‌شناسند مرده‌ای از مرده‌های زمان جاهلیت که انسانیت از آنان رخت بر بسته بود و دختران خود را زنده زنده در گور می‌کردند، دانسته و می‌فرمایند :

“ من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية ”^(۱)

کسی که امام زمانش را نشناسد و با همین حال از دنیا برود چون مرگ زمان جاهلیت (در کفر و نفاق و گمراهی) است.

آری، معرفت قلبی به منجی آخر الزمان حضرت بقیة الله ارواحفداء موجب زنده شدن روح آدمی می‌گردد و بالعکس چنانچه محور معرفت و محبت قلبی انسان بر مقام یا ریاست، یا پول و ثروت و یا بر شهرت و خودنمایی و... قرار گیرد روح انسانی اش مرده و مشمول حدیث فوق می‌گردد.

پس آنانکه خواستار سلامتی روح خود هستند و دوست دارند اطباء واقعی بشر یعنی انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام آنانرا به صورت انسان واقعی ببینند، باید با امام زمان خود آشنا شده و راه رسیدن به کمالات روحی را بجویند.

رسول خدا ﷺ :

«ای علی : بدانکه عجیب‌ترین مردم از لحاظ ایمان و عظمت یقین مردمی هستند که در آخرالزمان هستند». (با آنکه امام زمانشان غایب است ولی به او ایمان و یقین کامل دارند).

«ریزش سلامتی بر انسان»

همانطور که در دعای امام سجاد علیه السلام ملاحظه فرمودید، آن حضرت از خداوند خواسته‌اند سلامتی و لطف خاص خود را بر دوستان حقیقی امام زمان علیه السلام فرو ریزد، اکنون باید بدانیم میزان این سلامتی چقدر است؟ باید بگوئیم میزان سلامتی روحی انسان به میزان تلاش و خودسازی او بستگی دارد.

هر قدر انسان روح خود را از صفات رذیله و اعمال ناپسند بیشتر تزکیه و پاک نماید روحش سالمتر و نقائصش کمتر می‌شود.

«سلامتی روح و جسم»

همانگونه که بیمار جسمی، سلامتی‌اش بستگی به کم شدن میزان آلودگی و میکروبهای امراض در جسم او دارد روح انسان نیز چنین است. هر قدر مرض حسادت در انسان کمتر باشد سالمتر است. هر قدر مرض تکبر در او کمتر شود سلامتی‌اش بیشتر است. و هر قدر سایر امراض روحی (که بیش از هفتاد مرض است) در او کاهش یابد میزان سلامتی‌اش بالا رفته و الطاف بیشتری از سوی خداوند نصیبش می‌شود.

قسمت بیست و هشتم :

آما ده دیدار شویم

« ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت ». « خداوند... ما را موفق کند که به لقای جمال مبارک امام زمان سلام الله علیه موفق بشویم ».

صحیفه نوج ۱۲ ص ۲۰۸ و ج ۱۹ ص ۱۶۱

دعا فی زمن الغیبه :
 «واجعلنا ممن تقرر عیننا برؤیته و اقمنا بخدمته».^{۳۶۴}
 «خدایا ما را از آنانکه چشمانشان به جمال امام عصر علیه السلام روشن می شود قرار داده و به خدمت آن بزرگوار بگمار».

حضرت امام خمینی ره لزوم آمادگی روحی برای دیدار با منجی بزرگ جهان
 حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را چنین خاطر نشان می سازند :

– “و ما باید در این طور روزها و در این طور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا
 کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم،
 بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که شخص اول است برای اینکه دومی در
 کار نیست، ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی
 موعود است، آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر و ما باید خودمان
 را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان،
 طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاههایی که الآن به کار
 گرفته شده اند در کشور ما و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا
 بکند، باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای

الدعا الندية: «هل يتصل يومنا منك بعدة (بغده) فنحظى».^{۳۶۵}
دعای ندبه: «ای فرزند رسول خدا ﷺ یا صاحب الزمان آیا می شود امروزمان را با
وعده دیداری به فردایمان متصل نموده و ما را از فیض جمالت بهره مند فرمائی».

ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه.

من امیدوارم که ملت ایران در این روز مبارک پانزده شعبان که روز مبارکی
است، در سعادت و سلامت و آرامش تمام به سر ببرند. و خداوند این مولود
سعید را بر همه مبارک کند. و خداوند این مولود مبارک را، ما را موفق کند و به
دیدار ایشان که چشمهای ما روشن بشود به زیارت این وجود مبارک که واقعاً
شخصی است که نمی توانم بگویم شخص اول دنیا و نمی توانم بگویم رهبر،
بالا تر از این مسائل هست. خدا همه ما را موفق کند به خدمت ایشان و به
خدمت به اسلام و به خدمت به کشور خودمان».^(۱)

- "از خداوند تعالی مسألت می کنم که ظهور ولی عصر سلام الله علیه را نزدیک
فرماید و چشمهای ما را به جمال مقدسش روشن. ما همه انتظار فرج داریم و
باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما
باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور آن
شاء الله تهیه بشود".^(۲)

۱- صحیفه نوری ج ۱۲ - ص ۲۱۰-۲۰۷ - تاریخ ۵۹/۴/۷

۲- صحیفه نوری ج ۷ - ص ۲۵۵ - تاریخ ۵۸/۴/۱۲

زیارة آل یاسین : «واجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعتہ»^{۳۶۶}
«خدایا مرا از یاوران و یاری دهندگان و پیروان و شیعیان واقعی امام عصر علیه السلام قرار ده».

- "از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ظهور مسعود ایشان را نزدیک کند و تشریف بیاورند و ما هم جمال او را ببینیم، و ایشان هم در میان ما، شماها را از نزدیک ببینند، گرچه ایشان مطلع هستند بر مسائل و مصائب، ما مرهون زحمتهای شماها و عزیزان شماها هستیم".^(۱)
- "خداوند این اسلام را، جمهوری اسلامی را نگه دارد و ما را موفق کند که به لقای جمال مبارک امام زمان سلام الله علیه موفق بشویم".^(۲)
- "ما در انتظار رؤیت خورشیدیم".^(۳)
- تذکر: توضیحات لازم این قسمت، در عنوان بعدی تقدیم خواهد گردید.

۱- صحیفه نور ج ۱۲ - ص ۲۰۳ - تاریخ ۵۹/۴/۶ ۲- صحیفه نور ج ۱۹ - ص ۱۶۱ - تاریخ ۶۴/۲/۱۶

۳- صحیفه نور ج ۲۰ - ص ۵۹ - تاریخ ۶۵/۱۱/۱۶

قسمت بیست و نهم :

تکلیف مؤمنین

« تمام دستگاههایی که الآن بکار گرفته شده‌اند در کشور ما...

خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه ».

صحیفه نور جلد ۱۲ ص ۲۰۹ - ۲۰۸

الدعا النديّة:

«واعنا على تادية حقوقه اليه».^{۲۶۷}

حضرت امام خمینی قزوینی تکلیف مسئولین امر در رابطه با حضرت مهدی ارواحنا فداه را چنین روشن می فرمایند :

- " تمام دستگاه هایی که الآن بکار گرفته شده اند در کشور ما و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند، باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه ".^(۱)
- " همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود ".^(۲)
- " مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران

۱- صحیفه نور ج ۱۲ - ص ۲۰۹-۲۰۸ - تاریخ ۵۹/۴/۷

۲- صحیفه نور ج ۷ - ص ۲۵۵ تاریخ ۸۵/۴/۱۲

دعای ندبه:

«خدایا ما (خصوصاً مسئولین جامعه اسلامی) را در ادای حقوقی که امام زمان علیه السلام بر همه ما دارند یاری فرما».

نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت
حجت‌ارواح‌القدس است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و
ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^(۱)

– “مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند
منصرف کند، خطر بزرگ و خیانتی سهمگین را بدنبال دارد، باید دولت
جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید
ولی این بدان معنی نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت
جهانی اسلام است منصرف کند.”^(۲)

– “و اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا
قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف حاکم کنیم... از
نفس گرم ولی الله اعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف می‌خواهم که از خداوند متعال
تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و تمام ملت شریف را توفیق به عمل به
اسلام و قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة‌الله روحی‌فداء

۱- صحیفه نور ج ۲۱ - ص ۱۰۸ تاریخ ۶۸/۱/۲. ۲- صحیفه نور ج ۲۱ - ص ۱۰۸ تاریخ ۶۸/۱/۲.

عن الباقر عليه السلام :
«... القائل منكم : ان ادركت القائم من آل محمد نصرته كالمقارع معه بسيفه، والشهيد معه له شهادتان».^{۲۶۸}

نماید".^(۱)

- " خداوند همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی [جمهوری اسلامی] را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود ارواحنا المقدمه القداء رد کنیم".^(۲)

با توجه به آنکه عنوان «آماده دیدار شویم» و عنوان «تکلیف مسئولین» در یک راستا و از مطالبی مشابه یکدیگر برخوردار می‌باشند هر دو را یکجا مورد بررسی قرار می‌دهیم. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران همه مشاهده کردیم اگر مردم یکپارچه شوند و همه یک چیز (حق) را بخواهند خداوند آن چیز را به آنان عنایت می‌فرماید. و اگر به این جمله از نامه مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا القداء توجه نمائیم حقیقت فوق را بهتر لمس می‌کنیم.

"و لو ان اشياعنا و فقهم الله لطاعته على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم اليمين بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة منهم بنا..."^(۳)

اگر شیعیان ما که خداوند آنان را به اطاعت خود موفق فرماید در وفاء به عهدی که

۱- صحیفه نوری ۱۵ - ص ۲۲-۲۴ - تاریخ ۶۰/۳/۲۸

۲- صحیفه نوری ۱۹ - ص ۱۱ - تاریخ ۶۳/۳/۷

۳- کلمه الامام المهدی عليه السلام ص ۱۵۱ رساله الثانيه للشيخ المفيد رحمه الله عليه.

امام باقر علیه السلام :
«از میان شما شیعیان آنانکه چنان روحیه‌ای دارند که با خود می‌گویند اگر حضرت قائم علیه السلام
را درک می‌کردم او را یاری می‌نمودم، مانند کسی است که در رکاب آن حضرت شمشیر زده
باشد و شهادت در محضر آن حضرت دو شهادت محسوب می‌شود».

با ما بر دوش دارند یکپارچه و یکدل می‌شدند هرگز میمنت ملاقات با ما را از دست نداده و سعادت دیدار و مشاهده ما را با عجله و شتاب بدست می‌آوردند دیداری با معرفتی راستین از آنان بما...

آری، چه می‌شد اگر بجای جناحهای مختلف در کشور، همه یکسو و یکجهت به صاحب کشور توجه نموده و برای ظهور مقدّسش تلاش می‌نمودند؟
آیا جز این است که با پیروزی انقلاب اسلامی رسالتی سنگین در این زمینه بر دشمنان نهاده شده؟

مگر در دنیا کدام کشور است که امکانات تبلیغاتی، فرهنگی، مادی و رادیو و تلویزیون خود را در خدمت امام عصر ارواحنا فداه قرار دهد؟

آیا ما گمان کرده‌ایم انقلابی در این کشور صورت گرفت و بس؟ ما وظیفه‌ای جز بردن نام آن حضرت آنهم در روز جمعه بطور گذرا یا در نیمه شعبان نداریم؟

آیا در جملات نامه فوق فکر نکرده‌ایم که با ما روی سخن دارد و می‌گوید اگر شما شیعیان ایران که نتیجه یکپارچگی را در پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده نمودید اگر ظهور مرا هم اینچنین و بطور یکپارچه می‌خواستید من ظهور می‌نمودم؟

آیا مانند بعضی از شهداء عزیزمان آماده دیدار حضرت ولی عصر ارواحنا فداه شده‌ایم که آنان برای دیدار با آن حضرت قدم پیش نهادند؟

آیا فکر می‌کنیم با قرار دادن نام شیعه و نام‌های زیبای دیگر و مطابق این نامها عمل ننمودن از مجازات الهی مصون مانده‌ایم؟

و اگر امام عصر ارواحنا فداه در زمان ما ظهور فرماید سربلند و روسفید به دیدارشان می‌رویم؟ و آیا کسانی که مسئولیتی در کشور آن حضرت دارند آماده دیدار حضرتش

دعاء مولانا صاحب الزمان علیه السلام :

«و تفضل... و علی الأمرء بالعدل والشفقة» ۳۶۹

هستند؟ و آیا خدای نکرده کسی در میان آنان هست که فکر کند حالا کو تا امام زمان علیه السلام بیاید (العباد بالله) حالا وقت ظهور آن حضرت نیست؟ و آیا کسی در خواب غفلت فرو نرفته و مسائل ظهور آن حضرت را مسائل فرعی و کم اهمیت تلقی نمی کند؟ که نتایج کم اهمیت تلقی کردن و اینکه هنوز وقت ظهور نیست و امثال این تفکرات بیگانه با معارف خاندان عصمت علیهم السلام همین شده است که آنحضرت را به دنیا شناسانده و از وجود مقدسش غافل شده ایم.

«و اما تکلیف مسئولین»

گرچه تکلیف مسئولین نظام را " ولی فقیه " و قانون مشخص می کند، ولی تذکر و یادآوری این وظایف از باب خیرخواهی امری پسندیده و گاه لازم و حیاتی است. باید به مسئولین محترم و کلیه دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی خاطر نشان سازیم که بسیاری از تذکرات مهم و ضروری در رابطه با مسائل ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را در خلال همه عناوین این کتاب مطرح نموده ایم بطوری که می توانیم بگوئیم جهت اطلاع از این تذکرات می بایست همه کتاب را مطالعه نمود. در عین حال و به جهت اهمیت موضوع، عنوان فوق را مستقلاً مطرح نمودیم تا یادآوری مخصوصی در این رابطه انجام شده و خط مشی رهبر انقلاب و حضرت امام خمینی قدس سره در آن خاطر نشان گردد.

«محوریت برنامه مسئولین»

براساس سخنان حضرت امام خمینی قدس سره، و اصولاً به ضرورت حکم عقل و آیات و روایات فراوان، محور تکالیف ما شیعیان در عصر غیبت آن است که جامعه خود و عموم مردم دنیا را با حکومت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه آشنا نمائیم زیرا که

دعای حضرت ولی عصر (عج):

«خدایا به مسئولین امور جامعه عدالت و مهربانی عنایت فرما».

روشنفکران حقیقی می‌دانند جز با ظهور منجی عالم بشریت جهان به صلح و عدالت نخواهد رسید و اکنون همه آزاداندیشانی که در جهان خود را مدافع حقوق انسان می‌دانند دستیابی به صلح و عدالت را تنها رمز تأمین حقوق انسانها دانسته و برای آن تلاش می‌نمایند، بنابراین ما باید برای مردم دنیا حقایق تلخی که منجر به محرومیت مردم از نور خورشید هدایت شده در حد امکان تشریح نمائیم تا ریشه این محرومیت شناخته و زدوده گردد.

حضرت امام علیه السلام براساس تکالیف روشن اسلام، محور فعالیت مسئولین نظام جمهوری اسلامی را بر دو محور اصلی و فرعی بنا نهاده و از همه دستگاههایی که در کشور بکار گرفته شده‌اند می‌خواهند در این جهت کوشش نمایند.

اول: سوق دادن نیروهای فرهنگی، تبلیغاتی و دستگاههای کشور بسوی اهداف حکومت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا نافداه و آماده شدن برای دیدار و ظهور آن حضرت (محور اصلی و بزرگ).

دوم: توجه به اصلاح ساختار اقتصادی و مسائل اجتماعی و اداره هرچه بهتر زندگی مردم (محور کوچکتر و فرعی).

دو محور فوق به عنوان یک تکلیف شرعی و عقلی از سوی اسلام بر دوش مسئولین اداره جامعه اسلامی نهاده شد و آنان در قبال شرع مقدس مسئول و موظفند در عین آنکه در جهت اصلاح ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جامعه تلاش می‌کنند، کوشش نمایند جامعه عصر غیبت را با امام عصر ارواحنا نافداه آشنا و زمینه ظهور آن حضرت را فراهم نمایند.

گرچه با کمال تأسف باید بگوئیم به مجرد بیان این مطلب (با آنکه در فرمایشات

عن الامام الباقر عليه السلام :
«العارف منكم هذا الامر، المنتظر له، المحتسب فيه الخير كمن جاهد والله مع قائم آل محمد».^{۳۷۰}

امام راحل قدس سره آمده و اسلام عزیز و قرآن و اهلبیت عصمت عليهم السلام و ضرورت حکم عقل ما را به آن موظف نموده است) عده‌ای با اظهار بی‌میلی و بی‌توجهی به آن، تصور می‌کنند تنها مسائل جاری و سیاسی روز که بسیاری از آن‌ها روئیده افکار و سلیقه‌های اختراعی خود ماست، مهم بوده و مسأله آمادگی برای ظهور حضرت ولی عصر عليه السلام هنوز در دستور کار و جزء مسائل جدی جامعه قرار ندارد.

در صورتیکه آنان غافلند از اینکه مسأله ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فدای آنها مسأله سیاسی روز جهان باید باشد که متأسفانه سیاستمداران ظالم در طول چهارده قرن گذشته، عمداً این مسأله حیاتی را مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند تا خود بر مردم جهان حکومت کنند و منجی عالم بشریت مسأله‌ای فراموش شده در افکار مردم باشد. بسیاری از سیاستمداران تاریخ گذشته و کنونی به خوبی می‌دانند که با ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فدای دیگر جای اجرای سیاستهای شیطانی و نفسانی آنان نیست و باید کاری کرد که مردم بطور زنده و به عنوان مسأله سیاسی و اجتماعی روز به ظهور حضرت ولی عصر عليه السلام توجه نمایند و مقدمات ظهور منجی فراهم نیاید.

ولی مسئولین محترم نظام جمهوری اسلامی که به جهت برهم زدن این سیاستهای شیطانی وارد صحنه سیاست جهان شده‌اند اگر هوشیار نباشند خطر آلوده شدن به چنین سیاستهایی از آنان دور نیست و لذا باید بکوشند سیاست و قدرت و نیروهای خود را در خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فدای قرار دهند.

گرچه ممکن است بعضی بگویند مگر الآن چنین نیست و آنان در خدمت امام زمان عليه السلام قرار ندارند؟

امام باقر علیه السلام :
«آنکس از شما که به امر حکومت جهانی ما اهل بیت معرفت داشته و در انتظار آن روزشماری کند و خود را در مسیر خوبیها قرار دهد بخدا قسم مانند کسی است که به همراه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله شمشیر زده باشد».

ما می‌گوئیم بطور کلی شاید عده‌ای مخلص چنین باشند و خدمات آنان در اصل به اسلام و امام زمان علیه السلام برگردد ولی تاکنون بطور مشخص چنین نبوده و توجه به مسائل ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه یک مسأله روز و رایج در محافل مختلف مذهبی، سیاسی، اجتماعی، تبلیغاتی و غیره نیست که اگر چنین بود مانند بسیاری از مسائل روز کشور و دنیا مورد توجه قرار گرفته و بودجه‌های سنگینی به آن اختصاص داده می‌شد و امام عصر ارواحنا فداه اینچنین در بوته فراموشی قرار نمی‌گرفت و آن حضرت در بعضی از تشرّفات بطور مکرر پیام نمی‌داد که من فراموش شده‌ام. و غریبانه‌تر از این در تشرّف معتبر یکی از علماء نجف که اخیراً اتفاق افتاده چنین دلسوزانه و غمبار دست به دعا بلند نمی‌کرد و پایان غیبت خویش را خواستار نمی‌شد که شرح این تشرّف را با هم مورد توجه قرار می‌دهیم.^(۱)

«تشرّفی اشکبار»

یکی از علماء بزرگ شیعه در نجف اشرف^(۲) افتخار شرفیابی به محضر مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را بطور اتفاقی بدست می‌آورد که تشرّف معتبر او را یکی دو نفر از علماء بزرگ چنین نقل فرموده‌اند :

او در سالهای اخیر در حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در حالیکه حرم بسیار خلوت بوده است وجود مقدّس حضرت صاحب الزّمان ارواحنا فداه را زیارت کرده و می‌شنود که حضرتش این دعای سوزناک را چنین می‌خوانند :

۱- در کتاب "راهی بسوی نور" و در کتاب "در اوج تنهایی" نیز شرح تشرّف فوق را آورده‌ایم.

۲- نام آن عالم بزرگوار آية الله خراسان دام مجده می‌باشد.

عن علی علیه السلام قال: قال رسول الله ﷺ:

«...انتظارالفرج عباده».^{۳۷۱}

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ هذا دينك اصبح باكيا لفقد وليّك فصلّ
على محمّد و آل محمّد و عجل فرج وليّك رحمة لدينك.
اللَّهُمَّ و هذا كتابك اصبح باكيا لفقد وليّك فصلّ
على محمّد و آل محمّد و عجل فرج وليّك رحمة لكتابك.
اللَّهُمَّ و هذه اعين المؤمنين اصبحت باكية لفقد وليّك فصلّ
على محمّد و آل محمّد و عجل فرج وليّك رحمة للمؤمنين.
اللَّهُمَّ صلّ على محمّد و آل محمّد.

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدایا این دین تو است که اکنون به خاطر غیبت ولّیت گریان شده، بارالها بر
محمّد و آل محمّد رحمت خاصّ خود را نازل و فرج ولّیت را زودتر برسان تا به
دین خود رحم کرده باشی.

پروردگارا و این کتاب تو است که برای فراق ولّیت گریان شده پس بر محمّد و آل
محمّد رحمت فرست و در فرج ولّیت تعجیل کن تا به کتابت رحم کرده باشی.

و خدایا این چشمان مؤمنین است که در فراق ولّیت گریان شده پس بر محمّد و آل
محمّد رحمت فرست و در فرج ولّیت تعجیل فرما تا به مؤمنین رحم کرده باشی
خدایا بر محمّد و آل محمّد رحمت فرست.

امیرالمؤمنین علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله :
«انتظار فرج حضرت مهدی علیه السلام عبادت خداست»
(زیرا با فرج آن حضرت در بنای بندگی و اطاعت غیر خدا به روی مردم بسته می شود).

و این همان ندای هل من ناصر ینصرنی امام زمان ما است که به گوش می رسد و اگر کسی به آن پاسخ نگوید خداوند او را با رو در آتش جهنم خواهد افکند که این مطلب در جریان کربلا از حضرت سیدالشهداء علیه السلام خطاب به بعضی از مسلمانان عنوان شد.^(۱)

«فاصله فکر ما با فکر امام زمان علیه السلام»

این در حالی است که آن حضرت چنین دلسوزانه و با توجه و تضرع از خداوند می خواهند که در ظهور مقدّسش عجله فرماید ولی بسیاری از ما شیعیان می گوئیم هنوز خیلی مانده امام زمان علیه السلام ظهور نماید. آیا با چنین افکار و سخنانی عملاً در مقابل آن حضرت قرار نگرفته ایم.

و آیا باید فکر ما اینقدر با فکر و سخن امام زمانمان فاصله داشته باشد که آن حضرت ملتمسانه از درگاه احدیّت تقاضای تعجیل فرج خود (هرچه زودتر رساندن فرج از سوی خداوند) را می نمایند ولی ما می گوئیم هنوز وقت ظهور نیست؟! و آیا این است ادعای ما که می گوئیم به آن حضرت اقتداء کرده و او را امام و الگوی خود می دانیم در حالیکه آن حضرت مثل امام جماعتی هستند که ما ادعای شرکت در نماز جماعتشان را کرده و می گوئیم به او اقتداء نموده ایم ولی خودمان شاهد هستیم که این امام مظلوم تنهای تنها در محراب مانده و ما در مسجد مشغول کارهای متفرقه و بازیهای سیاسی و... هستیم و با آنکه می بینیم امام جماعت اذان و اقامه نماز را داده و آماده تکبیر گفتن (آماده ظهور مقدّسشان) هستند، می گوئیم نه هنوز خیلی مانده

۱- توضیحات مبسوط در اینباره را در کتاب راهی بسوی نور خاطر نشان ساخته ایم.

عن مولانا صاحب الزمان علیه السلام :
«أنا غير مهملين لمراعاتكم، ولا ناسين لذكركم، و لولا ذلك نزل بكم الأواء،
واصطلمكم الأعداء».^{۳۷۲}

نماز شروع شود. (هنوز خیلی مانده امام زمان علیه السلام ظهور بفرماید) فعلاً سرگرم کارهای خود شویم.

اکنون ما شیعیان چه پاسخی برای ناله دلسوزانه پدر امت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه داریم که باید بگوئیم آن حضرت در حقیقت چون پدری مهربان از ما می نالند و از غفلت و بی توجهی و فرو رفتن ما در محبت دنیای پست گریان و نالآن هستند که همین روحيات و صفات ناپسند باعث انحراف افکارمان از آن حضرت شده و ظهور مقدّسش را به تأخیر انداخته است.

تذکرات و ناله های دردمندانه بیش از آن است که در این مختصر بگنجد و چنانکه گفتیم بسیاری از این تذکرات را بنا به دلائلی، در عناوین دیگر مطرح نموده ایم که باید به آنها مراجعه نمود.

و در حقیقت باید بگویم تمامی این کتاب تذکراتی به مؤمنین عزیز است تا حیاتی ترین و سیاسی ترین و پراهمیت ترین مسأله زندگی روزمان را به فراموشی نسپارند.

بنابراین مسئولین محترم نظام جمهوری اسلامی در عین آنکه باید در اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه تلاش نمایند ولی همزمان با آن می بایست جامعه و افکار عمومی و خصوصی را بسوی امام زمان ارواحنا فداه سوق دهند و در همه مقاطع دبستان و دبیرستان و دانشگاهها و نیز مراکز علمی فرهنگی و سایر دستگاههای کشور (همانگونه که امام راحل قدس سره فرمود: «همه دستگاههای کشور باید خود را برای دیدار با امام عصر ارواحنا فداه آماده نمایند» بکوشند با استفاده از یک نظام واحد تبلیغاتی، رهنمود امام راحل قدس سره را که در حقیقت همان رهنمود انبیاء و خاندان

امام عصر علیه السلام :

«ما در رعایت حال شما هیچ کوتاهی نمی‌کنیم، شما را از خاطر نمی‌بریم، اگر جز این بود بلاها از هر طرف بشما هجوم می‌آورد و دشمنان شما را پایمال می‌نمودند.»

عصمت علیه السلام است جامه عمل بپوشانند و مانند پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که همه مردم برای پیروزی و تشریف‌فرمائی امام راحل قدس سره بسیج و یکپارچه شده بودند برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه نیز اینچنین بوده و مردم را برای این امر یکپارچه و یکدل نمایند.

بدیهی است تشکیل کنفرانسهای بین‌المللی در ایران و سایر کشورهای جهان و دعوت از اندیشمندان مذاهب مختلف برای بحث از ظهور منجی عالم بشریت، و سوق دادن مباحث اصلی و مهم در بحث گفتگوی تمدنها بسوی بحث از تمدن آینده بشر که همه ادیان منتظر آن هستند یعنی تمدن پر سعادت حکومت جهانی حق به رهبری حضرت بقیة الله ارواحنا فداه،

ساختن فیلم و سریالهای متنوع و سالم و متناسب با موازین شرع مقدّس در باره حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه و به تصویر کشیدن بعضی از تشرّفات و معجزات مستند و غیرقابل تردید در چشم‌انداز میلیونی و جهانی، اعزام مبلغین به خارج و داخل کشور در خصوص تبلیغ نام مقدّس امام عصر روحی فداه،

چاپ مجلات و روزنامه‌های مخصوص در این جهت، ارزش دادن در سطح وسیع به فرهنگ انتظار و توجه به مسائل ظهور، تشکیل میزگردهای متنوع تلویزیونی و بحث از مسائل ظهور با شرکت علماء صاحب نظر که سخنان و نظرات روشن و مثبتی در این زمینه داشته و امام عصر روحی فداه را خونریز و خشن و ظهور مقدّسش را برای زمانهای دور معرفی نمایند. و دهها برنامه و طرح دیگر باید در دستور کار دستگاههای کشوری که مربوط به آن

عن الامام الصادق عليه السلام :

«... فليتوقعوا الفرج صباحاً و مساءً».^{۳۷۳}

«در آن زمان (غیبت امام زمان علیه السلام) باید شیعیان صبح و شام چشم براه انجام ظهور باشند».

حضرت است قرار گیرد. زیرا امام راحل قدس سره در سخنان همین عنوان با تأکید خاصی فرمودند :

” تمام دستگاههایی که الآن بکار گرفته شده‌اند در کشور ما و امیدوارم در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشانرا مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی سلام الله علیه “.(۱)

طبیعی است با توجه و حرکت مسئولین محترم شاخه‌های مختلف این مسأله جای خود را باز نموده و ابهامات برطرف خواهد شد.

امید است با توجه به اهداف فوق شکرگزار استقرار نظام جمهوری اسلامی در کشور خود بوده و این نعمت بزرگ را با بی‌توجهی به صاحب این کشور از دست ندهیم و خدای نکرده امام عصر روحی فداء بما خطاب نفرمایند که من به شما قدرت و امکانات دادم تا مرا به عالم معرفی نمائید ولی شما چنین نکرده و سرگرم مسائل دیگر شده و از من غفلت نمودید.

۱- صحیفه نوری ۱۲ ص ۲۰۹ و ۲۰۸ تاریخ ۵۹/۴/۷.

قسمت سیام :

تنها یک سفارش

«... شاید این وصفی که برای حضرت صاحب سلام الله علیه ذکر شده است [قائم آل محمد صلی الله علیه و آله] دنبال همین آیه شریفه که می فرماید که: قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله... دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم، قیام واحد که بالاترین قیام، همان قیام آن شخص واحد [یگانه منجی عالم بشریت] است و همه قیام ها باید دنبال آن قیام باشد».

صحیفه نوری ۷ ص ۳۶

عن الامام العسكري عليه السلام :

«إذا غاب صاحبكم عن دارالظالمين فتوقعوا الفرج».^{۳۷۴}

حضرت امام قزوینی در ملاقاتی با اعضاء هیئت قائمیه در توضیح آیه شریفه
" قل انما اعظکم بواحدہ " چنین می فرمایند:

- " امیدوارم که ما همه جزء هیأت قائمیه باشیم و همه به آن وظایفی که اسلام،
قرآن، تحت لوای حضرت صاحب سلام الله علیه برای ما تعیین فرموده اند عمل
کنیم و صورت ها را محتوی واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی، شاید
این وصفی که برای حضرت صاحب سلام الله علیه ذکر شده است دنبال همین آیه
شریفه که می فرماید که : (قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مشی و فرادی)^(۱)
دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم قیام واحد که بالاترین قیام همان
قیام آن شخص واحد است و همه قیام ها باید دنبال آن قیام باشد و قیام لله
باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید که : من فقط یک موعظه دارم به شما (قل

۱- سورة سبا آیه ۴۶.

امام عسکری علیه السلام :

«با شروع غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام هر روز برای ظهور حضرتش چشم براه باشید».

انما اعظکم بواحدة) به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که قیام کنید و قیام لله باشد، قیام لله کنید. البته آن حضرت قیام لله می فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست برای دیگران نیست لکن شیعه های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند لله، برای خدا^(۱)».

«یک سفارش»

دلسوزترین افراد مانند پدر و مادر در آخرین لحظه مهمترین سفارش را به عزیزانشان مطرح می نمایند.

خداوند متعال نیز فرموده است من فقط یک سفارش و موعظه برایتان دارم. ما هم این تنها سفارش الهی را در پایان این کتاب می آوریم تا آغازی جهت یک حرکت و تحوّل درونی باشد.^(۲)

این سفارش، تنها نیاز جامعه بشری است.

این سفارش، کلید حل تمامی مشکلات جامعه بشری است.

این موعظه مهمترین نصیحت پروردگار به ما است.

۱- صحیفه نوح ۷ - ص ۳۶ - تاریخ ۵۸/۳/۱۰

۲- لازم به ذکر است به جهت اهمیت مطلب، ما بطور جداگانه آنرا در کتابی بنام «یک درخواست» بطور مشروح بررسی نموده ایم.

عن الامام السجّاد (علیه السلام) :

«انتظار الفرّج من اعظم الفرّج»^{۲۷۵}

این موعظه هدف اصلی خلقت انسانرا گوشزد می نماید.
آنچه از خلقت بشر مورد نظر بوده تنها با این موعظه تحقق می یابد.
آری، تنها سفارش خداوند متعال آن است که ای انسانها برای اجرای برنامه های من
و برای رسیدن به زندگی انسانی در کره زمین که با حکومت جهانی نماینده من، منجی
آخر الزمان بدست می آید، همه با هم بپا خیزید.
من این کارخانه عظیم را ایجاد نکرده ام تا انسانها جهنمی و از اخلاق انسانی دور
شوند.

من شما را برای بهشت و زندگی جاویدان خلق کرده ام.
زندگی بهشت را باید از همین دنیا بدست آورد.

من برای آنکه شما به آسانی بهشتی شوید مقرر نموده ام یک حکومت واحد به
رهبری نماینده ام تشکیل شود تا هیچ کس نتواند دیگران را از راه راست منحرف
نماید و اینکه تاکنون آن حکومت تشکیل نشده بخاطر سکوت مردم در برابر
ظالمین، و عدم درخواست جدی آنان برای تشکیل دولت حق بوده است و لذا من
منتظر این درخواست از سوی مردم بوده و شما هم منتظر ظهور نماینده ام
(حضرت مهدی (علیه السلام)) باشید.

حال می پرسید : آن یک موعظه و تنها سفارش چیست؟

پاسخ می دهیم : مضمون این سفارش را بیان کردیم ولی اکنون جمله اصلی را از
قرآن کریم بیان می کنیم.

” قل : انما اعظکم بواحدة، ان تقوموالله مثنی و فرادی “

امام سجّاد علیه السلام :

«باید بدانید که انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه السلام خود بخش عظیمی از فرج و ظهور است». (زیرا با تقاضا و اصرار مردم، فرج آن حضرت بسرعت تحقق خواهد یافت).

یعنی ای پیامبرگرامی به مردم بگو :

من تنها یک موعظه برایتان دارم و یک سفارش به شما می‌کنم

برای اجرای فرمان خدا بپاخیزید دو به دو یا به تنهایی .

«چرا همین یک سفارش»

شاید این سؤال مطرح شود که چرا خداوند چنین فرموده و بر یک موعظه تاکید می‌فرماید؟

پاسخ آن است که چون با انجام این سفارش از سوی مردم و عمل نمودن به آن همه چیز بدست می‌آید.

این سفارش مانند آن است که (به عنوان مثال) ما روح انسانی را از بدنش بیرون آورده باشیم و او دیگر هیچ حرکتی نداشته و مرده باشد، حال اگر بخواهیم او زنده شود و کارهای زمین مانده را انجام دهد آیا صحیح است برای آنکه لباسش را بپوشد دستش را حرکت دهیم و با زحمت لباس را به او بپوشانیم؟

آیا صحیح است برای آنکه مطالعه کند او را نشانده عینک به چشمانش بزنیم و بگوئیم مطالعه نماید در حالیکه روح در بدن نداشته و اصلاً مطالعه برای او معنی ندارد؟

آیا صحیح است برای تمیز نمودن خانه‌اش او را با زحمت زیاد ایستاده نگه داریم و جاروئی را در دستش با طناب بسته و شکل جاروب نمودن را به او بدهیم؟

شما در پاسخ به همه این سوالات خواهید گفت : چرا بیراهه برویم اگر بتوانیم روحش را به بدن برگردانده و او را زنده می‌کنیم تا خودش همه این کارها را بدون زحمت انجام دهد والا زحمت بی‌فایده می‌کشیم و خود را خسته می‌کنیم.

عن امیرالمؤمنین علیه السلام :
«انتظروا الفرج و لا تأسوا من روح الله، فان أحب الأعمال إلى الله عز وجل
انتظار الفرج»^{۳۷۶}

پس شما یک سفارش دارید و می‌گوئید خود را سرگردان نکن و اگر همین یک سفارش را عمل کنی همه چیز بدست می‌آید.

باید به او گفت : ای مرده زنده شو، برخیز و حرکت کن.

آری، اکنون جامعه بشری همین مثل را دارد.

جامعه بشری مانند بدنی بی‌روح شده که همه کارهایش (کارهایی که یک انسان حقیقی و تربیت شده پیامبران باید انجام دهد) بر زمین مانده،

صفات انسانی در او به مرز مرگ رسیده و صفات شیطانی و حیوانی جایگزین آن شده و بوی تعفن از آن برخواسته است (تعفن بی‌هویتی و دوری از تعالیم انبیاء، تعفن جنایت، آدم‌ربائی، فقر، مرض‌های لاعلاج و ناشی از گناهان بشر و تخریب محیط زیست، جنگهای وسیع و بین‌المللی و منطقه‌ای، تهدید مردم به انفجارات هسته‌ای، تهدید به کشتار آرام از طریق محاصره اقتصادی و تحریم و ...)

از انسانها (بجز عده‌ای اندک از آنان) رفتار شایسته تعالیم انبیاء علیهم السلام دیده نمی‌شود. خدا و نماینده او را نمی‌شناسیم.

ارتکاب گناهان جنسی برای افراد بشر مثل آب خوردن شده است.

قتل و جنایت بیداد می‌کند.

استعمال مواد مخدر و سیگار همه روزه جان هزاران انسان را می‌گیرد.

فقر دهشتناک هر روز هزاران انسان را به دیار مرگ می‌فرستد.

فقر معنوی هر روز میلیون‌ها نفر را مستحق جهنم می‌نماید.

و صدها و هزاران مشکل دیگر که همه شاهد آن هستیم.

آیا اینها علامت مرگ زمین نیست؟

امیرالمؤمنین علیه السلام :
«در انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه السلام باشید و از رحمت الهی مأیوس نشوید زیرا محبوبترین اعمال نزد خداوند انتظار ظهور منجی آخر الزمان است» (که به تمام مناسبت پایان دهد و عتول بشر را کامل نماید).

«زمین مرده زنده می شود»

از اینرو خداوند متعال در قرآن کریم، کره زمین بدون رهبری نماینده خود حضرت بقیة الله ارواح‌سافده را کره‌ای مرده و بی روح می داند و به همه اعلام فرموده است که بدانید خداوند این مرده را زنده خواهد کرد :

”اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها قد يتتالكم الآيات لعلكم تعقلون“^(۱)

یعنی : ” بدانید که خداوند زمین را پس از آنکه مرده است (یعنی امام معصوم بر آن رهبری نداشته و امور جامعه بشری از هم گسیخته است و انسانها خود را راهی جهنم می کنند) زنده خواهد کرد (منجی عالم بشریت قیام فرموده و بشر را نجات خواهد داد)، ما آیات و سخنان خود را برایتان بیان نمودیم تا به فکر فرو رفته راه راست را برگزینید “ . (تفسیر این آیه را طبق روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بیان نمودیم).^(۲)

انسانی که صفات انسانی ندارد مرده است، روح ندارد، خودکار در راه رسیدن به کمالات انسانی نیست و مانند همان مرده‌ای که مثال زده شد باید اعضاء بدن او را دیگران حرکت دهند و شکلی از حرکات یک انسان را به او بدهند که باز هم زنده نمی شود و ارزش عملش مربوط به خود او نیست.

آنانکه قلبشان بیدار نشده، آنانکه هنوز خدای بزرگ را نمی شناسند، آنانکه فقط به

۱- سورة حدید آیه ۱۷

۲- به روایات ذیل این آیه در تفسیر البرهان، المحججه و تأویل الآيات مراجعه شود.

عن الامام صادق عليه السلام :

«اعرف امامك فانك اذا عرفت لم يضرک تقدّم هذا الامر او تأخر»^{۲۷۷}

خوردن و خوابیدن و شهوترانی و مقام و ریاست و بر دیگران فرمان دادن فکر می کنند و زندگی را جز اینها چیز دیگری نمی دانند اینها از بعد انسانی مرده اند و فقط در بعد حیوانیت و یا شیطننت فعال و زنده اند.

«تایید پزشک معالج»

معمولاً در بیمارستانها اگر مریض فوت شده باشد پزشک معالج باید فوت او را تایید نماید، و اکنون برای این سخن ما که زندگی انسانی در کره زمین مرده است، ممکن است پرسید آیا تاییدیه پزشک معالج بشر مبتنی بر مرگ زندگی «انسانی» را می توانی ارائه دهی؟

در پاسخ می گوئیم: آری دو تاییدیه معتبر ارائه می دهیم.

یکی از خداوند متعال، خالق و طبیب حقیقی بشر.

و دیگری از فرستاده آخرین نماینده او حضرت رسول اکرم ﷺ آن طبیب همه انسانها.

تاییدیه خداوند متعال در آیات شریفه قرآن منجمله آیه فوق (بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند) عنوان شده که از سوی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام طبق روایات مربوطه، این آیه شریفه تفسیر به عصر قبل از ظهور امام زمان علیه السلام شده و مرگ زمین را به مرگ اهل زمین یعنی کفر و بی دینی مردم و دوری آنان از راه خدا تفسیر فرموده اند. همچنین تاییدیه رسول گرامی اسلام ﷺ آن طبیب حقیقی بشر نیز همان سخن متواتر و معروف و مورد اتفاق بین شیعه و سنی است که فرمود: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» کسی که با امامی که خداوند برای او قرار داده یعنی امام زمانش آشنایی نداشته باشد «او مرده است به مرگ

امام صادق علیه السلام :
«کوشش کن چنان خود را از صفات رذیله تزکیه کنی که امام زمان شناس حقیقی شوی
اگر چنین شود دیگر جلو یا عقب افتادن ظهور آن حضرت برای تو ضرری نخواهد
داشت». (از امتیازات زندگی زیر سایه امام زمان علیه السلام بهره‌مند شده‌ای).

جاهلیّت» و این مانند آن است که در باره سلولهای بدن بگویند هر سلولی که با قلب و مغز ارتباط نداشته باشد سلولی مرده است.

بنابراین هر انسانی که با مرکز علم و معرفت یعنی نماینده خدا ارتباط نداشته باشد و او را با معرفتی راستین (که زندگی اش را متحوّل نماید) شناسد یعنی از صفات رذیله به صفات حمیده خارج ننماید او مرده است به مرگ جاهلیّت.

«علت مرگ»

این مرگ وسیع روحی چگونه بوجود آمده است؟
ریشه یابی و کالبد شکافی این مسأله علت مرگ را مشخص می‌کند.
علت مرگ جسمی بطور معمول در اثر چهار چیز می‌باشد.

اول : نرسیدن غذا به بدن

دوم : کمبود هوا

سوم : تشنگی زیاد

چهارم : نداشتن استراحت

یعنی انسان اگر استراحت نکرده و اصلاً نخوابد دیری نمی‌پاید که مریض شده و اگر باز هم استراحت نکند خواهد مرد و نیز نخوردن غذا و آب و تنفس نکردن هریک موجب مرگ جسمی خواهد شد. همین چهار علت در مرگ روحی نیز وجود دارد. ابتداء بطور مختصر این چهار چیز را توضیح و سپس اثر آنها را در زندگی روحی انسان بیان می‌کنیم :

اول : "غذای روح" علوم و حقایق وحی است که توسط انبیاء علیهم السلام به بشر داده شده تا با دانستن حقایق نیروگیرند و بسوی اهداف انسانی حرکت نمایند.

عن رسول الله ﷺ :

«إذا ظهرت البدع في امتي، فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله».^{۳۷۸}

به عنوان نمونه : وقتی انبیاء راه خداشناسی را به ما می آموزند و ما طبق فطرت خویش این غذای روحی را در ظرف دل می پذیریم قدرت یافته و جهت تشکر از پروردگار خود را موظف به اطاعت از دستورات انبیاء علیهم السلام می کنیم و همین مطلب قدم نهادن بر نردبان انسانیت و نجات از صفات غیرانسانی و زندگی جاویدان بهشتی می شود.

وقتی پیامبران الهی و پیامبر عظیم الشأن اسلام بما غذای روحی نماز و ارتباط با خدا را می آموزند، نیروهای روحمان فعال شده و خود را در برابر فحشاء و منکرات حفظ می نمائیم. "ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر"^(۱) یعنی : "نماز انسان را از فحشاء و منکرات باز می دارد (و او را سعادت مند می نماید). و آنانکه این غذا را مصرف نکرده یا درست مصرف نمی کنند در برابر فحشاء و منکر ضعیف بوده و عنان از دست می دهند همانطور که شخص گرسنه هر قدر بیشتر گرسنه باشد ضعیفتر و در برابر دشمن مقاومتی ندارد.

اینها دو نمونه از غذاهای روحی بود که شرح بقیه آنها باید در جای دیگری دنبال شود.

دوم : "عدم تنفس هوا" همان فراموش نمودن یاد خداست.

انسان باید یاد خدا که مانند اکسیژن در همه جا وجود دارد را وارد روح خود نموده و بازدم غفلت و یاد نمودن مسائل انحرافی و شهوانی و آرزوهای بیهوده و غرق شدن در مسائل مادی را از روح خود خارج سازد.
از اینرو خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است :

رسول خدا ﷺ :
«هنگامیکه بدعتها در اتم آشکار شود (جامعه برخلاف مسیر اهل بیت عصمت و طهارت حرکت کند) علماء (برای مقابله با آن) باید دانش خود را آشکار سازند و الا مورد لعنت خدا قرار می گیرند».

”اذكروا الله ذكراً كثيراً“^(۱) یعنی : ”خدا را بسیار یاد کنید“.

البته معنی دقیق‌تری برای ذکر و یاد خدا می‌توان ذکر کرد و آن معنی این است : انسان در برابر انجام هر کاری چنین روحیه‌ای داشته باشد که آنرا بسنجد و ببیند با قوانین الهی مطابقت دارد یا نه و اگر در هر کاری چنین روحیه‌ای داشت یاد خدا را هیچگاه فراموش ننموده و از راه راست خارج نمی‌شود مانند راننده‌ای که به هر چهارراه یا صحنه‌ای می‌رسد و یا در جاده حرکت می‌کند از قوانین راهنمایی و رانندگی غافل نشده و هر لحظه آنها را به یاد می‌آورد و همین امر موجب حفظ او از خطر و انحراف و اشتباه می‌گردد بنابراین روح انسان که مانند راننده‌ای بر ماشین بدن سوار شده اگر قوانین الهی که هریک به نحوی به اعمال بدنی و فکری او مربوط است را از یاد ببرد و غافل گردد خطر انحراف از راه راست (راه انبیاء علیهم السلام) و امام زمان علیهما السلام و خطر تصادف یعنی ارتکاب گناهان و خطاها او را تهدید می‌کند که چه بسیار از انسانها در اثر تصادف با شهوات و شیطان روحشان می‌میرد و یا زخمی و بیهوش گشته مسائل معنوی را درک نمی‌کنند و تنها به دنیا و اهداف مادی می‌اندیشند.

سوم : ”تشنگی“ روح انسان، شناختن امامی است که انسان می‌بایست در هر زمان به وجود امام و حجت خدا پی برده و او را بشناسد تا اعمالش با راهنمایی او در راه راست قرار گیرد زیرا روح انسان با علم و معرفت حقیقی زنده می‌گردد و خداوند علم را در اختیار نماینده خویش قرار داده است تا مردم را زندگی و حیات بخشد و لذا وقتی انسان آن نماینده الهی را شناسد، شناختی که در اعمال و افکار و صفات

عن الامام الرضا عليه السلام :
«أوليس تعلم أن انتظار الفرج من الفرج. ان الله يقول : انتظروا انى معكم
من المنتظرين».^{۳۷۹}

روحی او اثر مثبت گذاشته و از او انسانی شایسته بسازد، روحش از علم حقیقی تهی گشته و به اصطلاح تشنه و سپس ضعیف می شود و با ادامه این تشنگی دچار ضعف و مرگ روحی می گردد و بجای امامی که خداوند برای او به عنوان رهبر معصوم از خطا و دانا بهمه علوم و حقایق قرار داده، هواهای نفسانی خود یا دیگران را رهبر خود قرار می دهد و هر جا که آنان می گویند می رود و در نتیجه از راه راست که راه امام معصوم است منحرف و در بیابانهای جهل و خودخواهی دچار مرگ روحی می گردد و تنها به مادیات می اندیشد و همه چیز را در دنیا و مادیات خلاصه می کند.

و لذا خداوند متعال طبق روایات مفسرین حقیقی قرآن (یعنی امامان معصوم علیهم السلام) وجود مقدس امام زمان علیه السلام را به آب حیاتبخش و گوارا تشبیه فرموده است :

” قل أرأیت ان اصبح ماؤکم غوراً، فن یاتیکم بماء معین “^(۱)

یعنی : ” به مردم بگو، اگر آب حقیقی شما (یعنی امامی که شما را هدایت می کند) فروکش کرد (یعنی غائب شد) پس چه کسی می تواند چنین آب گوارائی برایتان بیاورد؟ “

اکنون نزدیک به دوازده قرن است (مردم جهان بواسطه اعمال خود) از رهبری امام معصوم محروم شده و دچار سرابهای دروغین و افکار فریبنده انسان نماها شده و تشنه آب حقیقی و رهبری امام زمانشان می باشند.

چهارم : ” استراحت روح ” دعا و مناجات با پروردگار است.

۱- سوره ملک - آیه آخر، این آیه یکی از یکصدوسی و سه آیه ای است که در باره حضرت بقیةالله ارواحنا فداه و باران آن حضرت در قرآن کریم ذکر شده به روایات ذیل این آیه در کتاب المحجة مراجعه شود.

امام رضا علیه السلام :
«آیا نمی‌دانی که انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه السلام بخشی از گشایش و فرج است زیرا خداوند می‌فرماید مردم منتظر ظهور باشید که من هم با شما از منتظران هستم.»
(اگر همه چنین باشند فرج انجام خواهد شد).

آنگاه که انسان با خداوند یعنی قدرتی بی‌نهایت که همه چیز از اوست رابطه برقرار کرد، دست نیاز بسوی او دراز می‌کند، با او رفیق و صمیمی می‌شود، دردهایش را به او می‌گوید، از او کمک می‌خواهد، و به او توکل می‌کند، اینجا است که روحش آرامش یافته و استراحت می‌کند همانگونه که بدن در اثر استراحت و خواب شب آرامش می‌یابد.

امام سجّاد علیه السلام در مناجات چنین اظهار می‌دارند :

”و فی مناجاتک روحی و راحتی“^(۱) یعنی : ”خدایا وقتی با تو صمیمی شده و با محبتی مخصوص که آمیخته با اطاعت از توست (مانند دو دوست و عاشق که با گرمی و صمیمیت کامل با هم حرف می‌زنند) با تو چنین حرف می‌زنم آرامش و استراحت روحی نصیبم می‌شود“.

انسانی که در شبانه‌روز با خداوند به اندازه لازم مناجات ننماید و صمیمانه با خدای خویش حرف نزند مانند کسی است که پیوسته کار می‌کند و هیچ استراحت نمی‌کند و خواب نمی‌رود یا خوابش به مقدار کافی نیست که در نتیجه ضعف و فشار ناشی از عدم استراحت او را مریض کرده و اگر شدت یابد او را می‌کشد.

آنانکه هیچگاه رابطه انس و مناجات با خدا برقرار نمی‌کنند به تدریج دچار ضعف ایمان شده و از مسائل معنوی و انسان ساز انبیاء علیهم السلام روی گردان می‌شوند و این علامت ضعف و سپس مرگ روح است.

۱- مناجات مریدین - مفاتیح الجنان، مناجات خمسہ عشر

عن مولانا زین العابدین علیه السلام :
«من ثبتت علی موالیتنا فی غیبة قائمنا أعطاه الله أجر الف شهید مثل شهداء
بدر و احد»^{۳۸۰}

«دولت حق»

شاید پرسید چرا انسانها از این چهار نوع منبع حیاتبخش محروم و دچار مرگ
روحی شده‌اند؟

پاسخ می‌دهیم :

دسترسی به این منابع تنها از یک راه برای عموم مردم ممکن است و آن تشکیل
حکومت واحد جهانی به رهبری منجی عالم بشریت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه
می‌باشد.

همانگونه که یک دولت مسئولیت تأمین منابع آبی، غذایی، محیط زیست و امنیت
مردم را بعهده دارد حکومت حق به رهبری منجی عالم بشریت نیز مسئول تأمین غذا
و آب و هوا و استراحت مردم در زندگی انسانی و حتی مادی آنها می‌باشد و تنها چنین
حکومتی قادر است حقایق وحی را در اختیار مردم گذاشته و آنانرا با خدای مهربان
پیوند دهد و سبب ریزش برکات مادی و معنوی بر آنان گردد.

رهبر این حکومت امامی است معصوم از خطا که بواسطه معصوم بودنش غذای
سالم به جامعه می‌دهد و آنانرا از علوم حقیقی بهره‌مند می‌نماید و روح مردم قوت
گرفته نیروی زیادی پیدا می‌کند و در برابر گناه چون سدّی محکم نفوذناپذیر می‌شوند
و گناهان از جامعه رخت برمی‌بندد. (این در بُعد غذای روحی)

بواسطه رهبری چنین امامی که از همه چیز آگاه است مردم قدر او را دانسته و مانند
آب او را برای زندگی خود حیاتی می‌دانند و هیچگاه کاری نمی‌کنند که این آب را از
دست بدهند. در نتیجه از علوم حیاتبخش و مقام با عظمت او بهره‌مند شده و روح
تشنه خود را با حقایق وحی سیراب و گامهای بلند بسوی اخلاق و صفات انسانی و

امام سجّاد علیه السلام :

«کسی که بر اطاعت از دستورات ما اهل بیت در زمان غیبت امام عصر علیه السلام ثابت قدم بماند خداوند پاداش هزار شهید مانند شهداء بدر و احد را به او عنایت خواهد فرمود».

الهی برمی دارند. (این هم آب معنوی).

و همچنین بواسطه رهبری امام معصوم دائماً بیاد خدا بوده و بهر جا که می نگرند گناه نمی بینند و خداوند متعال با خلقت عظیمش دائماً خود را در یاد آنان قرار داده موجب عدم غفلت و خطای آنان و استقامتشان بر راه راست می گردد. (این هم بمانند تنفس).

در این حال خداوند از آنان راضی شده و آنان نیز خدای خود را دوست می دارند و با او انس گرفته و مناجات با او را ترک نمی کنند (همانطور که استراحت و خواب شب را ترک نمی کنند).

در نتیجه وقتی انسانها از غذا و آب و هوا و استراحت کافی (از بعد روحی) بهره مند شدند امور دنیایی آنها نیز بطور کامل اصلاح شده و فقر، مرض، گرسنگی، جنگ، اختلاف سیاسی و اجتماعی و سایر نابسامانیها از زندگی آنان رخت بسته و از لحاظ دنیایی و آخرتی سعادت مند می شوند همانگونه که وقتی یک شخص از غذا و آب و هوا و استراحت کافی برخوردار باشد بانشاط و آرامش به دنبال کارهای روزانه خود می رود.

با کمال تأسف دشمنان جامعه بشری همیشه کوشیده اند حکومت در دست امامان معصوم علیهم السلام قرار نگیرد، چرا که با وجود چنین حکومتی آنان بر مردم مسلط نخواهند شد و راه انحراف و گناه و دوری از خدا مسدود خواهد شد.

آنان مردم را از حکومت امامان معصوم علیهم السلام پس از پیامبر آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله محروم نموده و البته آنچه به آنان جرأت می داد سکوت مردم در برابر این عمل بود.

لذا منابع مختلف حیاتبخش زندگی انسانی تحلیل رفته و جامعه بشری دچار مرگ

دعاء مولانا المهدی رحمۃ اللہ علیہ :

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بعد المعصية».^{۳۸۱}

روحی و هرج و مرج و از هم گسیختگی و جنگ و کشتار و بیرحمی و قساوت قلب و فقر و رنج گردیده و زندگی را بر همه تلخ نموده است.

اینجاست که خداوند می فرماید :

” بدانید خداوند زمین را پس از مرگش زنده خواهد نمود “.^(۱)

آری تنها موعظه و سفارش پروردگار بما آن است که آن روح خارج شده از پیکره اجتماع بشری را به آن بازگردانیم.

آن رهبر عالیقدر، آن منجی آخرالزمان، آن نجات دهنده بشر را به جامعه خود بازگردانیم.

زیرا ما با اعمال خود موجب غیبتش شده ایم.

ما با گناهانمان خود آزرده خاطرش ساخته ایم.

او را در میان انبوه دشمنانش تنها گذاشتیم و این خداوند بود که او را از دست دشمنان انسانیت نجات داد و به او فرمود : ” فعلاً زندگی غائبانه را برگزین و به صورتی که تو را شناسند در میان مردم زندگی کن تا لحظه ظهورت فرا رسد “.

و آن حضرت (چنانکه در روایات جانشینان حقیقی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم که از جانب خداوند اخبار آینده جهان را بازگو می کردند آمده،) در هنگام ظهور مقدسش می فرمایند :

” ای مردم ما از خداوند علیه کسانی که به ما ظلم کردند یاری می خواهیم، آنان که حق ما را گرفتند.

۱- اعلمو ان الله یحیی الارض بعد موتها / این آیه را قبلاً با تفسیرش از خاندان عصمت علیهم السلام ذکر نمودیم.

دعای امام عصر علیه السلام :

«خدایا به ما توفیق اطاعت از خود و دوری از نافرمانیت را عطا فرما».

... ما امروز همه مسلمانها را شاهد می گیریم که مظلوم واقع شدیم.

مردم ما را طرد نموده و بر ما ستم شد.

ما را از سرزمین و اموال و بستگانمان اخراج نمودند.

ما مورد قهر آنان قرار گرفتیم.

آگاه باشید، ما امروز از خدای تعالی و از هر مسلمانی کمک و یاری

می خواهیم.^(۱)

آری، آن حضرت از سال ۲۵۵ هجری قمری آمده بود که جامعه بشری را در صلح و صفا غوطه ور سازد.

آمده بود تمام کره خاکی را با یک نظم از سوی خداوند اداره کند همانگونه که تمامی اتمها و کهکشانها با یک نظم الهی اداره می شوند و هیچ خللی و سوسوزنی سستی و ضعف و کاستی در آنها دیده نمی شود.

و اکنون منتظر ما است و بما می گوید : بیائید.

به طرف من بیائید، مرا بشناسید، بدون وجود من گره از کارتان باز نمی شود، زیرا انعکاس علوم حقیقی از سوی پروردگار و تمام رموز سعادت مادی و معنوی جهان را خداوند در اختیار من قرار داده است. باجهل و نادانی هیچ گره ای گشوده نخواهد شد

۱- مکیال المکارم جلد ۱ ص ۲۷۸ و بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۲۳ عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث طویل فیقوم القائم علیه السلام بین الرکن و المقام، فیصلی و ینصرف و معه وزیر، فیقول : یا ایها الناس، انا نستنصر الله علی من ظلمنا و سلب حقنا (الی ان قال علیه السلام) : انا نشهد و کل مسلم الیوم : انا قد ظلمنا و طردنا و بغی علینا و اخرجنا من دیارنا و اموالنا و اهلنا و قهرنا، الا انا نستنصر الله الیوم و کل مسلم.

دعاء مولانا المهدی علیہ السلام :

«اللهم... طهر بطوننا من الحرام و الشبهة».^{۳۸۲}

و بشر به رموز و حقایق عالم هستی و راه رسیدن به عدالت و صلح جهانی و سعادت دنیا و آخرت و رابطه با خداوند آگاه نیست و از راه تمرین و تجربه نیز محال است آن رموز را به دست آورد زیرا هیچ عاقلی یک شماره رمز پیچیده و نامعلوم را با احتمال و فرض جستجو نمی کند.

آیا شما برای بدست آوردن یک شماره تلفن چنین می کنید و برای گرفتن شماره ای که آنرا در اختیار ندارید روزها و سالها وقت و سرمایه خود را هدر داده و پای تلفن نشسته شماره گیری احتمالی می نمائید تا بطور اتفاقی منزل مورد نظر گوشی را بردارد؟ و چنانکه مکرر گفته ایم ما انسانها هزاران سال است چنین می کنیم و بجای شماره گیری طبق شماره ای که انبیاء علیهم السلام به ما داده اند، شماره های احتمالی و فرضی خود را تجربه می کنیم.

تاکی می خواهیم از شماره داده شده توسط انبیاء علیهم السلام که پذیرش حکومت واحد جهانی منجی کل جهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است سرباز زنیم و بجای روی آوردن به حکومت او و درخواست ظهورش از خداوند، به حکومت های ساخته فکر و سلیقه خود (که مانند همان شماره گیری براساس احتمالات است) روآوریم؟

آری، تاکی می خواهیم چنین باشیم؟

«شما بیائید»

در نیمه شعبان ۱۴۲۰ هجری قمری به محضر مقدس یکی از اولیاء خدا و یاران امام زمان علیہ السلام رسیدم، او برای من و جمعی از دوستان آن حضرت سخنانی می فرمودند که طبق مضمون آیه ای که ذکر شد، یک سفارش به همراه داشت و به قول ما " در خانه

دعای امام عصر علیه السلام :

«خدایا خوراکمان را از حرام و آنچه از حلال و حرام مخلوط شده پاک فرما».

اگر کس است یک حرف بس است."

او فرمود :

"چرا ما به امام زمان علیه السلام می گوئیم : آقا بیا، آقا بیا؟

مگر آقا نیامده است؟

او در سال ۲۵۵ هجری قمری به میان ما (مردم کره زمین) آمده است.

او اکنون ۱۱۶۵ سال است به میان ما آمده است.

آن حضرت در پاسخ ما خواهند فرمود : شما بیائید، من که خیلی وقت است

آمده ام."

و این ما هستیم که از آن حضرت فرار کرده و به اجرای خواسته های دل خود در جامعه روی آورده ایم.

این ما هستیم که بسوی گناه رفته و او را از خود جدا نموده ایم.

ظهور آن حضرت به دست ما است، اگر بخواهیم او می آید همانطور که در تشرّف مرحوم آقای فشنّدی فرمود :

"شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند، اگر بخواهند دعا می کنند و

خداوند فرج را می رساند".^(۱)

۱- مشروح این تشرّف را در کتاب راهی بسوی نور آورده ایم.

دعاء مولانا المهدی رحمۃ اللہ علیہ :

«اللهم... واملاء قلوبنا بالعلم والمعرفة».^{۲۸۳}

«و سخن آخر...»

آخر سخن آنکه : همه باید بپا خیزیم.

همه باید دستی بسوی حجت خدا دراز کنیم.

همه باید از فراموشی از یاد او خارج شویم.

در اجتماعاتمان، در نمازهای جمعه‌مان، در مساجدمان، در کنفرانسهایمان، در مدارسمان، در صداوسیماهایمان، در روزنامه‌هایمان، در سخنرانی‌هایمان، در اداره‌هایمان و...

و در همه جا او را بخواهیم

از ظهور او نترسیم زیرا شیطان ما را از ظهور آن حضرت ترسانیده است.

او را خونریز معرفی کرده،

او را ویرانگر و وحشتناک و خلاصه از او چهره‌ای ترسناک و جنگجو که تنها و تنها شمشیر سخن اوست معرفی نموده تا همه از او بترسند.

زیرا همه خود را گنهکار می‌دانند و فکر می‌کنند با ظهور آن حضرت مجازات سختی خواهند شد و فقط باید از جان گذشته باشند تا ظهورش را بخواهند.

شیطان این مطالب را علیه آن حضرت القاء نمود تا کسی مایل به ظهور مقدسش نباشد و وقتی کسی ظهورش را طلب نکرد و تنها به شعارهای ظاهری اکتفا شد، تا جائیکه جا داشته باشد فرج آنحضرت به تأخیر افتاده و خیال شیطان و شیطان سیرتان که از زوال قدرت و حکومت خود می‌ترسند آرامش خواهد یافت.

«برای بخاک مالیدن بینی شیطان»

پس برای بخاک مالیدن بینی شیطان،

دعای امام عصر علیه السلام :

«خدایا دل‌هایمان را سرشار از نور علم و شناخت حقایق از جانب خودت فرما».

برای خشنودی قلب نازنین امام عصر و احفاده و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ،
برای به ثمر رسیدن خون صدها هزار شهید انقلاب اسلامی که برای آن حضرت
شهید شدند،

برای در اهتزاز ماندن پرچم اسلام،
برای مقابله با هجوم فرهنگی و بیمه نمودن جوانان در برابر هجوم سیل انحرافات و
گناهان،

برای اتحاد و همدلی بین اقشار مختلف جامعه،
و برای ظهور مقدّسش و اینکه اگر بخواهیم و از خدا طلب نمائیم آن حضرت
بسرعت ظهور خواهد نمود،

بپا خیزیم و همه با هم چه اجتماعی و چه انفرادی ظهور مقدّسش را بخواهیم.
او را بشناسیم،

جامعه را با نام او زینت دهیم.

کنفرانسهای مختلف در بهترین و پرارزشتین سالنهای برگزاری کنفرانس در داخل و
خارج کشور تشکیل دهیم.

در گفتگوی تمدنها سخن را به تمدن درخشان او که تمدن همه جهان است
بکشانیم.

و دهها کار دیگر...

و این است همان روحی که باید به پیکره بی جان اجتماع بشری وارد شود و زمین
زنده و نورانی گردد.

«خاتمه»

در پایان این کتاب قسمتی از اشعار حضرت امام خمینی
قدس سره که در وصف حضرت بقیة الله ارواحنا فداه سروده شده را
می آوریم، باشد که روح آن بزرگوار از آن خشنود گشته، ما را
دعای خیر فرماید.

اشعار امام را اسرارِ حق سره
در وصف حضرت ولی عصر اروا

” روز وصل ”

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود
این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند
غمزه را سر میدهد غم از دل و جان می‌رود
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
محفل از نور رخ او نورافشان می‌شود
هرچه غیر از ذکر یار از یاد رندان می‌رود
ابرها از نور خورشید رخسار پنهان شوند
پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
وعدۀ دیدار نزدیک است یاران مژده باد
روز وصلش میرسد ایام هجران می‌رود^(۱)

۱ - کتاب دیوان شعر امام قزوینی، صفحه ۱۱۱.

” میلاد گل ”

میلاد گل و بهار جان آمد برخیز که عید می‌کشان آمد
خاموش مباش زیر این خرقه بر جان جهان دوباره جان آمد
برگیر به دست، پرچم عشاق فرمانده ملکِ لامکان آمد
گلزار ز ^ش لاله‌یاران شد سلطانِ زمین و آسمان آمد
با یار بگو که پرده بردارد هین! عاشقِ آخرالزمان آمد
آماده امر و نهی و فرمان باش
هشدار! که منجی جهان آمد^(۱)

”عاشق سوخته“

پَرده بَردار ز رُخ، چهره گشا، ناز بس است
عاشق سوخته را دیدن رویت هوس است
دَست از دامنَت از دوست نخواهم برداشت
تا من دلشده را یک رمق و یک نفس است
همه خوبان بَرِ زیبائیت ای مایه حُسن
فی‌المثل دَر بَرِ دَریای خروشان چو خُس است
مرغ پر سوخته را نیست نصیبی ز بهار
عرصه جولانگه زاغ است و نوای مگس است
داد خواهم غم دل را بگجا عرضه کنم
که چو من دادستان است و چو فریادرس است
این همه غلغل و غوغا که در آفاق بود
سوی دلدار زوان و همه بانگ جرس است^(۱)

”انتظار“

از غم دوست در این میکرده فریاد کشم
دادرس نیست که در هجر زُخْش داد کشم
داد و بیداد که در محفل ما رندی نیست
که برش شکوه برم، داد ز بیداد کشم
شادیم داد، غم داد و جفا داد و وفا
با صفا منت آنرا که به من داد کشم
عاشقم، عاشق روی تو، نه چیز دگری
بار هجران و وصالت به دل شاد کشم
در غمت ای گل وحشی من ای خسرو من
جور مجنون ببرم، تیشه فرهاد کشم
مردم از زندگی بی تو که با من هستی
طرفه سزی است که باید بر استاد کشم
سالها می گذرد، حادثه ها می آید
انتظار فرج از نیمه خرداد کشم^(۱)

” شمس کامل ”

صفه بیارائید رندان رهبر دل آمده
جان برای دیدنش منزل به منزل آمده
بلبل از شوق لقایش پرزنان بر شاخ گل
گل ز هجر روی ماهش پای درِ گل آمده
طور سینا را بگو ایام صَعَق آخر رسید
موسی حق در پی فرعون باطل آمده
بانگ زن بر جمع خفاشان پست کور دل
از ورای کوهساران شمس کامل آمده
بازگو اهریمنان را فصل عشرت بار بست
زندگی برکامتان زهر هلاهل آمده
دلبر مُشکل گشا از بام چرخ چارمین
با دم عیسی برای حلّ مُشکل آمده
غم مخور ای غرق دریای مُصیبت، غم مخور
در نجات نوح کشتیبان بساحل آمده^(۱)

قسمتی از

” قصیده بهاریه انتظار ”

...

شد موسم عیش و طرب، بگذشت هنگام کرب
جام می گلگون طلب، از گلعذاری مه جبین
قدش چو سرو بوستان خدش به رنگ ارغوان
بویش چو بوی ضیمران جسمش چو برگ یاسمین
چشمش چو چشم آهوان، آبروش مانند کمان
آب بقایش در دهان مهرش هویدا از جبین
با اینچنین زیبا صنم، باید به بستان زد قدم
جان فارغ از هر رنج و غم دل خالی از هر مهر و کین

از بهر تکریمش میان، بر بسته خیل انبیا
از بهر تعظیمش کمر خم کرده چرخ هفتمین
مهدی امام مُنتظر، نوباوه خیرالبشر
خلق دو عالم سر به سر بر خوان احسانش نگین
مهر از ضیائش ذره‌ای، بدر از عطایش بدره‌ای
دریا ز جودش قطره‌ای، گردون ز گشتش خوشه‌چین
مرآت ذات کبریا مشکوه انوار هدا
منظور بعث انبیا، مقصود خلق عالمین
امرش قضا، حکمش قدر حُبش جنان بُغضش سقر
خاک رهش زیبد اگر بر طره ساید حور عین
دانند قرآن سر به سر بابی ز مدحش مختصر
اصحاب علم و معرفت، آرباب ایمان و یقین
سلطان دین، شاه زَمَن، مالک رقاب مرد و زن
دارد به امر ذوالمِنَن، روی زمین، زیرنگین
ذاتش به امر دادگر، شد منبع فیض بشر
خیل ملایک سر به سر دربند الطافش، رهین
حُبش سفینه نوح آمد در مَثَل لیکن اگر
مهرش نبودی نوح را می‌بود با طوفان قرین

گرنه وجود اقدسش ظاهر شدی اندر جهان
کامل نگشتی دین حق ز امروز تا روز پسین
ایزد به نامش زد رقم، منشور ختم الأوصیا
چونانکه جدّ امجدش گردید ختم المرسلین
نوح و خلیل و بوالبشر، ادريس و داوود و پسر
از ابر فیضش مُستمد از کان علمش مُستعین
موسی به کف دارد عصا، دربانیش را منتظر
آماده بهر اقتداء عیسی به چرخ چارمین
ای خسرو گردون فرم لختی نظر کن از گرم
کفار مستولی نگر، اسلام مستضعف ببین
ناموس ایمان در خطر، از حیلۀ لامذهبان
خون مسلمانان هدر از حملۀ اعداء دین
ظاهر شود آن شه اگر، شمشیر حیدر بر گمر
دستار پیغمبر به سر، دست خدا در آستین
دیاری از این ملحدان، باقی نمانده در جهان
ایمن شود روی زمین از جور و ظلم ظالمین
من گرچه از فرط گنه شرمنده و زارم ولی
شادم که خاکم کرده حق با آب مهر تو عجین

خاصه کنون کز فیض حق مدحت سُرودم آنچنان
کز خامه ریزد بر وَرق جای مرگب انگبین
تا چنگل شاهین کند صید کبوتر در هوا
تا گرگ باشد در زمین بر گوسفندان خشمگین
بر روی احباب شود مفتوح ابواب ظفر
بر جان اعدایت رسد هر دم بلای سهمگین
بر دشمنان دولتش هر فصل باشد چون خزان
بر دوستانش هر مهی بادا چو ماه فرودین
ای حضرت صاحب زمان ای پادشاه انس و جان
لطفی نما بر شیعیان، تأیید کن دین مبین^(۱)

قسمتی از یک مسمط ...

” در مدح ابی‌صالح امام زمان ارواحنا فداه ”

مُصطفی سیرت، علی قَرّ، فاطمه عصمت حسن خو
هم حُسین قدرت، علی زهد و محمد علم مهر و
شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هشتم قبله گیسو
هم تقی تقوا، نقی بخشایش و هم عسکری مو
مهدی قائم که در وی جمع، اوصاف شهبان شد

پادشاه عسکری طلعت، نقی حشمت تقی فر
بوالحسن فرمان و موسی قدرت و تقدیر جعفر
علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج و افسر
مجتبی حلم و رضیه عفت و صولت چو حیدر
مصطفی اوصاف و مجلای خداوند جهان شد
جلوه ذاتش به قدرت تالی فیض مقدس
فیض بی حدش به بخشش، ثانی مجلای اقدس
نورش از "کن" کرد برپا هشت گردون مقرنس
نطق من هرجا چو شمشیر است و در وصف شه اُخرس
لیک پای عقل در وصف وی اندر گِل نهان شد^(۱)

” محرم اسرار ”

هیچ دانی که من زار گرفتار توأم
با دل و جان سبب گرمی بازار توأم
هر جفا از تو به من رفت به منت بخرم
به خدا یار توأم یار وفادار توأم
تار گیسوی تو آخر به کمندم افکند
من اسیر خم گیسوی تو و تار توأم
بس کن ای جغد ز ویرانه خود دم بزنی
که در این دایره من نقطه پرگار توأم
عارفان پرده بیفکنده به رخسار حبیب
من دیوانه گشاینده رخسار توأم
عاشقان سر سویدای تو را فاش کنند
پیش من آی که من محرم اسرار توأم
روی بگشای بر این پیر ز پا افتاده
تا دم مرگ بجان عاشق دیدار توأم^(۱)

فهرست

مطلب	صفحه
قسمت چهاردهم: مقدمات فرج	۵
مقدمات فرج بر دو نوع است	۱۰
مقدمات فرج را خداوند فراهم نموده است	۱۱
مقدمات قدیم	۱۲
آنچه خداوند قبل از بعثت پیامبر اسلام ﷺ انجام داد	۱۲
مقدمات فرج پس از شروع زمان غیبت	۲۰
مقدمات زیربنائی	۲۴
مقدمات جدید یا عصر شکوفائی علم	۲۸
سپیده علم می‌دمد	۲۹
چرا شیفته علم شده‌ایم؟	۳۲
این مقدمه فرج است	۳۳
چرا بقیه علوم را خداوند در اختیار بشر نمی‌گذارد؟	۳۵
مردم باید تشنه علم و عصمت باشند تا.....	۳۸
چرا علوم مادی؟	۳۸
نتیجه	۴۲
مردم ارزش پاکی و عصمت را فهمیدند	۴۲
علم و عصمت جهان را آباد می‌نماید	۴۴
آنچه بر عهده ماست	۴۹
فرج خودبخود صورت نمی‌گیرد	۴۹
باید مقدمات کار را فراهم نمود	۵۲
تکائی به شیعیان	۵۴
قسمت پانزدهم: حکومت در عصر غیبت	۶۵
حق حاکمیت از آن علم و پاکی است	۷۴

۷۷	با کدام حکومت زندگی سعادت‌مندانه بوجود می‌آید؟
۷۸	آزاد بودیم تا خود را بشناسیم
۸۱	نمایندگان علم و پاکی یا صاحبان حکومت حقیقی
۸۳	قافله بشری به حقیقت نزدیک می‌شود
۸۴	سه پایه اساسی خیمه صلح و عدالت
۸۹	روایه حدیثنا چه کسی است؟
۹۱	توقع بیجا از ولایت فقیه
۹۳	هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام
۹۶	روایت صحیفه سجادیه
۹۷	و اما انقلاب اسلامی ایران
۹۹	آنگاه که این نهضت از نام امام زمان علیه السلام تهی شود...
۱۰۱	وصیت آیه الله العظمی گلپایگانی رحمته الله
۱۰۲	مسئولین حکومت اسلامی در عصر غیبت
۱۰۵	قسمت شانزدهم: انقلاب اسلامی ایران و کشور صاحب‌الزمان علیه السلام
۱۱۴	علامت ظهور
۱۱۴	جهان نیازمند حرکتی بود...
۱۱۵	ما می‌توانیم باعث ظهور شویم
۱۱۸	اگر تو قبل از این نجات خود را می‌خواستی...
۱۲۲	شیعیان هنوز تشنه ما نیستند
۱۲۵	کشور صاحب‌الزمان علیه السلام
۱۲۵	امام زمان علیه السلام : ما ایران را نگه می‌داریم
۱۳۱	قسمت هفدهم: در حضور او
۱۴۱	انسان در حضور چه کسی قرار دارد؟
۱۴۲	امام زمان علیه السلام : ما شاهد بر اعمال تو هستیم
۱۴۴	هشدار به مسئولین
۱۴۷	قسمت هجدهم: رهبر ما
۱۵۷	قسمت نوزدهم: تنها او می‌تواند
۱۷۲	راه منحصر به فرد...
۱۷۴	آیا اکنون بشر آماده نیست؟
۱۷۵	خسارتی سنگین
۱۷۶	یک زندگی اجتناب‌ناپذیر

۱۷۷	گفتگوی تمدنها
۱۷۸	تمدنها بقایای تعالیم انبیاء علیهم السلام است
۱۸۱	قسمت بیستم: مجری قانون
۱۸۴	سه شرط اساسی
۱۸۷	قسمت بیست و یکم: معنی انتظار و تکلیف منتظران
۲۰۰	تکلیف اجتماعی منتظران
۲۰۳	تکلیف شخصی منتظران
۲۰۵	قلب جوانان
۲۱۱	قسمت بیست و دوم: زینت او باشیم
۲۱۳	چگونه زینت او باشیم
۲۱۵	آیا من شیعه شما هستم؟
۲۱۹	تأثیر اعمال شیعیان ایران و مسئولین کشور در ظهور امام عصر علیهم السلام
۲۲۱	گذرنامه ورود به بهشت
۲۲۳	مهر اعتقادات
۲۲۴	مهر اخلاق یا تزکیه نفس
۲۲۵	پنجاه هزار سال باید صبر کنید
۲۲۷	نشستن در کلاس اول ابتدائی در سن نود سالگی
۲۲۸	هم درخت پلید را باید به دور انداخت، هم میوه هایش را
۲۲۹	مهر خروجی
۲۳۲	مقام شفاعت
۲۳۵	قسمت بیست و سوم: عصر تمدن یا روز ظهور
۲۳۹	عصر تمدن
۲۴۴	یک توافق برای رسیدن به تمدن حقیقی
۲۴۷	اصول اولیه و حقیقی تمدن بشر
۲۴۸	در محضر مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه
۲۵۳	اصلاح روحيات مردم شرط دستیابی به تمدن
۲۵۴	یازده قرن تأخیر در دستیابی بشر به تمدن حقیقی
۲۵۶	مهمترین فاجعه
۲۵۷	چه کسی اشک می ریزد
۲۵۹	تداوم همزیستی مسالمت آمیز تا روز قیامت
۲۶۱	ما هم می توانیم مردم عصر ظهور باشیم

۲۶۴	دامهای شیطان
۲۶۷	قسمت بیست و چهارم: مقام ولایت
۲۶۹	بازگشت روح به پیکر بی جان
۲۶۹	قدرت پروردگار
۲۷۰	معجزه‌ای که هم‌اکنون قابل رؤیت است
۲۷۱	راه عقل
۲۷۴	همه ذرات در برابر ولی امر خاضعند
۲۷۴	چرا امامان معصوم علیهم‌السلام باید معجزه داشته باشند
۲۷۵	مهر اطمینان
۲۷۵	معجزات امام زمان علیه‌السلام
۲۷۸	حفظ شیعیان
۲۸۳	قسمت بیست و پنجم: خورشید هدایت
۲۸۶	علم روشن‌کننده زندگی است
۲۸۸	خود را معطل و خسته نکنید
۲۹۱	خورشید چهره می‌پوشاند
۲۹۲	منجی آخرالزمان غائب می‌شود
۲۹۲	سخن گرانبایه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در این باره
۲۹۴	تشبیهی زیبا و پربرکت
۲۹۵	بهره اول: عنصر حیات
۲۹۶	بهره دوم: روشنائی خورشید
۲۹۸	بهره سوم: بهره همگانی
۳۰۰	بهره چهارم: نابینا خسارت می‌بیند
۳۰۲	بهره پنجم: ابرهای سیاه
۳۰۳	بهره ششم: یقین راسخ
۳۰۵	بهره هفتم: زندگی در پرتو پاکی
۳۰۶	هواپیمائی که دو بال می‌خواهد
۳۰۸	بهره هشتم: سرمه دیدار
۳۰۹	مراکدام یک از سلاطین تصوّر کرده‌ای؟
۳۱۳	بهره نهم: انعکاس نور
۳۱۶	بهره دهم: بر فراز ابرها
۳۱۸	چه کسی زندانی است

۳۱۹	بهره یازدهم: با همه و دور از همه
۳۲۰	بزرگ ولی مهربان
۳۲۱	بهره دوازدهم: حیات مجدد
۳۲۴	زمین روشن می شود
۳۲۷	بهره سیزدهم: به خطر افتادن امنیّت در تاریکی شب
۳۳۱	قسمت بیست و ششم: دنیای پر از ظلم
۳۳۴	دنیا پر از ظلم شده است
۳۳۶	پر شدن دنیا از ظلم از چهارده قرن پیش ...
۳۳۷	پس چرا حضرت همان موقع ظهور نفرمود
۳۴۵	اگر شما آتش نشان بودید...
۳۴۹	معنی آخرالزمان
۳۵۵	قسمت بیست و هفتم: سلام بر منتظران
۳۵۸	سلام نشانه چیست؟
۳۵۹	سلام بر دوستان امام زمان علیه السلام
۳۵۹	سلام امام سجاد علیه السلام بر دوستان امام زمان علیه السلام
۳۶۷	قسمت بیست و هشتم: آماده دیدار شویم
۳۷۱	قسمت بیست و نهم: تکلیف مسئولین
۳۷۶	محوریت برنامه مسئولین
۳۷۹	تشرّفی اشکبار
۳۸۱	فاصله فکر ما با فکر امام زمان علیه السلام
۳۸۵	قسمت سیام: تنها یک سفارش
۳۸۹	چرا همین یک سفارش
۳۹۱	زمین مرده زنده می شود
۳۹۳	علّت مرگ
۴۰۲	شما بیائید
۴۰۴	و سخن آخر...
۴۰۴	برای به خاک مالیدن بینی شیطان
۴۰۷	اشعار امام راحل در وصف حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه
۴۲۰	فهرست مطالب
۴۲۷	فهرست مدارک

«مدارك احاديث»

ردیف	آغاز حديث	مدرك	ردیف	آغاز حديث	مدرك
۱۷۹	ان اهل زمان	كمال الدين ج ۱/۳۱۹	۱۹۸	و اكثر الدعاء	المحجّده/۲۲۶
۱۸۰	افضل العبادہ	بخارج ۵۲/۱۲۵	۱۹۹	اللّٰهُمَّ اِنْتَ	بخارج ۱۰۲/۱۰۴
۱۸۱	المهدي منا	تاريخ البخاري ج ۱/۳۱۷	۲۰۰	هل من جزوع	بخارج ۱۰۲/۱۰۴
۱۸۲	انما مثله	بخارج ۳۶/۳۹۰	۲۰۱	اين قاصم	بخارج ۱۰۲/۱۰۴
۱۸۳	متى لننفع	بخارج ۱۰۲/۱۰۴	۲۰۲	يا مولاي	بخارج ۱۰۲/۸۱
۱۸۴	انتظار الفرج	بخارج ۵۲/۱۳۰	۲۰۳	السلام عليك يا	بخارج ۱۰۲/۸۱
۱۸۵	اين المؤمل	بخارج ۱۰۲/۱۰۴	۲۰۴	القائم منا	كمال الدين/۳۰۲
۱۸۶	ان صاحب	منتخب الاثر/۳۰۰	۲۰۵	اذا قام القائم	منتخب الاثر/۲۹۳
۱۸۷	افضل اعمال	منتخب الاثر/۴۹۶	۲۰۶	اما ان له	م الامام المهدي/۱۲۸۸
۱۸۸	الفقهاء قوم	بخارج ۵۲/۳۶۸	۲۰۷	و اتمم نعمتك	بخارج ۱۰۲/۱۰۴
۱۸۹	و ان الله تبارك	كفاية الاثر/۲۷۶	۲۰۸	اشهد ان	بخارج ۱۰۲/۱۱۶
۱۹۰	اللّٰهُمَّ انجز	كفاية الاثر/۲۸۹	۲۰۹	ولا تحير	بخارج ۱۰۲/۱۱۶
۱۹۱	الا انه الباقي	بخارج ۲۷/۲۰۴	۲۱۰	السلام عليك يا	بخارج ۱۰۲/۱۱۶
۱۹۲	متى يخرج	فرائد السمطين ج ۲/۳۳۷	۲۱۱	بأبي انت	بخارج ۱۰۲/۱۰۴
۱۹۳	فلا اقسم	قرآن التكويد ۱۶/۱۵	۲۱۲	واعلم ان	كلمة الامام المهدي/۴۸۳
۱۹۴	امام يخنس	المحجّده/۲۴۵	۲۱۲	واعلم ان	كلمة الامام المهدي/۴۸۳
۱۹۵	والذين يصدّقون	قرآن معارج/۲۶	۲۱۳	طوبى لشيعه	كمال الدين/۳۵۷
۱۹۶	بخروج القائم	المحجّده/۲۳۵	۲۱۴	الا انه بسم	بخارج ۲۷/۲۰۴
۱۹۷	و اما ظهور	المحجّده/۲۲۱	۲۱۵	الا انه قاتل	بخارج ۲۷/۲۰۴

ردیف	آغاز حديث	مدرك	ردیف	آغاز حديث	مدرك
۲۱۶	يُخرج رجل	م الامام المهدي/ ۲۵۳	۲۳۳	واقبل الينا	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۲۱۷	يُخرج الناس	سنن مصطفى ج ۵۱۹/۹	۲۳۴	ولا تنسنا	كلمة الامام المهدي/ ۳۳۴
۲۱۸	هدي للمتقين	قرآن بقره ۲ و ۳	۲۳۵	و بظهر	م الامام المهدي ح ۲۶۰
۲۱۹	من اقر	كمال الدين ج ۱۷/۱	۲۳۶	ستخلوا	بحارج ۲۱۳/۶۰
۲۲۰	و ليعلم	كلمة الامام المهدي ۲۰۷	۲۳۷	تربة قوم	بحارج ۲۱۸/۶۰
۲۲۱	و اما الحوادث	كلمة الامام المهدي ۲۲۲	۲۳۸	رجل من اهل	بحارج ۲۱۶/۶۰
۲۲۲	ولا تميلوا	كلمة الامام المهدي ۲۳۷	۲۳۹	ان الله... احب	بحارج ۲۱۳/۶۰
۲۲۳	انا غير مهلمين	كلمة الامام المهدي ۱۴۳	۲۴۰	واجعل ارزاقنا	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۲۲۴	فليعمل	كلمة الامام المهدي ۱۴۵	۲۴۱	اشهد... اذك خازن	بحارج ۱۱۶/۱۰۲
۲۲۵	فانا نحبط	كلمة الامام المهدي ۱۴۲	۲۴۲	اللهم و نحن	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۲۲۶	والعاقبة	كلمة الامام المهدي ۱۵۱	۲۴۳	يا مولاي شني	بحارج ۸۱/۱۰۲
۲۲۷	ولو ان	كلمة الامام المهدي ۱۵۱	۲۴۴	السلام عليك حين	بحارج ۸۱/۱۰۲
۲۲۸	وصل اللهم	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۲۴۵	بنفسى انت	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۲۲۹	واجعلنا	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۲۴۶	يا مولاي	بحارج ۸۱/۱۰۲
۲۳۰	واعنا على	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۲۴۷	السلام عليك حين	بحارج ۸۱/۱۰۲
۲۳۱	وامنن علينا	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۲۴۸	اشهدك	بحارج ۸۱/۱۰۲
۲۳۲	وهب لنا	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۲۴۹	السلام عليك	بحارج ۸۱/۱۰۲

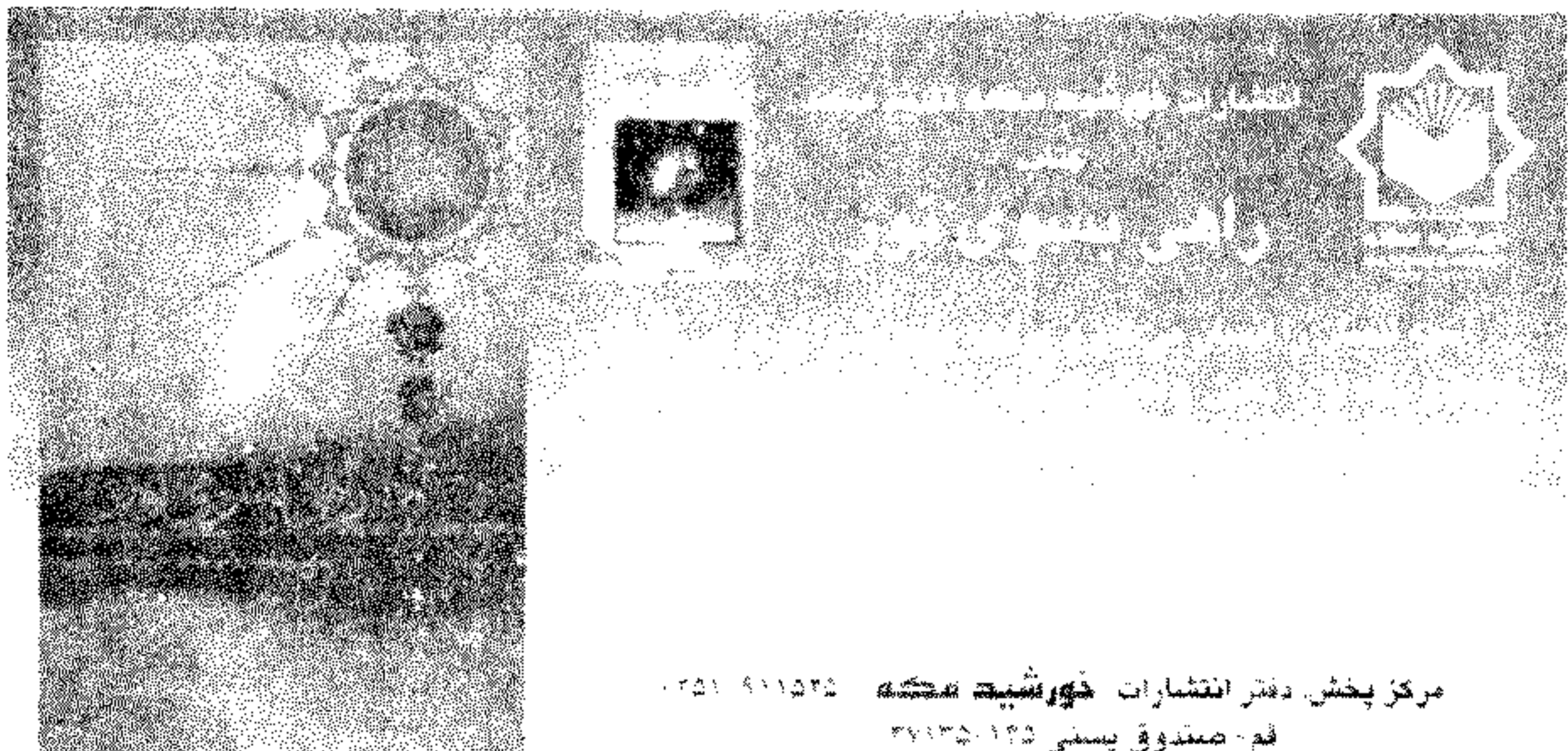
ردیف	آغاز حدیث	مدرك	ردیف	آغاز حدیث	مدرك
۲۵۰	السلام على الحق	بخارج ج ۱۰۱/۱۰۲	۲۶۷	فاصبر	اثبات الهداء ج ۵۶۴/۳
۲۵۱	خلفته لنا	بخارج ج ۱۰۴/۱۰۲	۲۶۸	بني ترانا	بخارج ج ۱۰۴/۱۰۲
۲۵۲	لو ادركته	النعمانی/ ۲۴۵	۲۶۹	السلام عليك يا	بخارج ج ۱۱۶/۱۰۲
۲۵۳	يا علي	مناقب ابن شهرج ۱/ ۲۹۲	۲۷۰	و اشهد انك	بخارج ج ۸۱/۱۰۲
۲۵۴	ناوى اليه	م الامام المهدي ج ۱۳۰	۲۷۱	يخرج رجل	احقاق الحق ج ۱۳۹/۱۳
۲۵۵	امرانا	بخارج ج ۱۰۴/۱۰۲	۲۷۲	اذا قام القائم	كشف الغمة ج ۴۶۵/۲
۲۵۶	و جعلته	بخارج ج ۱۰۴/۱۰۲	۲۷۳	ابن المتخير	بخارج ج ۱۰۴/۱۰۲
۲۵۷	ابن المتخير	بخارج ج ۱۰۴/۱۰۲	۲۷۴	ان الصابر	عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ۶۸
۲۵۸	لو قام قائمنا	احقاق الحق ج ۳۵۷/۱۳	۲۷۵	انتظار الفرج	بخارج ج ۱۴۵/۵۲
۲۵۹	ان دولتنا	بخارج ج ۳۳۹/۵۲	۲۷۶	طوبى لصابرين	تفسير برهان ج ۱۴۶/۳
۲۶۰	القائم هو	عيون اخبار الرضا/ ۵۸	۲۷۷	العارف منكم	بخارج ج ۳۸/۲۴
۲۶۱	ما زال	العباسي ج ۱۹۹/۱	۲۷۸	افضل اعمال	كمال الدين ج ۳۷۷/۲
۲۶۲	و قل جاء	قرآن اسراء/ ۸۱	۲۷۹	ما احسن	منتخب الاثر/ ۴۹۶
۲۶۳	اذا قام القائم	الكافي ج ۲۸۷/۸	۲۸۰	ما ضر	منتخب الاثر/ ۴۹۸
۲۶۴	الذين ان	قرآن حج/ ۴۱	۲۸۱	يأتى على الناس	اثبات الهداء ج ۴۶۹/۳
۲۶۵	هذه لال محمد عليه السلام	تفسير القمي ج ۸۷/۲	۲۸۲	طوبى لمن	اثبات الهداء ج ۴۵۷/۳
۲۶۶	القائم هو الذي	بخارج ج ۳۲۲/۵۲	۲۸۳	و اما اموالكم	كلمة الامام المهدي

ردیف	آغاز حدیث	مدرك	ردیف	آغاز حدیث	مدرك
۲۸۴	بنفسی انت	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۳۰۱	یتنعم امتی	بحارج ۸۳/۵۱
۲۸۵	یا مولای... و نصرتی	بحارج ۸۱/۱۰۲	۳۰۲	اذا قام قائمنا	بحارج ۳۱۶/۵۲
۲۸۶	من ثبت	کشف الغمہ ج ۵۱۲/۲	۳۰۳	کأنتی انظر	بحارج ۲۶۴/۵۲
۲۸۷	طوبی لمن	منتخب الاثر ۵۱۱	۳۰۴	کأنتی بشیعة علی	غیبة نعمانی ۳۱۸
۲۸۸	فلایبث	ینایع المودة ۴۲۷	۳۰۵	یظهر الله	موسوعة الامام... ۷۸۰
۲۸۹	انّ الثابتین	احقاق الحق ج ۵۵/۱۳	۳۰۶	فلایبقی	کمال الدین ج ۳۳۱/۱
۲۹۰	فما یحبسنا	کلمة الامام المهدي ۱۵۱	۳۰۷	ولا غارما	بحارج ۲۲۴/۵۲
۲۹۱	و اورد علی	کلمة الامام المهدي ۳۲۲	۳۰۸	ولینزعن	بحارج ۱۲۰/۵۱
۲۹۲	واعلموا انّ المنتظر	بحارج ۲۳۵/۲	۳۰۹	و تؤنون الحکمة	غیبة نعمانی ۲۳۹
۲۹۳	من آمن بنا	بحارج ۱۳۸/۲۷	۳۱۰	و عندها ینلأ	کلمة الامام المهدي ۴۸۶
۲۹۴	من سره	بحارج ۱۴۰/۵۲	۳۱۱	تهتربک	کلمة الامام المهدي ۴۸۷
۲۹۵	قال لو انّ	قرآن هود ۸۰	۳۱۲	واما الائمہ	کلمة الامام المهدي ۵۱۴
۲۹۶	قوة القائم	المحجّج ۱۰۶	۳۱۳	فبهم ملات	کلمة الامام المهدي ۲۶۰
۲۹۷	متی ننتفع	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۳۱۴	و نحن صنائع	کلمة الامام المهدي ۲۳۵
۲۹۸	اذا قام القائم	بحارج ۳۳۹/۵۲	۳۱۵	بل قلوبنا	کلمة الامام المهدي ۱۹۲
۲۹۹	اذا قام قائمنا	بحارج ۳۲۸/۵۲	۳۱۶	الحمد لله الذي	کلمة الامام المهدي ۴۷۴
۳۰۰	طوبی لمن	بحارج ۸۳/۵۱	۳۱۷	السلام عليك یا	بحارج ۸۱/۱۰۲

ردیف	آغاز حدیث	مدرك	ردیف	آغاز حدیث	مدرك
۳۱۸	این باب الله	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۳۳۵	و نعمة الارض	ینابیع الموده/۴۶۷
۳۱۹	و كان بعده	بحارج ۱۰۴/۱۰۲	۳۳۶	یطهر الله	فرائد السمطين ج ۲/۳۳۷
۳۲۰	اما والله	بحارج ۳۶۲/۵۲	۳۳۷	انه اذا خرج	احقاق الحق ج ۱۳/۳۳۲
۳۲۱	النعمة الظاهرة	كمال الدين ج ۲/۳۶۸	۳۳۸	بأبى انت و امى	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۳۲۲	منا المهدي	منتخب الاثر/۲۷۰	۳۳۹	این الشموس	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۳۲۳	المهدي رجل	احقاق الحق ج ۱۳/۱۸	۳۴۰	بأبى انت	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۳۲۴	ما من معجزة	منتخب الاثر/۳۱۳	۳۴۱	السلام عليك يا	بحارج ۸۱/۱۰۲
۳۲۵	والذي بعثنى	ینابیع الموده/۴۹۴	۳۴۲	السلام عليك يا	بحارج ۸۱/۱۰۲
۳۲۶	القائم منا	بحارج ۱۹۱/۵۲	۳۴۳	السلام عليك في	بحارج ۸۱/۱۰۲
۳۲۷	الم ذلك الكتاب	قرآن بقره/۳ - ۱	۳۴۴	و اما وجه	كلمة الامام المهدي/۲۲۵
۳۲۸	المتقون شيعة على	المحججه/۹۷	۳۴۵	السلام عليك يا	بحارج ۲۱۵/۱۰۲
۳۲۹	و اشرفت الارض	قرآن زمر/۶۹	۳۴۶	السلام عليك يا نالي	بحارج ۸۱/۱۰۲
۳۳۰	رب الارض	المحججه/۱۸۴	۳۴۷	و لما قضى	بحارج ۱۰۴/۱۰۲
۳۳۱	واعلموا ان الله	قرآن حديد/۱۷	۳۴۸	يأتى على الناس	م الامام المهدي ح ۲۳
۳۳۲	يحييها الله	احقاق الحق ج ۱۳/۳۳۶	۳۴۹	بعثت بين	م الامام المهدي ح ۲۱
۳۳۳	يهدي الله	قرآن نور/۳۵	۳۵۰	ثم تكون فتنه	م الامام المهدي ح ۴۵
۳۳۴	القائم المهدي	المحججه/۱۴۷	۳۵۱	لتملان الارض	احقاق الحق ج ۱۳/۱۵۴

ردیف	آغاز حديث	مدرك	ردیف	آغاز حديث	مدرك
۳۵۲	يَا أَيُّهَا عَلَى النَّاسِ	منتخب الاثر/ ۴۳۸	۳۶۹	و تَفْضَلْ	كلمة الامام المهدي/ ۳۰۹
۳۵۳	المهدي من ولدي	منتخب الاثر/ ۲۴۹	۳۷۰	العارف منكم	مجمع البيان ج ۱/ ۵۰۴
۳۵۴	و رأيت الصلوة	بحارج ۲۶۰/ ۵۲	۳۷۱	انتظار الفرج	بحارج ۱۲۲/ ۵۲
۳۵۵	ليست هممتهم	مكارم الاخلاق/ ۵۲۶	۳۷۲	انا غير مهملين	احتجاج ج ۲/ ۲۲۳
۳۵۶	والحق معنا	كلمة الامام المهدي ۲۳۲	۳۷۳	فليتوقعوا	كمال الدين ج ۲/ ۳۲۹
۳۵۷	ابن قاطع	بحارج ۱۰۴/ ۱۰۲	۳۷۴	اذا غاب صاحبكم	كمال الدين ج ۲/ ۳۸۰
۳۵۸	و قد ملأت الارض	بحارج ۱۰۴/ ۱۰۲	۳۷۵	انتظار الفرج	كمال الدين ج ۱/ ۳۲۰
۳۵۹	و اتمم نعمتك	بحارج ۱۰۴/ ۱۰۲	۳۷۶	انتظروا الفرج	بحارج ۱۲۳/ ۵۲
۳۶۰	من مات منتظرا	كمال الدين ج ۲/ ۳۳۸	۳۷۷	اعرف امامك	كافي ج ۱/ ۳۷۱
۳۶۱	افضل عبادة	بحارج ۱۳۱/ ۵۲	۳۷۸	اذا ظهرت	كافي ج ۱/ ۵۴
۳۶۲	سيأتي قوم	بحارج ۱۳۰/ ۵۲	۳۷۹	اوليس تعلم	بحارج ۱۲۸/ ۵۲
۳۶۳	يا علي واعلم	م الامام المهدي ج ۲۸	۳۸۰	من ثبت	كشف الغم ج ۲/ ۵۲۲
۳۶۴	واجعلنا ممن	مفاتيح دعاي زمان غيب	۳۸۱	اللهم ارزقنا	كلمة الامام المهدي/ ۳۰۹
۳۶۵	هل يتصل	بحارج ۱۰۴/ ۱۰۲	۳۸۲	اللهم... طهر	كلمة الامام المهدي/ ۳۰۹
۳۶۶	واجعلني اللهم	بحارج ۸۱/ ۱۰۲	۳۸۳	اللهم... والملا	كلمة الامام المهدي/ ۳۰۹
۳۶۷	و اعنا	بحارج ۱۰۴/ ۱۰۲			
۳۶۸	الفائل منكم	بحارج ۱۲۶/ ۵۲			

دیگر آثار





انتشارات فرهنگ نشر اسلام

کتاب

یک در خواست

خودنه کنهاتک در خواست از جمله بشری و از بکایت انسانها دارد که
 به خیرات و شکر شکر این زمان را بکایت کند
 کتاب یک در خواست بهار می کند که چگونه بهار بشری بهار فردی
 است که بهر معنی و شکر از خودی باشد تنها "یک در خواست"

مرکز بخش دفتر انتشارات **خورشید مکه** ۰۲۵۱-۹۱۱۵۲۵
 قم صندوق پستی ۳۷۱۳۵-۱۴۵



انتشارات فرهنگ نشر اسلام

کتاب

دراوج تنهایی

این کتاب سوز دلی است در خواسته از سینه های پر درد که در عراق
 اسام زمان عید اسلام می گریزند و او را صدا میزنند این کتاب تکلیف
 است به دل های خفته که امام زمان خود را فراموش نموده و به زندگی مادی
 سرگرد شده اند این کتاب بهار می کند چگونه امام عصر ارواحنا فدای در
 جهان ستمن امروز در اوج تنهایی بسر میبرند

مرکز بخش دفتر انتشارات **خورشید مکه** ۰۲۵۱-۹۱۱۵۲۵
 قم صندوق پستی ۳۷۱۳۵-۱۴۵